

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این‌ها (کارهای پژوهشی دفاع مقدس و ادبیات انقلاب اسلامی و کتاب‌های خاطرات جنگ) باید برود جزو کارهای پژوهشی دانشجویها قرار بگیرد؛ در این زمینه باید پایان‌نامه‌های فراوان نوشته شود؛ در کارگاه‌های تحقیقاتی و علمی وارد شود؛ در کتاب‌های درسی دانشگاه‌ها وارد شود؛ برای اینها واحدهای درسی قرار داده شود؛ این‌ها حتماً لازم است؛ بروید سراغ این که یک بخشی از این دانشگاه را منحصر کنید در همین رشته‌های مربوط به ادبیات مقاومت و ادبیات انقلاب.

حضرت آیت‌ا... العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

۱۳۹۲/۰۲/۲۳ - دیدار با اعضای دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری

دو فصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر

نشریه مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر

صاحب امتیاز و ناشر: مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر

دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

مدیر مسئول: سر تیپ دوم پاسدار اکبر عابدی

سر دبیر: دکتر محمدجواد سبحانی فر

معاون سردبیر: غلامرضا سلگی

مدیر اجرایی: حمید نجف زاده

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر خدایار ابراهیمی استادیار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)
دکتر هادی مراد پیری دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)
دکتر محمدجواد سبحانی فر دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)
دکتر عباسعلی سلمانی استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)
دکتر محسن رضایی میرقائد دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)
دکتر لطفعلی عابدی دانشیار دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)
دکتر علی فرهی استاد دانشگاه جامع امام حسین (ع)
دکتر محمدهادی همایون دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)
دکتر غلامعلی رشید دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی

همکاران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا)

- دکتر احمد باصری، دکتر محمدباقر بابایی، دکتر محمد کاظم بصیرتی، دکتر علی جمالی، دکتر محمدباقر حبیبی، دکتر غلامرضا حسین هاشمی دهقی، دکتر حسین حسینی، دکتر عبدالله سلطانی نژاد، حجت الاسلام حسن علی اکبری، دکتر محمدولی علیی، دکتر اسماعیل کاووسی، دکتر حجت اله مرادی، دکتر ابوالقاسم مردمی، احمد مهربان، دکتر مهدی ناظمی اردکانی، دکتر علی محمد نائینی، دکتر عباس نیل فروشان

ویراستار ادبی: محسن رادمهر

مترجم: دکتر ابوالقاسم مردمی

حروفچین و صفحه آرا: محسن هادی طحان

طراح جلد: محمدجواد بابایی

شمارگان: ۱۰۰ (نسخه چاپی) ۲۰۰ (نسخه الکترونیکی) قیمت نسخه چاپی: ۳۵۰۰۰ ریال

دفتر نشریه: تلفن: ۷۴۱۸۶۲۹۶ دورنگار: ۷۴۱۸۶۳۰۰

نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، مرکز مطالعات، تدوین و

انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر

E-mail: Defamoghadas@chmail.ir



تمام حقوق مادی و معنوی برای مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر محفوظ است.

خط‌مشی و اهداف نشریه

۱. تحقیق و ترویج مبانی، اصول، ارزش‌ها، نمادها و هنجارهای فرهنگ دفاع مقدس و نبردهای معاصر
۲. آسیب‌شناسی تفکر، اندیشه‌ها، جریان‌ها و ابعاد تحریف حقایق و فرهنگ دفاع مقدس و نبردهای معاصر و ارائه راهکارها

محورهای موضوعی نشریه

- تولید دانش در زمینه فرهنگ دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- نظریه‌پردازی در حوزه دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- آسیب‌شناسی در حوزه دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- راهکارهای مقابله با تحریف فرهنگ دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- بررسی نقش رسانه‌ها در دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- بررسی نقش فضای مجازی در دفاع مقدس و نبردهای معاصر
- عرضه شیوه‌ها، روش‌ها، نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها در زمینه‌های تخصصی موردنظر
- ارتقای سطح دانش علمی در حوزه دفاع مقدس و نبردهای معاصر

شرایط پذیرش و راهنمای تدوین مقاله

۱. مقاله باید پژوهشی، و حاصل تحقیق نویسنده در زمینه دفاع مقدس و نبردهای معاصر باشد.
۲. مقاله‌های ارسالی به نشریه، نباید پیش از این در هیچ‌یک از نشریه‌های داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۳. مقاله‌ها پس از پذیرش اولیه در هیأت تحریریه به منظور ارزیابی برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر و کارشناس فرستاده خواهد شد و پذیرش نهایی بر اساس نظر داوران و موافقت هیئت تحریریه خواهد بود.
۴. مسئولیت علمی مقاله بر عهده نویسنده است و دیدگاه‌های نویسندگان مقالات، لزوماً دیدگاه نشریه نیست.
۵. مقاله باید حداکثر در ۱۲ صفحه A4 (حدود ۲۲ صفحه قطع نشریه) و در قالب Word و با قلم ۱۲ Bzar تایپ شود و به دو شکل الکترونیکی و چاپی برای دفتر نشریه فرستاد شود.
۶. نشریه از مقاله‌های تحقیقی و تحلیلی اصیل استقبال می‌کند که در آن مطلب یا نظریه‌ای تخصصی دارای نوآوری، نکات علمی نوین و غیر اقتباسی ارائه، و به ویژه از مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه‌ها که طی آن نظری بدیع مطرح شده باشد، مجله از چاپ مقاله‌های مبتنی بر گردآوری یا ترجمه معذور است.
۷. **برگه رویه (عنوان)** که در آن فقط اطلاعات شناسنامه‌ای تحقیق از جمله، عنوان، نام نویسنده یا نویسندگان، عنوان شغلی یا علمی، زمان نگارش، نشانی کامل فرد یا مؤسسه یا مؤسسات متبوع،
- پست الکترونیکی (ایمیل) و شماره تلفن درج می‌شود.
۸. **چکیده:** خلاصه‌ای دقیق از مقاله است که در یک صفحه جدا و در قالب و قلم متفاوت از متن نوشته می‌شود و در آن باید درستی و دقت، استقلال، ایجاز و صراحت، غیرقضاوتی بودن و روانی و انسجام رعایت شود.
۹. **مقدمه:** بخش اصلی مقاله با مقدمه آغاز می‌شود که در ضمن آن، مسئله تحقیق (سؤال‌ها، فرضیه‌ها، اهداف) و پیشینه علمی پژوهش بیان می‌شود.
۱۰. **روش تحقیق:** پس از مقدمه می‌آید و محقق جزئیات شیوه اجرای پژوهش را توصیف می‌کند. در این بخش همکاران پژوهش و مراحل پژوهش (جامعه آماری، نمونه‌گیری، حجم نمونه و...) بیان می‌شود.
۱۱. **بدنه نوشتار (بحث و تحلیل):** این بخش بدنه اصلی و ستون فقرات نوشتار را تشکیل می‌دهد. داده‌ها و تحلیل‌ها باید بر اساس نظم و در چارچوب روشی منظم و بر اساس طرح کلی مقاله پیش برود.
۱۲. **نتیجه‌گیری و پیشنهاد:** نویسنده در بخش پایانی مقاله باید نتایج را بیان، و مطالب را چنان جمع‌بندی کند که خواننده احساس کند به پایان مقاله رسیده و از بحث و بررسی‌ها به نتیجه‌ای دست یافته است؛ هم‌چنین پیشنهادها بعدی و چشم‌انداز آینده و مسائل باقیمانده درباره موضوع در بخش نتیجه‌گیری مطرح می‌شود. این بخش یک پاراگراف تا یک صفحه باشد.

فهرست

دو فصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

* سخن سردبیر (نه)

* مطالعه و تحلیل میزان توجه به مفاهیم دفاع مقدس در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (مقطع دوم متوسطه) ۱

.....دکتر محمدرضا رشیدی آل هاشم، یاسر فیض‌اللهی

* اصل ضرورت نظامی و بررسی بکارگیری وسایل و روش‌های منع شده در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران ۳۹

.....علیرضا نوروزی، حسام دیدگاه

* نقش متغیرهای جغرافیایی ایران و عراق در جنگ تحمیلی ۸۹

.....هادی کیخانی راد، دکتر حسن محقق، بهروز بزی

* بررسی میزان کاربرد سلاح‌های شیمیایی حزب بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران ۱۱۹

.....عابد اسکندری

* عوامل و زمینه‌های مؤثر در پیروزی عملیات بیت‌المقدس (کربلای ۳) ۱۶۷

.....رضا شاهقلیان قهفرخی

* بررسی تأثیر بکارگیری جنگ ناهمپراز در مقابله با تهدیدات از منظر سردار سرلشکر پاسدار شهید حسین همدانی ۲۰۱

.....حسین غلامی

* ترجمه چکیده مقاله‌ها به انگلیسی 1- 6

.....دکتر ابوالقاسم مردمی

سخن سردبیر

دفاع مقدس پدیده‌ای شگرف و **گنجی تمام نشدنی** است که به حق آن را باید در ردیف **ایام‌الله**^۱ به شمار آورد و تمام تلاش و مساعی را به کار بست که نه تنها به دست فراموشی سپرده نشود، بلکه باید این فرهنگ غنی را در تار و پود لایه‌های گوناگون اجتماع وارد نمود و در جهت غنی‌سازی سایر مقوله‌های اجتماعی از آن بهره گرفت. فرهنگ غنی این پدیده بی‌بدیل، در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی در بین آحاد مردم و مسئولین کشور به نحو معجزه‌آسایی شکل گرفت و علیرغم تحریم‌های همه‌جانبه و فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه کشور و حمایت‌ها و پشتیبانی‌های بی‌سابقه نظام سلطه به رهبری شیطان بزرگ آمریکا در همه ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی از صدام، نظام نوپای جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه توانست تمام سرزمین‌های اشغال شده را از اشغال متجاوز بازپس بگیرد و دشمن را با خفت و خواری از سرزمین خود بیرون براند، همچنین توانست حقانیت، مظلومیت و اقتدار خود را نیز در این جنگ تحمیلی به همه دنیا نشان داده و نمایشگاهی عظیم و بی‌نظیر از مقاومت، ایثار و همدلی را در تاریخ معاصر و در جلو دیدگان همگان قرار دهد.

براین اساس، تجربه دفاع برای کشورمان، پیامدهای فرهنگی ویژه‌ای داشته است. در قاموس فرهنگ دفاع مقدس، مقاومت، صبر، مبارزه و دفاع از کیان اسلامی، که در روحیه ایثارگری و شهادت‌طلبی خلاصه می‌شود، تأثیرات شگرفی بر حفظ و بالندگی جامعه داشته است، به نحوی که فرهنگ دفاع مقدس که از اندیشه‌های والای اهل بیت (ع) و تفکر ناب و زلال امام خمینی (ره) نشأت گرفته بود در دهه اول انقلاب اسلامی قلوب میلیون‌ها ایرانی را تسخیر کرد و تحول عظیمی را در جامعه اسلامی رقم زد که در گذشته مانند آن اتفاق نیفتاده بود.

حال پس از گذشت سه دهه از دوران دفاع مقدس با یک نگاه به نحوه و میزان بهره‌گیری ما از ظرفیت عظیم آن دوران، به نظر می‌آید که کمترین استفاده در لایه‌های گوناگون اجتماع شده است، به نحوی که انگار تاریخ مصرف آن فرهنگ غنی به پایان رسیده است. در این زمینه با نگاهی هرچند اجمالی به سیر بیانات مقام معظم رهبری در دهه‌های گذشته به‌ویژه سال‌های اخیر

^۱ این تعبیر از دفاع مقدس را مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور به تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ به کار بردند.

به این حقیقت تلخ می‌رسیم که بخش عظیمی از این ثروت و گنج بی‌پایان، بلااستفاده مانده و یا مورد غفلت قرار گرفته است. همانگونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «مسئله دفاع مقدس و آنچه در این دوران بروز کرد، یک مسئله عادی نیست؛ برای همه ملت‌ها این‌طور است؛ در مورد ملت ما به دلایل گوناگون بیشتر از دیگران است»^۱ و نیز اگر بناست که: «آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه کند»^۲، در اینصورت: «قضایای دوره دفاع مقدس را بایستی مستند کرد، تبیین کرد، مستدل کرد تا براساس اینها آثار هنری به‌وجود بیاید»^۳؛ و نیز به باور ایشان که فرموده‌اند: «اعتقاد من این است که ما هرچه برای دوره دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست؛ چون ظرفیت هنری و ادبی کشور برای تبیین این دوره، خیلی گسترده، وسیع و عمیق است و از این ظرفیت تاکنون استفاده خوب و درخوری نشده. البته کتابهای خوبی نوشته شده، لیکن این رشته باید استمرار پیدا کند»^۴. بدین ترتیب، به این نیاز مبرم امروز می‌رسیم که با استفاده حداکثری از این فرهنگ، باید بتوانیم آن را فرهنگ غالب و جاری در همه امور نماییم و به این مهم دست نخواهیم یافت مگر اینکه ارزش این گنج را شناخته و هنرمندان آن را استخراج نماییم، همانگونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «می‌خواهم بگویم که این یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم، یا نه؟ این هنر ماست که بتوانیم استخراج کنیم»^۵.

در مقابل اما، بیش از یک قرن از زمان جنگ جهانی اول و چیزی کمتر از یک قرن از جنگ جهانی دوم^۶ گذشته و علی‌الظاهر این دو جنگ جهانی به موزه تاریخ سپرده شده است، اما هر روزه از سوی غربیها که خود آغازگر و پایان دهنده این دو جنگ جهانی بوده‌اند، شاهد خلق آثار فراوان در حوزه‌های فرهنگی - هنری به‌ویژه در صنعت سینما هستیم، کأنه، غربی‌ها این دو جنگ بزرگ و گسترده در سطح جهانی را به راه انداخته‌اند تا تمدن ماشینی غرب قرن‌ها از آن ارتزاق نموده و دنیا را محسور کرده با خود همراه نماید.

^۱ بیانات در دیدار جمعی از شرع‌آئینی، ۱۳۹۰/۰۳/۲۵

^۲ بیانات در دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت، ۱۳۷۰/۰۴/۲۵

^۳ بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۸۴/۰۶/۳۱

^۴ همان.

^۵ بیانات در دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت، ۱۳۷۰/۰۴/۲۵

^۶ حدود هفتاد و پنج سال.

غریبها ده‌ها سال است که خشونت‌ها و کشتار نازیها در این دو جنگ را دستمایه ساخت فیلم‌های هالیوودی خود قرار داده‌اند و معمولاً یک آمریکایی شریف، اصیل و مبارز را به‌عنوان نجات‌دهنده و مشکل‌گشای گروهی دیگر (افراد سایر کشورها) وارد گود می‌کنند و پایان خوشی به ماجرا می‌دهند. از طرف دیگر آدم‌های بد و شرور فیلم نیز معمولاً از کشورهای چین، ژاپن، هند و کشورهای شرقی، به‌ویژه اعراب و مسلمانان کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا هستند که همواره پلیدترین اعمال غیرانسانی را مرتکب می‌شوند و چنان استادانه این پلیدی و پلشتی را به مخاطب انتقال می‌دهند که اگر بیننده از گذشته آنان بی‌خبر باشد و نداند که این کشورها در این دو جنگ چه جنایت‌هایی را انجام داده‌اند و یا در گوشه گوشه عالم چه کشتارهایی نظیر جنگ ویتنام، جنگ کره، کشتار مردم الجزایر، اشغال سرزمین فلسطین و کشتار و جنایت بیش از هفت دهه از مردمان و ساکنان اصلی آن سرزمین و نیز کشتار مردم یمن و نظایر آن را به راه انداخته‌اند و یا اگر مخاطب فاقد قدرت تحلیل باشد به راحتی با نیت و اغراض شوم آنان همراه می‌شود و آنان به اهداف پلید خود دست می‌یابند.

و اما وظیفه امروز ما، چه در سطح سازمانی و اجرایی و چه فردی همانند نظریه‌پردازی یا انجام کارهای تحقیقی، برآورده نمودن انتظارات و مطالبات رهبر فرزانه انقلاب است. انتظارات و مطالباتی که از عمقی راهبردی برخوردار بوده و به واقع بسترساز برای ورود به تمدن نوین ایرانی - اسلامی خواهد بود. همانگونه که مقام معظم رهبری از فرهنگ دفاع مقدس به عنوان **"گنج استخراج نشده"** و **"گنجی تمام نشدنی"**، یاد نموده‌اند، به نحوی که نه تنها براحتی و آسان به دست نیامده که بهای سنگینی از سرمایه‌های عظیم انسانی و مادی این ملت در پای آن نثار شده است؛ لذا فرهنگ ناب و ارزشمند دوران دفاع مقدس ذخائر بی‌نظیری است که به عنوان عوامل تأثیرگذار بر بالندگی و توسعه در جامعه باید مورد توجه قرار گیرد. برای رسیدن به این هدف، لازم است که همه ارکان و دلسوزان نظام به‌صورت جدی و مستمر، مدلی به نام **"چرخه حیات فرهنگ دفاع مقدس"** را در دستور کار خود قرار دهند تا این فرهنگ ناب به فرهنگ جاری کشور تبدیل شود، این مدل را می‌توان به ۷ دسته کلی دسته‌بندی نمود:

- ۱- شناخت نسبت به دارایی و ثروت خود، یعنی باور به ثروت بودن آنچه که اکنون از دفاع مقدس در نزد ماست.
 - ۲- عزیز و محترم شمردن این دارایی و ثروت عظیم.
 - ۳- محافظت از این دستاوردها و دارایی‌های شگرف در قالب راه‌اندازی پایگاه اطلاعاتی یکپارچه و گسترده به صورت سیستم متمرکز توزیعی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی.
 - ۴- میل و انگیزه به افزایش و تکثیر دارایی و ثروت موجود.
 - ۵- تولید و بازتولید ثروت موجود از طریق تزریق آن در همه بخش‌های دیگر اجتماع و با بهره‌گیری از دانش، هنر و فناوریهای نوین.
 - ۶- آسیب‌شناسی، پالایش و اصلاح مستمر کاستی‌ها و تقویت نقاط قوت و نیز تبدیل تهدیدات به فرصت‌های گرانبها.
 - ۷- ترویج و انتشار این ثروت گرانبها برای نسل فعلی و انتقال به نسل‌های بعدی.
- بنابراین در مقطع کنونی، لازم است همه مسئولان و زمامداران حکومت، نخبگان حوزه علم و فرهنگ و نویسندگانی که توان قلم زدن در حیطه دفاع مقدس را دارند و بار سنگین شناخت، حفظ، پالایش، تولید و ترویج و انتقال فرهنگ دفاع مقدس به آیندگان بر دوش آنان است، دلسوزانه تمام همت خود را به کار بندند که بیش از پیش این معدن عظیم و تمام نشدنی را مورد کاوش قرار داده، گنج‌های پنهان آن را استخراج نموده، جلا داده و در قالب‌های گوناگونی ارائه دهند تا در اختیار سایر نخبگان جامعه و آحاد مردم قرار گیرد، باشد که نسل امروز و نسل‌های آینده از این سرچشمه زلال حقیقت سیراب گردند، انشاءالله.

مطالعه و تحلیل میزان توجه به مفاهیم دفاع مقدس در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (مقطع دوم متوسطه)

محمدرضا رشیدی آل هاشم^۱، یاسر فیض‌اللهی^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۰۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل کمی میزان توجه به مفاهیم و ارزش‌های دفاع مقدس در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی مقطع دوم متوسطه (دیرستان) در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کتاب‌های رشته علوم انسانی است. روش پژوهش تحلیل محتوای کمی است.

نتایج پژوهش نشان داد که بیشترین مطلب در خصوص موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های استان شناسی (۳۱ استان) آمده است. پس از آن در کتاب آمادگی دفاعی مطالب بیشتری در خصوص دفاع مقدس آورده شده است. پس از آن نیز در کتاب‌های فارسی و ادبیات فارسی بیش از سایر کتاب‌ها به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن پرداخته شده است. در کتاب‌های فلسفه، منطق، تعلیمات ادیان الهی و اخلاق ویژه اقلیت‌های دینی، ریاضی و آمار، انسان و محیط زیست و کارگاه کارآفرینی و تولید نیز هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع دفاع مقدس نشده است. در پایان نیز پیشنهادهایی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل محتوای کمی، کتاب‌های درسی، دفاع مقدس، رشته علوم انسانی

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام.

۲- دانشجوی دکتری رشته علم اطلاعات و دانش شناسی (گرایش مدیریت اطلاعات و دانش) دانشگاه تهران

yaser.faizolahy@gmail.com

مقدمه

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، یا به عبارت صحیح‌تر، جنگ تمام جبهه‌ی کفر و نفاق علیه ملت ایران، در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ آغاز گردید و پس از هشت سال فراز و نشیب در تیرماه سال ۱۳۶۷ به پایان رسید. این معرفی ظاهری و شناسنامه‌ای این جنگ نابرابر است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص می‌فرمایند: «این حادثه‌ی جنگ، واقعاً حادثه‌ی عجیبی بود... ما تا آنجا که می‌توانیم، باید آثار جنگ را کشف و حفظ کنیم... تاریخ نمی‌تواند این‌ها را بیان کند. در تاریخ خواهند گفت هشت سال جنگ شد. دیگر بیشتر از این که نمی‌شود بگویند - عملیات‌ها را یکی یکی خواهند گفت؛ در فلان تاریخ، عملیات فتح‌المبین شد؛ در فلان تاریخ؛ فلان عملیات شد؛ این قدر نیرو شرکت داشت؛ پیروزی به دست آمد، اما این‌ها کجا و حقیقت آنچه که در این میدان‌ها گذشته، کجا؟». (خامنه‌ای، علی، ۱۳۷۰) ملت ایران در دفاع از مملکت خود سختی‌های بسیار زیادی متحمل شدند، از جمله: شهادت هزاران نفر از مردان و زنان، خراب شدن بخش وسیعی از شهرهای کشورمان، آواره شدن تعدادی زیادی از مردم، تحمیل خسارت‌های مادی فراوان و ...

در طی سال‌های پس از دفاع مقدس کوشش‌های بسیاری صورت گرفته است تا مفاهیم و ارزش‌های والای شکل گرفته در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به نسل‌های بعدی منتقل شود، کتاب‌های زیادی به رشته تحریر درآمدند، فیلم‌های سینمایی مختلفی ساخته شدند، آثار هنری گوناگونی تولید شده و به شیوه‌های مختلف سعی شده است تا این ارزش‌ها به درستی منتقل شوند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تعبیری زیبا می‌فرمایند: «این جنگ، یک گنج است». (خامنه‌ای، علی، ۱۳۷۰) به همین خاطر، شناساندن مفاهیم و ارزش‌های دفاع مقدس به نسل‌های جدید ضرورتی انکارناپذیر است، چرا که نسل‌های جدید (مخصوصاً دانش‌آموزان) مدیران و آینده‌سازان انقلاب اسلامی هستند که با الگوگیری از تجربیات والای دفاع مقدس می‌توانند کشتی انقلاب اسلامی را به سر منزل مقصود برسانند.

یکی از مهم‌ترین قالب‌ها برای انتقال این ارزش‌ها کتاب‌های درسی می‌باشد؛ چرا که اگر مطلبی در قالب یک مقاله ارائه شده یا در کنفرانس علمی طرح گردد، شاید افراد محدودی آن‌ها را مطالعه کرده یا بشنوند، ولی اگر این مطالب در قالبی نو و جذاب مانند یک داستان، در

کتاب‌های درسی آورده شود، افراد بیشتری در سال‌هایتمادی آن‌ها را دیده و مطالعه خواهند کرد (رعنائی، ۱۳۸۷). با توجه به اهمیت والای مقوله دفاع مقدس ما در این تحقیق به بررسی میزان توجه کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (مقطع دوم متوسطه) به موضوع دفاع مقدس می‌پردازیم.

بیان مسئله

دفاع از میهن در مقابل بیگانگان همواره و در تمامی فرهنگ‌ها ارزشمند و مقدس است. جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران نیز که به زیبایی از آن با عنوان «دفاع مقدس» یاد می‌شود، در این زمره محسوب می‌شود. به همین خاطر ضروری است که ارزش‌ها و مفاهیم والای دفاع مقدس به نسل‌های بعد از جنگ به خوبی منتقل گردد. یکی از جاهایی که به واسطه ارتباط مستقیم با نسل‌های جدید می‌تواند در این میان نقش کلیدی و حیاتی ایفا نماید، آموزش و پرورش است.

در دوران دفاع مقدس، معنویتی که در جوانان به وجود آمده بود، نه از روی تظاهر و ریا بود و نه از سر پیری و ناتوانی؛ آنان در نهایت اخلاص و در عفوان جوانی و تنها به واسطه مبارزه با هوای نفسانی به این مقامات عالی رسیدند. زیبایی‌های دوران دفاع مقدس، صحنه‌های بی‌بدیلی است که شاید نمونه‌ی آن را فقط در کربلای حسینی بتوان یافت؛ که چگونه جوانان و نوجوانان کم سن و سال دبیرستانی و گاهی راهنمایی، با گریه و التماس و حتی دستکاری در شناسنامه خود، اشتیاق به حضور در جبهه‌های جنگ علیه دشمنان اسلام را نشان می‌دادند. حضور بی‌شمار بیش از ۳۹۵ هزار دانش‌آموز و دانشجوی تربیت‌معلم (که ۶۰ درصد نیروهای اعزامی به جبهه‌ها را تشکیل می‌دادند) و شهادت ۳۶۰۰ دانش‌آموز و جانباز و آزاده شدن عده‌ی کثیری از آنان در دوران دفاع مقدس، نشانگر تحولی بزرگ و روحیه معنوی و شهادت‌طلبی است که درس‌های فراوانی را برای نسل جوان و آینده‌ساز ما دارد.

متأسفانه با وجود تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری بر انتقال مفاهیم و ارزش‌های دفاع مقدس و ضرورت آشنایی هرچه بیشتر جوانان با این عرصه، به نظر می‌رسد که ارزش‌های والای دفاع مقدس رو به کمرنگ شدن می‌باشد. مدارس از جمله نهادهایی هستند که پس از خانواده بیشترین تأثیر را بر روی دانش‌آموزان دارند.

از اهداف مهم نظام آموزشی کشور انتقال ارزش‌ها و فرهنگ اصیل اسلامی ملی و تاریخی به دانش‌آموزان است که ارزش‌های دفاع مقدس در این میان از جایگاه خاصی برخوردار است. مهم است که این ارزش‌ها به‌طور عمیق و همه‌جانبه به دانش‌آموزان ارائه شود تا توسط آنان به‌گونه‌ای جامع درونی شود. به‌منظور تأمین این دیدگاه، می‌توان از محتوای کتاب‌های درسی در حد فهم دانش‌آموزان استفاده کرد (افشار، ۱۳۹۳).

حال با توجه به اهمیت والای ارزش‌های دفاع مقدس و تأثیر کتاب‌های درسی بر دانش‌آموزان؛ به‌عنوان آینده‌سازان انقلاب اسلامی، ما بر آن هستیم که میزان توجه کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (مقطع متوسطه دوم) به ارزش‌های دفاع مقدس را مورد بررسی قرار دهیم. در الگوی نظام آموزش و پرورش ایران، غالب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در چارچوب کتاب درسی صورت می‌گیرد. کتاب درسی از کارآمدترین ابزارهایی است که می‌تواند نقشی مهم در ترویج ارزش‌های دفاع مقدس داشته و زمینه‌ساز تحقق رفتارهای عملی متناسب با ترویج فرهنگ دفاع مقدس در بین کسانی باشد که انتظار می‌رود در آینده ادامه‌دهنده این ارزش‌ها باشند (صباغیان، ۱۳۸۴). واقعیت این است که خودباختگی‌های فرهنگی در دوره متوسطه و دوره‌های بالاتر از آن اتفاق افتاده است؛ بنابراین، از طریق محتوای برنامه درسی بین دانش‌آموزان و فرهنگ، باید رابطه محکم و مطمئنی به وجود آید. مواد درسی علوم انسانی، از قبیل تاریخ، زبان و ادب فارسی، هنر و جامعه‌شناسی بیش از سایر دروس با تقویت فرهنگی تناسب دارند (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۸۸). بررسی میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های درسی می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های آینده برای تألیف کتاب‌های رشته علوم انسانی مؤثر باشد. با توجه به ماهیت و اهمیت رشته علوم انسانی و نظری بودن آن و از آنجایی که بخش اعظمی از دانش‌آموزان کشورمان در این رشته در حال تحصیل هستند، در صورت عدم توجه به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌ها و مفاهیم مرتبط با آن، دانش‌آموزان با تاریخ غنی دفاع مقدس بیگانه خواهند شد. این مسئله به خودی خود، هم برای کشور ما تهدید محسوب شده و هم باعث می‌شود ارزش‌ها و الگوهای دانش‌آموزان به‌مرور زمان تغییر پیدا کند.

سؤال اصلی تحقیق

در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

سؤال‌های فرعی

- ۱- در کتاب‌های درسی انگلیسی و کتاب کار انگلیسی و عربی، زبان قرآن و عربی رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
- ۲- در کتاب‌های درسی تاریخ و تاریخ‌شناسی رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
- ۳- در کتاب‌های درسی دین و زندگی و معارف اسلامی رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
- ۴- در کتاب‌های درسی تعلیمات ادیان الهی و اخلاق و ضمیمه دین و زندگی و بینش دینی (ویژه اقلیت‌های دینی) رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
- ۵- در کتاب‌های فارسی، ادبیات فارسی و زبان و ادبیات فارسی، علوم و فنون ادبی و نگارش رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
- ۶- در کتاب‌های منطق و فلسفه رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
- ۷- در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
- ۸- در کتاب‌های درسی جغرافیا رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
- ۹- در کتاب درسی آمادگی دفاعی پایه دهم به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
- ۱۰- در کتاب‌های درسی استان‌شناسی (کلیه استان‌ها) به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

۱۱- در سایر کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (تفکر و سواد رسانه‌ای، ریاضی و آمار، کارگاه کارآفرینی و تولید، هنر، انسان و محیط زیست، روانشناسی، ریاضی پایه) به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

ادبیات پژوهش

پیشینه

سبحانی نژاد و هرنندی (۱۳۸۶) در پژوهش خود به «بررسی و تحلیل میزان توجه به مفاهیم دفاع مقدس در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی» پرداخته‌اند. در این پژوهش پنج سؤال پژوهشی با هدف تحلیل میزان توجه کتاب‌های درسی فارسی، دینی، اجتماعی و تاریخ دوره ابتدایی و راهنمایی به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با دفاع مقدس، طرح و مورد بررسی واقع شده است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است، جامعه پژوهش نیز شامل چهار عنوان کتاب درسی فارسی، دینی، اجتماعی و تاریخ دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی چاپ سال تحصیلی ۸۳-۸۲ (در مجموع بیست و چهار جلد کتاب درسی) بوده است که همه آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی واقع شده‌اند. ابزار اندازه‌گیری، چک لیست تحلیل محتوای محقق ساخته بوده و یافته‌های پژوهش نیز با بهره‌گیری از شاخص آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. عمده‌ترین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ۱. در مجموع چهار عنوان کتاب مورد بررسی، ۹۰۳ مرتبه به مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با دفاع مقدس توجه شده است. روند مذکور در کتاب‌های فارسی، دینی، اجتماعی و تاریخ به ترتیب ۴۸۶، ۱۴۹، ۱۸۱ و ۸۷ مرتبه بوده است. ۲. در بین چهار محور مفهومی مورد بررسی، بیش‌ترین توجه به محور واژه‌ها و اصطلاحات دفاع مقدس و کم‌ترین توجه به محور خسارت‌های اجتماعی بوده است و به دو محور مفهومی؛ ابتکار، خلاقیت و خودکفایی هیچ‌گونه توجهی نشده است. ۳. در کتاب‌های درسی پایه دوم راهنمایی بیش‌ترین توجه به مفاهیم دفاع مقدس شده است و در کتاب‌های درسی پایه دوم ابتدایی هیچ‌گونه توجهی به این مفاهیم نشده است.

سبحانی نژاد و یوزباشی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی میزان توجه به مفاهیم فرهنگ ایثار و شهادت در محتوای کتاب‌های درسی فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی دوره

راهنمایی کشور» به این نتایج دست یافتند: ۱. عمده‌ترین عوامل مبین فرهنگ ایثار و شهادت شامل کشته شدن در راه خدا، از خودگذشتگی، دگرخواهی، خداجویی، معارضة با خشونت‌طلبی، مبارزه با تجاوزگری و ظلم، مبارزه در راه خدا، کاری بالاتر از وظیفه انجام دادن، تلاش و سازندگی، مقاومت و ایستادگی، عمل شایسته انجام دادن، بصیرت و بینش، مشارکت در کار گروهی، تقوا و پرهیزکاری، مردن با عزت و شرافت، منادی عدالت، ادای تکلیف الهی، قناعت و صبر، توکل بر خدا و فداکاری، صداقت و حقیقت و دوری از دنیاپرستی است. ۲. در مجموع، تحلیل کتاب‌های درسی فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی دوره راهنمایی حاکی از این بود که این کتاب‌ها، ۲۹۹ مرتبه به عوامل فرهنگ ایثار و شهادت توجه کرده است. ۳. بیشترین توجه به عوامل مبارزه با ظلم و جهل (۶۴ مرتبه) مقاومت و ایستادگی (۵۴ مرتبه) بوده است. ۴. کمترین توجه به عوامل کاری بیشتر از وظیفه انجام دادن (بدون توجه) و تلاش و سازندگی (یک مرتبه) بوده است. مرزوقی و فولادچنگ (۱۳۹۰) در تحقیق خود به «ارزیابی برنامه درسی دوره ابتدایی (اهداف و محتوا) از منظر فرهنگ ایثار و شهادت» پرداخته‌اند. اگرچه موضوع تحقیق دفاع مقدس نیست، اما به دو دلیل می‌تواند برای تحقیق حاضر پیشینه مفیدی باشد: ۱. به دلیل روش تحلیل که تحلیل محتوا است و با روش تحلیل این تحقیق همخوانی دارد. ۲. دفاع مقدس و فرهنگ آن زیرمجموعه فرهنگ ایثار و شهادت است و می‌توان توجه به دفاع مقدس را در توجه به ایثار و شهادت مورد بررسی قرار داد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در اهداف کلی تنها در حوزه اجتماعی یک مورد و در حوزه اهداف سیاسی دو مورد و در اهداف اعتقادی دوره ابتدایی نیز تنها یک مورد به طور مستقیم به این موضوع پرداخته‌اند. نتایج تحلیل محتوا نشان می‌دهد که در کتب درسی دوره ابتدایی، بیشتر به مبانی ایثار و شهادت پرداخته شده است. همچنین از بین مؤلفه‌های مبانی ایثار و شهادت بیشتر به صفات متعالی، همدلی و حق‌گرایی پرداخته شده است و از بین مؤلفه‌های مفاهیم ایثار و شهادت نیز مقوله‌ی معرفی الگوها مورد توجه بیشتری بوده است. افشار و سبحانی نژاد (۱۳۹۳) در پژوهش خود به «بررسی مفاهیم ایثار و شهادت در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی» پرداخته‌اند. این پژوهش، با هدف تعیین میزان توجه به مفاهیم ایثار و شهادت در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی صورت گرفته است. این پژوهش از نوع کیفی و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل اسنادی به همراه تحلیل محتوا استفاده شده است. جامعه پژوهشی شامل

اسناد و مدارک مرتبط و در دسترس نظری و تحقیقاتی در زمینه مفاهیم ایثار و شهادت و کتاب‌های درسی دوره ابتدایی چاپ سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بوده است. در بخش تحلیل اسنادی، نمونه‌گیری نشد، لذا همه اسناد به منظور مشخص کردن مصداق‌های ایثار و شهادت بررسی شد. در بخش تحلیل محتوا ۳۳ جلد کتاب درسی دوره ابتدایی، به شیوه هدفمند، انتخاب و در واحدهای تحلیل محتوایی (۱ کلمه ۲ جملات و مضامین ۳) تکالیف و فعالیت‌ها (۴) سؤال‌ها (۵) اشکال، تصاویر، نقشه‌ها (۶) سایر تحلیل محتوا شده است. ابزار گردآوری داده شامل فرم فیش‌برداری و سیاهه تحلیل محتوای کتاب‌های درسی بوده است. عمده‌ترین یافته‌ها پژوهش شامل موارد زیر است: ضرورت طراحی و تدوین ساختار عوامل مفهومی ایثار و شهادت برای استفاده در تألیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی مشهود است. میزان توجه به انواع عوامل مفهومی ایثار و شهادت در محتوای کتاب‌های درسی فارسی بخوانیم سال دوم ابتدایی، فارسی بنویسیم سال‌های دوم، پنجم و ششم، آموزش قرآن سال‌های اول، پنجم و چهارم و تعلیمات اجتماعی سال چهارم، کمتر از سایر کتاب‌های درسی است. از بین ۱۴ عامل مفهومی ایثار و شهادت توجه به عوامل مفهومی (۱) تجلیل از شهید و ایثارگر (۲) صفات شهید و ایثارگر (۳) نام‌ها و مفاهیم تداعی‌گر شهادت و ایثارگری (۴) نمادهای شهید و ایثارگر (۵) نام شهید، بیشتر از سایر عوامل مفهومی است. از بین دو نوع اشاره در محتوای کتاب‌های درسی مورد بررسی، توجه به اشاره مستقیم در عوامل مفهومی ایثار و شهادت، بیشتر بوده است.

دژپخش (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود به «بررسی میزان توجه به دفاع مقدس در کتب درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه اول ایران» پرداخته است. هدف این پژوهش تحلیل محتوای دفاع مقدس در کتب علوم اجتماعی مقطع متوسطه اول (معادل دوره راهنمایی قدیم) بود. مطالعه فوق، روش از نوع پژوهش توصیفی و تحلیل اسنادی (در بخش دستیابی به مؤلفه‌های دفاع مقدس) و تحلیل محتوای (در بخش تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی) انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش، کلیه کتب تدوین‌شده تعلیمات اجتماعی مقطع سه‌گانه مقطع متوسطه اول بود. در این پژوهش از چک لیست (سیاهه) مؤلفه‌های تعلیمات اجتماعی استفاده شده است. روایی محتوایی چک لیست توسط تعدادی از صاحب‌نظران و استادان دانشگاه تأیید شد. در تحلیل داده‌ها از فراوانی و نسبت (درصد) استفاده شد. عمده‌ترین یافته‌های پژوهش به تفکیک اهداف مورد

بررسی عبارت‌اند از: در پایه اول مقطع متوسطه اول توجه کمی به مؤلفه‌های دفاع مقدس شده است. بیشترین توجه به مؤلفه‌های دفاع مقدس به امنیت بوده با ۵ فراوانی (معادل ۱۶,۴۷ درصد مؤلفه‌های یافت شده) و مؤلفه دفاع مقدس با صفر فراوانی (۰٪) کمترین بود. در کتاب تعلیمات پایه دوم مقطع متوسطه اول، توجه کمی به مؤلفه‌های دفاع مقدس شده بود. از بین واژه‌های دفاع مقدس، واژه امام حسین با ۱۷ درصد بیشترین فراوانی را داشته و واژه دفاع مقدس با صفر فراوانی (۰٪) کمترین مقدار را داشت. در پایه اول مقطع متوسطه سوم توجه کمی به مؤلفه‌های دفاع مقدس شده بود. از بین یافته‌ها، واژه انقلاب با ۵ فراوانی معادل با ۳۱,۲۵ درصد بیشترین مؤلفه و واژه دفاع مقدس با ۰ فراوانی (معادل ۰٪) کمترین فراوانی را داشت. در کتاب‌های تعلیمات پایه‌های سه‌گانه مقطع متوسطه اول ۱۴۶ کلمه در ارتباط با مؤلفه‌های دفاع مقدس بوده که ۰/۱۴ درصد از محتوای کتاب را شامل می‌شد؛ بنابراین در مقطع متوسطه اول توجه کمی به مؤلفه‌های دفاع مقدس شده بود. در بین پایه‌های سه‌گانه به مؤلفه دفاع مقدس با صفر فراوانی هیچ توجهی نشده بود.

رضوی (۱۳۹۴) در مقاله خود به «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی «دینی» و «ادبیات فارسی» دوره متوسطه بر اساس مؤلفه‌های دفاع مقدس» پرداخته است. این مقاله با هدف تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دینی و ادبیات فارسی دوره متوسطه بر اساس مؤلفه‌های شش‌گانه دفاع مقدس تدوین شده و به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا کتاب‌های مزبور توانسته‌اند این مؤلفه‌ها را به خوبی انعکاس دهند؟ روش تحقیق «توصیفی» و از نوع «تحلیل محتوا و واحد تحلیل مضمون» است. پس از تعیین ۳۲ مصداق برای ۶ مؤلفه، ۹ عنوان کتاب ادبیات فارسی و دینی دوره متوسطه انتخاب شد. وسیله اندازه‌گیری چک لیست بوده که ضریب پایایی آن ۰/۳۹ و ضریب پایایی مرکب آن ۰/۹۸ و اعتبار مطلوب داشته است. نتایج نشان داد در هر دو گروه کتاب، به صفات متعالی و پیام عاشورا به خوبی توجه شده است. کمترین توجه در هر دو گروه، به «پایداری، ایثار، شهادت و اقتدار سیاسی» بوده است. ده مصداق برتر در دو گروه کتاب، به یک اندازه به کار برده نشده است. همچنین نتایج نشان داد شش مؤلفه موضوع مطالعه در کتاب‌های فارسی سه پایه تحصیلی وضعیت بهتری نسبت به کتاب‌های دینی داشته‌اند.

تعاریف عملیاتی

دفاع مقدس: پایداری و مقاومت هشت ساله مردم ایران (۱۳۶۷-۱۳۵۹) در مقابل رژیم بعثی عراق است.

کتاب‌های درسی انگلیسی و عربی: شامل انگلیسی پایه دهم، کتاب کار انگلیسی ۱، انگلیسی پایه یازدهم، کتاب کار انگلیسی پایه یازدهم، عربی زبان قرآن ۱ پایه دهم، عربی زبان قرآن ۲ پایه یازدهم، عربی دوره پیش‌دانشگاهی

کتاب‌های درسی تاریخ: شامل تاریخ ایران و جهان باستان (۱)، تاریخ (۲) از بعثت پیامبر اسلام تا پایان صفویه، تاریخ‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی

کتاب‌های درسی دین و زندگی: شامل دین و زندگی ۱، دین و زندگی ۲، معارف اسلامی (دین و زندگی) دوره پیش‌دانشگاهی

کتاب‌های درسی تعلیمات ادیان و اخلاق الهی: شامل تعلیمات ادیان الهی و اخلاق (۱) ویژه اقلیت‌های دینی، تعلیمات ادیان الهی و اخلاق (۲) ویژه اقلیت‌های دینی، ضمیمه دین و زندگی (۲) ویژه اهل سنت، بینش دینی دوره پیش‌دانشگاهی (ویژه اقلیت‌های دینی)

کتاب‌های درسی فارسی و ادبیات فارسی و نگارش: شامل فارسی ۱، علوم و فنون ادبی ۱، نگارش ۱، فارسی ۲، علوم و فنون ادبی ۲، نگارش ۲، ادبیات فارسی (قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی) دوره پیش‌دانشگاهی، زبان و ادبیات فارسی عمومی

کتاب‌های درسی منطق و فلسفه: شامل منطق، فلسفه، فلسفه (آشنایی با فلسفه اسلامی) دوره پیش‌دانشگاهی

کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی: شامل جامعه‌شناسی ۱، جامعه‌شناسی ۲، علوم اجتماعی دوره پیش‌دانشگاهی

کتاب‌های درسی جغرافیا: جغرافیای ایران، جغرافیا ۲، جغرافیا دوره پیش‌دانشگاهی
سایر کتاب‌های درسی: تفکر و سواد رسانه‌ای، ریاضی و آمار ۲، کارگاه کارآفرینی و تولید، هنر، انسان و محیط زیست، روان‌شناسی، ریاضی و آمار ۲، ریاضی پایه دوره پیش‌دانشگاهی.

روش تحقیق

با توجه به تحلیل کتاب‌های درسی، روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیل محتوای کمی می‌باشد. در این تحقیق ابتدا کلیه کتاب‌های رشته علوم انسانی مقطع دوم متوسطه (دیرستان) جمع‌آوری شد، سپس کتاب‌های هم‌عنوان و هم‌موضوع در پایه‌های مختلف تحصیلی مقطع دوم متوسطه رشته علوم انسانی دسته‌بندی شد، پس از آن هریک از کتاب‌ها به لحاظ میزان توجه به موضوع دفاع مقدس و مفاهیم و ارزش‌های آن مورد بررسی قرار گرفت. شیوه کار به این صورت بود که در کلیه کتاب‌های مورد مطالعه، هر درسی که به موضوع دفاع مقدس مرتبط بود، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گرفت، به این صورت که تعداد صفحات مرتبط با موضوع دفاع مقدس، تعداد متن‌های مرتبط، تعداد عکس‌ها، تعداد نقاشی‌ها و... از کتاب‌ها استخراج شد و اطلاعات آن در جدول‌های مربوطه جای‌دهی و با سایر کتاب‌های هم‌موضوع مقایسه می‌شد.

یافته‌ها

با توجه به هدف تحقیق، هریک از کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (مقطع دوم متوسطه) از نظر میزان توجه به مفاهیم و موضوعات دفاع مقدس مورد بررسی و تحلیل کمی قرار گرفت.

سؤال اول تحقیق

در کتاب‌های درسی انگلیسی و کتاب کار انگلیسی و عربی، زبان قرآن و عربی رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟
جدول شماره ۱ - میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های انگلیسی و عربی رشته علوم انسانی

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	تعداد صفحات مرتبط
دهم	کتاب کار انگلیسی	-	-	-	-	-

۱	۱۰۰	۱	تصویر	Lesson 3	انگلیسی	دهم
-	-	-	-	-	عربی زبان قرآن	دهم
-	-	-	-	-	انگلیسی	یازدهم
-	-	-	-	-	کتاب کار انگلیسی	یازدهم
-	-	-	-	-	عربی زبان قرآن	یازدهم
-	-	-	-	-	عربی	پیش دانشگاهی
۱	۱۰۰	۱	جمع			

برابر داده‌های جدول شماره ۱ و در بررسی سؤال اول تحقیق مشخص شد که در بین کتاب‌های مشخص شده، تنها در صفحه ۷۵ کتاب انگلیسی پایه دهم تصویر شهدای هسته‌ای (شهید علی محمدی، شهید شهریار، شهید احمدی روشن، شهید رضایی نژاد) به عنوان یک مثال درسی آورده شده است. در کتاب‌های عربی زبان قرآن، کتاب کار انگلیسی، انگلیسی پایه یازدهم، کتاب کار انگلیسی پایه یازدهم، عربی زبان قرآن پایه یازدهم و عربی پیش دانشگاهی هیچ گونه مطلبی در خصوص دفاع مقدس نیامده است.

سؤال دوم تحقیق

در کتاب‌های درسی تاریخ و تاریخ‌شناسی رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

جدول شماره ۲ - میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های تاریخ رشته علوم انسانی

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	تعداد صفحات مرتبط
دهم	تاریخ ۱: ایران و	-	-	-	-	-

					جهان باستان	
-	-	-	-	-	تاریخ ۲	یازدهم
۱	۱۰۰	۱	متن	۱	تاریخ‌شناسی	پیش دانشگاهی
۱	۱۰۰	۱	جمع			

برابر داده‌های جدول شماره ۲ و در بررسی سؤال دوم تحقیق مشخص شد که در صفحه ۱۳۲ کتاب تاریخ‌شناسی مقطع پیش‌دانشگاهی مطلبی در خصوص تاریخ جنگ‌ها آمده است، در این قسمت از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به عنوان یک نمونه خوب یاد شده است که در آن بسیاری از قهرمانان ملت ایران شرکت داشتند و زندگی‌نامه آنان به قلم خودشان یا به قلم دیگران به چاپ رسیده است. در کتاب تاریخ ۱: ایران و جهان باستان و تاریخ ۲ هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع دفاع مقدس نشده است.

در مورد کتاب تاریخ ۲ هم باید گفت که با توجه به اینکه این کتاب از بعثت پیامبر ﷺ تا پایان دوره صفویه را شامل می‌شود، به همین خاطر در آن اشاره‌ای به مفاهیم و موضوع دفاع مقدس نشده است.

سؤال سوم تحقیق

در کتاب‌های درسی دین و زندگی و معارف اسلامی رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

جدول شماره ۳- میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های دین و زندگی و معارف

اسلامی

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	تعداد صفحات مرتبط
دهم	دین و زندگی ۱	پنجره‌ای به روشنایی	متن	۱	۱۲/۵	۲

۱	۲۵	۲	متن	پنجره‌ای به روشنایی		
۱	۱۲/۵	۱	متن	منزلگاه بعد		
۱	۱۲/۵	۱	متن	دوستی با خدا		
۱	۱۲/۵	۱	متن	یاری از نماز و روزه		
-	-	-	-	-	دین و زندگی ۲	یازدهم
۱	۱۲/۵	۱	متن	برنامه‌ای برای فردا	معارف اسلامی	پیش‌دانشگاهی
۱	۱۲/۵	۱	متن	برنامه‌ای برای فردا		
۸	۱۰۰	۸	جمع			

برابر داده‌های جدول شماره ۳ و در بررسی سؤال سوم تحقیق مشخص شد که در ۶ صفحه از کتاب دین و زندگی ۱ به مطالبی در خصوص دفاع مقدس پرداخته شده است. در صفحه ۴۹ و ۵۰ برگزیده‌ای از دست‌نوشته‌های شهید سید محمود افتخاری آورده شده است. در صفحه ۵۲ کتاب و در قسمت پیشنهادها از دانش‌آموز خواسته شده است به آثار و زندگی یکی از شهدای دفاع مقدس و یا مدافعان حرم مراجعه کرده و بررسی کند که آنان درباره زندگی و مرگ چگونه می‌اندیشیدند. انگیزه شهادت‌طلبی آن‌ها چه بوده است؟ در پاورقی همین صفحه مطالعه کتاب‌هایی مانند «مجموعه قصه فرماندهان» از حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و «خدا بود، دیگر هیچ نبود» اثر دکتر مصطفی چمران پیشنهاد شده است. در صفحه ۶۸ به مطلبی در خصوص شهادت مجاهدان در راه خدا پرداخته شده است. در صفحه ۱۲۵ کتاب در مطلبی با عنوان «عاشقانه‌ای با خدا» بخش‌هایی از دست‌نوشته‌های شهید ناصرالدین باغانی آورده شده است. در صفحه ۹۷ کتاب

معارف اسلامی پیش‌دانشگاهی و در متن پیام امام خمینی علیه السلام اشاره‌ای به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شده است. در صفحه ۹۹ و ۱۰۰ اشاره‌ای به بخشی از پیام امام خمینی علیه السلام هنگام پذیرش قطعه‌نامه آتش‌بس شده است. در کتاب دین و زندگی ۲ (پایه یازدهم) هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع دفاع مقدس نشده است.

سؤال چهارم تحقیق

در کتاب‌های درسی تعلیمات ادیان الهی و اخلاق و ضمیمه دین و زندگی و بینش دینی (ویژه اقلیت‌های دینی) رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟ جدول شماره ۴ - میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های تعلیمات ادیان الهی و

اخلاق رشته علوم انسانی

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	تعداد صفحات مرتبط
دهم	تعلیمات ادیان الهی و اخلاق (ویژه اقلیت‌های دینی)	-	-	-	-	-
یازدهم	تعلیمات ادیان الهی و اخلاق (پایه یازدهم)	-	-	-	-	-
یازدهم	ضمیمه دین و زندگی	-	-	-	-	-
پیش‌دانشگاهی	بینش دینی	-	-	-	-	-
جمع						

برابر داده‌های جدول شماره ۴ و در بررسی سؤال چهارم مشخص شد که در هیچ‌یک از کتاب‌های تعلیمات ادیان الهی و اخلاق (ویژه اقلیت‌های دینی) و بینش دینی (ویژه اقلیت‌های

دینی) به مفاهیم و موضوع دفاع مقدس پرداخته نشده است.

سؤال پنجم تحقیق

در کتاب‌های فارسی، ادبیات فارسی و زبان و ادبیات فارسی، علوم و فنون ادبی و

نگارش رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

جدول شماره ۵- میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های نگارش، فارسی،

علوم و فنون ادبی رشته علوم انسانی

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	صفحات مرتبط
دهم	نگارش ۱	-	-	۰	۰	۰
دهم	فارسی ۱	دریادلان	متن همراه با تصویر	۲	۹/۵	۴
		خاک آزادگان	متن به صورت شعر مصور	۲	۹/۵	۱
		شیر زنان ایران	متن همراه با تصویر	۲	۹/۵	۷
		دلبران و مردان ایران زمین	متن به صورت شعر همراه با تصویر	۲	۹/۵	۲
دهم	علوم و فنون ادبی ۱	-	-	۰	۰	۰
یازدهم	علوم و	-	-	۰	۰	۰

مطالعه و تحلیل میزان توجه به مفاهیم دفاع مقدس در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (مقطع دوم متوسطه)

					فنون ادبی ۲	
۵	۹/۵	۲	متن همراه با تصویر	تا غزل بعد...	فارسی ۲	یازدهم
۱	۴/۷۶	۱	تصویر	رباعی‌های امروز		
۱	۴/۷۶	۱	متن	کارگاه نوشتن	نگارش ۲	یازدهم
۲	۱۹	۴	متن همراه با تصویر	کارگاه نوشتن		
۱	۴/۷۶	۱	متن	درآمدی بر ادبیات معاصر وادبیات انقلاب اسلامی	ادبیات فارسی (قافیه، عروض...)	پیش‌دانشگاهی
۵	۱۴/۲۸	۳	متن همراه با شعر و تصویر	حماسه چهارده‌ساله		
۱	۴/۷۶	۱	متن	تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما		
۰		۰	-	-	زبان و ادبیات فارسی (عمومی)	پیش‌دانشگاهی
۳۰	۱۰۰	۲۱	جمع			

برابر داده‌های جدول شماره ۵ و در بررسی سؤال ۵ تحقیق مشخص شد که در درس دهم کتاب فارسی ۱ با عنوان «دریادلان صف‌شکن» یکی از برنامه‌های روایت فتح را به صورت متن درآورده است که مربوط به یک از عملیات‌های حاشیه‌اروند می‌باشد. در درسی یازدهم شعری از خانم سپیده کاشانی با عنوان «خاک آزادگان» آمده است که در آن مفاهیمی چون دفاع از میهن، شهادت، وطن و ... آمده است. در این درس همچنین تصویر تابوت یکی از شهدا بر روی دست مردم دیده می‌شود. در قسمت روان‌خوانی متنی با عنوان «شیر زنان ایران» آمده است که خلاصه‌ای از کتاب «من زنده‌ام» نوشته خانم معصومه آباد همراه با متن تقریظ مقام معظم رهبری بر این کتاب می‌باشد. در این درس همچنین تصویر نقاشی شده شخصیت اصلی کتاب من زنده‌ام چاپ شده است. در همین بخش، قسمتی با عنوان درک و دریافت وجود دارد که در آن دو سؤال از دانش آموزان به عنوان تکلیف پرسیده شده است. ۱. به اعتقاد شما چگونه می‌توان از ایثارگری آزادگان و جانبازان تجلیل کرد؟ ۲. ثبت خاطرات دوره جنگ، چه نقشی در حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی داشته است؟ در درس «دلیران و مردان ایران‌زمین» شعری حماسی از آقای محمود شاهرخی آمده است. موضوع شعر در مورد رزمندگان است و تصویری که در پس‌زمینه آن وجود دارد مربوط به راهپیمایی تعدادی از رزمندگان در یک منطقه برفی و کوهستانی در زمان دفاع مقدس می‌باشد.

در صفحه ۷۹ کتاب فارسی ۲ داستانی به اسم «تا غزل بعد...» آمده است که مربوط به خاطرات اسیر آزاد شده اصغر رباط جزی (برگرفته از کتاب زندان موصل) می‌باشد. همچنین یک تصویر نقاشی شده از اسرای دفاع مقدس در این بخش آمده است. همچنین در قسمت «درک و دریافت» از دانش آموزان پرسیده شده است که اسرا چه راهکارهایی برای رویارویی با دشواری‌های اسارت به کار برده‌اند. در صفحه ۸۶ کتاب فارسی ۲ تصویر یکی از یادمان‌های دفاع مقدس به عنوان زمینه صفحه آورده شده است.

در صفحه ۴۸ کتاب نگارش ۲ و در قسمت «کارگاه نوشتن» مطلبی ادبی با عنوان «سال نو» آمده است که برگرفته از کتاب شهید باکری نوشته یوسف زاده است. در صفحه ۶۴ کتاب و در قسمت «کارگاه نوشتن» مطلبی در خصوص شهید همت (همراه با تصویر) از کتاب «شهید همت» نوشته عرب لو آمده است. همچنین در صفحه ۶۵ مطلبی از کتاب «شهید آوینی» نوشته جعفری

مطلق همراه با تصویر شهید آوینی آمده است.

در صفحه ۱۱۹ کتاب ادبیات فارسی (قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی) مطلبی در خصوص قالب سروده‌های بعد از انقلاب اسلامی آمده که به شعر دفاع مقدس نیز اشاره شده است. در صفحه ۱۳۳ سروده‌ای با عنوان «حماسه چهارده‌ساله» از آقای محمدرضا عبدالملکیان است که در خصوص ادبیات دفاع مقدس است، در این درس همچنین تصویر تعدادی از رزمندگان دفاع مقدس در یک منطقه کوهستانی آورده شده است. در صفحه ۱۴۲ نیز ضمن آوردن شعری در خصوص شهدای کربلا، به شهدای هشت سال ایستادگی و مقاومت مردم نیز اشاره شده است. در کتاب‌های نگارش ۱ پایه دهم، علوم و فنون ادبی پایه دهم، علوم و فنون ادبی پایه یازدهم و زبان و ادبیات فارسی عمومی پیش‌دانشگاهی هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع دفاع مقدس نشده است.

سؤال ششم تحقیق

در کتاب‌های منطق و فلسفه رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

جدول شماره ۶- میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های منطق و فلسفه رشته

علوم انسانی

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	صفحات مرتبط
دهم	منطق	-	-	-	-	-
یازدهم	فلسفه	-	-	-	-	-
پیش دانشگاهی	فلسفه	-	-	-	-	-
جمع						

برابر داده‌های جدول شماره ۶ و در بررسی سؤال ۶ تحقیق مشخص شد که در هیچ‌یک از کتاب‌های منطق و فلسفه رشته علوم انسانی (مقطع متوسطه) به مفاهیم و موضوع‌های دفاع مقدس اشاره نشده است.

سؤال هفتم تحقیق

در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

جدول شماره ۷- میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های جامعه‌شناسی و

علوم اجتماعی رشته علوم انسانی

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	تعداد صفحات مرتبط
دهم	جامعه‌شناسی ۱	پدیده‌های اجتماعی	تصویر	۱	۵/۸۸	۱
		ارزیابی جهان‌های اجتماعی	تصویر	۱	۵/۸۸	۱
		هویت	تصویر	۱	۵/۸۸	۱
		تمرین	متن	۱	۵/۸۸	۱
		در متن	تصویر	۱	۵/۸۸	۱
		در متن	تصویر	۱	۵/۸۸	۱
یازدهم	جامعه‌شناسی ۲	فرهنگ جهانی مطلوب	تصویر	۱	۵/۸۸	۱
		جغرافیای فرهنگی جهان جدید	تصویر و متن	۵	۲۹/۴۱	۲
		بیداری اسلامی	تصویر	۱	۵/۸۸	۱
دوازدهم	علوم اجتماعی	جغرافیای فرهنگی جهان جدید	متن و تصویر	۴	۲۳/۵۲	۲
		جمع		۱۷	۱۰۰	۱۲

برابر داده‌های جدول شماره ۷ و در بررسی سؤال ۷ تحقیق مشخص شد که در صفحه ۱۸ کتاب جامعه‌شناسی ۱ تصویری از مزار شهدا نشان داده شده است که خانواده‌ای در آنجا در حال صرف افطاری هستند. در صفحه ۴۷ کتاب عکس شهید بهروز مرادی از رزمندگان مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر به همراه چند رزمنده دیگر در مقابل مسجد جامع خرمشهر آمده

است. در صفحه ۵۵ همین کتاب و در ابتدای فصلی جدید از کتاب، عکس شهدای هسته‌ای در کنار چند عکس دیگر آورده شده است. در صفحه ۵۹ کتاب، زندگی‌نامه یک صفحه‌ای شهید مرتضی آوینی آورده شده است. در صفحه ۶۲ کتاب تصویر جاویدالاثر حاج احمد متوسلیان به همراه دو رزمنده دیگر آورده شده است. در صفحه ۶۳ کتاب تصویر شهید سعید طوقانی (که در عملیات بدر شهید شدند) در کودکی و در حال ورزش آورده شده است.

در صفحه ۱۶ کتاب جامعه‌شناسی ۲ تصویری از پیاده‌روی رزمندگان دفاع مقدس آورده شده است. در صفحه ۱۳۴ و ۱۳۵ تعداد چهار تصویر آورده شده است که مربوط به اسرای عراقی در زمان جنگ تحمیلی، کمک تسلیحاتی غربی‌ها به عراق در زمان جنگ تحمیلی و بمباران سردشت مربوط می‌شوند. همچنین توضیحی چندخطی در مورد جنگ تحمیلی هشت‌ساله در این قسمت آورده شده است.

در صفحه ۱۲۶ کتاب علوم اجتماعی مقطع پیش‌دانشگاهی، تصویر چند نفر از رزمندگان دفاع مقدس آورده شده است که در حال خندیدن هستند. در صفحه ۱۳۵ به جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه ایران و تلاش‌ها برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران اشاره شده است. در این صفحه همچنین تصویری از بمب‌های ساخت اسپانیا که در جنگ تحمیلی علیه ایران استفاده شده، آورده شده است. در صفحه ۱۳۶ هم مطالبی در خصوص کمک همه کشورهای اروپایی و بلوک شرق و غرب در جنگ تحمیلی علیه ایران آورده شده است.

سؤال هشتم تحقیق

در کتاب‌های درسی جغرافیا رشته علوم انسانی به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

جدول شماره ۸- میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های جغرافیا رشته علوم انسانی

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	تعداد صفحات مرتبط
دهم	جغرافیای ایران	ویژگی‌های جمعیت ایران	تصویر	۱	۱۰۰	۱
یازدهم	جغرافیا ۲	-	-	-	-	-
پیش دانشگاهی	جغرافیا	-	-	-	-	-
جمع				۱	۱۰۰	۱

برابر داده‌های جدول شماره ۸ و در بررسی سؤال شماره ۸ مشخص شد که در صفحه ۷۵ کتاب جغرافیای ایران با نشان دادن تصویری از رزمندگان دفاع مقدس، اشاره به آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ شده است.

در کتاب‌های جغرافیا ۲ پایه یازدهم و جغرافیا پیش دانشگاهی نیز هیچ گونه اشاره‌ای به موضوع دفاع مقدس نشده است.

سؤال نهم تحقیق

در کتاب درسی آمادگی دفاعی پایه دهم به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس توجه شده است؟

جدول شماره ۹- میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب آمادگی دفاعی پایه دهم

مطالعه و تحلیل میزان توجه به مفاهیم دفاع مقدس در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (مقطع دوم متوسطه)

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب			فراوانی	درصد فراوانی	تعداد صفحات مرتبط
			متن	عکس	سایر			
دهم	آمادگی دفاعی	مقدمه	۱	-	-	۱	۱/۷۹	۱
		اقتدار دفاعی	۱	۳	-	۴	۷/۱۵	۱
		انتخاب بسیجی نمونه	۱	-	-	۱	۱/۷۹	۱
		سازمان بسیج مستضعفین	۱	-	-	۱	۱/۷۹	۱
		علوم و معارف دفاع مقدس	۶	۱۰	۲	۱۸	۳۲/۱۴	۹
		حماسه‌های ماندگار	۸	۱۳	۲	۲۳	۴۱/۰۷	۱۰
		درس آزاد ۱	۳	-	-	۳	۵/۳۵	۳
		من یک رزم‌آورم	۱	۲	-	۳	۵/۳۵	۱
		درس آزاد ۲	۱	۱	-	۲	۳/۵۷	۱
		جمع	۲۳	۲۹	۴	۵۶	۱۰۰	۲۸

برابر داده‌های جدول شماره ۹ و در بررسی سؤال شماره ۹ مشخص شد که در ۹ بخش از این کتاب به طور مستقیم به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن پرداخته شده است، در درس حماسه‌های ماندگار با ۲۳ مورد (متن، عکس و جدول) بیش از سایر درس‌ها در خصوص موضوع دفاع مقدس مطالب آورده شده است. در مجموع در کتاب آمادگی دفاعی، ۵۶ مورد (متن، عکس، جدول و...) مطلب در خصوص دفاع مقدس آورده شده است.

سؤال دهم تحقیق

در کتاب‌های درسی استان شناسی (کلیه استان‌ها) به چه میزان به مفاهیم دفاع مقدس

توجه شده است؟

جدول شماره ۱۰ - میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های درسی استان شناسی

ردیف	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب			فراوانی	درصد فراوانی	تعداد صفحات مرتبط
			متن	عکس	سایر			
دهم	استان شناسی اردبیل	استان اردبیل از دیدگاه مقام معظم رهبری	۱	-	-	۱	۵/۲	۱
		دفاع مردم استان از ایران اسلامی	۳	۱۰	۵	۱۸	۹۴/۸	۸
	جمع		۴	۱۰	۵	۱۹	۱۰۰	۱۰
دهم	استان شناسی اصفهان	دیدگاه مقام معظم رهبری درباره اصفهان	۱	-	-	۱	۲۵	۱
		نمونه‌ای از شخصیت‌ها و نام‌آوران استان	۱	۲	-	۳	۷۵	۲
	جمع		۲	۲	-	۴	۱۰۰	۳
دهم	استان شناسی البرز	نقش مردم در دفاع از کیان و مرزهای اسلامی	۲۱	۲۸	-	۴۹	۱۰۰	۶
	جمع		۲۱	۲۸	-	۴۹	۱۰۰	۶

مطالعه و تحلیل میزان توجه به مفاهیم دفاع مقدس در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (مقطع دوم متوسطه)

۱	۲/۹۴	۱	-	-	۱	استان ایلام از دیدگاه مقام معظم رهبری	استان شناسی ایلام	دهم
۶	۸۵/۲۹	۲۹	۲	۲۵	۲	جایگاه ایلام در دفاع از سرزمین ایران اسلامی		
۲	۱۱/۷۷	۴	-	۳	۱	ایلام گردی و جاذبه‌های گردشگری استان		
۹	۱۰۰	۳۴	۲	۲۸	۴	جمع		
۴	۱۰۰	۹	-	۷	۲	آذربایجان شرقی در دوره انقلاب اسلامی	استان شناسی آذربایجان شرقی	دهم
۴	۱۰۰	۹	-	۷	۲	جمع		
۱	۶/۶۶	۱	-	-	۱	استان آذربایجان غربی از منظر مقام معظم رهبری	استان شناسی آذربایجان غربی	دهم
۶	۹۳/۳۴	۱۴	۱	۷	۶	نقش مردم استان در دفاع از کبان و مرزهای اسلامی		
۷	۱۰۰	۱۵	۱	۷	۷	جمع		
۱	۷/۱۴	۱	-	-	۱	استان بوشهر از دیدگاه مقام معظم رهبری	استان شناسی بوشهر	دهم
۴	۹۲/۸۶	۱۳	-	۱۰	۳	پیشینه تاریخی استان		
۵	۱۰۰	۱۴	-	۱۰	۴	جمع		
۱	۱۸/۱۸	۲	-	۲	-	پیشینه استان تهران	استان شناسی تهران	دهم
۴	۸۱/۸۲	۹	-	۷	۲	دفاع مردم تهران از ایران اسلامی		
۵	۱۰۰	۱۱	-	۹	۲	جمع		
۱	۲/۷۰	۱	-	-	۱	چهار محال و بختیاری از دیدگاه مقام معظم رهبری	استان شناسی چهار محال و بختیاری	دهم
۹	۹۷/۳۰	۳۶	۲	۲۹	۵	جایگاه استان در دفاع از سرزمین ایران		
۱۰	۱۰۰	۳۷	۲	۲۹	۶	جمع		

۱	۱۲/۵۰	۱	-	-	۱	خراسان جنوبی از دیدگاه مقام معظم رهبری	استان شناسی خراسان جنوبی	دهم
۴	۸۷/۵۰	۷	۱	۲	۴	جایگاه استان در دفاع از سرزمین ایران		
۵	۱۰۰	۸	۱	۲	۵	جمع		
۴	۱۰۰	۱۸	۱	۱۳	۴	نقش خراسان رضوی در دفاع از مرزهای ایران اسلامی	استان شناسی خراسان رضوی	دهم
۴	۱۰۰	۱۸	۱	۱۳	۴	جمع		
۱	۴/۷۶	۱	-	-	۱	دیدگاه مقام معظم رهبری درباره خراسان شمالی	استان شناسی خراسان شمالی	دهم
۸	۹۵/۲۴	۲۰	۲	۱۶	۲	نقش مردم در دفاع از کیان و مرزهای اسلامی		
۹	۱۰۰	۲۱	۲	۱۶	۳	جمع		
۱	۲/۹۴	۱	-	-	۱	استان خوزستان از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی	استان شناسی خوزستان	دهم
۱۱	۹۷/۰۶	۳۳	۳	۲۶	۴	خوزستان در دفاع مقدس		
۱۲	۱۰۰	۳۴	۳	۲۶	۵	جمع		
۱	۴/۱۷	۱	-	-	۱	استان زنجان از دیدگاه مقام معظم رهبری	استان شناسی زنجان	دهم
۲	۱۲/۵۰	۳	-	۳	-	پیشینه تاریخی و مفاخر استان زنجان		
۶	۸۳/۳۳	۲۰	-	۱۴	۶	نقش مردم استان در دفاع از مرزهای ایران اسلامی		
۹	۱۰۰	۲۴	-	۱۷	۷	جمع		

مطالعه و تحلیل میزان توجه به مفاهیم دفاع مقدس در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (مقطع دوم متوسطه)

دهم	استان شناسی سمنان	دیدگاه مقام معظم رهبری درباره استان سمنان	۱	-	-	۱	۳/۴۵	۱
		دفاع از ایران اسلامی	۸	۱۹	۱	۲۸	۹۶/۵۵	۶
جمع								
دهم	استان شناسی سیستان و بلوچستان	استان سیستان و بلوچستان از دیدگاه مقام معظم رهبری	۱	-	-	۱	۷/۱۴	۱
		پیشینه و مفاخر استان	۲	۴	-	۶	۴۲/۸۶	۴
		نقش مردم استان در دفاع از کیان و مرزهای ایران اسلامی	۲	۵	-	۷	۵۰	۲
جمع								
دهم	استان شناسی فارس	استان فارس از دیدگاه مقام معظم رهبری	۱	-	-	۱	۱۲/۵۰	۱
		نقش مردم فارس در دفاع از کیان و مرزهای ایران اسلامی	۲	۵	-	۷	۸۷/۵۰	۲
جمع								
دهم	استان شناسی قزوین	استان قزوین از دیدگاه مقام معظم رهبری	۱	-	-	۱	۱۱/۱۱	۱
		قزوین و دفاع از مرزهای ایران اسلامی	۵	۲	۱	۸	۸۸/۸۹	۵
جمع								
دهم	استان شناسی قم	نقش استان قم در حراست از کیان مرزهای ایران اسلامی	۷	۱۱	۱	۱۹	۱۰۰	۷
جمع								
دهم	استان شناسی کردستان	استان کردستان از دیدگاه مقام معظم رهبری	۱	-	-	۱	۴/۳۵	۱
		جایگاه کردستان در دفاع از سرزمین ایران	۵	۱۶	۱	۲۲	۹۵/۶۵	۶
جمع								

۱	۵	۱	-	-	۱	استان کرمان از دیدگاه مقام معظم رهبری	استان شناسی کرمان	دهم
۷	۹۵	۱۹	۱	۹	۹	نقش استان در حراست از کیان مرزهای ایران اسلامی		
۸	۱۰۰	۲۰	۱	۹	۱۰	جمع		
۱	۹/۰۹	۱	-	-	۱	کرمانشاه از دیدگاه مقام معظم رهبری	استان شناسی کرمانشاه	دهم
۳	۹۰/۹۱	۱۰	-	۷	۳	کرمانشاه پس از انقلاب و هشت سال دفاع مقدس		
۴	۱۰۰	۱۱	-	۷	۴	جمع		
۱	۲/۹۴	۱	-	-	۱	کهگیلویه و بویراحمد از دیدگاه مقام معظم رهبری	استان شناسی کهگیلویه و بویراحمد	دهم
۶	۹۷/۰۶	۳۳	-	۲۹	۴	نقش مردم در دفاع از کیان و مرزهای ایران اسلامی		
۷	۱۰۰	۳۴	-	۲۹	۵	جمع		
۸	۱۰۰	۲۸	۱	۲۲	۵	نقش استان گلستان در حراست از کیان اسلامی	استان شناسی گلستان	دهم
۸	۱۰۰	۲۸	۱	۲۲	۵	جمع		
۱	۴	۱	-	-	۱	استان گیلان از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی	استان شناسی گیلان	دهم
۸	۹۶	۲۴	-	۱۲	۱۲	نقش مردم گیلان در دفاع از مرزهای ایران اسلامی		
۵	۱۰۰	۱۲	-	۶	۶	برخی از شخصیت ها و نام آوران استان	استان شناسی مرکزی	دهم
۵	۱۰۰	۱۲	-	۶	۶	جمع		

۱	۶/۲۵	۱	-	-	۱	استان هرمزگان از دیدگاه مقام معظم رهبری	استان شناسی هرمزگان	دهم
۴	۹۳/۷۵	۱۵	-	۱۲	۳	نقش مردم استان در دفاع از ایران اسلامی		
۵	۱۰۰	۱۶	-	۱۲	۴	جمع		
۶	۱۰۰	۳۲	-	۲۸	۴	نقش استان در حراست از آرمان‌های ایران اسلامی	استان شناسی همدان	دهم
۶	۱۰۰	۳۲	-	۲۸	۴	جمع		
۱	۱۱/۱۱	۱	-	-	۱	استان یزد از دیدگاه مقام معمظم رهبری	استان شناسی یزد	دهم
۴	۸۸/۸۹	۸	-	۶	۲	نقش مردم یزد در دفاع از کیان و مرزهای ایران اسلامی		
۵	۱۰۰	۹	-	۶	۳	جمع		

برابر داده‌های جدول شماره و در بررسی سؤال شماره ۱۰ مشخص شد که در کلیه ۳۱ کتاب استان شناسی به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن پرداخته است. در کتاب‌های استان شناسی خوزستان، اردبیل و چهارمحال و بختیاری بیش از سایر کتاب‌ها در مورد دفاع مقدس مطلب آورده شده است. در استان‌های اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و کرمانشاه نسبت به سایر استان‌ها به میزان کمتری به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن پرداخته شده است. سرود مقدس جمهوری اسلامی ایران به خاطر اینکه در همه کتاب‌های استان شناسی آورده شده است، در بررسی ما لحاظ نشده است.

سؤال یازدهم تحقیق

در سایر کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی (تفکر و سواد رسانه‌ای، ریاضی و آمار، کارگاه کارآفرینی و تولید، هنر، انسان و محیط زیست، روانشناسی، ریاضی پایه) به چه میزان به مفاهیم

دفاع مقدس توجه شده است؟

جدول شماره ۱۱ - میزان توجه به موضوع دفاع مقدس در سایر کتاب‌های رشته علوم انسانی

پایه	عنوان کتاب	عنوان درس	نوع طرح در کتاب	فراوانی	درصد فراوانی	تعداد صفحات مرتبط
دهم	ریاضی و آمار ۱	-	-	-	-	-
دهم	هنر	فعالیت ۷	تصویر و متن	۲	۱۸/۱۸	۱
		عوامل جهت‌دار	تصویر	۲	۱۸/۱۸	۱
		حرکت حاصل از انتقال نماها	تصویر	۲	۱۸/۱۸	۱
دهم	کارگاه کارآفرینی و تولید	-	-	-	-	-
دهم	تفکر و سواد رسانه‌ای	فعالیت گروهی	تصویر	۱	۹/۰۹	۱
یازدهم	انسان و محیط زیست	-	-	-	-	-
یازدهم	روانشناسی	مراحل حافظه	متن	۱	۹/۰۹	۱
		تفکر ۲: تصمیم‌گیری	تصویر	۱	۹/۰۹	۱
		نگرش و انواع آن	متن	۱	۹/۰۹	۱
		فعالیت کلاسی	متن	۱	۹/۰۹	۱
یازدهم	ریاضی و آمار ۲	-	-	-	-	-

پیش‌دانشگاهی	ریاضی پایه	-	-	-	-
جمع					
۸	۱۰۰	۱۱			

برابر داده‌های جدول شماره ۱۱ و در بررسی سؤال شماره ۱۱ مشخص شد که در صفحه ۴۷ کتاب هنر، تصویری از پیاده‌روی رزمندگان هشت سال دفاع مقدس آورده شده است و به عنوان تکلیف از دانش آموزان خواسته شده است که با استفاده از قدرت تخیل، فضای دوران دفاع مقدس را تجسم کنند و یک عملیات دفاع مقدس و شخصیت‌های مربوط به آن عملیات را شخصیت‌پردازی کنند. در صفحه ۶۶ کتاب دو عکس از شهید محمدرضا قربان پور در منطقه هورالعظیم آورده شده است. در صفحه ۱۲۰ کتاب دو عکس از یک رزمنده دفاع مقدس در حال ادای فریضه نماز از دو نمای مختلف دیده می‌شود.

در صفحه ۸۱ کتاب تفکر و سواد رسانه‌ای، تصویری از یک رزمنده دفاع مقدس که در حال خندیدن است آورده شده است.

در صفحه ۹۱ کتاب روانشناسی، مطلبی در خصوص کتاب «پایی که جا ماند» و موضوع آن و خرید کتاب از نمایشگاه آورده شده است. در صفحه ۱۴۰ کتاب، تصویری از شهید صیاد شیرازی و سایر رزمندگان مشاهده می‌شود. این تصویر برای موضوع تصمیم‌گیری انتخاب شده است. در صفحه ۱۶۶ کتاب، مطلبی در خصوص دفاع مقدس و پیروزی با اعتقاد به باور بر حق بودن و پیروز بودن آمده است. در صفحه ۱۶۸ کتاب در یک فعالیت کلاسی از دانش آموزان خواسته شده است که در مورد شهدای دفاع مقدس از جمله شهید آبخناسان، شهید همت، شهید باکری، شهید صیادشیرازی، شهید نامجو و ... تحقیق و پژوهش کنند.

در کتاب‌های ریاضی و آمار ۱ پایه دهم، کارگاه کارآفرینی و تولید پایه دهم، انسان و محیط زیست پایه یازدهم، ریاضی و آمار ۲ پایه یازدهم و ریاضی پایه پیش‌دانشگاهی هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع دفاع مقدس نشده است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف میزان توجه به مفاهیم و موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی مقطع دوم متوسطه (دبیرستان) انجام شده است. نتایج حاصل از بررسی سؤال‌های پژوهش نشان داد که:

۱. در کتاب‌های انگلیسی، کتاب کار انگلیسی و عربی، زبان قرآن رشته علوم انسانی فقط ۱ مورد به موضوع ارزش‌های دفاع مقدس پرداخته شده است. با توجه به حوزه وسیع مطالب در حوزه دفاع مقدس، می‌توان مطالب خیلی بیشتر در این خصوص در این کتاب‌ها جای داد.
۲. در مجموع کتاب‌های تاریخ و تاریخ‌شناسی رشته علوم انسانی، فقط ۱ مورد به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن پرداخته شده است. با توجه به اینکه کتاب تاریخ ۱: ایران و جهان باستان عمومیت بیشتری دارد، می‌توان بخشی از آن را به اختصاص مطالبی در خصوص دفاع مقدس و تاریخ و چگونگی آن اختصاص داد.
۳. در بررسی کتاب‌های دین و زندگی و معارف اسلامی مشخص شد که در کتاب دین و زندگی ۱ شش مورد به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن اشاره شده است و در کتاب معارف اسلامی مقطع پیش‌دانشگاهی نیز دو مطلب در این خصوص آمده است. اختصاص شش مورد در کتاب دین و زندگی ۱ وضعیت مناسبی را نشان می‌دهد که با نتایج پژوهش‌های سبحانی نژاد و هرنندی (۱۳۸۶) و رضوی (۱۳۹۴) همخوانی دارد.
۴. در بررسی کتاب‌های تعلیمات ادیان الهی و اخلاق (ویژه اقلیت‌های دینی) و بینش پیش‌دانشگاهی مشخص شد که هیچ‌گونه مطلبی در خصوص موضوع و مفاهیم دفاع مقدس نیامده است. این نتایج با پژوهش افشار و سبحانی نژاد (۱۳۹۳) همخوانی دارد. با توجه به اینکه بخشی از رزمندگان کشورمان در زمان جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران از برادران اهل سنت و اقلیت‌های مذهبی بوده‌اند، لزوم توجه به مفاهیم و ارزش‌ها و به طور کلی موضوع دفاع مقدس در این کتاب‌ها ضروری به نظر می‌رسد.
۵. در بررسی کتاب‌های فارسی، نگارش و علوم و فنون ادبی در پایه‌های مختلف تحصیلی رشته علوم انسانی مشخص شد که در ۳۰ صفحه از این کتاب‌ها و در ۲۱ مورد به‌طور مستقیم به

- موضوع‌های مرتبط با دفاع مقدس اشاره شده است که در بین کلیه کتاب‌های بررسی شده رشته علوم انسانی بیشترین میزان توجه به موضوع و مفاهیم دفاع مقدس را به خود اختصاص داده است. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش سبحانی نژاد و هرنندی (۱۳۸۶) همخوانی دارد.
۶. در بررسی کتاب‌های منطق و فلسفه رشته علوم انسانی مشخص شد که در هیچ یک از این کتاب‌ها به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن اشاره‌ای نشده است. با توجه به تخصصی بودن موضوع این کتاب‌ها نمی‌توان ایرادی در این خصوص وارد کرد.
۷. در بررسی کتاب‌های جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در پایه‌های مختلف تحصیلی رشته علوم انسانی مشخص شد که در ۱۲ صفحه از این کتاب‌ها و در ۱۷ مورد به طور مستقیم به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌ها و مفاهیم مرتبط به آن اشاره شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در بین کتاب‌های رشته علوم انسانی مقطع دوم متوسطه پس از کتاب‌های فارسی و ادبیات فارسی، در کتاب‌های جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی بیشتر به موضوع دفاع مقدس و مفاهیم مرتبط با آن اشاره شده است.
۸. در بررسی کتاب‌های جغرافیا در پایه‌های مختلف تحصیلی رشته علوم انسانی مشخص شد که تنها در یک مورد در کتاب جغرافیای پایه دهم مطلبی در خصوص دفاع مقدس آمده است. با توجه به اینکه در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران بخش اعظمی از سرزمین جغرافیایی ما (به‌خصوص مرزهای غربی) درگیر جنگ شد، به نظر می‌رسد می‌توان مطالب مرتبط حوزه دفاع مقدس و جغرافیا را در کتاب‌های درسی دانش آموزان گنجاند.
۹. در بررسی کتاب آمادگی دفاعی پایه دهم مشخص شد که در ۲۸ صفحه (حدود ۲۰ درصد) از کل کتاب آمادگی دفاعی (۱۳۶ صفحه) به موضوع دفاع مقدس پرداخته شده است که در مجموع مناسب به نظر می‌رسد، زیرا این کتاب از لحاظ موضوعی مرتبط‌ترین کتاب در میان همه کتاب‌های بررسی شده به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن می‌باشد و از لحاظ کمی نیز فقط شامل یک کتاب در پایه دهم می‌باشد. با این وجود می‌توان از تجربیات و آموزه‌های دفاع مقدس نیز در این کتاب بهره گرفت.
۱۰. در بررسی کتاب‌های استان‌شناسی همه استان‌ها (۳۱ استان) مشخص شد که در همه آن‌ها به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن پرداخته شده است. در میان همه کتاب‌های بررسی شده

رشته علوم انسانی، بیش از همه در کتاب‌های استان‌شناسی به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن پرداخته شده است، البته زیاد بودن کتاب‌ها در این نتیجه‌گیری مؤثر بوده است. در همه کتاب‌های استان‌شناسی یک بخشی با مضمون «دفاع استان از مرزها و کیان ایران اسلامی» آورده شده است و در آن به بررسی وضعیت استان در دفاع مقدس پرداخته است. در بیشتر کتاب‌ها مطالبی در خصوص شهدای شاخص آن استان آمده است. در استان‌های مرزی غرب کشور که به صورت مستقیم در زمان جنگ تحمیلی درگیر بودند، مطالبی در خصوص مناطق عملیاتی و یادمان‌های دفاع مقدس نیز آورده شده است. در کتاب استان‌شناسی خوزستان، اردبیل و چهارمحال و بختیاری نسبت به سایر استان‌ها مطلب بیشتری در خصوص موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن آورده شده است. در استان‌های اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و کرمانشاه نسبت به سایر استان‌ها، به میزان کمتری به موضوع دفاع مقدس و ارزش‌های آن پرداخته شده است. در ابتدای همه کتاب‌های استان‌شناسی نیز سرود ملی جمهوری اسلامی ایران آورده شده است که در بررسی صورت گرفته لحاظ نشده است.

۱۱. در بررسی سایر کتاب‌های رشته علوم انسانی در مقاطع مختلف تحصیلی متوسطه دوم مشخص شد که در کتاب هنر پایه دهم ۶ مورد مطلب در ۳ صفحه در خصوص دفاع مقدس مطلب و تصویر آمده است که مناسب به نظر می‌رسد. در کتاب‌های ریاضی و آمار، کارآفرینی و انسان و محیط‌زیست نیز هیچ گونه اشاره‌ای به موضوع دفاع مقدس و مفاهیم مرتبط با آن نشده است.

پیشنهادهای

۱. با توجه به اینکه غالب کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی نظری می‌باشند، می‌توان از مطالب خیلی بیشتری در خصوص موضوع دفاع مقدس و مفاهیم و ارزش‌های آن در این کتاب‌ها استفاده کرد.
۲. با توجه به اینکه پایه اول متوسطه عمومی می‌باشد و همه دانش‌آموزان این پایه را می‌گذرانند، ضروری است به این پایه از لحاظ گنجانیدن موضوع دفاع مقدس در کتاب‌های درسی توجه بیشتری شود.
۳. در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی که مرتبط با اقلیت‌های دینی است، می‌توان از دلاوری‌ها و رشادت‌های رزمندگان مربوط به اقلیت‌های مذهبی استفاده کرد.

منابع

- ۱- افشار، عبدالله؛ سبحانی نژاد، مهدی (۱۳۹۳)؛ بررسی مفاهیم ایثار و شهادت در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۲، دوره جدید، شماره ۲۴
- ۲- دربخش، بهنام (۱۳۹۴)؛ بررسی میزان توجه به دفاع مقدس در کتب درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه اول ایران - پایان‌نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
- ۳- رضوی، عبدالحمید (۱۳۹۴)؛ تحلیل محتوای کتاب‌های درسی «دینی» و «ادبیات فارسی» دوره متوسطه براساس مؤلفه‌های دفاع مقدس... اسلام و پژوهش‌های تربیتی. سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳. ص ۹۱-۱۱۲.
- ۴- رعنائی، محمد، (۱۳۸۷)؛ بررسی داستان‌نویسی در ادبیات دفاع مقدس - پایان‌نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه تربیت معلم سبزوار
- ۵- سبحانی نژاد، مهدی؛ جعفری هرنندی، رضا (۱۳۸۶)؛ بررسی و تحلیل میزان توجه به مفاهیم دفاع مقدس در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی. دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار. سال چهاردهم، شماره ۲۷، ص ۳۹-۵۴.
- ۶- سبحانی نژاد، مهدی؛ یوزباشی، علیرضا (۱۳۸۶)؛ بررسی میزان توجه به مفاهیم فرهنگ ایثار و شهادت در محتوای کتاب‌های درسی فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی دوره راهنمایی کشور. مجموعه مقالات همایش ملی ایثار و شهادت، فرصت‌ها و چالش‌ها در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست، مازندران: دانشگاه مازندران.
- ۷- صباغیان، زهرا (۱۳۸۴)؛ معلم، دفاع مقدس و کتب درسی. نشریه نگاه وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۶۱.
- ۸- کرپندورف، تحلیل محتوا مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی،

۱۳۸۳

- ۹- مرزوقی، رحمت‌الله؛ فولاد چنگ، محبوبه (۱۳۹۰)؛ ارزیابی برنامه درسی دوره ابتدایی از منظر فرهنگ ایثار و شهادت. مجموعه مقالات اولین نشست علمی بررسی جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در نظام تعلیم و تربیت کشور. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۱۰- معروفی، یحیی؛ یوسف زاده، محمدرضا، (۱۳۸۸)؛ تحلیل محتوا در علوم انسانی. راهنمای عملی تحلیل کتاب‌های درسی، همدان، سپهر دانش.
- ۱۱- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار اعضای دفتر پژوهش و گسترش فرهنگ جبهه ۱۳۷۰/۱۰/۱۶ دیده شده در farsi.khamenei.ir.
- ۱۲- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت ۱۳۷۰/۰۴/۲۵ دیده شده در farsi.khamenei.ir.
- ۱۳- ملکی، حسن، ۱۳۷۹، مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه، تهران، سمت.

اصل ضرورت نظامی و بررسی بکارگیری وسایل و روش‌های

منع شده در جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران

علیرضا نوروزی^۱

حسام دیدگاه^۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۴

چکیده

حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه بین‌المللی (شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل) به دو طرف درگیری‌ها اجازه نداده است که برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های جنگی خود به هر نوع سلاح یا وسیله جنگی متوسل شوند. این حقوق از همان آغاز پیدایش خود در عصر نوین، با هدف انسانی و اخلاقی کردن جنگ و به حداقل ممکن رساندن آلام و دردهای جانبی آن، سعی کرده‌اند تا بکارگیری آن دسته از سلاح‌ها و روش‌هایی که موجب درد و رنج بیهوده شده و بر نیروهای رقیب آسیب‌هایی غیرضروری وارد می‌آورند را ممنوع کند. سؤال این است که آیا ضرورت‌های نظامی می‌تواند توجیه‌کننده استفاده از این وسایل ممنوعه و روش‌های غیرمجاز در صحنه‌ی کارزار جنگ باشد؟ از منظر حقوق بشردوستانه، تنها هدف مشروع مخاصمات مسلحانه، توقف توان جنگی دشمن و خارج کردن رزمنده از حالت جنگ و ادامه کارزار است، اما استفاده از روش‌ها و ابزار جنگی نامتعارف و کاربرد سلاح‌های ممنوعه و غیرانسانی، حتی از منظر اصل ضرورت نظامی، غیرقابل توجیه می‌باشد. عدم وضوح در معنای این اصل و تبیین نشدن حدود و ثغور «ضرورت نظامی»، موجب بروز و ظهور چالش‌ها و آسیب‌های فراوان در عرصه مخاصمات بین‌المللی و نیز مخاصمات داخلی شده است. ضرورت نظامی یک نیاز اضطراری، اجتناب‌ناپذیر و بدون فوت وقت برای اتخاذ اقداماتی است که از سوی یک فرمانده برای آنکه دشمن را به سریع‌ترین شکل ممکن به وسیله ابزار و ادوات قانونی و کنترل شده وادار به تسلیم و توقف کند، صورت می‌گیرد. مع‌ذلک این مقاله در پی یافتن ماهیت و حدود اصل ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و جایگاه این اصل با توجه به وسایل و روش‌های منع شده در حقوق مخاصمات مسلحانه با بررسی موردی جنگ عراق علیه ایران می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اصل ضرورت نظامی، روش‌ها و وسایل منع شده، جنگ عراق علیه ایران، تأسیسات هسته‌ای و حیاتی، حملات شیمیایی، محیط‌زیست.

۱- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران مرکزی، Alireza.norouzi@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم تحقیقات تهران، hesamdidgah@hotmail.com

مقدمه

ضرورت نظامی، اصلی در قوانین مخاصمات مسلحانه است که قابل کاربرد نبودن بالقوه‌ی معیارهای حقوقی را در شرایط خاص به رسمیت می‌شناسد و متعاقباً ممکن است تقصیر و جرم را برای عمل ظاهراً غیرقانونی در درگیری‌های مسلحانه، کاهش یا حذف کند؛ به عبارت دیگر ضرورت نظامی یک سری اقدامات را از قوانین خاص مربوط به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی استثناء می‌کند، این قانون آن دسته از اقدامات منافی قانون را مجاز می‌شمرد "که به منظور دستیابی به یک هدف نظامی ضرورت داشته" و در غیر این صورت باید مطابق با قانون مورد نظر باشند. سؤال اصلی این تحقیق این است که "حدود و صغور اصل ضرورت نظامی در بکارگیری روش‌ها و وسایل منع شده در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی چیست؟"

از منظر حقوق بشردوستانه، تنها هدف مشروع مخاصمات مسلحانه، توقف توان جنگی دشمن و خارج کردن رزمنده از حالت جنگ و ادامه کارزار است، اما استفاده از روش‌ها و ابزار جنگی نامتعارف و کاربرد سلاح‌های ممنوعه و غیر انسانی، حتی از منظر اصل ضرورت نظامی، غیرقابل توجیه می‌باشند. سلاح‌های شیمیایی و میکروبی از جمله سلاح‌های ممنوعه‌ای هستند که حقوق مخاصمات مسلحانه و بشر دوستانه کاربرد آنها را در مخاصمات مسلحانه منع کرده است. در این زمینه در سال ۱۹۲۵، پروتکلی در ژنو تدوین شد و طی مقررات خود، به صراحت کاربرد چنین سلاح‌هایی را در مخاصمات مسلحانه ممنوع اعلام کرد. همچنین در قوانین مربوطه، ممنوعیت‌هایی راجع به تاکتیک‌های نظامی و مراکز و ساختمان‌هایی خاص مقرر شده است که یکی از این موارد تخریب محیط زیست و حمله به تأسیسات غیر نظامی می‌باشد، چیزی که در عمل در جنگ‌ها بسیار دیده می‌شود. ارتش عراق با تخطی از ممنوعیت‌های مذکور در زمینه کاربرد سلاح‌های شیمیایی در موارد مختلفی با توسل به این گونه سلاح‌ها فاجعه عظیمی را هم برای ملت خود و هم برای مردم بی‌دفاع و غیر نظامی ساکن در شهرهای مرزی ایران به بار آورد. همچنین این رژیم بارها به تأسیسات غیرنظامی ایران که کیلومترها از مناطق جنگی فاصله داشتند، حمله‌ور شد که در این بین حمله به نیروگاه اتمی بوشهر، بیش از همه موارد مورد بحث ما می‌باشد. بررسی جوانب متعدد حقوقی جنگ عراق علیه ایران خود امری مهم می‌نماید که به نوعی زدودن گرد و غبار از موارد

نقض این اصل در این جنگ توسط عراق و همینطور برجسته و آشکار نمودن زاویه‌های آن که خود به نوعی انجام تکلیفی نسبت به شهدا و جانبازان که ارزشمندترین هدیه خداوند یعنی جان خود را برای سرزمین خود و اسلام در طبق اخلاص گذاشتند، وظیفه ما می‌باشد و هم به نوعی موجب کاربردی کردن مقاله حاضر در جهت آموزش فرماندهان نظامی در جهت تبیین شرایط و معیارهای تشخیص موارد ضرورت نظامی از غیر نظامی و غنی کردن ابعاد حقوقی مختلف این جنگ است.

ادبیات تحقیق

با توجه به مطالعات و تحقیقات بعمل آمده در مورد موضوع مذکور، اساساً هیچ تحقیق، رساله، کتاب جامعی در مورد این اصل اساسی وجود ندارد و ضرورت تحقیق و تفحص در این موضوع بیش از پیش احساس می‌شود. با این حال این موضوع، عنوان دو رساله در آمریکا و فرانسه بوده و همچنین مقالات متعددی از آقایان نویو هایاشی و اسمیت و ... در این موضوع نگاشته شده است که جای خالی این بحث در کشور ایران که خود مبتلا به جنگ بوده خالی می‌باشد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر ماهیتاً توصیفی و تحلیلی بوده و اطلاعات و داده‌های این تحقیق مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد. برای به دست آوردن نتایج حقوقی منابع فراوانی از اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه و نیز کتب و مقالاتی در مورد موضوع مذکور مورد مذاقه قرار گرفته است. در موضوع مذکور با توجه به قوانین و مقررات مربوطه و همچنین رویه‌ی قضایی حاضر و اصول کلی اقدام به تحلیل حقوقی وقایع صورت گرفته است.

۱ - مفهوم و محتوای اصل ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی

در کتاب‌های نظامی و متون دانشگاهی، ضرورت نظامی رسماً به‌عنوان یکی از اصول اساسی قوانین جدید جنگی تأیید می‌شود. ضرورت نظامی از ابتدا محدودیتی بر اقدامات کشور بوده و همچنان باید به‌عنوان یک محدودیت عمل کند اما به نظر می‌رسد که فراموش شده باشد.

جدیدترین تحقیر ضرورت نظامی به دادگاه‌های نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد که در آن برخی از خوانندگان خشونت علیه غیرنظامیان را با اصل ضرورت نظامی توجیه می‌کردند. متأسفانه ضرورت نظامی امروزه به‌طور گسترده به‌عنوان یک دکترین خیانت‌آمیز محسوب می‌شود که جهت توجیه هرگونه تخطی استناد می‌شود. در نتیجه این اصل نمی‌تواند نقش خلاقانه‌ای ایفا کند که قابلیت بازی داشته باشد.

دین و تمدن اسلامی نیز بیش از دیگر ادیان و تمدن‌ها به لزوم رعایت مقررات انسان دوستانه در جنگ‌ها تأکید کرده است. دین اسلام اجرای حقوق بشردوستانه را از مقتضیات و ضروریات دانسته و فقیهان اسلامی با وضع قاعده‌ی «الضرورات تبیح المحظورات» بر همین مطلب صحه گذاشته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد جمع بین دو وضعیت متناقض، یعنی ملاحظات انسان دوستانه و ضرورت‌های نظامی، مروت و رحمت و انسانیت را بر جنگ مقدم دانسته‌اند تا به رزمنده‌ی مسلمان القا شود که او بازوی عدالت است، نه شمشیر انهدام مقررات بشردوستانه‌ی اسلامی.

حال در این میان نباید از ملاحظات و شرایط کنونی جامعه بین‌المللی دور بود؛ چرا که مقررات بین‌المللی مخاصمات مسلحانه الزاماً شامل محدودیتی بر صلاحیت حاکم پر دولت‌ها در اعمال زور در راستای دفاع از منافعشان می‌باشد. به‌طور واضح، جایی که منافع حیاتی دولت‌ها در خطر باشد، واقع‌گرایانه نیست که مطالبات عملی شرایط، در اجرای قوانین نادیده گرفته شود؛ یعنی باید نگاهی رئالیسم نسبت به وضعیت حکومت‌ها و آنچه که واقعاً در جنگ‌ها اتفاق می‌افتد، داشته باشیم. به‌طور تاریخی دکترین ضرورت نظامی در تعریف شرایط تعادل میان واقعیات اقدامات زورمندانه و محدودیتهای بشردوستانه اهمیت اساسی داشته است. مدافعان حقوق بین‌الملل بشردوستانه، معتقدند آنچه که حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در برابر مخاطبانش موفق می‌کند این است که معیارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، نبرد میان طرفین جنگ - و انجام مأموریت نظامی - را غیرممکن نمی‌سازد.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه نمی‌خواهد مانع پیروزی یکی از متخاصمین در جنگ شود. رعایت الزامات بشری کسب موفقیت‌های نظامی را به خطر نمی‌اندازد؛ رفتار بشردوستانه مانع دستیابی به اهدافی که به خاطر آن‌ها جنگ صورت گرفته نمی‌شود.

امروزه ضرورت نظامی به‌طور گسترده به‌عنوان چیزی محسوب می‌شود که در مقابل قوانین بشردوستانه بین‌المللی ایستاده و تمایل زیادی به غلبه و یا نادیده گرفتن این مقررات دارد و متأسفانه نقش اصلی آن که به‌عنوان محدودیتی بر اقدام نظامی بوده، فراموش شده است. در حالی که قوانین جنگ در چارچوب خود، ضرورت نظامی را اجازه می‌دهند که نمی‌تواند از قوانین تجاوز کند. ضرورت نظامی زمانی که قوانین تنظیم شدند در نظر گرفته شده، و مقررات دیگر نشان می‌دهند که تا چه میزان می‌توانند تحت فشار ضرورت نظامی تعدیل شوند.

اصل ضرورت نظامی وسیله‌ای نیست که توسط آن بتوان از قوانین جنگی اجتناب کرد. اگرچه ضرورت نظامی استفاده از خشونت را برای وادار کردن دشمن به تسلیم مجاز دانسته، این دکترین تنها خشونت «تنظیم‌شده» را مجاز می‌داند نه خشونتی که توسط قوانین و عرف جنگی ممنوع است؛ به عبارت دیگر قواعد کلی ضرورت این است که متخاصمین ممکن است ابزاری که برای دستیابی به اهدافشان لازم است را بکار گیرند؛ اما اگر چنین اقدامی توسط قواعد حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده و ممنوع اعلام شود، ضرورت نظامی قابلیت توجیه این رفتار را ندارد. یک جنگ خوب، جنگی است که در آن هر اقدامی یک «ضرورت نظامی» باشد، یعنی اینکه، به‌طور حرفه‌ای و با بسیج منابع مطلوب انجام شود و به‌سوی یک هدف نظامی تعریف شده که از لحاظ استراتژیکی درست و کامل، و از لحاظ منطقی قابل دستیابی باشد، رهنمون و هدایت شود. همچنین ما معتقدیم مسئله‌ی ضرورت نظامی حساس‌ترین مسئله‌ای است که می‌تواند موجب کوتاه کردن جنگ‌ها شود.

بالعکس، جنگ‌ها می‌توانند به روش‌های مختلف و به نحو نامناسبی صورت پذیرند. برای مثال، ممکن است اقدامات مورد نظر، اگرچه برای رسیدن به اهداف نظامی مربوطه ضروری هستند، اما ناکام باشند، یا ممکن است در رابطه با اهداف مذکور، بیش از حد نیاز باشند (از حد نیاز تجاوز کند) و ممکن است صرفاً هیچ ربطی به اهداف فرضی آنها نداشته باشند، و یا حتی به خاطر اهداف شخصی، سیاسی و بدون در نظر گرفتن هیچ هدف خاصی انجام شده باشند، همچنین می‌توانند در نتیجه وجود یک سری اهداف نظامی نسنجیده، غیرواقع‌گرایانه یا درست تعریف نشده، باشند. در واقع، جنگ‌های غیر اقتصادی اغلب یک نتیجه ترکیبی از این اقدامات و اهداف می‌باشند. اینجا

دقیقاً جایی است که ضرورت‌های نظامی ملموس و عینی جلوی این نوع از اهداف را گرفته و اقدامات عملیاتی را فقط در یک چارچوب دقیق و صرف نظامی اجازه می‌دهد.

در نخستین کتاب‌های راهنمای ارتش در میدان نبرد، فرانسیس لیبر توصیفی پوزیتیویسم (اثبات‌گرایانه) از این دکترین ارائه نمود: «ضرورت نظامی، چنانکه توسط کشورهای متمدن مدرن استنباط می‌شود، شامل ضرورت معیارهایی می‌شود که برای تأمین اهداف جنگ مطلقاً ضروری هستند و شامل معیارهایی که مطابق با قوانین و عرف جدید جنگی، قانونی هستند» (D. Van , 1903, Nostrand, p:).

مطابق این تفسیر، اصل ضرورت نظامی وسیله‌ای نیست که توسط آن بتوان از قوانین جنگی اجتناب کرد. در مقابل، دکترینی است که با عرف و معیارهای بین‌المللی محدود می‌شود. با گنجاندن این دکترین در یک متن حقوقی، تعریف فوق می‌تواند ذکر شود تا ضرورت نظامی را مشروع کند.^۱

بسیاری از حقوقدانان، از این تئوری پوزیتیویسم ضرورت نظامی حمایت کرده‌اند. ویلیام جرال دونی^۲ فرمانده ارتش آمریکا عنوان کرده است که اگرچه ضرورت نظامی استفاده از خشونت را برای وادار کردن دشمن به تسلیم مجاز دانسته، این دکترین تنها خشونت «تنظیم‌شده» را مجاز می‌داند نه خشونتی که توسط قوانین و عرف جنگی ممنوع است. (Downey, 1953, p: 251, 254-60) با موافقت با این نظر، جردن پست^۳ نوشته است که قواعد کلی ضرورت این است که متخاصمین ممکن است ابزاری که برای دستیابی به اهدافشان لازم است را بکار گیرند اما اگر چنین اقدامی توسط قواعد حقوق بین‌الملل پذیرفته نشود، ضرورت نظامی این رفتار را توجیه نمی‌کند (Paust, 1974, p: 160, 172).

حقوقدانان به پیش شرط‌ها و قیودی پرداخته‌اند که گفته می‌شود بخشی از مفهوم ضرورت نظامی است. از آنجا که در اصطلاح‌شناسی حقوق، مفاهیم مختلف از ضرورت نظامی هنوز به‌طور

۱- O'Brien, *supra* note 1, p 128-31.

۲- William Gerald Downey.

۳- Jordan J. Paust.

کامل تعریف و توضیح داده نشده است، نگارنده این سطور صرفاً با اتکاء به پرونده‌های مختلف در دادگاه‌های نظامی که رأی درباره آنها صادر شده است، تعریف زیر را از ضرورت نظامی تهیه کرده است:

«ضرورت نظامی عبارت است از یک نیاز اضطراری، اجتناب‌ناپذیر و بدون فوت وقت برای اتخاذ اقداماتی از سوی یک فرمانده برای آنکه دشمن را به سریع‌ترین شکل ممکن وادار به تسلیم از طریق استفاده از ابزار و ادوات خشونت قانونی و کنترل شده‌ای کند که قوانین و عرف و عرف جنگ‌ها آن را ممنوع نساخته‌اند.»

سپس این تعریف به چهار شرط متزاید تجزیه می‌شود:

- الف) آن اقدام عمدتاً به خاطر دست یافتن به یک هدف نظامی خاص صورت گرفته باشد.
- ب) و آن اقدام برای دست یافتن به آن هدف نظامی لازم بوده است.
- ج) اینکه هدف نظامی مورد نظر که آن اقدام برای دست یافتن به آن صورت گرفته است مطابق با قوانین بین‌المللی بشردوستانه بوده است.
- د) همچنین خود آن اقدام مطابق با قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی بوده است.

متأسفانه امروزه اصل ضرورت نظامی غالباً به‌عنوان یک آموزه پنهانی در نظر گرفته می‌شود و بیشتر به‌منظور توجیه کردن خشونت به آن استناد می‌شود، در نتیجه باید آن را تحت شدیدترین محدودیت‌های ممکن قرارداد و یا چنانچه قوانین جنگ در دست تدوین می‌باشند شرح و تفصیل بیشتری در مورد آن صورت گیرد.

۱-۱- ضرورت نظامی به‌عنوان یک اصل در حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

ضرورت نظامی به‌عنوان یک اصل همچنان یک اصل معتبر می‌باشد، اما امروزه به‌عنوان این ایده استنباط می‌شود که عملیات نظامی را مشروع می‌کند مگر اینکه عملیات موضوع بحث مطابق قانون درگیری‌های مسلحانه ممنوع باشند؛ به عبارت دیگر ضرورت نظامی به‌عنوان یکی از اصول این مجموعه از حقوق، به‌عنوان توجیهی محدود استنباط می‌شود. با درک این شیوه، ضرورت

نظامی می‌تواند به‌عنوان عامل محدودکننده‌ی خشونت توصیف شود نه به‌عنوان عامل محرک خشونت، چراکه این اصل خشونت‌های غیرضروری را منع می‌کند.^۱ همچنین ضرورت نظامی در این معنا، به‌عنوان ضابطه‌ی اصلی مجموعه‌ای از مقررات و اصول در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اعمال می‌شود. این اصل نشانگر موقعیت نگرانی‌های نظامی در تعیین تعادل میان ملاحظات نظامی و ملاحظات دیگر، زمانی که اصول و مقررات خاص اعمال می‌شوند تا پرونده‌ها را مستند کنند، می‌باشد. به‌عنوان مثال اصل تناسب موضوع ارزیابی ضرورت نظامی در این معناست. این اصل که تحمل دردهای غیرضروری را به‌عنوان ابزار و شیوه‌های جنگی منع می‌کند، ارزیابی ضرورت نظامی را به‌عنوان عامل متعادل‌کننده نیز در بر می‌گیرد.^۲

یک پرونده که روح ضرورت نظامی را به‌عنوان توجیه نامحدود احیا کرد، نظر مشورتی ۱۹۹۶ بود که در آن دیوان بین‌المللی دادگستری مسئله‌ی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را بررسی کرد.^۳ این نظر صریحاً ضرورت نظامی را به‌عنوان توجیهی نامحدود ذکر نکرد و فقط آن را تأیید کرد. با این وجود، به دلیل این تصمیم معروف ابهام‌آمیز که دیوان نگرانی مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را دریافت، هیچ‌کس نمی‌تواند از بحث در خصوص ضرورت نظامی در این زمینه اجتناب کند.^۴ بخش مرتبط تصمیم معروف این نظر مشورتی دو قسمت بود. نخست، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بطور کلی مغایر با اصول و قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. دوم، با این وجود «دیوان نمی‌تواند بطور قطعی رأی دهد که آیا تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در شرایط حاد دفاع مشروع، که در آن بسیاری از بازماندگان یک کشور در خطر هستند، مشروع است یا نامشروع».^۵

۱- Gardam, supra note 117, p 8.

در این تالیفات، ضرورت نظامی در کنار شرط مارتینز قرار نمی‌گیرد اما همراه با شرط مارتینز به عنوان اصولی قرار می‌گیرد که زیاده‌روی‌های نظامی را در برقراری تعادل میان نگرانی‌های بشردوستانه و نظامی محدود می‌کند.

۲- Gardam, supra note 117, p 70-73.

۳- پرونده‌ی مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای. اگرچه از دیوان درخواست شد که مشروعیت هم استفاده و هم تهدید سلاح‌های هسته‌ای را تعیین کند، این بحث در این فصل محدود به مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای می‌شود.

۴- Greenwood, supra note 412, p 263-264.

5- Legality of Nuclear Weapons case, supra note 358, para. 151.

در واقع، این نتیجه‌ی دو قسمتی می‌توانست تلویحاً به دیوان اشاره کند که ممکن است مواردی وجود داشته باشد که در آن‌ها استفاده از سلاح‌های هسته‌ای موجب نقض قوانین بشردوستانه نشود، اگرچه «بطور کلی» استفاده از این سلاح‌ها موجب نقض این قوانین می‌شود.^۱ با این وجود، دیوان مقرر داشته که «با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل» نمی‌توان تصمیم گرفت.^۲ این ایده‌ی خاص اجازه می‌دهد که نشان دهد منظور دیوان چیز دیگری بود. یک تفسیر احتمالی از این ایده این است که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای «بطور کلی» مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه غیرقانونی است؛ مگر اینکه توجه خاصی برای این عمل نامشروع وجود داشته باشد. این تفسیر مسلماً منتهی به این سؤال می‌شود: این توجه خشونت‌بار چه می‌تواند باشد؟ در خصوص قسمت اول ایده‌ی دیوان مقرر شده، این دلیل استثنایی، باید استثنایی معتبر در این شاخه‌ی خاص از حقوق، یعنی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، باشد.^۳

در راستای این موضوع، در خصوص دو احتمال دیگر نیز بحث شده است. هر دو احتمال بطور ضمنی بر این استدلال اتکا می‌کنند که «هدف، وسیله را توجیه می‌کند»، موضوع تکراری اما دردسرساز ضرورت نظامی. نخست، برخی از قضات دیوان با اشاره به دفاع مشروع که بطور استثنایی نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را توجیه می‌کند، از امکان تفسیر این تصمیم یا حمایت کرده و یا آن را نشان دادند. اگر این تفسیر صحیح باشد این موضوع در واقع در خصوص هدف و وسیله خواهد بود. از صحت هدف، یعنی دفاع مشروع، استفاده می‌شود تا نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در این ترکیب غیرعادی و انتقادی حقوق در جنگ و حقوق بر جنگ، بهبود بخشد. دوم اینکه، شخص می‌تواند، به دلیل وضعیت خاصی که به «بسیاری از بازماندگان کشوری» که در این ایده‌ی دیوان در خطر بودند داده شده، همچنان نشان دهد که این توجیه کاملاً از مشروعیت دفاع مشروع نشأت نمی‌گیرد؛ اما اگر این توجیه برای نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه با استفاده

1- Greenwood, supra note 412, p. 264.

2- Legality of Nuclear Weapons case, supra note 358, para. 151.

۳- اگرچه کوهن (Kohen) نیز وضعیت ضرورت را بررسی کرد و شرایطش را در مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت کشورها، قید کرد، اما مقرر شده که وضعیت ضرورت باید بی‌ارتباط محسوب شود. تفسیر ماده ۲۵ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت کشورها، این را آشکار می‌کند که وضعیت ضرورت در این ماده قصد ندارد که بحث‌های ضرورت نظامی را در حقوق بشردوستانه دربرگیرد.

از سلاح‌های هسته‌ای باشد، این استدلال همچنان پابرجاست که «هدف وسیله را توجیه می‌کند». هدفی که ارزیابی می‌شود، بقای کشور و وسیله‌ای که برای این هدف استفاده می‌شود، سلاح‌های هسته‌ای است. آنچه که در هر دو تفسیر دردرساز خواهد بود، پذیرش عملی این امر است که به کشورها این اختیار داده می‌شود زمانی که اقداماتشان را با یک هدف موجه تعقیب نمی‌کنند، قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه را کنار بگذارند.

هدف این نیست که رضایت‌بخش‌ترین تفسیر تصمیم دیوان، در خصوص استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را تعیین کند. در واقع، کلیه‌ی تلویحات احتمالی که در بالا مشخص شد در یک شیوه یا شیوه‌ی دیگر رضایت‌بخش نیست. منظور این تحقیق این است که مثالی را بیان کند که در آن ضرورت نظامی به‌عنوان توجیهی نامحدود و دیدگاه قدیمی حقوق بین‌الملل، که در آن کشورها فرمانروای قانون هستند، کاملاً بی‌ارتباط به مفهوم معاصر آن نیست. این دیدگاه حقوق بین‌الملل که در پرونده‌ی مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای مشاهده شد، به‌عنوان اصل لوتوس^۱ مورد بحث قرار گرفت.^۲ مسئله این نیست که این دیدگاه، اصل لوتوس یا ضرورت نظامی نامیده شود. آنچه باید شناخته شود، تنش عظیمی است که این دیدگاه برای حقوق بین‌الملل بشردوستانه ایجاد می‌کند.

۱-۲- مبانی تاریخی: ضرورت نظامی به‌عنوان توجیه

این فرضیه که ضرورت نظامی می‌تواند انحراف از قوانین سفت و سخت حقوق بین‌الملل را توجیه کند، ریشه‌هایش در دکتترین "منطق جنگ"^۳ (ضرورت در جنگ، شیوه‌های جنگی را توجیه می‌کند)^۴ قرن ۱۹ آلمان، یافت می‌شود. پیش از جنگ جهانی اول، نویسندگان آلمانی اظهار داشتند که ضرورت بیش از حد می‌تواند الزام‌آور بودن قوانین جنگی را رد کند.^۵ مشخصاً، این توسعه‌ی ضرورت بر معیارهای حقوقی، زمانی توجیه شد که تنها وسیله‌ی اجتناب از خطر شدید

1- Lotus principle

۲- این اصطلاحی است که از پرونده‌ی کشتی لوتوس (S.S. Lotus) دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی اتخاذ شده است.

3- Kriegsraison

4- geht vor Kriegsmanier

5- LASSA OPPENHEIM, INTERNATIONAL LAW: A TREATISE ,Hersch Lauterpacht 7th ed, 1952,p 209.

نقض قوانین بود و یا اینکه مطابق قوانین می‌شد اهداف نهایی جنگ را به خطر انداخت. مفهوم “دکترین منطقی جنگ” هرگز مورد قبول قرار نگرفت؛ اگرچه خطراتش برای نظم حقوقی آشکار بود. به‌عنوان مثال، پرسی بوردول^۱ در اثر خود در سال ۱۹۰۸ عنوان کرد که «با ارائه‌ی یک تفسیر موسع، این مفهوم به زودی کاملاً جایگاه قوانین جنگی را غصب خواهد کرد».^۲ الیهو روت^۳ رئیس انجمن حقوق بین‌الملل آمریکا، بطور مشابهی در نشست این سازمان در سال ۱۹۲۱ اظهار داشت که «یا دکترین منطقی جنگ باید قطعاً و سرانجام کنار گذاشته شود یا اینکه به جای آن جهان بدون قانون باقی خواهد ماند».^۴

محاکمات جرایم جنگی که در پی جنگ جهانی دوم رخ داد، مطمئناً به این اظهارات خاتمه می‌دهد. در پرونده‌ی اسیر^۵ ژنرال آلمانی ادعا کرد که ضرورت نظامی اقداماتی از قبیل انتقام و قتل غیرنظامیان در زمان اشغال را توجیه می‌کند.^۶ دادگاه نظامی آمریکا این ادعا را رد کرد و مقرر داشت که:

ضرورت نظامی به هر یک از طرفین جنگ، مطابق قوانین جنگ، اجازه می‌دهد که هر میزان و هر نوع از زور را با کمترین اتلاف وقت، جان و مال، اعمال کند تا دشمن را وادار به تسلیم کامل کند. ضرورت نظامی نابودی جان دشمنان مسلح و اشخاص دیگری که نابودیشان توسط درگیری‌های مسلحانه‌ی جنگ غیرقابل اجتناب است را اجازه می‌دهد... اما کشتار اشخاص بی‌گناه، به‌منظور انتقام یا ارضای شهوت کشتن، را مجاز نمی‌داند. برای اینکه نابودی اموال قانونی باشد باید ضرورت‌های جنگ بطور آمرانه آن را مطالبه کنند. نابودی به‌عنوان یک هدف به خودی خود نقض حقوق بین‌الملل است. باید رابطه‌ی معقول و مناسبی میان نابودی اموال و غلبه‌ی نیروهای دشمن وجود داشته باشد. .. ما با این دیدگاه

1- Percy Bordwell

2- PERCY BORDWELL, THE LAW OF WAR BETWEEN BELLIGERENTS: A HISTORY AND COMMENTARY, 1908, p 5.

3- Elihu Root

4- Elihu Root, President, Am.Soc’y of Int’l Law, Opening Address at the Fifteenth Annual Meeting of the American Society of International Law (Apr. 27, 1921), in 15 AM. SOC’Y INT’L L. PROC, 1921, p 1- 3.

5- The Hostage Case

6- United States v. List (The Hostage Case), 11 TRIALS OF WAR CRIMINALS BEFORE THE NUREMBERG MILITARY TRIBUNALS UNDER CONTROL COUNCIL LAW NO. 10, 1950, p 1230 .

که قوانین جنگی چیزی کمتر از آنچه که آنها ادعا می کنند است، موافق نیستیم. ضرورت یا تناسب نظامی، نقض قوانین موضوعه را توجیه نمی کند. حقوق بین الملل حقوق منع کننده است.

هیچ مبنایی در حقوق بین الملل معاصر یا عرف وجود ندارد که نظر مخالفی دهد؛^۱ «دکترین منطق جنگ» به سادگی، با اجرای حقوق بین الملل بشردوستانه در دنیای امروز ناسازگار است. با این وجود، مبنای تاریخی ضرورت نظامی به عنوان توجیهی برای انحراف از حمایت کامل از اشخاص و اهداف غیرنظامی در طول جنگ، بطور کامل صورت می گیرد و در کل مجموعه قوانین حقوق بین الملل بشردوستانه منعکس می شود. اگرچه انحراف از معیارهای تأسیس شده ی حقوقی مبتنی بر ضرورت نظامی، مجاز نیست، متعادل کردن ضرورت نظامی و بشردوستی، حقوق بین الملل معاصر را هم در مفهوم کلی و هم در مفهوم خاص تحت الشعاع قرار می دهد.

۱-۳- اصول ضرورت نظامی و بشردوستی در قوانین^۲

اصل ضرورت نظامی در قوانین مدون به ندرت دیده می شود. در ابتدا به شکل شناخته شده ای در قانون لیبر ۱۸۶۳،^۳ که نیروهای نظامی را در طول جنگ داخلی آمریکا ملزم می کرد، مشاهده شد. ۳ ماده ی این قانون در مورد ضرورت نظامی معیاری را برای توسعه ی بعدی این اصل فراهم کرد:

ماده ۱۴. ضرورت نظامی، چنانکه توسط دولت های متمدن جدید استنباط شد، شامل معیارهایی ضروری می شود که برای تضمین اهداف جنگ کاملاً ضروری هستند و بر اساس قوانین جدید و عرف جنگی، قانونی هستند.

1- H. McCoubrey, *The Nature of the Modern Doctrine of Military Necessity*, 30 REVUE DE DROIT MILITAIRE ET DE DROIT DE LA GUERRE, 1991, p 215.

2- Lex Scripta

۳- توجه داشته باشید که قانون لیبر یک قانون داخلی بود نه یک معاهده. با این وجود، آن مبنایی برای حقوق بین الملل بشردوستانه جدید بود. برای اطلاعات بیشتر در خصوص قانون لیبر و ضرورت نظامی، مشاهده کنید:

Burrus M. Carnahan, *Lincoln, Lieber and the Laws of War: The Origins and Limits of the Principle of Military Necessity*, 92 AM. J. INT'L L. 1998, p 213 .

ماده ۱۵. ضرورت نظامی، کلیه‌ی نابودی‌های مستقیم جان یا اعضای بدن دشمنان مسلح و اشخاص دیگری که نابودی آن‌ها در درگیری‌های مسلحانه در حین جنگ، اجتناب‌ناپذیر است را مجاز می‌داند. ... دست به اسلحه بردن اشخاص علیه یکدیگر در جنگ، مانع از این نیست که این اشخاص اخلاق‌گرا، مسئول در برابر اشخاص دیگر و مسئول در برابر خداوند باشند.

ماده ۱۶. ضرورت نظامی ظلم، یعنی تحمیل درد و رنج غیرضروری و رنج یا به‌منظور انتقام، را نمی‌پذیرد و بطور کلی، ضرورت نظامی هیچ عملیات خصمانه‌ای، که به صلحی بازمی‌گردد که غیرضروری و دشوار است، را نمی‌پذیرد.

می‌بینیم که چگونه ملاحظات بشردوستانه‌ی قانون لیر هرگونه اجرای ضرورت نظامی را متعادل می‌کند. به‌عنوان مثال ماده ۱۴ هر نوع نابودی که برای دستیابی به اهداف جنگی ضروری است را بررسی می‌کند؛ اما تنها تا حدی که این اقدامات مطابق با قوانین تأسیس‌شده‌ی معیارهای جنگی باشند. همچنین، اگرچه ماده ۱۵ مسلم بودن ضرر به غیر مبارزان، نه مبارزان، را پیش‌بینی می‌کند اما این ضرر را بطور ضمنی و قابل اجتناب، محدود می‌کند. ماده ۱۶ این ادعا، که کلیه‌ی حملات به مبارزان صحیح است چون با این شرط که این حملات ظالمانه نیستند و ضروری می‌باشند، را محدود می‌کند.

در مقابل، حقوق بین‌الملل بشردوستانه انحراف از قانونی که ریشه در بشردوستی داشت را بر مبنای ضرورت نظامی بررسی می‌کند. به‌عنوان مثال، کنوانسیون چهارم لاهه نابودی یا توقیف اموال دشمن را منع می‌کند مگر اینکه «ضرورت‌های جنگ، الزاماً آن را خواسته باشد».^۱ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ قدرت‌های اشغالگر را از نابودی برخی اموال منع می‌کند «مگر جایی که چنین نابودی اساساً توسط عملیات نظامی ضروری باشد».^۲ حمایت‌هایی که از میراث فرهنگی در کنوانسیون میراث فرهنگی لاهه ۱۹۵۴ شده ممکن است «در پرونده‌هایی که در آن‌ها ضرورت

۱- مشاهده کنید کنوانسیون چهارم لاهه، بالا، زیرنویس ۲۹۷، ماده (ج) ۲۳.

۲- کنوانسیون ژنو در خصوص حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ ماده ۵۳، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹. کنوانسیون ژنو در خصوص رفتار زندانیان جنگ ماده ۱۲۶، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹. براساس این کنوانسیون‌ها، نابودی گسترده یا توقیف اموال زمانی که «با ضرورت نظامی توجیه نشود و بطور غیرقانونی و عمدی صورت گیرد» نقض آشکار است. همچنین علیرغم شرایطی سخت، محدودیت‌هایی را بر جبران خسارت زندانیان براساس ضرورت نظامی اجازه می‌دهد.

نظامی الزاماً مستلزم چنین چشم‌پوشی هستند»^۱، کم باشد.

پروتکل الحاقی شماره ۱ سال ۱۹۷۷ اقدامات زیر را در صورت «ضرورت نظامی الزامی» اجازه می‌دهد: لغو ممنوعیت استراتژی «زمین سوخته»^۲ در کشور تحت کنترل عضو پروتکل؛ استفاده از «امکانات و ساختمان‌های واحدهای نظامی که بطور دائمی به سازمان‌های دفاعی غیرنظامی واگذار شدند»؛ و محدود کردن اقدامات دفاعی غیرنظامی و غرامت پرسنل. این مثال‌ها نشانگر این است که حتی زمانی که در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه صریحاً ذکر شد نیز، ضرورت نظامی همواره در سایه‌ی نگرانی‌های بشردوستانه عمل می‌کند.

بطور قابل توجهی، ضرورت نظامی اصل تمایز را، که با یکی از دو اصل «اساسی» حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌ی سلاح‌های هسته‌ای مشخص می‌شود، محدود می‌کند.^۳ این اصل حقوقی عرفی، که در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی شماره ۱ منعکس شده، طرفین را ملزم می‌کند که «در هر زمان میان غیرنظامیان و نظامیان (مبارزان) و میان اهداف غیرنظامی و نظامی، تمایز قائل شوند».^۴ مواد ۵۱ و ۵۲ تمایز را در زمینه‌ی ضرورت نظامی عملی می‌کنند؛ بنابراین، درحالی‌که ماده ۵۱ حمله به غیرنظامیان را ممنوع می‌کند، آنهایی که در درگیری (جنگ) شرکت می‌کنند حمایت مذکور را به دلیل «نقش مستقیمی که در خصومت‌ها دارند» از دست می‌دهند. ماده ۵۲ نیز حمله به اهدافی که «اهداف نظامی» نیستند را منع می‌کند، اما تأیید می‌کند که اهداف غیرنظامی می‌توانند اهداف نظامی شوند زمانی که «با ماهیت، مکان، هدف یا استفاده از آن‌ها»، این اهداف «نقش مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند» و «نابودی، توقیف یا خنثی‌سازی کامل آن‌ها، در شرایط حاکم بر آن زمان، یک منفعت نظامی قطعی را ارائه دهد».^۵

۱- کنوانسیون راجع به حمایت از میراث فرهنگی در زمان درگیری‌های مسلحانه ۱۹۵۴، ماده ۴.

۲- زمین سوخته (scorched earth) استراتژی نظامی است که طی آن کلیه‌ی خانه‌ها، محصولات، کارخانه‌ها و ... موجود در منطقه، عمداً نابود می‌شود تا دشمن (کشور اشغالگر) نتواند از آن استفاده کند.

3- Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 1996 I.C.J. 226,257 (July 8).

۴- پروتکل الحاقی اول، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۴۸؛ همچنین مشاهده کنید وزارت نیروی دریایی، کتابچه فرمانده در زمینه قوانین نیروی دریایی بند ۸، ۱ (۲۰۰۷) قابل مشاهده در سایت: <http://tinyurl.com/yerq4lo>

۵- همان، ماده ۵۲ (۲).

ضرورت به‌عنوان عامل محدودکننده در اصل اساسی دوم، یعنی درد و رنج غیرضروری، نیز ظاهر می‌شود که بطور ضمنی ماهیت مشروع سلاح‌هایی که از نظر نظامی درد و رنج ضروری ایجاد می‌کنند، را به رسمیت می‌شناسد.^۱

در مثال‌های مذکور، محدود کردن، خواه صریح و خواه ضمنی، قواعد عمومی بر مبنای ضرورت نظامی آشکار است؛ اما بررسی اکثر قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه آنهایی که بر رفتار متخاصمین حاکم است، حساسیت ثابتی را نسبت به تعادل میان ضرورت نظامی و بشردوستی آشکار می‌کند. به‌عنوان مثال مهاجم ممکن است چند هدف نظامی را در منطقه‌ای که جمعی از غیرنظامیان حضور دارند به‌عنوان هدف نظامی مستقل (منطقه یا محله بمب‌گذاری‌شده) بررسی کند زیرا اهداف «مجزا و متمایز» هستند، زمانی که ممکن است شخصاً به آن‌ها حمله کند.^۲ به‌عنوان اهداف قانونی، نابودی آن‌ها از نظر نظامی ضروری است، اما اهداف بشردوستانه که ضرر به غیرنظامیان را محدود می‌کند، گزینه‌های تاکتیکی را به‌عنوان حکم قانونی دستور می‌دهد.

نیاز به گزینه‌های تاکتیکی خاص، وسیله‌ی رایج حفظ بشردوستی، در زمان رفتار خصومت‌آمیز است. اگر اهداف عملی دیگری وجود داشته باشند که «یک منفعت نظامی مشابه» را با «خطر کمتر برای جان غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی» پیشنهاد دهد، مهاجمان نمی‌توانند یک هدف نظامی را هدف قرار دهند.^۳ آن‌ها باید همچنین میان تاکتیک‌ها و سلاح‌ها (شیوه‌ها و ابزار)، با در نظر گرفتن «اجتناب و کاستن از، نابودی اتفاقی جان غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان و خسارت به اهداف غیرنظامی»، انتخاب کنند.^۴ وجود گزینه‌ها به «عملی بودن» گزینه‌ها بستگی دارد که بدینوسیله نشان می‌دهد که «احتیاط در حمله» یک صلح‌مورد توافق میان عوامل نظامی و بشردوستانه ایجاد می‌کند.^۵

۱- همان، ماده ۳۵ (۲).

۲- پروتکل الحاقی اول، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۵۱ (۵) (الف).

۳- همان، ماده ۵۷ (۳).

۴- همان، ماده ۵۷ (۲).

۵- مشاهده کنید همان، ماده ۵۷ (۲) (الف). عبارت «احتیاطات ممکن» بطور کلی به عنوان «احتیاطاتی استنباط می‌شود که کاربردی هستند یا عملی‌های شرایط حاکم بر زمان، از جمله ملاحظات بشردوستانه و نظامی، را در نظر می‌گیرند». پروتکل

آشکارترین برقراری تعادل، در اصل تناسب دیده می‌شود. این اصل عرفی حقوقی که در ماده ۵۱ پروتکل الحاقی شماره ۱ مقرر شده، اگر «احتمال داده شود که حمله، سبب از بین رفتن اتفاقی جان، صدمه به غیرنظامیان، خسارت به اهداف غیرنظامی، یا ترکیبی از این موارد شود که ممکن است در رابطه با منافع نظامی پیش‌بینی شده‌ی واقعی و مستقیم، افراط‌گرایانه باشد»، تناسب، حمله را به‌عنوان امری ناعادلانه منع می‌کند.^۱ انعطاف و برداشتن ضرورت نظامی و بشردوستی، در ماهیت نسبی عبارت «افراط‌گرایانه» آشکار است.^۲ حتی خسارات غیرعمدی جزئی ناشی از جنگ، اگر هدف نظامی مورد نظر مهاجم ناچیز (غیر مهم) باشد، می‌تواند یک حمله‌ی قانونی را منع کند، درحالی‌که اگر منافع نظامی مشابه قابل توجه باشد، حجم زیادی از خسارات غیرعمدی می‌تواند توجیه شود.

ممنوعیت یا محدودیت استفاده از سلاح‌های آتش‌زا (پروتکل شماره ۳) ماده ۱ (۵)، ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰، همچنین مشاهده کنید پروتکل اصلاحی راجع به ممنوعیت یا محدودیت استفاده از مین‌ها، تله‌های انفجاری و وسایل دیگر (پروتکل اصلاحی شماره ۲) ماده ۳ (۱۰)، ۳ ماه مه ۱۹۹۶. برخی کشورها بطور مشخص این معیار را به‌عنوان تفسیر آن‌ها از اصطلاحی که پروتکل الحاقی شماره ۱ را تایید می‌کرد، پذیرفتند. مشاهده کنید به‌عنوان مثال نامه‌ای از کریستوفر هالس (Christopher Hulse)، سفیر بریتانیا در سوئیس، به دولت سوئیس (۲۸ ژانویه ۱۹۹۸) قابل مشاهده در سایت: <http://www.icrc.org/norm/0A9E03F0F2EE757CC1256402003FB6D2?OpenDocument> حق شرط بریتانیا و اعلامیه‌ی پروتکل الحاقی شماره ۱ را فهرست می‌کند و توضیح می‌دهد که بریتانیا عبارت «احتمالی» را به این صورت استنباط می‌کند که در این پروتکل بدین منظور استفاده شده که کاربردی یا احتمالاً کاربردی باشد و کلیه‌ی شرایط حاکم بر زمان، از جمله ملاحظات بشردوستانه و نظامی، را در نظر بگیرد.

۱- پروتکل الحاقی شماره ۱، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۵۱ (۵) (ب)؛ همچنین مشاهده کنید قانون دیوان بین‌المللی کیفری ماده ۸ (۲) (ب) (۳)، ۱۷ جولای ۱۹۹۸؛ پروتکل الحاقی شماره ۱، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۵۷ (۲).

۲- توجه داشته باشید که تفسیر غیرالزام‌آور کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به این مقررات پیشنهاد می‌کند که «پروتکل هیچ توجیهی برای حملاتی که ضررها و خسارات غیرنظامی گسترده‌ای ایجاد می‌کند، مقرر نمی‌کند. ضررها و خسارات اتفاقی هرگز نباید گسترده باشند». هیچ مبنایی در عرف یا قوانین برای این نظر، که نشانگر تأکیدی نامتناسب بر جنبه‌ی بشردوستی این تعادل، که بدون توجه به منافع نظامی تحصیل شده از طریق حمله اجرا می‌شود، می‌باشد، وجود ندارد. مخالفت آن مثالی در قانون دیوان بین‌المللی کیفری است که صفت «بطور آشکار» را به عبارت «بیش از حد» می‌افزاید، تا ممنوعیت خیلی کم نباشد. قانون دیوان بین‌المللی کیفری، بالا، زیرنویس ۳۱۷، ماده ۸ (۲) (ب) (۳).

گاهی اوقات تعادل صریح یا ضمنی میان ضرورت نظامی و بشردوستی ممکن است غیرمنطقی به نظر برسد چنانکه یا ضرورت نظامی یا بشردوستی باید استناد شوند تا قوانین موجود را دوباره متعادل کنند؛ اما هر یک از این متعادل‌کننده‌ها بدون توجه خواهند بود اگر تعادل جدید متفاوت از آن تعادلی باشد که کشورها بر آن توافق کرده‌اند. مثال معروف، شامل رفتار سرباز دشمن که توسط واحد نظامی ویژه‌ی پشت خط دشمن اسیر شد، می‌گردد. اگرچه این واحد نظامی نمی‌تواند مأموریت خود را با زندانی به زنجیر بسته انجام دهد، استنباط می‌شود که این سرباز اگر آزاد شود خطرناک خواهد بود. پاسخ منطقی کشتن وی است؛ با همه‌ی اینها، او دشمن است اما به خاطر اسارت، موضوع حمله‌ی سریع مرگبار می‌باشد.

اما حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیروهای نظامی اسیرشده‌ی دشمن را به‌عنوان «زکار/فناده»^۱ مشخص می‌کند و آن‌ها را از حمله، که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه تعریف شده، و هرگونه اعمال خشونت‌آمیز علیه دشمن را در برمی‌گیرد، محافظت می‌کند.^۲ بنابراین، این واحد نظامی نمی‌تواند به سرباز اسیرشده صدمه بزند؛ این واحد یا باید مأموریت خود را متوقف کند و با اسیر به پایگاه برگرد یا به شکلی از او محافظت کند که در نهایت به وی اجازه می‌دهد بدون آسیب فرار کند. به نظر غیرمنطقی می‌آید، اما این قاعده توازنی قانونی میان ضرورت نظامی و بشردوستی را منعکس می‌کند و هیچ تغییری مجاز نیست.

۱-۴- ضرورت نظامی آن چنانکه توسط حقوق بین‌الملل محدود شده است:

شاید اصلی‌ترین محدودیت ضرورت نظامی مفهوم «تناسب» باشد.^۳ این اصل مستلزم این است که کشور متخاصمی که راجع به استفاده از ارتش فکر می‌کند، بررسی کند که آیا «ابزار خاص» «متناسب با هدف نظامی مشروع» هستند یا خیر.^۴ مفهوم تناسب در کتاب راهنمای ارتش آمریکا در میدان نبرد ۱۰-۲۷ ذکر شده است که مقرر

1- hors de combat

۲- پروتکل الحاقی شماره ۱، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۴۹.

3- O'Brien, Some Problems of the Law of War in Limited Nuclear Warfare, 14 MIL. L. REV. 1, 7 (1961).

4- ibid.

می‌دارد: «از بین رفتن جان و ضرر به مال باید متناسب با منافع نظامی باشد که به دست آمده».^۱ این عبارت پیشنهاد می‌کند که یک افسر نظامی باید تعیین کند که آیا تخریب و نابودی که با استفاده از سلاح خاص ایجاد شده، منجر به دستیابی نسبتاً ارزشمند به اهداف نظامی خواهد شد یا خیر.^۲ عنصر اصلی در این تعیین، تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان است.^۳ اگر اهداف نظامی دشمن در مناطق غیرنظامی واقع شده باشند، افسر نظامی باید رابطه‌ی تناسب بین امکان ورود جراحت به شهروندان غیرنظامی و ارزش حمله به تأسیسات نظامی را ارزیابی کند.^۴

مفسرینی مانند مک دوگال و فلیسیانو به مدت طولانی در مورد ضرورت نظامی و تناسب بحث کرده‌اند.^۵ در جدال با مسئله‌ی قلمرو ضرورت در وضعیت‌های خاص، آن‌ها اظهار داشتند: می‌توان گفت که این مفهوم (ضرورت نظامی) چنین نابودی را اجازه می‌دهد و تنها چنین نابودی، ضروری، مرتبط و متناسب با درک فوری اهداف مشروع دشمن است. چون در عمل، نمی‌توان میزان نابودی ضروری را اندازه گرفت و دقیقاً محاسبه کرد، سیاست اصلی که در این مفهوم پذیرفته شده باید معمولاً به عنوان محدودکننده‌ی نابودی غیرضروری چیزهای مهم، عنوان شود.^۶

آن‌ها بر این نظر تأکید داشتند که دول متخاصم باید تنها از کمترین میزان زور در تلاش برای دستیابی به اهداف نظامی خود استفاده کنند، که بدین وسیله از خسارات غیرضروری به شهروندان کشور دشمن اجتناب می‌کنند.

رفاه غیرنظامیان به مدت طولانی یکی از نگرانی‌های حقوق بین‌الملل بوده است. در سال ۱۹۶۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تصویب کرد که مقرر می‌داشت غیرنظامیان نمی‌توانند هدف مستقیم حمله‌ی نظامی قرار گیرند.^۷ کشوری که یک نبرد نظامی را آغاز می‌کند

1- Law of Land Warfare, supra note 6, at 19.

2- Mallison, The Laws of war and the Juridical Control of weapons of Mass Destruction in General and Limited Wars, 36 GEO. Wash.L. REW., 308,322-23 (1967).

3- Ibid.

4- Ibid.

5- McDougal & Feliciano, International Coercion and World Public Order The General Principles of the Laws of War, 67 YALE L.J. 771 (1958).

۶- ibid.at 826-27.

v- G.A. Res. 2444, 23 U.N. GAOR Supp. (No. 18) at 50, para.1(b), U.N. Doc. A/7218 (1968).

باید دقیقاً بین شهروندان نظامی و غیرنظامی دشمن تفاوت بگذارد.^۱

اگرچه قبل از سال ۱۹۶۸ قطعنامه‌ی سازمان ملل متحد تصویب شد، جامعه‌ی بین‌المللی نیاز به حمایت از غیرنظامیان را به رسمیت شناخته بود، کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ اعلام کرد که «حق متخاصمین برای پذیرش وسایل آسیب به دشمن نامحدود نیست».^۲ در سال ۱۹۲۴ جان بست مور^۳ تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان را به‌عنوان «اصل بسیار مهم قوانین جدید جنگی» توصیف کرد.^۴ حتی در قانون لیبر، امنیت غیرنظامیان که تأیید شد، یک نگرانی مشروع می‌باشد. لیبر اصل ضرورت نظامی را به «از بین رفتن جان یا عضوی از اعضای بدن اعضای مسلح دشمن» محدود می‌کند. ماده ۱۹ اشاره می‌دارد که قبل از بمب‌گذاری منطقه باید هشدار داده شود، طوری که غیرنظامیان بتوانند منطقه را بطور ایمن و بدون خطر ترک کنند.

کمی پس از تصویب قانون لیبر توسط آمریکا، اعلامیه‌ی سن پترزبورگ در سال ۱۸۶۸ از این ایده حمایت کرد که شهروندان غیرنظامی هدف حمله قرار نگیرند. این اعلامیه در بخشی مقرر می‌دارد:

تنها هدف مشروعی که کشورها باید تلاش کنند تا در طول جنگ انجام دهند این است که نیروی نظامی دشمن را تضعیف کنند؛ برای این هدف کفایت بیشترین تعداد افرادی که می‌توانند را مصدوم کنند؛ این هدف با بکارگیری افرادی که بطور غیرضروری درد مصدومان را شدیدتر، یا مرگ آن‌ها را قطعی می‌کنند، بیشتر می‌شود...^۵

این اعلامیه تأکید می‌کند که جنگ تمایل دارد که یک عملکرد صرفاً نظامی باشد. معروف است که حقوق بین‌الملل حملات غیردقیق و غیرضروری به جمعیت غیرنظامی را مجاز نمی‌داند. طبیعتاً پیرو این نظر نتیجه این است که حمله به مرکز جمعیت غیرنظامی، عملیات تروریستی است.^۶

۱- ibid. at para. 1(c).

۲- کنوانسیون لاهه درخصوص قوانین و عرف جنگ زمینی، ۱۱، فصل ۱، ماده ۲.

۳- John Bassett Moore

۴- MOORE, INTERNATIONAL LAW AND SOME CURRENT ILLUSIONS AND OTHER ESSAYS viii (1924).

۵- St. Petersburg Declaration, 1868. 95-96 (1907).

۶- Paust, supra note 5, at 168; Wright, the Bombardment and Damascus, 20 Am. J. INT'L L. 263, 273 (1926).

گزارش برائیس^۱ در سال ۱۹۱۴ بطور آشکاری مقرر می‌دارد که قتل افراد بی‌گناه، که از حملات به مراکز جمعیت غیرنظامی نشأت می‌گیرد، «اقدامی مطلقاً ممنوع توسط قوانین جنگی» است. آقای لوترپت^۲ با تأیید مجدد این نظر اعلام کرد که غیرنظامیان، به‌عنوان موضوعی از قانون، هرگز نباید هدف حمله باشند و این بمب‌گذاری‌های غیردقیق عملیات تروریستی محسوب می‌شود.^۳ در سال ۱۹۴۹ چهارمین کنوانسیون ژنو مشخصاً استفاده از کلیه‌ی معیارهای تروریستی از جمله کشتار دسته‌جمعی غیرنظامیان توسط کشور متخاصم، را منع کرد.^۴

بطور خلاصه، می‌توان این بخش از این ماده را چنانکه در جنگ معمول صورت می‌گیرد، مفاهیم حقوقی ذیل برشمرد:

- ضرورت نظامی با اصل تناسب محدود می‌شود.
- اصل تناسب به‌عنوان متعادل‌کننده‌ی ارزش اهداف نظامی کسب شده در برابر خسارات بالقوه به اموال و از بین رفتن جان تعریف می‌شود.
- غیرنظامیان موضوع تجاوز غیرضروری کشور دشمن، قرار نمی‌گیرند.
- میزان زوری که توسط کشور دشمن اعمال می‌شود نباید بطور غیرضروری درد ورنجی که ممکن است به نظامیان کشور اشغالی وارد شود را افزایش دهد.
- حمایت از جوامع بین‌المللی علیه نقض عرف و قوانین جنگی بین‌المللی، اهمیت بیشتری نسبت به اهداف نظامی و سیاسی هر کشوری، دارد.
- هرگونه حمله‌ی عمدی و غیردقیق به جمعیت غیرنظامی یک کشور توسط کشور متخاصم، باید یک عملیات تروریستی و ناقض قوانین و عرف بین‌المللی، تلقی شود.

۱- The Bryce Report

۲- Sir Lauterpacht

۳- Lauterpacht, The Problem of the Recision of the Law of War. 29 BRIT. Y.B. INT'L L. 360, 365-69 (1952).

۴ - کنوانسیون ژنو درخصوص حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹، ماده ۳ (I).

۲- اصل ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه و بررسی به کارگیری وسایل و روش‌های منع شده در جنگ عراق علیه ایران

۲-۱ نقض قوانین و مقررات مربوط به منع کاربرد سلاح‌های ممنوعه توسط عراق

مقررات قانونی بین‌المللی درگیری‌های مسلحانه الزاماً شامل محدودیتی بر صلاحیت حاکم بر دولت‌ها در اعمال زور در راستای دفاع از منافعشان می‌شود. بطور واضح، جایی که منافع حیاتی و احتمالاً وجود دولت‌ها در خطر باشد، واقع‌گرایانه نیست که مطالبات عملی شرایط، در اجرای قوانین نادیده گرفته شود. بطور تاریخی دکترین ضرورت نظامی در تعریف شرایط تعادل میان واقعیات اقدامات زورمندانه و محدودیت‌های بشردوستانه اهمیت اساسی داشته است.

اصل ضرورت نظامی وسیله‌ای نیست که توسط آن بتوان از قوانین جنگی اجتناب کرد. اگرچه ضرورت نظامی استفاده از خشونت را برای وادار کردن دشمن به تسلیم مجاز دانسته، این دکترین تنها خشونت «تنظیم شده» را مجاز می‌داند نه خشونتی که توسط قوانین و عرف جنگی ممنوع است؛ به عبارت دیگر قواعد کلی ضرورت این است که متخاصمین ممکن است ابزاری که برای دستیابی به اهدافشان لازم است را بکار گیرند اما اگر چنین اقدامی توسط قواعد حقوق بین‌الملل پذیرفته نشود، ضرورت نظامی این رفتار را توجیه نمی‌کند.^۱ خشونت کنترل شده عموماً به عنوان نوعی خشونت در نظر گرفته می‌شود که معطوف به عمل مقامات ارشد بوده و یا توسط این مقامات جنبه قانونی می‌یابد و هدف از آن این است که نفرات دشمن را تا حداکثر میزان ممکن ناتوان نماید ولی تأثیر نظامی آن نامتناسب با رنجی که به بار می‌آورد نمی‌باشد.

در جریان جنگ هشت ساله، دولت عراق با کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیرنظامی ایران (حتی علیه اتباع خود در شهر حلبچه) ممنوعیت‌های مندرج در اسناد مزبور (پروتکل ۱۹۲۵) را نقض کرد. ارتش عراق در مناطق مختلف عملیاتی و حتی مسکونی از به کارگیری انواع عوامل شیمیایی مانند گازهای خردل، تاولزا، فسفر، اعصاب، ناتوان کننده،

1- Paust, The Nuclear Decision in World War I-Truman's Ending and Avoidance of War, 8 INT'L LAW, 1974, p 160, 172.

نیترژن، ترکیب‌های خردلی و خون، سیانور، خفه‌کننده و... از طریق هواپیماها، توپخانه‌ها و شلیک انواع گلوله‌های شیمیایی دریغ نکرد. از آنجایی که به این موضوع به حد کافی در کتب، مقالات و همچنین پایان‌نامه‌های متعدد پرداخته شده، اجمالاً فقط به یکسری از مطالب اشاره می‌شود.

نخستین گزارش مربوط به استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی مربوط به روزهای اولیه جنگ می‌باشد،^۱ پس از آن و از اواسط سال ۱۳۶۲ که ایران برتری نظامی خود را در بسیاری از جبهه‌ها بر عراق تحمیل نمود، ارتش عراق به این نکته واقف گردید که نمی‌تواند با استفاده از شیوه‌های و تسلیحات متعارف و معقول نظامی مانع پیشروی ارتش ایران گردد و لذا سعی در توسل به سلاح‌های نامتعارف برای زمین‌گیر کردن ارتش ایران نموده است. بمباران شیمیایی مناطق غیر نظامی شهرهای بانه، سردشت، پیرانشهر و برخی از روستاهای خوزستان نشان دهنده عدم پابندی عراق به قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه مربوط به حمایت از نظامیان و غیر نظامیان می‌باشد. پس از آن در مقاطع مختلف زمانی، دولت عراق بارها علیه نیروهای ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.

واکنش شورای امنیت در برابر گزارش راجع به اقدام تخلف آمیز عراق، تنها صدور بیانیه در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴ بود. در این بیانیه، شورا به کارگیری سلاح‌های شیمیایی را که هیئت کارشناسان آن را گزارش کرده بودند به شدت محکوم کرد و خواستار رعایت پروتکل ۱۹۲۵ از سوی دو طرف مخاصمه شد. در این بیانیه، شورا هیچ اشاره‌ای به نام عراق - که مطابق گزارش مرتکب کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی شده بود - نکرد و به این ترتیب، با عدم توجه جدی خود به قضیه، دست این دولت را در ارتکاب جنایات بعدی خود باز گذاشت.

حتی خود مقامات عراقی نیز کاربرد سلاح‌های شیمیایی را رد نکردند و در اظهارات و سخنرانی‌های خود، تلویحاً و تصریحاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در جنگ به منزله یک حق برای خود محفوظ دانستند. برای نمونه، در همان زمان، هاشم صباح الفخری، ژنرالی که فرمانده

^۱ - عباس هدایتی خمینی؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰.

عملیات شمال بصره را بر عهده داشت، در مصاحبه با خبرنگاران اظهار کرد که کشورش این حق را برای خود محفوظ نگاه می‌دارد که از سلاح شیمیایی استفاده کند.^۱ در طول جنگ مناطق مسکونی در نوار مرزی ایران نیز از حملات شیمیایی ایمن نماند و روستاهای اطراف بانه (فروردین ۶۶)، شهر حلبچه (اسفند ۶۶)، روستاهای اطراف مریوان (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷)، شهر نودشه (فروردین ۶۷)، روستاهای اطراف سرپل ذهاب (مرداد ۶۷) و شهر اشنویه (مرداد ۶۷) مورد تهاجم با سلاح شیمیایی قرار گرفتند و حتی در برخی مناطق صدها بمب شیمیایی بر سر مردم بی‌پناه ریخته شد.

دولت صدام در طول جنگ حتی به بیمارستان‌ها نیز رحم نکرد و سلاح شیمیایی، بیمارستان صحرائی حضرت فاطمه^{علیها السلام} در آبادان (ششم و هشتم اسفند ۱۳۶۴) و بیمارستان صحرائی ۵۲۸ سומר (دهم دی‌ماه ۱۳۶۵) را در هم نوردید. تجهیزات پزشکی نظامی با کنوانسیون اول و دوم ژنو و بیمارستان‌های غیرنظامی با کنوانسیون چهارم ژنو حمایت می‌شوند. با این وجود کلیه مقررات مرتبط، براساس ضرورت نظامی استثنائاتی را مجاز می‌دانند: «ضرورت نظامی فوری» استفاده از تجهیزات پزشکی نیروهای مسلح را به منظور اهداف غیرپزشکی مجاز می‌داند؛^۲ واحدهای پزشکی و تأسیسات نیروهای مسلح باید با علامت‌های ویژه اما تنها «تا جایی که ملاحظات نظامی اجازه می‌دهد» متمایز شوند؛^۳ چنین تعهدی در خصوص بیمارستان‌های غیرنظامی نیز «تا جایی که ملاحظات نظامی اجازه می‌دهد» نیز وجود دارد.^۴

اما عراق بدون هیچ منفعت ضروری نظامی و با به کار بردن سلاح‌ها و روش‌های ممنوعه به این اقدام دست زد، در حالی که در شرایط و قیود اصل ضرورت نظامی بیان شد که باید آن اقدام برای یک هدف نظامی مشروع باشد و هم آن عمل و اقدام نظامی که به آن مبادرت می‌شود، باید مجاز باشد؛ اما اقدام عراق به بمباران این بیمارستان‌ها آن‌هم با بمب‌های شیمیایی به هیچ عنوان قابل

1- Newyourk times (5 March 1984).

۲- کنوانسیون ژنو درخصوص بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران عضو در نیروهای مسلح در میدان نبرد (کنوانسیون اول ژنو)، ماده ۳۳.

۳- کنوانسیون اول ژنو، ماده ۴۲.

۴- کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۱۸.

توجه با ضرورت‌ها و احتیاجات نظامی نبوده و همچنین با مطالعه اسناد و شواهد و سبقه‌ای که نظامیان عراق از خود به جای گذاشته، مشخص می‌شود که در اکثر اقدامات خود هر هدفی را به غیر از ضرورت‌ها و مزیت‌های نظامی مستقیم، دنبال می‌کردند. همچنین، غیر از ممنوعیت یا محدودیت ابزار و شیوه‌های خاص جنگی، از جمله آنهایی که ماهیتاً درد و رنج غیرضروری ایجاد می‌کنند، رویکرد حقوق بین‌الملل بشردوستانه صریحاً محدودیت‌های کلی بر نوع و درجه‌ی خشونت که در حملات علیه اهداف نظامی واقعاً مشروع مجاز است، وضع نمی‌کند.

در نتیجه، این مسئله باید مطابق اصول اساسی ضرورت نظامی و بشردوستی تعیین شود و شرایط واقعی حاکم در هر پرونده را در نظر بگیرد. بند ۲۲ از مقررات لاهه پیش‌بینی می‌کند که حق افراد متخاصم برای اتخاذ راه‌های آسیب رساندن به دشمن محدود نمی‌باشد و بند ۲۳ در کنار سایر مفاد و قوانین دیگر استفاده از سم و سلاح‌های سمی که قوانین موضوعه‌ای برای جنگ وجود دارند که دربردارنده ممنوعیت‌های مطلق می‌باشند. در جایی که یک چنین مقررات مثبتی اعمال می‌شوند، به هیچ وجه نمی‌توان تمسک جستن به ضرورت نظامی را قانوناً مجاز دانست.

استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، حتی پس از پذیرش رسمی قطع‌نامه ۵۹۸ از سوی ایران نیز ادامه یافت. در ۹ مه ۱۹۸۸، جمهوری اسلامی ایران طی یادداشتی به دبیرکل سازمان ملل اطلاع داد که عراق علیه مردم چند ده و دهکده در منطقه غرب و جنوب ایران از سلاح شیمیایی استفاده کرده است. بنا به درخواست ایران، دبیرکل، آقای دکتر دمینگوئز را به همراه دکتر اریک دالگون برای بررسی موضوع به ایران فرستاد.

دبیرکل گزارش مزبور را طی نامه‌ای به شورای امنیت اطلاع داد. در مقابل، عراق نیز ادعا کرد که نیروهای ایرانی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده‌اند؛ بنابراین، برای بررسی موضوع خواستار اعزام هیئتی به بغداد شد. هیئت مورد نظر به عراق اعزام شد و پس از بررسی موضوع، گزارش خود را به دبیرکل تسلیم کرد. در عملیاتی که ایران در شهر فاو انجام داده بود و در نهایت ارتش عراق ناامید از کلیه راه‌ها و شگردهای رزمی خود در مقابله با نیروهای ایران تنها راه باقی مانده در ضربه زدن به رزمندگان ایرانی را بمباران شیمیایی به وسیله هواپیماهای جنگنده خود دید و از آنجا که فاصله درگیری بین یگان‌های دشمن و خودی بسیار نزدیک بود، در مرحله نخست بمباران، دشمن به اشتباه تیپ‌های گارد جمهوری خود را مورد اصابت بمب‌های شیمیایی قرار داد که منجر به

آلودگی ۷۰ درصد نیروهای آنها شد.

دبیرکل نیز طی یادداشتی گزارش هیئت را به شورا اطلاع داد، اما شورا به گزارش‌ها و ادعاهای دو طرف رسیدگی نکرده بود که مجدداً جمهوری اسلامی ایران در ۳ اوت ۱۹۸۸ طی یادداشتی به دبیرکل اعلام کرد که عراقی‌ها بار دیگر سلاح‌های شیمیایی را در منطقه شیخ عثمان (مجاور شهر اشنویه) به کار برده‌اند. هیئت اعزامی، پس از بررسی‌های خود ادعای ایران را مبنی بر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در منطقه تأیید کرد و در مقدمه گزارش خود، چنین نوشت:

«با توجه به شواهدی که در حین مأموریت خود به دست آوردیم، با تأسف فراوان به این نتیجه رسیدیم که، برخلاف درخواست‌های مکرر سازمان ملل، سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان غیرنظامی ایران در منطقه مجاور یک شهر که در برابر چنین حملاتی فاقد هر گونه دفاع است، به کار گرفته شده است. این واقعیت که کودکان نیز قربانی شده‌اند یکبار دیگر عواقب غیرقابل قبول چنین حملاتی را ثابت می‌کند. استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه غیرنظامیان مشخصاً حمله به وجدان بشری است و باید قویاً مردود شناخته شود.»

در نهایت، شورای امنیت پس از دریافت گزارش مزبور از دبیرکل و بررسی آن و نیز بررسی موضوعات مربوطه دیگر، قطع‌نامه‌ای به شماره ۶۲۰ در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ صادر کرد. در این قطع‌نامه، شورا پس از ابراز تأسف از استمرار کاربرد سلاح‌های شیمیایی در مناقشه میان ایران و عراق و ابراز نگرانی از خطر استفاده احتمالی از سلاح‌های شیمیایی در آینده و اعلام عزم راسخ خود مبنی بر پایان دادن به هر گونه استفاده از سلاح شیمیایی در حال و آینده، کاربرد مجدد سلاح شیمیایی در مناقشه بین ایران و عراق را با پروتکل ۱۹۲۵ و قطع‌نامه ۶۱۲ خود مغایر دانست و آن را محکوم کرد. در این قطع‌نامه، شورا بار دیگر از تمامی دولت‌های صادرکننده محصولات شیمیایی خواست که بر محصولات شیمیایی صادراتی خود به صورت جدی نظارت کنند تا بتوانند از کاربرد این محصولات در ساخت سلاح‌های شیمیایی جلوگیری به عمل آورند. به گمان برخی از صاحب‌نظران، این هشدار شورا در قطع‌نامه ۶۲۰ مؤثر واقع شد و از کاربرد سلاح شیمیایی در مناقشات بعدی جلوگیری کرد و اگر به موقع نیز تصویب می‌شد چه بسا جان هزاران انسان بی‌گناه و مظلوم از گزند این سلاح‌ها مصون باقی می‌ماند.

منابع ایرانی تعداد حملات شیمیایی عراق را طی هشت سال جنگ تحمیلی بیش از ۲۵۲ بار ذکر کرده‌اند؛ طوری که «کشور ایران طی هشت سال جنگ تحمیلی، در معرض شدیدترین و طولانی‌ترین حمله‌های شیمیایی در تاریخ جنگ‌های جهان قرار گرفت. تعداد حمله‌های شیمیایی و تنوع عوامل به کار گرفته شده در این جنگ بی‌سابقه بود و این حملات وحشیانه مجروح شدن بیش از صد هزار نفر از هموطنان ایرانی را موجب شد که ده درصد آنها بلافاصله به شهادت رسیدند»^۱

اما مهم‌ترین نکته در برابر استفاده عراق از سلاح شیمیایی، خویشتنداری و خودداری ایران از استفاده از سلاح شیمیایی در طول جنگ بود. از بدو امر، ایران استفاده از سلاح شیمیایی را نقض پروتکل ۱۹۲۵ و یک اقدام جنایتکارانه تلقی می‌کرد.^۲ ایران حتی در حالی که توانایی ساخت و تولید سلاح شیمیایی را در اختیار داشت و می‌توانست در قبال تخطی عراق از پروتکل ۱۹۲۵ ژنو دست به مقابله به مثل بزند، ولی هرگز در عمل سلاح شیمیایی را مورد استفاده قرار نداد.

۲-۲ حمله به تأسیسات حاوی «نیروهای خطرناک» و «ضروری و حیاتی»

برخی تصمیمات که میان احتیاجات نظامی و نگرانی‌های بشردوستانه وضع شده مواردی هستند که حمایت و مصونیت غیرنظامیان از آثار جنگ و «ضرورت» حمله به اهداف نظامی، را متعادل می‌کنند. این موضوع دوباره در سال ۱۹۷۷ در پروتکل شماره ۱ الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ مطرح شد.^۳ ماده ۵۱ (۵) در میان حملاتی که «غیردقیق» و در نتیجه غیرقانونی هستند شامل این شود که:

«هر چه که احتمال داده شود سبب از بین رفتن اتفاقی جان، صدمه به غیرنظامیان، خسارت به اهداف غیرنظامی، یا ترکیبی از این موارد شود، در مورد اهداف نظامی مشخص و مستقیم قابل-پیش‌بینی، این احتمال بیش از حد خواهد بود».

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۸/۲/۲۷.

۲- معاون اروپا و امریکای وزارت خارجه اعلام کرد که بر اثر گسترش کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق، این رژیم دیگر فقط یک متجاوز نیست، بلکه اکنون یک جنایتکار جنگی محسوب می‌شود (روزنامه اطلاعات - ۶۷/۱/۱۵).

۳- نه بریتانیا و نه ایالات متحده، پروتکل شماره ۱ الحاقی ۱۹۷۷ را تصویب نکرده‌اند اما هر دو دولت عملاً تمایل به اجرای بخش اعظمی از مقررات آن را، که مورد نزاع نبود، نشان دادند و این در واقع در جنگ فاکلند ۱۹۸۲ صورت گرفت.

اشاره به «ضرورت» در این مقررات ضمنی است نه صریح، اما با این وجود آشکار است. دشواری بررسی «منافع نظامی مستقیم» در برابر نتایج ظاهراً غیرقانونی، آشکار است، حتی اگر «اتفاقی» باشد. در جایی دیگر در این باره ادعا شده است که:

«جایی که اهداف نظامی در مجاورت جمعیت غیرنظامی قرار دارند، تعادل باید میان «محاسبه-ی اهداف نظامی مشخص و مستقیم» که از حمله‌ی پیشنهادی انتظار می‌رود و احتمالاً قربانیان غیرنظامی و خسارت به اهداف غیرنظامی صورت گیرد. مورد تردید است که آیا این محاسبه همواره می‌تواند با رضایت کامل هرکس صورت گیرد؛ با این وجود باید بطور آشکاری با حسن نیت و با توجه به احتمال اطلاعات محدود موجود، بر عهده گرفته شود»^۱.

بار دیگر تأکیدی نسبت به الزامات غیرقابل اجتناب جنگی صورت گرفته و پیرو محدودیتی ضمنی و براساس اهداف بشردوستانه‌ی اساسی، تا جایی که ممکن باشد، جمعیت غیرنظامی را از آثار جنگ دور می‌کند. تعدادی از مثال‌های کاربردی این بحران اساسی که ممکن است توسعه یابند، مشخصاً در دو مورد فرض می‌شوند که عامل حملات به تأسیساتی که حاوی «نیروهای خطرناک» هستند را افزایش داده، که آثارشان «غیردقیق» است و در این پروتکل نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند.^۲

براساس بند نخست قطعنامه‌ی ۴۰۷ کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تمامی تهاجمات مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای که برای مقاصد صلح‌جویانه به کار می‌روند، باید صریحاً و سریعاً ممنوع شوند. پروتکل ۱۹۷۷ ژنو نیز حمله به نیروگاه‌های اتمی را صریحاً ممنوع اعلام کرده است. درباره حمله به تأسیسات غیرنظامی، بند ۱ ماده ۵۶ پروتکل نخست ۱۹۷۷ مقرر می‌کند: «حمله به تأسیسات خطرناک، مانند: سد... و نیروگاه اتمی تولید برق، حتی در صورتی که این گونه اهداف، هدف نظامی نیز باشند، ممنوع است».

همچنین، براساس بند ۴ ماده ۵۶ پروتکل نخست الحاقی به قرارداد‌های ژنو، منظور از تأسیسات غیرهسته‌ای، هر گونه تأسیساتی است که دربردارنده‌ی نیروهای خطرناک اند، می‌باشد. این نیروها عبارت اند از: سدها، آب‌بندها، ایستگاه‌های ژنراتورهای برق و ژنراتورهای هسته‌ای. این نیروها،

1- H.McCourtby, International Humanitarian Law, Dartmouth, 1990, p.116.

۲- مشاهده کنید ماده ۵۶ پروتکل ۱۹۷۷.

حتی جایی که هدف نظامی محسوب می‌شوند، نباید هدف حمله‌ی تنبیهی قرار گیرند، این ممنوعیت با هدف حمایت از جمعیت غیرنظامی در زمان جنگ است.

بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناگازاکی در پایان جنگ جهانی دوم در خاور دور ملاحظات مشابه اما شدیدتری را مطرح می‌کند. دادگاه ژاپنی در پرونده‌ی شیمودا^۱، که در واقع اظهارات قاضی^۲ بود، مقرر داشت که این بمباران حمله‌ی «غیردقیق و گاهاً کورکورانه» به اماکنی بود که از نظر فنی «بی‌دفاع» بودند و در نتیجه غیرقانونی بود. با این وجود، این مسئله‌ای است که پاسخ ساده‌ای به آن نمی‌توان داد و شاید از بحث ما خارج باشد. حوادثی که تاحدودی مسائل مشابهی مطرح می‌کنند را می‌توان در حمله‌ی اسرائیل به نیروگاه هسته‌ای عراق، که تصور می‌شد مربوط به توسعه‌ی هسته‌ای نظامی بود، و بمباران ایستگاه انرژی هسته‌ای ایران توسط عراق در طول جنگ خلیج فارس ۱۹۸۰-۱۹۸۸ یافت. رژیم عراق نیز همانند رژیم اشغالگر قدس این قوانین و مقررات را نادیده گرفت و در جریان جنگ هشت ساله، چندین بار به نیروگاه اتمی بوشهر حمله و این قوانین و مقررات را نقض کرد. در اواخر سال ۱۳۶۳، حمله به تأسیسات راکتور اتمی بوشهر شدت یافت، طوری که رژیم عراق ظرف مدت بیست روز، دو بار این نیروگاه را هدف حمله قرار داد و با پرتاب موشک‌های اگزوست به سوی آن، خسارت جانی و مالی فراوانی را به بار آورد.

در نخستین حمله‌ی عراق، که در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ صورت گرفت، قسمت‌هایی از این نیروگاه از بین رفت، یک نفر به شهادت رسید و چند نفر مجروح شدند. هواپیماهای ارتش عراق در روزهای ۱۳ اسفند ۱۳۶۳ و ۱۴ فروردین ۱۳۶۴ برای بار دوم و سوم به نیروگاه اتمی بوشهر حمله و دو نفر را مجروح کردند.

رژیم عراق همواره، بعد از اقدامات غیرقانونی خود، این حملات را تکذیب می‌کرد و گزارشات خلاف واقع ارائه می‌داد:

«عراق ادعاهای ایران مبنی بر حمله‌ی ۲۳ بهمن ۱۳۶۳ هواپیماهای عراقی را به تأسیسات راکتور اتمی بوشهر در ایران تکذیب می‌کند... عراق همچنان به عدم حمله به هر گونه تأسیسات غیر نظامی در داخل ایران پای‌بند است.»

1- Shimoda case.

2- obiter dicta.

ماهیت آثار احتمالی ممکن است با قیاس با آثار حوادث هسته‌ای غیرنظامی در چرنوبیل^۱ در اوکراین که تا وِلز نیز گسترش یافت، بررسی شود. این حمله عراق می‌توانست عوارض بسیار شدیدی نه تنها بر ایران بلکه بر کشورهای همسایه از جمله خود عراق نیز داشته باشد. خوب است در این زمینه اضافه کنیم که ماده ۵۶ (۲) (ب) پروتکل شماره ۱ الحاقی سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون-های ژنو ۱۹۴۹، همزمان با مقررات راجع به سدها و بندها که در بالا ذکر شد، مقرر می‌دارد که ممنوعیت حمله جهت رهایی نیروهای خطرناک تاسیسات و مراکز مهم به منظور صدمه به غیرنظامیان، متوقف و رفع می‌شود اگر ایستگاه انرژی هسته‌ای تنها:

«نیروی برق را در حمایت منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی فراهم کند و اگر چنین حملاتی تنها راه دفاع برای پایان دادن به این حمایت‌ها باشد».

البته چنین مسائلی مستقیماً به مسئله‌ی ضرورت نظامی مربوط می‌شوند که شاید در عمل قابلیت نادیده گرفتن نداشته باشد اما صریحاً در ماده ۵۶ (۲) (ب) پروتکل شماره ۱ الحاقی مقرر نشده است. در هر صورت، حمله به یک نیروگاه هسته‌ای، که در واقع منتهی به یک حمله‌ی هسته‌ای بدون کنترل، شده است، باید اقدامی به نظر برسد که تنها با «ضرورت‌های» بسیار شدید و مهم می‌تواند توجیه شود. در مورد مقررات مربوط به پروتکل شماره ۱ الحاقی سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون-های ژنو ۱۹۴۹، ظاهراً تصور باید این باشد که در اکثر شرایط چنین حمله‌ای، جایی که نیروگاه شناخته شده، نمی‌تواند توجیه شده یا قانونی باشد.^۲

قطعه‌نامه شماره‌ی ۴۴۴ کنفرانس عمومی آرژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هر گونه تهدید و حمله‌ی مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌جویانه را تخلف از منشور ملل متحد، قوانین بین‌المللی و اساس‌نامه‌ی آرژانس بین‌المللی انرژی اتمی قلمداد می‌کند.

همانطوریکه مشخص شد، ارتش عراق مطمئناً بدون در نظر گرفتن ضرورت‌ها و الزامات جنگی به این نیروگاه حمله کرد، چرا که نیروگاه هسته‌ای ایران تکمیل نشده بود و میله‌ی سوخت هسته‌ای آن آماده نبود و بنابراین فاقد کارایی برای پیشبرد و حمایت از عملیات‌های نظامی ایران بود، هرچند این نوع از تأسیسات و دیگر تأسیساتی که عراق به آنها حمله ور شد، اساساً نقش مستقیم و

1- Chernobyl

۲- مشاهده کنید پروتکل شماره ۱ الحاقی سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، ماده ۵۶.

حمایتی از عملیات های نظامی ایران ایفا نمی کردند. حمله به این نوع از تاسیسات به دلیل ماهیت کار خود و اینکه از خود نیروهای خطرناکی تولید می کنند، که بسیار گسترده و غیرقابل کنترل می باشند، ممنوع می باشد و به همین دلیل نماینده ی دولت غنا در کنفرانس دیپلماتیک پروتکل نخست، حمله به چنین تأسیساتی را به معنی نسل کشی در سطح بسیار گسترده دانست.^۱ اما در زمانهای خاصی مانند ضرورت های نظامی بسیار مهم و مستقیم آنها با لحاظ شرایطی خاص مانند "حمایت مهم و مستقیم آن تاسیسات از عملیات های نظامی" می توان به آن حمله کرد.

در این مورد، مثال معروفی وجود دارد مانند حمله ی «دمبوترز»^۲ در جنگ جهانی دوم به سد هایی که برق آبی (هیدروالکتریسیته) را برای صنایع جنگی روهر^۳ تامین می کردند، و در نتیجه- ی آن سیل، به تاسیسات صنعتی خسارت وارد کردند اما به قیمت مرگ تعداد زیادی از غیرنظامیان تمام شد. این حمله بطور واضح و آشکاری آثار «غیردقیق» و شدیدی داشت، که خسارات قابل- توجهی را به صنعت مهمات آلمان نازی وارد کرد که این موضوع مورد تایید وزیر جنگ، آلبرت اسپیر^۴ نیز بود.^۵ در رابطه با حملات مشخص به سدها یا سدچه ها، به عنوان تاسیساتی که حساس و خطرناک هستند، ماده ۵۲ (۲) (الف) پروتکل شماره ۱ الحاقی سال ۱۹۷۷ مقرر می دارد ممنوعیت کلی حملات احتمالی به چنین مراکز و تاسیساتی جهت مصدومیت غیرنظامیان، که اکنون در بند اول این ماده تنظیم شده، تنها در صورتی متوقف خواهد شد که: «اگر برای کاربردهای غیرمعمولش و در حمایت منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی استفاده شوند و اگر چنین حملاتی تنها راه دفاع برای پایان دادن به این حمایت ها باشند».

این بند باز هم تلویحاً به ضرورت نظامی اشاره دارد اما آن را در محدودیت های بسیار شدیدی

1- Edward Kwakwa, The International Law of Armed Conflict: Personal and Material Fields of Application,

martinus nighf-publisherd, 1992, p 148.

۲- (Dambusters) خلبانان انگلیسی بودند که طی یک عملیات در ماه مه ۱۹۴۳ با استفاده از بمب های جهنده (bouncing bomb) که بارنز والیس (Barnes Wallis) دانشمند انگلیسی، اختراع کرده بود، به سدهای آلمان حمله کردند. نام این عملیات، Chastise بود که بعداً به نام (Dambusters) معروف شد.

۳- (Ruhr) نام روستایی در آلمان

4- Albert Speer

5- A.Speer, Inside the Third Reich, first published Mc Millan. NY, 1970, p 383.

قرار می‌دهد، مشخصاً به صورت استثنا، شامل تاسیساتی می‌شود که در کاربردی غیر از «کاربرد معمول» خود استفاده می‌شوند. البته سدهای روهر مورد استفاده‌ی معمول خود، یعنی تامین برق برای کارخانه‌های نظامی مربوطه، قرار گرفته بودند. در شرایط جدید اقدامی مشابه حمله‌ی «دمبوترز»، در بهترین حالت، باید به عنوان مشروعیتی مشکوک و شبهه ناک در نظر گرفته شود. اما هیچکدام از تاسیساتی که ارتش عراق به آنها حمله‌ور شد، این چنین شرایطی را نداشتند و فاقد هرگونه مشارکت مستقیم در عملیات‌های نظامی ایران بودند. نتیجتاً مشخص می‌شود که ارتش عراق هیچ ضرورت نظامی اجتناب ناپذیری را مد نظر نداشته و پایه و اساس این حملات به تاسیسات ایران، ممنوع و غیرقانونی بوده است. همچنین، براساس پروتکل الحاقی اول از پروتکل ۱۹۷۷ در بند ۲ از ماده ۵۴ که دربردارنده فصلی درباره حفاظت از اشیاء غیرنظامی می‌باشد حملات بر علیه:

"اشیایی را که برای زنده ماندن جمعیت‌های غیرنظامی ضروری و اجتناب ناپذیر می‌باشند، مانند مواد غذایی، مناطق کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات، دام‌ها و تأسیسات آب آشامیدنی و عرضه آن و پروژه‌های آبیاری، برای زندگی بخشی از جمعیت غیر نظامی و یا حزب مخالف، با هر انگیزه‌ای که باشد، از بین ببرند، چه برای گرسنگی دادن به افراد غیر نظامی و یا وادار کردن آنها به گریختن و یا بنا به هر انگیزه دیگر را ممنوع می‌داند."

با این وجود، لغو این ممنوعیت‌ها برای یکی از طرفین جنگ در دفاع از سرزمین خود در برابر هجوم دشمنان، زمانی که این لغو در این سرزمین که تحت کنترلش است، با ضرورت نظامی ضروری درخواست شود، امکانپذیر است. از دیگر اقدامات غیرقانونی عراق، حمله هواپیماهای جنگی این رژیم در مهرماه ۱۳۶۴ به شهرستان امیدیه بود که تأسیسات آب و برق این شهر را هدف قرار دادند و قطع آب و برق را سبب شدند و با توجه به گرمای شدید منطقه، مردم ساعت‌ها در مضیقه قرار گرفتند. در واقع، این اقدام عراق نقض ماده‌ی ۵۴ پروتکل نخست ۱۹۷۷ بود و ایجاد قحطی به عنوان روش جنگی علیه مردم غیرنظامی ممنوع است.

رژیم عراق در جریان نقض‌های مکرر مقررات بین‌المللی، هواپیماهایش در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۶۶ تأسیسات نفتی گچساران، نیروگاه برق رامین اهواز، دکل برق بادمک پل دختر را هدف قرار دادند و بدین ترتیب، تعدادی از هموطنان را شهید و مجروح کردند و خسارت‌های زیادی به

تأسیسات غیرنظامی وارد آوردند.

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۶۶ نیز ارتش عراق بار دیگر، به اهداف غیرنظامی حمله کرد و این بار صنایع آلومینیوم سازی اراک، شرکت کشت و صنعت کارون و کارخانه‌ی کاغذ پارس را در هفت تپه هدف قرار داد. در این حمله‌ها نیز، عده‌ای از غیرنظامیان کشته یا زخمی شدند و بخشی از این مراکز نیز تخریب گردید.

ماده ی ۵۲ پروتکل نخست ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو درباره اموال غیرنظامی چنین مقرر می‌کند: اموال غیرنظامی باید از آسیب‌های جنگ در امان باشند. همچنین بند ۱ این ماده، اموال غیرنظامیان نباید هدف حمله یا اقدام تلافی جویانه قرار گیرد.

حمله‌های دشمن به مراکز غیرنظامی و اهداف غیرنظامی به طور مداوم، ادامه داشت. در واقع، رژیم عراق در تلاش بود که تمام تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران را نابود کند. هواپیماهای ارتش عراق در ۳۱ مرداد و ۸ شهریور ۱۳۶۶، به مجتمع شیمیایی رازی ایران و ژاپن در بندر امام خمینی، کارخانه‌ی سیمان دورود، یک واحد پست انتقال برق در تبریز، نیروگاه برق تبریز و پست انتقال برق همدان حمله کردند. در این حملات تعدادی از کارکنان این مراکز را کشته و یا زخمی کردند و بخش‌های وسیعی از این اهداف را نیز از بین بردند. همچنین، حمله‌ی هوایی عراق به پست انتقال برق انجیرک، کارخانه‌ی هپکو اراک و نیروگاه برق آرن نهادند از دیگر اعمال وحشیانه‌ی ارتش عراق در تابستان ۱۳۶۶ است.^۱ این اقدامات و صدها حمله نظیر آن در حالی انجام شد که بند ۲ ماده ی ۵۲ پروتکل نخست ۱۹۷۷، مقرر می‌کند که حمله‌ها باید به طور دقیق، به اهداف نظامی محدود شوند. گفتنی است که اهداف نظامی به اموالی محدودند که بر حسب طبیعت، محل استقرار یا مصرف و استفاده ی آنها، سهم مؤثری در اقدام نظامی داشته باشند و تخریب کامل یا جزئی یا تصرف یا خنثی سازی آنها برتری و مزیت نظامی مشخصی در بر داشته باشد. بنابراین، تأسیساتی که هدف حمله قرار گرفتند، اغلب تأسیسات برق بودند که صدها کیلومتر با جبهه‌های جنگ فاصله داشتند و تخریب آنها برای دشمن **ضرورت و مزیت نظامی** مشخصی در بر نداشت.

۱- حمود یزدان فام، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۵۰ (اسکورت نفتکش‌ها)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه زمستان ۱۳۷۸، ص ۷۷۲ تا ۸۷۴ و ۸۸۰.

۲-۳ آلوده کردن و تخریب محیط زیست

حفظ محیط زیست و توجه به مسائل زیست محیطی به خصوص در دوران جنگ یکی از موضوع‌های مهم جهانی و دغدغه برانگیز بشر معاصر و مدافعان حقوق بشر است؛ زیرا بهره‌برداری از طبیعت، حفظ کرامت انسانی و تحقق امنیت و عدالت، توسعه و رشد نسل‌های آینده رابطه بسیار نزدیک با حفظ محیط‌زیست و مسائل زیست‌محیطی دارد، و هر گونه آسیب و تخریب طبیعت بر زندگی سالم انسانی اثرگذار است.

امروزه همه اذعان دارند که آثار سوء جنگ‌ها بر طبیعت و محیط‌زیست از هر عامل دیگر خطرناک‌تر است؛ زیرا در جنگ‌ها حس ضربه زدن و پیروزی یک طرف منازعه بر طرف دیگر بدون در نظر گرفتن یک ضرورت واقعی و مطلق نظامی و تمایل شدید به انتقام‌جویی با استفاده از سلاح‌های ویرانگر، به تدریج به وجود می‌آید و با دادن تلفات و ضایعات، این حس روز به روز شدت بیشتری می‌یابد تا جایی که دو طرف منازعه هر گونه پابندی به اصول انسانی و همچنین اصل ضرورت نظامی [که خود به نوعی دارای جنبه بازدارندگی از بی‌بندوباری در حملات غیرقانونی، بدون مزیت و غیر دقیق است] را فراموش می‌کنند و موجب زیان عظیم بر محیط‌زیست می‌شوند.

تدوین و تصویب تمامی قوانین بین‌المللی و معاهدات بین دولت‌های دنیا در مورد حفاظت از محیط زیست، همه برای سلامت و بقای بشر است. برای نمونه اگر در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی (همانند کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو)، مقرر شده است که سلاح شیمیایی به کار گرفته نشود، بدان دلیل نیست که تنها حقوق اجتماعی دولت‌های عضو در کنوانسیون حفظ یا حمایت شود، بلکه پیش‌گیری از تأثیرات سوئی است که این سلاح پس از هر جنگی بر ملت‌های مجاور و محیط زیست می‌گذارد.

به موجب قوانین سنتی حقوق مخاصمات مسلحانه، محیط‌زیست از حفاظت بهتری نسبت به حفاظت از دارایی‌های دشمن بهره‌مند نبود، که این موضوع در بند (ج) ۲۳ از مقررات ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه پیش‌بینی شده است. ماده ۵۳ از کنوانسیون ۱۹۴۹ لاهه بیشتر تصریح می‌کند که:

تخریب هر گونه دارایی‌های حقیقی و شخصی توسط قوای اشغالگر به شکل فردی یا جمعی به اشخاص خصوصی و یا دولت و یا دیگر مقامات دولتی و یا سازمان‌های اجتماعی و تعاونی

تعلق داشته باشند، ممنوع می‌باشند مگر آنکه یک چنین تخریب‌هایی **ضرورتی مطلق** در عملیات نظامی باشند. در نتیجه حملات بر علیه محیط‌زیست و یا تخریب آن می‌توان این حملات را بر اساس ضرورت نظامی مطلق توجیه کرد. بند ۱۴۷ از همین کنوانسیون شامل تخریب غیر قابل توجیه و مصادره دارایی‌هایی است که بر طبق ضرورت نظامی توجیه نمی‌شوند و به‌صورت غیرقانونی و خارج از کنترل انجام شده و نقض شدید این کنوانسیون می‌باشند و بنابراین مستوجب مسئولیت کیفری فردی می‌باشند.

در مقررات فوق‌الذکر هیچ بندی درباره ضرورت نظامی گنجانده نشده است؛ اما به‌موجب بند ۵۴(۳) از پروتکل اول ممنوعیت حمله بر علیه اشیایی که برای بقای جمعیت غیرنظامی اجتناب‌ناپذیر می‌باشند اگر این اشیاء توسط طرف مخالف و صرفاً برای اعضای نیروهای مسلح‌اش مورد استفاده قرار گیرند و یا به منظور حمایت و پشتیبانی مستقیم از کنش‌های نظامی استفاده شوند، به عبارت دیگر اگر آنها تبدیل به اشیایی نظامی شوند، اعمال نمی‌شوند. بند ۵۴(۵) کاهش‌هایی را در ممنوعیت‌های راجع به تاکتیک‌های خشکاندن زمین توسط یک طرف متخاصم در داخل قلمرو خودشان، چنانچه یک ضرورت نظامی اجبارآور در دفاع علیه اشغال ایجاب نماید، مجاز می‌دارد.

رژیم عراق در جریان تهاجم سراسری خود، شهرهای خرمشهر، مهران، سوسنگرد، هویزه، بستان، سومار، موسیان، قصرشیرین و روستاهای تابعه‌ی آنها را با خاک یکسان کرد. براساس محاسبات علمی، برای تشکیل مجدد هر سانتی‌متر مکعب خاک صد تا چهارصد سال لازم است. بدین ترتیب، تأثیرات سوء تخریب و ویرانی شهرها، روستاها و مناطق مرزی ایران برای مردم ما و آیندگان آشکار می‌شود، البته یکسری از تغییرات زیست‌محیطی که عراق در شهرهای اشغال‌شده‌ی ایران ایجاد کرد، جنبه‌هایی از ضرورت‌ها و الزامات نظامی در آن دیده می‌شود مانند: از بین بردن خانه‌ها و ساختمان‌ها در برخی مناطق برای عملیات‌های نظامی و امور دفاعی شهر خرمشهر در زمان اشغال و یا از بین بردن پوشش گیاهی حاشیه مرز آبی عراق و ایران مانند منطقه اروند، سوزاندن هزاران درخت نخل و بریدن سر این درخت‌ها به‌منظور جلوگیری از تحرکات نظامی ایران در آن مناطق و... اما به نظر می‌رسد در برخی موارد هر چند این اقدامات برای مقاصد و احتیاجات نظامی از سوی ارتش عراق صورت گرفته اما به دلیل گسترده و فراگیر بودن این نوع

اقدامات، باید به عنوان مشروعیتی مشکوک و شبه‌ناک در نظر گرفته شود.

ضمن آنکه رژیم عراق با به کارگیری بمب‌های شیمیایی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به ایران وارد کرد. به اعتقاد سم‌شناسان دنیا، تأثیرات سوء سلاح‌های شیمیایی به مدت بیست تا سی سال در خاک باقی و حیات جانداران را به کلی مختل خواهد کرد، حتی اگر انسان با این نوع خاک در تماس نباشد، تأثیرات آنها همچون، تاولزایی و سمیت آن در سطح بدن پدیدار می‌شود.

براساس گزارش‌ها و تحقیقات موثق از جنگ‌های جهانی اول و دوم، خاک‌های مناطقی که هدف بمباران شیمیایی قرار گرفته‌اند، با گذشت سال‌ها، هنوز آثار بمب‌های شیمیایی را در خود دارند و در صورت تماس با آنها، تاولزایی و تأثیرات سوء دیگری در انسان نمودار می‌شود. این موارد همچنین روی ژن‌ها اثر نامطلوبی بر جای می‌گذارد و حتی به صورت عوامل سرطانزا نیز گزارش شده است.^۱

بند (۱) ماده ۵۵ استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی که به منظور ایجاد یک چنین خساراتی [گسترده، درازمدت و شدید] به محیط‌زیست می‌شوند و یا می‌توان انتظار داشت که به این منظور به کار گرفته شده باشند را ممنوع می‌کند، چراکه سلامتی و بقای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۲ مقدمه قطعنامه نشست عمومی سازمان حفاظت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه، که در ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲، منتشر شد بیان می‌دارد که: در صورتیکه تخریب محیط‌زیست بی‌دلیل صورت گرفته باشد و براساس ضرورت نظامی قابل توجیه نباشد، آشکارا برخلاف قوانین بین‌المللی کنونی می‌باشد.

۱- دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های دفاع، جلد دوم، مقاله "تجاوز عراق و اثرات تخریبی آن بر محیط زیست"، نوشته هادی منافی، تهران: ۱۳۶۸، ص. ۴۶۹.

2- Mollard Bannelier, La protection de l'environnement en temps de conflit armé, 2001, pp. 122, 127-131.

ملارد (Mollard) یک آنالیز دقیق را به اثرات بازدارنده ضرورت نظامی بر روی جنگ علیه محیط زیست اختصاص داده است، همچنین در عین حال تأکید می‌کند که حفاظت از محیط زیست مشروط به ضرورت نظامی به عنوان یک شرط سهل گیرانه نمی‌باشد.

در دوران جنگ، ارتش عراق بارها، کشور ما را هدف بمباران شیمیایی قرار داد. برای نمونه، این ارتش تنها در یک روز، نود هزار لیتر بمب شیمیایی (با احتساب روزی ۲۵۰ سورتی پرواز، هر پرواز شامل چهار فروند بمب شصت لیتری به اضافه‌ی پرتاب روزانه ده هزار گلوله توپ هر گلوله محتوی سه لیتر مواد شیمیایی) را علیه مردم و رزمندگان در جبهه‌های جنگ و شهرهای مرزی به کار گرفت.^۱

استفاده از سلاح‌های شیمیایی مرگبار، نه تنها جمع زیادی از رزمندگان را شهید و مصدوم، بلکه محیط زیست را نیز به طور گسترده ای آلوده کرده است. این اقدام‌های رژیم عراق با تمام مقررات بین‌المللی مغایر بود. با اینکه بند (۲) ۵۴ مثال هایی از اشیایی خاص (شامل منابع زیست محیطی) را ارائه می دهد که نباید مورد هجوم قرار گیرند، بندهای (۳) ۳۵ و (۱) ۵۵ کنوانسیون الحاقی نخست ۱۹۷۷ تنها آن تهاجماتی را ممنوع می دانند که موجب ایجاد انواع خاصی از پیامدها (خسارت گسترده، درازمدت و وخیم بر محیط زیست) شوند ولی درباره معنای آنها هیچ توضیح دقیقی ارائه نمی دهند.

مین‌ها یا تله‌های انفجاری از جمله سلاح‌هایی هستند که برای محیط زیست زیان‌بارند؛ چرا که ممکن است عمل نکنند و بعدها، برای بخش‌هایی از زمین که مورد استفاده‌ی کشاورزان و دامداران می‌باشد، مزاحمت ایجاد کنند. نیروهای ارتش عراق پس از آنکه متوجه شدند توان مقابله با حمله‌های بی‌امان رزمندگان ایرانی را ندارند، به مین‌گذاری مناطق وسیعی از خاک ایران و بعضی از مناطق مرزی اقدام کردند. پس از گذشت چندین سال از جنگ، هنوز برخی از مناطق مین‌گذاری شده به طور کامل پاک سازی نشده اند و گاهی، کشاورزان و دامداران مناطق مرزی در برخورد با مین یا مهمات عمل نکرده، جان خود را از دست می‌دهند.

به عنوان مثال در طی جنگ بالکان در سال ۱۹۹۹، حملات صورت گرفته به تاسیسات صنعتی نظیر کارخانجات شیمیایی و تاسیسات نفتی، موجب انتشار آلاینده ها در هوا، زمین و آب شد. گروه ضربت بالکان^۲ که به این منظور از جانب برنامه محیط‌زیست سازمان ملل^۱ تشکیل شد تا

۱- Ibid.p 470 .

۲- BTF

وضعیت محیط‌زیست در کوزوو را پس از بمباران‌های ناتو را مورد بررسی قرار دهد که در چند نقطه آلودگی‌هایی جدی وجود داشت که تهدیدی برای سلامت انسان بودند؛ اما گروه ضربت بالکان دریافت که برخی از این اثرات در طی یک دوره زمانی طولانی انباشته شده بودند و احتمالاً در نتیجه جنگ پدید نیامده بلکه بر اثر سال‌ها غفلت از محیط‌زیست پدید آمده بودند.^۲ کمیته‌ای که از سوی دادستان دیوان سابق دادگستری بین‌المللی یوگسلاوی تشکیل شد پس از مشاهده تخریب‌های به بار آمده در محیط‌زیست بر اثر عملیات بمباران هوایی به‌منظور بررسی عملیات ناتو در آن منطقه، ماهیت فعلی بندهای (۳) ۳۵ و ۵۵ از پروتکل اول را به زیر سؤال برده و خاطر نشان می‌سازد که شرایط آنها برای اعمال این بندها فوق‌العاده سخت بوده و حوزه و محتویات آنها نادقیق می‌باشد. همچنین این کمیته مفهوم تخریب بیش از حد محیط‌زیست را ناروشن و مبهم تشخیص داده و اعلام داشت که تأثیری که این عملیات بمباران حقیقتاً بر روی محیط‌زیست داشته‌اند نامعلوم بوده و به‌سختی می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد.^۳

هواپیماهای عراقی حوزه‌های نفتی ایران در خلیج فارس را در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۶۱ بمباران کردند و همین سبب شد تا روزانه هزاران بشکه نفت از این چاه‌ها نشت کرده و به آب‌های خلیج فارس وارد شود. این اقدام رژیم بغداد - که نقض آشکار مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر حفاظت محیط‌زیست و همچنین زیر پا گذاشتن کنوانسیون کویت درباره خودداری از حمله به چاه‌های نفتی حوزه‌ی خلیج فارس بود - باعث شد تا پس از چند هفته، سفره‌های بزرگ نفت، قسمت‌هایی از آب‌های خلیج فارس را بپوشاند. بدین ترتیب، لطمات اولیه و ثانویه‌ی جبران‌ناپذیری به جانوران آبرزی و ساکنان اطراف خلیج فارس، که از این جانوران تغذیه

۱- UNEP

۲- United Nations Environment Programme and United Nations Centre for Human Settlements , The Kosovo Conflict ,Consequences for the Environment ,1999, pp 28-71.

۳- Final Report to the Prosecutor by the Committee Established to Review the NATO Bombing Campaign Against the Federal Republic of Yugoslavia, 13 June 2000, p

می کردند، وارد آمد.^۱ در اینجا، به چند نمونه اشاره می شود:

رادیو بی.بی.سی در روز ۱۹ تیر ۱۳۶۲ اعلام کرد: تا به حال، بیش از پنج نهنگ دریایی در آب های خلیج فارس تلف شده و اجسادشان به سواحل شرقی خلیج فارس رسیده اند. این کل تعداد نهنگ های دریایی است که ظاهراً در خلیج فارس وجود داشته است.^۲

مؤسسه ی جهانی موجودات وحشی در قسمتی از گزارش خود در این زمینه اعلام کرد که مرگ تعداد زیادی از گاوهای دریایی، دلفین ها، لاک پشت ها، ماهی ها، مارهای دریایی و پرندگان را به ثبت رسانده و طی تحقیقی که با استفاده از بالگردها انجام شده، در طول ساحل شرقی خلیج فارس، ۵۳ گاو دریایی مرده (از ۵۴ گاو دریایی موجود در خلیج فارس) سرشماری گردیده است.^۳ همچنین بر اثر بمباران حوزه های نفتی و آلودگی آب ها، نسل بعضی از ماهیان نیز منقرض شده است.

چهارچوب حفاظت از محیط زیست در طی مخاصمات مسلحانه که توسط پروتکل الحاقی اول در سال ۱۹۷۷ تعیین شد هنوز تاکنون به بوته آزمون گذاشته نشده است. تخریب سکوهای نفتی ایران توسط نیروهای عراقی در سال ۱۹۹۱ (که موجب تخلیه هزاران شبکه نفت به خلیج فارس شد) بر پایه ضرورت نظامی قابل توجیه نبوده است و بنابراین یک مورد از نقض فاحش ممنوعیت تخریب دارایی های دشمن به موجب بند (ج) ۲۳ از مقررات ۱۹۰۷ لاهه محسوب می شود.

نتیجه گیری

دکترین ضرورت نظامی بعد از اینکه اولین بار از سوی لیبر اعلام شد، وارد مرحله ی جدیدی از جنگ ها و مخاصمات بین المللی شد و آموزه ای که تازه ایجاد شده بود، عملاً مورد محک جدی قرار گرفت. از نظر نگارنده، یکی از عمده مشکلات رشد نکردن این اصل و به عبارتی نابالغ بودن این آموزه به این دلیل است که بعد از یک تجربه ی بسیار ناگوار از سوءاستفاده از این اصل در جریان جنگ های جهانی اول و دوم، طبیعتاً نگاه حقوقدانان نسبت به این آموزه چرکین شد و

۱- ستاد تبلیغات جنگ، نقض مقررات بین المللی توسط رژیم عراق، ۱۳۶۴، ص ۲۵.

۲- روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۶/۱۰.

۳- همان.

در آثار غالب حقوقدانان بین‌المللی یک نگاه بدبینانه نسبت به این اصل انعکاس یافت؛ اما باید گفت آنچه که در این گذار تاریخی اتفاق افتاد، به‌نوعی به دلیل تکمیل نشدن این اصل در آن زمان بود، در حالی که اگر این اصل را با قیود و شرایطی تبیین می‌کردند و برای آن چارچوبی کاملاً روشن و صریح فرض می‌کردند این نوع از نگاه‌ها یا اتفاقات ایجاد نمی‌شد.

مورد بعدی که باید در مورد آن سخن بگوییم آن است که در اکثر نوشته‌ها و تفکراتی که در حوزه حقوق بشردوستانه طرح می‌شود به‌نوعی نگاهی متعصبانه و آرمان‌گرایانه نسبت به این موضوعات حقوق بشردوستانه، گاهاً بدون توجه به شرایط عینی در جنگ‌ها و آنچه که در عمل اتفاق می‌افتد، دارند. حال با توجه به این رویکرد، عملاً در نوشته‌ها و تحلیل‌های حقوقی جاری، جایی برای ضرورت نظامی دیده نمی‌شود و به‌مرور زمان دچار مهجوریت شده است؛ اما مطمئناً این اصل دارای معایب و نواقص فراوانی است و اگر به‌جای تحلیل و نقد درست این اصل و همچنین تهیه مقدماتی برای سازمان‌بندی و ایجاد چارچوبی دقیق و روشن برای این اصل، با نگاهی صرف متعصبانه به این اصل توجه کنیم، دیری نمی‌پاید که مجدداً شاهد برخی توجیهات و سوءاستفاده‌هایی از این اصل در جنگ‌های داخلی و بین‌المللی خواهیم بود، چراکه بیشتر مفاد اجازه دادند که ضرورت نظامی مقرر توسط آنهایی که خود نیازمند این توجیه هستند، ارزیابی شود؛ به عبارت دیگر هنگامی که مقررات اجرا شوند هیچ بررسی عینی از این ارزیابی ضرورت صورت نمی‌گیرد. همین‌طور، باید گفت «ضرورت» رأیی است که تحت شرایط خاصی در رفتار دقیق درگیری‌های مسلحانه وضع شده و چیزی نیست که بطور استقرایی و با توجه به اهداف سیاسی یا استراتژیک عمده تعیین شده باشد. همچنین برای متجاوز غیرممکن است که در خصوص مسائل دقیق و روشن، ادعای «ضرورت» کند. «ضرورت» فقط یک رویه برای سهولت نظامی نیست، بلکه معیاری است که اثرش بستگی به تعادل میان تعدادی از عوامل رقیب دارد که ممکن است تقصیر ظاهری را بطور کلی در مورد یک عمل خاص حذف کند یا حذف نکند؛ مانند مقامات آلمانی که اقدامات ظالمانه، ترور، نابودی نظامیان و غیرنظامیان را، اگر برای برتری در نزاع «ضروری» باشد، تشویق می‌کردند. همچنین از شواهد عرضه شده از سوی این متهمان آلمانی به روشنی می‌توان دید که آنها به ضرورت نظامی به مشابه چیزی نگاه می‌کردند که از

سوی آنها تعیین می‌شود که توجیهی کامل برای رفتارهایشان می‌باشد.

هرچند ضرورت نظامی دارای جنبه محدود کننده و بازدارنده است اما این اصل در بسیاری از موارد به دلیل آنکه دارای یک سازمان‌بندی دقیق نیست، مبهم و عامل سوءاستفاده از قوانین بشردوستانه برای بسیاری از ناقضین می‌باشد. نگارنده معتقد است برای به حداقل رساندن سوءاستفاده‌های و نگرانی‌های راجع به نقض قوانین با استفاده از اصل ضرورت نظامی، باید به تلطیف این اصل پردازیم.

در موضوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که یکی از موضوعات چالشی این مقاله می‌باشد، با بررسی وقایع و اتفاقات این جنگ که غالباً از سوی ارتش عراق صورت گرفته بود، به این نتیجه رسیدیم که ارتش بعث عراق در بسیاری از موارد مانند حملات گسترده شیمیایی، حمله به تأسیسات غیر نظامی، آلوده کردن محیط‌زیست و ... هیچ بایستگی نظامی مستقیمی را مورد نظر نداشته و در موارد بسیار زیادی، در رابطه با اهداف، بیش از حد نیاز و بدون هیچ ربطی به اهداف فرضی و نظامی، آنها مورد حمله قرار داده بود. به عقیده نگارنده غالب حملاتی که بیان شد به خاطر اهداف سیاسی و بدون در نظر گرفتن هیچ هدف خاصی یا وجود یک سری اهداف نظامی نسجیده، غیرواقع گرایانه یا درست تعریف نشده از سوی ارتش عراق بود که موجب ایجاد خسارات مالی و جانی بسیاری از هموطنان ما گردید.

رژیم عراق در جریان جنگ هشت ساله، چندین بار به نیروگاه اتمی بوشهر حمله و این قوانین و مقررات را نقض کرد. در اواخر سال ۱۳۶۳، حمله به تأسیسات راکتور اتمی بوشهر شدت یافت، طوری که رژیم عراق ظرف مدت بیست روز، دو بار این نیروگاه را هدف حمله قرار داد و با پرتاب موشک‌های اگزوست به سوی آن، خسارت جانی و مالی فراوانی را به بار آورد. این حمله عراق می‌توانست عوارض بسیار شدیدی نه تنها بر ایران بلکه بر کشورهای همسایه از جمله خود عراق نیز داشته باشد. همانطوریکه مشخص شد، ارتش عراق مطمئناً بدون در نظر گرفتن ضرورت‌ها و الزامات جنگی به این نیروگاه حمله کرد، چراکه نیروگاه هسته‌ای ایران تکمیل نشده بود و میله‌ی سوخت هسته‌ای آن آماده نبود و بنابراین فاقد کارایی برای پیشبرد و حمایت از عملیات‌های نظامی ایران بود، هرچند این نوع از تأسیسات و دیگر تأسیساتی که عراق به آنها حمله

ور شد، اساساً نقش مستقیم و حمایتی از عملیات‌های نظامی ایران ایفا نمی‌کردند. حمله به این نوع از تأسیسات به دلیل ماهیت کار خود و اینکه از خود نیروهای خطرناکی تولید می‌کنند، که بسیار گسترده و غیرقابل کنترل می‌باشند، ممنوع می‌باشد و به همین دلیل نماینده‌ی دولت غنا در کنفرانس دیپلماتیک پروتکل نخست، حمله به چنین تأسیساتی را به معنی نسل‌کشی در سطح بسیار گسترده دانست.^۱

همچنین رژیم عراق در جریان نقض‌های مکرر مقررات بین‌المللی، هواپیماهایش در سال ۱۳۶۶ تأسیسات نفتی گچساران، نیروگاه برق رامین اهواز، دکل برق بادمک پل‌دختر، صنایع آلومینیوم‌سازی اراک و ... را هدف قرار دادند و بدین ترتیب، خسارت‌های زیادی به تأسیسات غیرنظامی وارد آوردند؛ اما هیچکدام از تأسیساتی که ارتش عراق به آنها حمله‌ور شد، این چنین شرایطی را نداشتند و فاقد هرگونه مشارکتی مستقیم در عملیات‌های نظامی ایران بودند. نتیجتاً مشخص می‌شود که ارتش عراق هیچ ضرورت نظامی اجتناب‌ناپذیری را مد نظر نداشته و پایه و اساس این حملات به تأسیسات ایران، ممنوع و غیرقانونی بوده است.

در جریان جنگ هشت ساله، دولت عراق با کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیرنظامی ایران (حتی علیه اتباع خود در شهر حلبچه) ممنوعیت‌های مندرج در اسناد مزبور (پروتکل ۱۹۲۵) را نقض کرد. ارتش عراق در مناطق مختلف عملیاتی و حتی مسکونی از به‌کارگیری انواع عوامل شیمیایی دریغ نکرد. رژیم عراق بدون هیچ منفعت ضروری نظامی و با به کار بردن سلاح‌ها و روش‌های ممنوعه به این اقدام دست زد، در حالی که در شرایط و قیود اصل ضرورت نظامی بیان شد که باید آن اقدام برای یک هدف نظامی مشروع باشد و هم آن عمل و اقدام نظامی که به آن مبادرت می‌شود، باید مجاز باشد؛ اما اقدام عراق به بمباران این بیمارستان‌ها آن هم با بمب‌های شیمیایی به هیچ عنوان قابل توجیه با ضرورت‌ها و احتیاجات نظامی نبوده و همچنین با مطالعه اسناد و شواهد و سبقه‌ای که نظامیان عراق از خود به‌جای گذاشته، مشخص می‌شود که در اکثر اقدامات خود هر هدفی را به غیر از ضرورت‌ها و مزیت‌های نظامی مستقیم، دنبال می‌کردند. همچنین، غیر از ممنوعیت یا محدودیت ابزار و شیوه‌های خاص جنگی، ازجمله آنهایی که ماهیتاً درد و رنج غیرضروری ایجاد می‌کنند، رویکرد حقوق بین‌الملل بشردوستانه

1- Edward Kwakwa, The International Law of Armed Conflict: Personal and Material Fields of Application, martinus nighf-publisherd, 1992, p 148.

صریحاً محدودیت‌های کلی بر نوع و درجه‌ی خشونت که در حملات علیه اهداف نظامی واقعاً مشروع مجاز است، وضع نمی‌کند.

رژیم عراق در جریان تهاجم سراسری خود، شهرهای مرزی و روستاهای تابعه‌ی آنها را با خاک یکسان کرد و این در حالی است که براساس محاسبات علمی، برای تشکیل مجدد هر سانتی‌متر مکعب خاک صد تا چهارصد سال لازم است. البته یکسری از تغییرات زیست‌محیطی که عراق در شهرهای اشغال‌شده‌ی ایران ایجاد کرد، جنبه‌هایی از ضرورت‌ها و الزامات نظامی در آن دیده می‌شود مانند: از بین بردن خانه‌ها و ساختمان‌ها در برخی مناطق برای عملیات‌های نظامی و امور دفاعی شهر خرمشهر در زمان اشغال و یا از بین بردن پوشش گیاهی حاشیه مرز آبی عراق و ایران مانند منطقه اروند، سوزاندن هزاران درخت نخل و بریدن سر این درخت‌ها به منظور جلوگیری از تحرکات نظامی ایران در آن مناطق و... اما به نظر می‌رسد در برخی موارد هر چند این اقدامات برای مقاصد و احتیاجات نظامی از سوی ارتش عراق صورت گرفته اما به دلیل گسترده و فراگیر بودن این نوع اقدامات، باید به‌عنوان مشروعیتی مشکوک و شبهه‌ناک در نظر گرفته شود.

ضمن آنکه رژیم عراق با به‌کارگیری بمب‌های شیمیایی، خسارت‌های زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری را به ایران وارد کرد. به اعتقاد سم‌شناسان دنیا، تأثیرات سوء سلاح‌های شیمیایی به مدت بیست تا سی سال در خاک باقی و حیات جانداران را به کلی مختل خواهد کرد، حتی اگر انسان با این نوع خاک در تماس نباشد، تأثیرات آنها همچون، تاولزایی و سمیت آن در سطح بدن پدیدار می‌شود. تخریب سکوه‌های نفتی ایران توسط نیروهای عراقی در سال ۱۹۹۱ (که موجب تخلیه هزاران شبکه نفت به خلیج فارس شد) بر پایه ضرورت نظامی قابل توجیه نبوده و بنابراین می‌تواند مانند سایر موارد ذکر شده، حتی یک مورد از نقض فاحش ممنوعیت تخریب دارایی‌های دشمن به موجب بند (ج) ۲۳ از مقررات ۱۹۰۷ لاهه هم محسوب می‌شود.

هرچند هنوز تا به امروز دادگاهی برای رسیدگی به جرایم ارتش بعثی تشکیل نشده، اما با توجه به بسیاری از دادگاههایی که بعد از جنگ جهانی دوم تشکیل پیدا کرد و با توجه به اظهارات ژنرال‌های نظامی که برای رهایی از مجازات و توجیه عمل خود، بی‌شرمانه به ضرورت نظامی متمسک می‌شدند، می‌توان یکی از رسالت‌های این پژوهش را این دانست که اگر روزی با ادعای فرماندهان و سرداران عراق مبنی قرار گرفتن در حالت ضرورت نظامی روبه‌رو شدیم، این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت ابطال و رد این ادعاها بردارد.

منابع

کتاب

- ۱- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس (۱۳۹۱)؛ حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، مجد.
- ۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۳- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷)؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، چاپ سوم.
- ۴- سیاه رستمی، هاجر و حسین نژاد، کتایون (۱۳۹۰)؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد دژنو)، کمیته ملی حقوق بشردوستانه ایران.
- ۵- فلک، دیتر (۱۳۹۱)؛ حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی و نادر ساعد، شهر دانش، تهران.
- ۶- زمانی، قاسم (۱۳۸۱)؛ حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی، شهر دانش.
- ۷- پورمحمدی، نعمت‌الله (۱۳۸۵)؛ حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق، مرکز اسناد دفاع مقدس.
- ۸- منافی، هادی (۱۳۶۸)؛ مقاله "تجاوز عراق و اثرات تخریبی آن بر محیط‌زیست"، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های دفاع، جلد دوم.
- ۹- یزدان فام، محمود (۱۳۷۸)؛ روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۵۰ (اسکورت نفتکش‌ها)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- ۱۰- هدایتی خمینی، عباس (۱۳۷۰)؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

- ۱۱- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ ماهنامه نگاه «گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی-راهبردی»، سال اول، شماره ۶، شهریور ۱۳۷۶.
- ۱۲- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶)؛ آرامش و چالش (کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۲)، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ص ۱۲۰.
- ۱۳- مسائلی، محمود و ارفعی، عالیه (۱۳۷۱)، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۲۶.
- ۱۴- آرشیو اسناد ستاد آزادگان؛ دفتر نمایندگی ولی فقیه در ستاد.
- ۱۵- خرمی، محمدعلی (۱۳۶۳-۱۹۸۴ ژوئن)؛ ترجمه‌ی اسناد سازمان ملل درباره جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۶- سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ گزارش‌های لحظه به لحظه و انعکاس آن در خبرگزاری‌ها، مطبوعات و رادیو و تلویزیون‌های جهان، جلد دوم، تهران: انتشارات سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۱۷- موسوی، سید احمد (۱۳۷۷)، میراث فرهنگی و جنگ تحمیلی: سازمان میراث فرهنگی.
- ۱۸- چمران، مهدی (۱۳۶۷)؛ جنگ و بازسازی، به نقل از کنفرانس بین‌المللی بازسازی مناطق جنگ زده، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، ۱۵ تا ۲۵ اسفند ماه ۱۳۶۴، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- ویشر، دو (۱۹۵۳)؛ حفاظت بین‌المللی از اشیاء هنری و بناهای تاریخی، نشریه‌ی حقوق بین‌المللی و تطبیقی.
- ۲۰- کاظمی، اصغر (۱۳۵۷)؛ خرمشهر در اسناد ارتش عراق، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۱- روسو، شارل (۱۳۶۹)؛ حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد ۱، ترجمه‌ی سید علی هنجی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل.

- ۲۲- آرشیو اسناد جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش گروه اعزامی دبیر کل سازمان ملل از مناطق تخریب شده، ۳۱ اردیبهشت تا ۵ خرداد ۱۳۶۲.
- ۲۳- ستاد تبلیغات جنگ (۱۳۶۴)؛ نقض مقررات بین‌المللی توسط رژیم عراق.
- ۲۴- دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مجله تحقیقات، شماره ۱۸، تابستان و زمستان ۱۳۷۵.
- ۲۵- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۷۵)؛ مجموعه مقالات حقوق جنگ، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام، چاپ اول.
- ۲۶- سرهنگی، مرتضی (۱۳۶۹)؛ اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی، جلد اول، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم.
- ۲۷- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۶)؛ بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، انتشارات تابان.
- ۲۸- مصفا، نسرین مصفا و دیگران (۱۳۶۶)؛ تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، زیر نظر جمشید ممتاز، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
- ۲۹- آقایی، سید داوود (۱۳۹۲)؛ بررسی ابعاد حقوقی جنگ عراق علیه ایران، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۳۰- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲)؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه، انتشارات گنج دانش، با همکاری ICRC.
- ۳۱- نیکخواه بهرامی، محمدباقر (۱۳۹۱)؛ جنایت جنگی و حملات شیمیایی عراق در جنگ با ایران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۳۲- کینگ، رالف و کارش، افرایم (۱۳۸۷)؛ جنگ ایران-عراق و پیامدهای سیاسی و تحلیل نظامی، مترجم سید سعادت حسینی دماهی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

مقالات

- ۱- رضایی، صالح (۱۳۹۲)؛ عراق و میزان پای بندی آن به حقوق مخاصمات مسلحانه و

- بشردوستانه در جریان جنگ هشت ساله، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۲- شافع، میرشهیز (۱۳۸۰)؛ عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران با توجه به پروتکل اول ژنو ۱۹۷۷، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۱.
- ۳- ای.اف.اچ.پست (۱۳۶۹)؛ جنگ عراق علیه ایران از دیدگاه حقوق بین‌الملل، واحد ترجمه دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۱۳.
- ۴- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۷۳)؛ حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۲.
- ۵- زمانی، قاسم (۱۳۷۸)؛ حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۸، ۱۳۷۸.

منابع انگلیسی

کتاب

- 1-Boivin, Alexandra: The Legal Regime Applicable to Targeting Military Objectives in the Context of Contemporary Warfare, Collection des travaux de recherche, 2006
- 2-Gardam, Judith: Necessity, Proportionality and the Use of Force by States, CAMBRIDGE UNIVERSITY, 2004.
- 3-Jinks, Derek: THE TEMPORAL SCOPE OF APPLICATION OF INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW IN CONTEMPORARY CONFLICTS, HARVARD PROGRAM ON HUMANITARIAN POLICY AND CONFLICT RESEARCH, 2003.
- 4-Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field, U.S. War Dep't General Orders No. 100, Apr. 24, 1863. (Lieber Code)
- 5-Joseph Perkovich, GUERRILLA PARTIES CONSIDERED WITH REFERENCE TO THE LAWS AND USAGES OF WAR, Lawbook Exch. 2005.

- 6-Yoram Dinstein, *The Conduct of Hostilities Under the Law of International Armed Conflict*, 2nd edn, Cambridge University Press, 2010.
- 7-Christopher Greenwood, 'Historical Development and Legal Basis' in Dieter Fleck (ed), *The Handbook of International Humanitarian Law*, 2nd edn, Oxford University Press, 2008.
- 8-Major Geoffrey S.Corn. International and Operational Law Note, *Principle 1: Military Necessity*, ARMY LAW, Jul. 1998.
- 9-Anthony Cullen, *The Concept of Non-International Armed Conflict in International Humanitarian Law*, Cambridge Studies in International and Comparative Law, 2010.
- 10-J. Plcetet, *Development and Principles of International Humanitarian Law*, Martinus Nijhoff, 1985.
- 11-M. Greenspan, *The Modern Law of Land Warfare*, University of California Press, 1959.
- 12-H. McCoubey, *International Humanitarian Law*, Dartmouth, 1990.
- 13-JIRI TOMAN, *THE PROTECTION OF CULTURAL PROPERTY IN THE EVENT OF ARMED CONFLICT*, 1996.
- 14-Dietrich Schindler & Jiri Toman, *THE LAWS OF ARMED CONFLICTS*, 4th ed, 2004.
- 15-PATRICK BOYLAN, *REVIEW OF THE CONVENTION FOR THE PROTECTION OF CULTURAL PROPERTY IN THE EVENT OF ARMED CONFLICT*, 1993.
- 16-Mollard Bannelier, *La protection de l'environnement en temps de conflit armé*, 2001.

مقالات:

- 1-Melzer, nils: *TARGETED KILLING OR LESS HARMFUL MEANS? - ISRAEL'S HIGH COURT JUDGMENT ON TARGETED KILLING AND THE RESTRICTIVE FUNCTION OF MILITARY NECESSITY*, Yearbook of International Humanitarian Law, volume 6, 2006.
- 2-Alan reby, major kemneth: *bombardment of land taroers-military necessity and proportionality interpellaiied*, April 1968.
- 3-Van Bergen, Jennifer - Gittings Jr, Charles B: *Bush War: Military Necessity or War Crimes?*, July 2003.
- 4-G Draper, 'Military Necessity and Humanitarian Imperatives', 12 *Revue de Droit Pénal Militaire et Droit de la Guerre*, 1973.
- 5-Elmar Rauch, 'Le Concept de Necessité Militaire dans le Droit de la Guerre', 19 *Mil L & L War Re*, 1980.

- 6-Bosco, David:moral principle vs. military necessity, The American Scholar, Volume 77, No.1, Winter 2008.
- 7-J.S. FORREST, CRAIG: THE DOCTRINE OF MILITARY NECESSITY AND THE PROTECTION OF CULTURAL PROPERTY DURING ARMED CONFLICTS,CALIFORNIA WESTERN INTERNATIONAL LAW JOURNAL,VOLUME 37, SPRING 2007.
- 8- Gregory A Raymond, 'Military Necessity and the War Against Global Terrorism' in Howard M.Hensel (ed), *The Law of Armed Conflict: Constraints on the Contemporary Use of Military Force*, 2005.
- 9-Hayashi, Nobuo: REQUIREMENTS OF MILITARY NECESSITY IN INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW AND INTERNATIONAL CRIMINAL LAW, International Peace Research Institute
- 10- RICHARDS. HARTIGANL, LIEBER's CODE AND THE LAW OF WAR,1983.
- 11-J.G. Fleury, Colonel:JUS IN BELLO AND MILITARY NECESSITY, Canadian Forces College, 17 November, 1998.
- 12-Melzer,nils:KEEPING THE BALANCE BETWEEN MILITARY NECESSITY AND HUMANITY: A RESPONSE TO FOUR CRITIQUES OF THE ICRC'S INTERPRETIVE GUIDANCE ON THE NOTION OF DIRECT PARTICIPATION IN HOSTILITIES, INTERNATIONAL LAW AND POLITICS, Vol. 42:831, 2010.
- 13-Horton, Scott: Kriegsraison or Military Necessity? The Bush Administration's Wilhelmine Attitude Towards the Conduct of War,Fordham International Law Journal, Volume 30, Issue 3, 2006.
- 14-M. Carnahan, Burrus: Lincoln, Lieber and the Laws of War: The Origins and Limits of the Principle of Military Necessity, The American Journal of International Law, Vol. 92, No. 2. 1998.
- 15-Newton, Michael: Modern Military Necessity: The Role & Relevance of Military Lawyers, Vanderbilt University Law School, 2007.
- 16-Worski,Ericja: "Military Necessity" and "Civilian Immunity": Where is the Balance? Chinese JIL, 2003.
- 17- Santa Barbara,Military Necessity and the Principle of Discrimination in Just War Theory, a Kantian Test of Universality Prepared for presentation at the 2009 Conference of the Western Political Science Association Vancouver, Canada March 19-21, Yuchun Kuo Department of Political Science University of California, 2009.
- 18-N. SCHMITT,MICHAEL:Military Necessity and Humanity in International Humanitarian Law: Preserving the Delicate Balance,

- VIRGINIA JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, Vol. 50, 2010.
- 19-Nicholson, Richard, FUNCTIONALISM'S MILITARY NECESSITY PROBLEM: EXTRATERRITORIAL HABEAS CORPUS, JUSTICE KENNEDY, BOUMEDIENE V. BUSH, AND AL MAQALEH V. GATES, FORDHAM LAW REVIEW, Vol. 81, 2012.
- 21-ETIENNE, HENRY: Le juge international et les nécessités militaires, 2012.
- 22-Gerald Downey, Jr, William: The Law of War and Military Necessity, The American Journal of International Law, Vol. 47, 1953.
- 23-Gillespie, Alexander: The Limits of International Environmental Law: Military Necessity v. Conservation, Colo. J. Int'l Envtl. L. & Pol'y, 2012.
- 24-Venturini, Gabriella: Necessity in the Law of Armed Conflict and in International Criminal Law, Netherlands Yearbook of International Law, Volume 41, 2010.
- 25-Dunbar NCH, 'Military Necessity in War Crimes Trials', 29 Brit YBIL, 1952.
- 26- N.C.H. Dunbar, 'The Significance of Military Necessity in the Law of War', 55 Jurid Rev, 1955.
- 27-Cowling MG, 'The Relationship Between Military Necessity and the Principle of Superfluous Injury and Unnecessary Suffering in the Law of Armed Conflict', 25 S Afr YBIL, 2001.
- 28- McCoubrey, 'The Nature of the Modern Doctrine of Military Necessity', 30 Mil. L. & L. War Rev, 1991.
- 29- O'Brien WV, 'The Meaning of "Military Necessity" in International Law, 1 World Polity, 1957.
- 30- Rauch E, 'Le Concept de Necessité Militaire dans le Droit de la Guerre', 19 Mil L & L War Rev, 1980.
- 31- Raymond GA, 'Military Necessity and the War Against Global Terrorism' in Hensel HM(ed), The Law of Armed Conflict: Constraints on the Contemporary Use of Military Force, Ashgate, 2005.
- 32- Paulo Bogliolo Piancastelli de Siqueira, Luís: RETHINKING MILITARY NECESSITY IN THE LAW OF ARMED CONFLICT, August 2012.
- 33- Draper G, 'Military Necessity and Humanitarian Imperatives', 12 Revue de Droit Pénal Militaire et Droit de la Guerre, 1973.
- 34-Rex Zedalis, Military Necessity and Iraqi Destruction of Kuwaiti Oil, Revue Belge de Droit Intl, 1990.
- 35-Chris af Jochnick & Roger Normand, The Legitimation of Violence: A

- Critical History of the Laws of War, 35 HARV. INT'L L.J. 1994.
- 36-Wayne Sandholtz, The Iraqi National Museum and International Law: A Duty to Protect, 44 COLUM. J. TRANSNAT'L L. 2005.
- 37-Burleigh Cushing Rodick, *The Doctrine of Necessity in International Law*, Columbia University Press, 1928.
- 38-Henri Meyrowitz, The Principle of Superfluous injury or Unnecessary Suffering, INT'L Rev. RED CROSSM, 1994.
- 39-Rotem Giladi, 'The Jus Ad Bellum/Jus In Bello Distinction and the Law of Occupation', 41 Israel Law Review, 2008.
- 40-Jean Pictet, Humanitarian Law and the Protection of War Victims, Sijthoff, 1975.
- 41-H. McCoubrey, *The Nature of the Modern Doctrine of Military Necessity*, 30 REVUE DE DROIT MILITAIRE ET DE DROIT DE LA GUERRE, 1991.
- 42-Michael N. Schmitt, *Targeting and International Humanitarian Law in Afghanistan*, 39 ISRAEL YEARBOOK ON HUMAN RIGHTS, 2009.
- 43-Kunz, The Chaotic Status of the Laws of War and the Urgent Necessity for Their Revision, 45 AM. J. INT'L L, 1951.
- 44-David Keane, *The Failure to Protect Cultural Property in Wartime*, 14 DE PAUL-LCA J. ART & ENT. L. & POL'Y 1, 2004.
- 45-Joshua E. Kastenberg, *The Legal Regime for Protecting Cultural Property During Armed Conflict*, 42 A.F. L. REV. 277, 1997.
- 46-David A Meyer, *The 1954 Hague Cultural Property Convention and its Emergence into Customary International Law*, 11 B.U. INT'L L.J., 1993.
- 47-Mary Ellen O'Connell, *Occupation Failures and the Legality of Armed Conflict: The Case of Iraqi Cultural Property*, 9 ART ANTIQUITY & L, 2004.
- 48-Roger O'Keefe, *The Meaning of Cultural Property Under the 1954 Hague Convention*, 46 NETH. INT'L L. REV, 1999.
- 49-Sabine von Schorlemer, *Legal Changes in the Regime of the Protection of Cultural Property in Armed Conflict*, 9 ART ANTIQUITY, 2004.
- 50-Marion Forsyth, *Casualties of War: The De-struction of Iraq's Cultural Heritage as a Result of U.S. Action During and After the 1991 Gulf War*, 14 DE PAUL-LCA J. ART & ENT. L. & POL'Y, 2004.

نقش متغیرهای جغرافیایی ایران و عراق در جنگ تحمیلی

هادی کیخانی راد^۱، حسن محقق^۲، بهروز بزی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۱۰

چکیده

جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ به رهبری صدام، به منظور ایجاد رعب و وحشت و گرفتن تلفات انسانی و تلاش برای اشغال خوزستان در جهت پیشبرد یک هدف سیاسی و نظامی طراحی شده بود؛ از همین رو رژیم بعث عراق با حمایت و هدایت دول غربی برای مقابله با شکوفایی انقلاب اسلامی با راه اندازی جنگ تحمیلی و بهره گیری از موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ایران تلاش نمود تا با هجوم سراسری به مرزهای جغرافیایی ایران به هر شکل ممکن با این انقلاب مقابله کرده و از قدرت آن بکاهد. سؤال اصلی این پژوهش این است که متغیرهای جغرافیایی دو کشور ایران و عراق چه نقشی در جنگ تحمیلی ایفا نموده است؟ هدف پژوهش، بررسی متغیرهای جغرافیایی و میزان اثرگذاری آن در فرجام عملیات های نظامی می باشد. این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و دستاورد اصلی آن این است که: رژیم بعثی صدام با توجه به خلأ ژئوپلیتیکی و عدم دسترسی به آب های آزاد و با عنایت به شرایط اقلیمی ناهموار و سخت در جوار مرزهای ایران با حمایت آشکار و نهان دولت های غربی و همسایه، درصدد اشغال نظامی ایران برآمد که با هدایت حضرت امام خمینی و ایستادگی مردم و ایدئولوژی انقلابی و اسلامی مردم ایران در دستیابی به اهداف شوم خود ناکام شد و اینگونه حاکمیت و مرزهای جغرافیایی ایران در پایان جنگ از دستبرد و چپاول غارتگران محفوظ ماند.

کلید واژه ها: امنیت، ایران، عراق، جنگ تحمیلی، متغیر جغرافیایی

۱- دانشجوی دکتری مطالعات منطقه ای دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۳- کارشناس ارشد علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات.

مقدمه و بیان مسأله

جنگ عراق با ایران که در ایران با نام جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس و در زمان صدام در عراق با نام قادسیه صدام شناخته می‌شود، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ به صورت رسمی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ برابر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد. در این روز درگیری‌های پراکنده مرزی دو کشور با یورش هم‌زمان نیروی هوایی عراق به ده فرودگاه نظامی و غیرنظامی ایران و تهاجم نیروی زمینی این کشور در تمام مرزها به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد؛ هرچند مقامات عراقی معتقد بودند که جنگ از ۴ سپتامبر با حملات توپخانه‌ای ایران به شهرهای مرزی عراق آغاز شده است.

پیش از آغاز جنگ، روابط دو کشور به شدت تیره شده بود. جاه‌طلبی‌های سیاسی صدام و اختلافات مرزی و ایدئولوژیکی از دلایل اصلی جنگ محسوب می‌شوند. این جنگ در نهایت پس از حدود ۸ سال در مرداد ۱۳۶۷ با قبول آتش‌بس از سوی دو طرف و پس از به‌جا گذاشتن یک میلیون نفر تلفات (کشته و شهید) و ۱۱۹۰ میلیارد دلار خسارات به دو کشور خاتمه یافت. مبادله‌ی اسیران جنگی بین دو کشور از سال ۱۳۶۹ آغاز شد. ایران آخرین گروه از اسرای جنگی عراقی را در سال ۱۳۸۱ به عراق تحویل داد.

جنگ ایران و عراق از لحاظ استراتژیک یکی از مهم‌ترین برخوردهای نظامی دوران معاصر بود که تأثیر مستقیم آن بر کشورهای که بیشترین ذخایر نفتی جهان را داشتند، وارد و در طول جنگ ثابت شد که پیروزی هر یک از دو کشور ایران یا عراق موجب برهم خوردن ثبات و توازن قوا در منطقه خواهد شد به همین دلیل ابرقدرت‌ها کوشیدند تا هیچ کدام از این دو کشور پیروز نشده و هر دو را با زخم‌هایی عمیق و طولانی رها کنند.

از بعد نظامی عراق با استفاده از عنصر غافلگیری در ابتدای جنگ موفق شد بخش‌هایی از خاک ایران از جمله شهر خرمشهر را اشغال نماید. ایران در سال‌های دوم و سوم جنگ موفق شد بیشتر مناطق اشغالی از جمله خرمشهر را آزاد نموده و از سال ۱۹۸۴ جنگ را به داخل خاک عراق بکشد. ایران در فوریه ۱۹۸۶ موفق به تصرف فاو یکی از مهمترین بنادر صدور نفت عراق شد و

در ۸ ژانویه ۱۹۸۷ عملیات عظیمی به نام کربلای ۵ را برای تصرف بصره دومین شهر بزرگ عراق به انجام رساند.

ایران در ۲۶ فوریه این عملیات را متوقف کرد و در شرایطی که بن‌بست نظامی در جبهه جنوبی جنگ کامل شده بود، جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس به اوج خود رسید. حمله غافلگیرانه یک جنگنده عراقی به کشتی جنگی آمریکایی که به آسیب شدید ناوچه یواس‌اس استارک و مرگ ۳۷ سرباز آمریکایی انجامید، کشتیرانی بین‌المللی را در معرض خطر قرار داده و زمینه مداخله بیشتر هر دو ابرقدرت را فراهم کرد به‌طوری‌که هر دو از قطعنامه‌های شورای امنیت که از دو طرف درخواست آتش‌بس داشت، حمایت می‌کردند. در سال چهارم و پنجم در این جنگ ارتش عراق به‌طور گسترده از جنگ‌افزارهای شیمیایی علیه کردهای عراقی و مردم و نظامیان ایران استفاده کرد؛ ولی ادعای استفاده ایران از سلاح‌های شیمیایی ثابت نشده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در کل ۸ قطعنامه در این خصوص صادر نمود که همگی به جز قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران رد شد. دو کشور در طول جنگ آسیب‌های فراوان اقتصادی را متحمل شدند و بیش از یک میلیون نفر در این جنگ شهید، کشته و یا مجروح شدند.

دغدغه و مسئله‌ی این مقاله رسیدن به نقطه‌ی قانونی دلایل بروز ناامنی و ریشه‌یابی آن در جنگ است. تداوم ناامنی در مرزها، به گونه‌ای تداوم ناامنی در سایر شهرها و می‌تواند پیامدهای امنیتی ناخوشایندی را برای نظام ج.ا.ایران در پی داشته باشد. از این‌رو چگونگی شناسایی و برخورد با این موضوع، مسئله‌ای است که ذهن‌ها را به خود مشغول ساخته است. پیشران‌های جغرافیایی و شرایط اقلیمی در جنگ نقشی تأثیرگذار در معادلات داشته و از نقش مهم آن در بازی سیاسی بین قدرت‌های بزرگ نباید غافل ماند؛ چرا که در طول جنگ تحمیلی بسیاری از موفقیت‌ها و ناکامی‌ها ناشی از تحولات و شرایط جغرافیایی و اقلیمی حاکم بر آن بوده است.

از آنجایی که جنگ تحمیلی با تأثیرگذاری نهان و آشکار، تدریجی و تسریعی افکار عمومی همراه است ارتباط زیادی با امنیت و آسایش عمومی و روانی مردم پیدا می‌کند چرا که هم از حیث سر و کار داشتن با ابزارهای تأثیرگذار مستقیم و غیرمستقیم و هم از بعد امنیتی با کار ویژه‌های سازمان‌های نظامی و امنیتی همپوشانی دارد. از همین رو، پژوهش حاضر به دنبال واکاوی و بررسی متغیرهای جغرافیایی ایران و عراق در طول دوران دفاع مقدس و تأثیر آن بر شکست و یا

پیروزی عملیات‌ها می‌باشد.

سؤال اصلی

متغیرهای جغرافیایی دو کشور ایران و عراق چه نقشی در جنگ تحمیلی ایفا نموده است؟

فرضیه اصلی

علاوه بر دشمن، شرایط اقلیمی و متغیرهای جغرافیایی نقش مستقیم و بسزایی در فرجام عملیات‌های ایران و عراق داشته است.

روش پژوهش

روش این پژوهش از نظر هدفی؛ توسعه‌ای و از نظر ماهیتی؛ توصیفی - تحلیلی است.

روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات این پژوهش؛ کتابخانه‌ای (واقعی و مجازی) است که به صورت فیش-برداری و نکته‌برداری، مطالب یادداشت و در پایان مورد استفاده قرار گرفت. در این روش با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق کتب، مقالات، اینترنت و سایر منابع، به بررسی متغیرهای جغرافیایی ایران و عراق در جنگ تحمیلی پرداخته می‌شود.

مفاهیم نظری

امنیت

این واقعیت که امنیت از جمله نیازهای اولیه زندگی انسان بوده و تاریخی به درازای سکونت بیشتر بر روی کره خاکی دارد، از پیشینه طولانی مطالعات امنیتی حکایت می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۳). امنیت فوری‌ترین، ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نیاز انسان، در سطوح مختلف است. از نظر امام خمینی علیه السلام انسان معاصر در همه زمینه‌های فردی گروهی و جهانی دچار انحطاط امنیتی می‌شود. چه در سطح خرد، چه در سطح متوسط و چه در سطح کلان. ریشه این انحطاط در «قیام للنفس» به جای «قیام لله» است. ایشان در تحلیل انحطاط امنیتی می‌گویند: «خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده است» (صحیفه

امام، ۱۳۶۸: ۲۲). به رغم تصورات رایج درباره گرایش‌های واپس گرایانه افراط‌گرایان مبنی بر پرهیز از تکنولوژی و دستاوردهای تمدن غرب (مصطفی، ۱۳۹۴: ۱۷۷)، رژیم بعثی صدام در استفاده از روش‌ها و تکنولوژی مدرن برای انعکاس فعالیت‌های خود در سطح منطقه و جهان از هیچ فرصتی چشم‌پوشی نکرد و با تزویر و ریا در صدد سیطره و اشغال نظامی ایران برآمد و در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ تحمیلی، امنیت روانی مردم مسلمان ایران را دچار لرزل نمود.

جهاد، ایدئولوژی پیش‌روی جنگ تحمیلی

رویکرد سید قطب و تفسیر او از جهاد اسلامی، الهام‌بخش بسیاری از گروه‌های پیکارجوی در کشورهای اسلامی بوده است (اسپوزیتو و وال، ۱۳۸۹: ۳۳۱)، جهاد به عنوان یک اصل مهم و مقدس در اسلام به یکی از بزرگترین چالش‌های پیش‌روی کفار و دشمنان اسلام تبدیل شده است. سران استکبار پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران چون توان ایستادگی در مقابل این حرکت انقلابی عظیم و مردمی را نداشتند بر آن شدند تا با انواع تبلیغات رسانه‌ای و روانی این انقلاب را مورد سرزنش و دچار چالش نمایند. شیخ عبدالرحمن معتقد است که جهاد صرفاً یک مفهوم دارد و آن دست بردن به اسلحه و واداشتن کفار به پذیرفتن اسلام است و تفسیر غیر از این، صرفاً در اثر ترس از قدرت‌های استعماری متولد شده است (پلی و دوران، ۱۳۸۱: ۲۰). دول غربی نیز برای خدشه به این انقلاب مقدس سعی نمودند آن را در جوامع اسلامی تحریف کرده و مسلمانان را نسبت به این حرکت مردد نمایند. به همین جهت با تشویق و حمایت نا به جا از رژیم غاصب صدام و در اختیار گذاشتن ابزار و تجهیزات جنگی، سعی کرده تا از این اصل مقدس سوء استفاده نموده و مسلمانان را به جان هم بیندازند و برادرکشی و خشونت را ترویج دهند. شیخ محمد سیدظنطوی از علمای شاخص اهل سنت درباره جهاد می‌گوید: «جهاد در راه خدا واجب کفایی است ولی اگر به سرزمین مسلمانان حمله شود این جهاد واجب عینی می‌شود» (ملا محمد علی، ۱۳۸۴: ۵۹).

همچنین امام خمینی (قدس سره) درباره شهید «محمدحسین فهمیده» مطلبی فرمودند که می‌تواند بیانگر جواز جهاد در راه خدا باشد: «رهبر ما، آن طفل سیزده ساله‌ای است که با قلب کوچک خود

که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم کرد و خود نیز شربت شهادت نوشید» (کیخا، ۱۳۹۲: ۶۷).

چارچوب نظری

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا که از گسترش موج برابری و اسلام‌خواهی مسلمانان هراسان شده بودند تصمیم گرفتند با راه‌اندازی و حمایت از گروهک‌های تروریستی و نیز حمایت از صدام جنایت‌کار، منطقه غرب آسیا را ناامن و سلسله اقدامات کور تروریستی و نظامی را با هدایت سرویس‌های پنهان اطلاعاتی جهت امنیتی‌سازی برخی از کشورها و به‌ویژه ایران ترویج دهند. در خصوص روند چرایی و چگونگی پیدایی جنگ و رفتار آن‌ها از نظر این تحقیق، نظریه سازه‌نگاری الگوی جامع‌تری را ارائه می‌دهد.

هر دولتی در اداره کشور با دو متغیر ذهنی و عینی مواجه می‌باشد. در بخش ذهنی با باورها، هنجارها و دیدگاه‌های نخبگان و در بخش عینی با شرایط نظام‌مند همراه هستند که تحت تأثیر محیط به آن‌ها دیکته می‌شود. در این محیط فرصتها و تهدیداتی وجود دارد که حرکت آینده را برای آن‌ها مشخص می‌کند (joseph:2008: 161). بخشی از این فرصتها و تهدیدات در قالب تنازعات ملی و بخشی در ردیف تنازعات فراملی قرار دارند.

در مورد اینکه تنازع چیست و در جهان سیاست چه جایگاهی دارد، هنوز اتفاق نظری وجود ندارد؛ اما باید پذیرفت تنازع وجود دارد و به خلق منازعات کلامی و درنهایت رفتاری می‌انجامد. نیکلاس لومان^۱ معتقد است؛ جوهر سیاست منازعه است و تنازعات بشری نه تنها کاهش نمی‌یابد؛ بلکه در حال افزایش است. هانتینگتون^۲ هم به تداوم تنازع اعتقاد دارد و برخلاف فوکویاما^۳ می‌گوید باید سودای جهان یکپارچه را که کانت^۴ می‌گوید فراموش کرد. حد وسط تنازع این دو دیدگاه را هانس^۵ مطرح کرد. او می‌گوید هرروز هویتی شکل می‌گیرد و می‌شکند و آن قدر ادامه می‌یابد که نمی‌توان قلمروها را تشخیص داد (ساوه درودی، ۱۳۹۰: ۲۵۸). تهدیدی که امروز

۱- N.Loman

۲- S.Hantigton

۳- F.Fokoyama

۴- Kant

۵- Hanse

بیشتر دولت‌های در حال گذار با آن مواجه هستند، بیشتر ناشی از همین تنازعات محیطی و اجرای سیاست‌های استبدادی علیه توده است. شناخت این شرایط برای رسیدن به علل و پیامدهای حاکم بر کشورها، یکی از مسائلی است که ضرورت بررسی‌های سیاسی و امنیتی را می‌طلبد.

وضعیت حاکم بر ایران و عراق در طول جنگ تحمیلی در همین راستا قابل ارزیابی است. شرایط محیطی حاکم بر این دو کشور، در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی که به تشدید عصبیت‌های قومی و نژادی انجامیده و این کشورها را در آستانه ورود به تحولی دیگر قرار داده بود بیشتر ناشی از تنازعات قومی و مذهبی است. در این شرایط احتمال گسترش ناامنی به دلیل قرار گرفتن در همسایگی دو کشور و بروز اختلافات مرزی مشترک وجود دارد. این مهم با توجه به نگرش‌های منفی وهابیت که شیعه را مهدورالدم و نظام ج.ا.ایران را مشرک تلقی می‌کنند، نیازمند بررسی عمیق و موشکافانه است که اهمیت نظریه سازه‌نگاری در تحریک هویت عرب و عجم و بروز رفتار پرخاشگرانه قومی را به اثبات می‌رساند. کشمکش و رقابت بر سر قدرت و ناامنی فراگیر در سیاست بین‌الملل در نتیجه کنش‌های بازیگران برای به دست آوردن قدرت است (بیلیتس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۸۳)، در واقع ادعای حمایت صدام از قوم عرب و اهل سنت از سوی بزرگان این قوم و مذهب مردود است و یکی از اهداف آن‌ها کسب قدرت و برتری در منطقه می‌باشد، کالای باارزشی که در این دادوستد بیشترین ضرر را متحمل شده، سرمایه‌های انسانی و منافع حیاتی کشورهای تحت سلطه است. تلاش گروه‌های انقلابی برای تغییر نظرات دیگران در مورد خود به این معنا نیست که دیدگاه بین‌المللی دیگران را پذیرفته‌اند، بلکه تلاش می‌کنند تا دیگران دید روشن‌تری نسبت به آنها پیدا کنند (آجرلو، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۸) به هر حال شرایط مساعد منطقه خوزستان و اطراف آن به گونه‌ای است که راه دسترسی به اهداف نظام سلطه را در قالب هدایت منازعات با بهره‌گیری از اختلافات و تنش‌های سیاسی مذهبی رقم زده که در شروع جنگ با اجرای عملیات اشغال نظامی تبلور یافته است. گرچه دست‌های پنهان و هدایتگر جنگ به ظاهر خود را مبرا از هرگونه رابطه با این اقدامات اعلام نموده‌اند؛ اما گذر زمان بسیاری از واقعیتها را مشخص نموده و خواهد نمود.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

ریشه اختلافات مرزی ایران و عراق

اختلافات مرزی ایران و عراق به دوران حکومت سلسله‌ی صفوی در ایران و دولت عثمانی که عراق بخشی از خاک آن بوده است، باز می‌گردد. سلطان محمد دوم پادشاه عثمانی در سال ۱۴۵۳ میلادی با فتح قسطنطنیه، به حیات هزار ساله امپراتوری روم شرقی (بیزانس) خاتمه داد و با تأسیس امپراتوری نیرومند عثمانی درصدد کشورگشایی برآمد، که ایران از جمله اهداف آن بوده است. سلسله صفوی را نیز در سال (۱۵۰۲ میلادی) شاه اسماعیل صفوی در ایران تأسیس کرد، که هدف اصلی آن حفظ تمامیت ایران از خطر هجوم ترکان عثمانی بود. سرزمین عراق قبل از تأسیس امپراتوری عثمانی، بخشی از خاک ایران بود و سابقه تاریخی منازعات ایران با دولت عثمانی بنابر ملاحظات ژئوپلیتیکی، تاریخی و سیاسی مشترک دو کشور، ناشی از تعارض منافع ملی آنها با یکدیگر بوده است.

اختلاف ایران و دولت عثمانی در طول چهار قرن (۱۹۱۴-۱۵۱۴) علیرغم بسته شدن چندین قرارداد صلح و چندین پروتکل مرزی همچنان حل نشده ماند که این امر نشان دهنده عمق اختلافات و منازعات بین ایران و عثمانی است. در هر بار توسعه طلبی عثمانی‌ها، اختلافات ناشی از شیعی بودن ایرانیان و سنی بودن عثمانی‌ها موجب نقض عهدنامه‌های منعقد می‌شد و این منازعات به دولت تازه تأسیس عراق پس از جنگ جهانی اول منتقل گردید. اختلاف دو کشور ایران و عراق به‌طور عمده بر سر مرزهای بین دو کشور، به‌ویژه رودخانه استراتژیک اروندر بود.

از سال ۱۵۵۵ میلادی که عهدنامه معروف به آماسیه بین ایران و عثمانی امضاء شد تا عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ میلادی (که بین ایران و عراق امروزی امضاء شد) یعنی در طول بیش از ۴۵۰ سال، حدود ۱۸ عهدنامه بین دو کشور به امضاء رسید که این امر نشان دهنده عمق اختلافات و منازعات بین ایران و عثمانی است. در خصوص قراردادهای مهم منعقد شده میان این دو کشور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نقش متغیرهای جغرافیایی ایران و عراق در جنگ تحمیلی

۱	انعقاد عهدنامه آماسیه	۱۵۵۵ میلادی	۹۳۴ هجری شمسی
۲	انعقاد عهدنامه قصر شیرین	۱۶۳۹ میلادی	۱۰۱۸ هجری شمسی
۳	انعقاد عهدنامه اسلامبول	۱۷۲۴ میلادی	۱۱۰۳ هجری شمسی
۴	انعقاد قرارداد همدان	۱۷۲۷ میلادی	۱۱۰۶ هجری شمسی
۵	انعقاد معاهده بغداد	۱۷۳۲ میلادی	۱۱۱۱ هجری شمسی
۶	انعقاد عهدنامه گردان	۱۷۴۶ میلادی	۱۱۲۵ هجری شمسی
۷	انعقاد عهدنامه اول ارزروم	۱۸۲۳ میلادی	۱۲۰۲ هجری شمسی
۸	انعقاد عهدنامه دوم ارزروم	۱۸۴۷ میلادی	۱۲۲۶ هجری شمسی
۹	انعقاد پروتکل تهران	۱۹۱۱ میلادی	۱۲۹۰ هجری شمسی
۱۰	انعقاد قرارداد عثمانی و انگلستان	۱۹۱۳ میلادی	۱۲۹۲ هجری شمسی
۱۱	انعقاد پروتکل اسلامبول	۱۹۱۳ میلادی	۱۲۹۲ هجری شمسی
۱۲	انعقاد عهدنامه سرحدی	۱۹۳۷ میلادی	۱۳۱۶ هجری شمسی
۱۳	انعقاد پیمان دفاعی سعدآباد	۱۹۳۷ میلادی	۱۳۱۶ هجری شمسی
۱۴	انعقاد قرارداد الجزایر	۱۹۷۵ میلادی	۱۳۵۴ هجری شمسی

(مهم‌ترین قراردادهای مرزی ایران و عراق)

در دهه ۱۹۷۰ که ایران با حمایت آمریکا ژاندارم منطقه بود، عراق مجبور شد بر طبق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، حاکمیت ایران بر بخشی از شط العرب را بپذیرد اما بروز نابسامانی و ضعف نظامی در ایران به همراه انزوای سیاسی این کشور فرصت مناسبی را برای عراق فراهم کرد تا به رؤیاهای

دیرینه خود فکر کرده و با اشغال خوزستان و اروندرود و با کسب وجهه سیاسی در منطقه و جهان از طریق رویارویی با انقلاب ایران به قدرت برتر در منطقه تبدیل شده و رهبری جهان عرب را به دست گیرد.

آشنایی با موقعیت مرزهای ایران و عراق

مرزهای غربی ایران با عراق از دهانه‌ی فاو تا دالامپرداغ، ۱۶۰۹ کیلومتر است که ۸۴ کیلومتر آن در اروندرود بر اساس خط تالوگ قرار گرفته و از دهانه‌ی فاو تا نهرخین تداوم می‌یابد. بقیه‌ی مرز مشترک بین این دو کشور، مرز خشکی است که از لحاظ شکل متنوع‌ترین مرز سیاسی است. در منطقه‌ی قصر شیرین و نفت شهر، به صورت محدب و در دره‌ی شیلر، بین کردستان ایران و عراق که بانه را از مریوان جدا می‌کند، مرز به شکل مقعر و در جلگه خوزستان مرز به صورت خط مستقیم است (محمدحسینی، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

سابقه اختلافات ایران و عراق به منازعات بین دولت تازه تأسیس عراق پس از جنگ جهانی اول و ایران منتقل گردید. با پایان جنگ جهانی اول و تجزیه امپراتوری عثمانی، عراق از جمله کشورهایی بود که از تجزیه عثمانی تشکیل شد و تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت و در سال ۱۹۲۱ به ظاهر به استقلال دست یافت. پس از تشکیل کشور عراق نیز اختلافات ایران و عراق همچنان ادامه پیدا کرد. اولین اختلاف ایران و عراق بر سر تبعید علمای شیعه به ایران بود که به خاطر نقش علمای شیعه در انقلاب عراق صورت گرفت. تبعید علمای شیعه به ایران مورد اعتراض دولت و ملت ایران قرار گرفت.

پس از تشکیل عراق، ایران به رسمیت شناختن عراق را به حل اختلافات بر سر اروندرود (شط العرب) و همچنین محترم شمردن حقوق اتباع ایران مشروط کرد. در سال ۱۹۲۹ دولت ایران پس از کسب اطمینان از طرف انگلستان و عراق مبنی بر استرداد حقوق قانونی ایران در اروندرود، دولت عراق را به رسمیت شناخت؛ اما برخلاف قول‌هایی که به دولت ایران، برای احقاق حقوق آن در اروندرود داده بودند، بعدها معلوم شد که عراق تصمیم ندارد به تعهد خود عمل کند. این عمل، ایران را واداشت تا رسماً به عراق اعلام نماید که تحدید حدود سال ۱۹۱۴ را فاقد اعتبار دانسته و آن را به رسمیت نمی‌شناسد. به این ترتیب اختلافات ایران و عراق همچنان ادامه یافت تا

اینکه در سال ۱۹۳۴ عراق شکایتی مبنی بر نادیده انگاشتن قرارداد ارزوروم و پروتکل ۱۹۱۳ و تخلف از مفاد آن توسط ایران را به جامعه ملل تسلیم کرد. در نهایت ایران و عراق تحت فشار انگلیسی‌ها، مصمم به حل اختلافات خود شدند.

در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) عهدنامه‌ای بین وزیر امور خارجه عراق، ناجی‌الاصیل و وزیر امور خارجه ایران، عنایت‌الله سمیعی به امضا رسید (مخبر، ۱۳۲۴: ۸۹). این عهدنامه در سال ۱۹۳۸ در مجالس دو کشور با اکثریت آراء به تصویب رسید و در ۳۰ خرداد ۱۳۱۷ اسناد آن بین دو کشور مبادله شد. در این عهدنامه، پروتکل ۱۹۱۳ و صورت جلسات کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ و نقشه‌های تهیه شده توسط دولت‌های روسیه و انگلستان مبنای تعیین مرز زمینی دو کشور قرار گرفته و برای نخستین بار به واژه تالوگ برای منطقه اروندرود (محدوده روبه‌روی بندر آبادان به طول ۷ کیلومتر) اشاره شده است. به عبارت دیگر در این عهدنامه از حق حاکمیت دو کشور بر اروندرود بر مبنای خط تالوگ برای محدوده مشخصی یاد می‌شود و بعدها این مبنا در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر کل اروندرود را در بر گرفت.

جمعیت و وسعت

عراق با نام رسمی جمهوری عراق کشوری در خاورمیانه و جنوب غربی آسیا است. پایتخت عراق شهر بغداد است. این کشور از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. عراق در بخش جنوبی خود، مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد و دو رود مشهور دجله و فرات که سرآغاز تمدن‌های باستانی بین‌النهرین در طول تاریخ کهن این کشورند از شمال کشور به جنوب آن روان هستند و با پیوستن به رود کارون، اروندرود را تشکیل می‌دهند و به خلیج فارس می‌ریزند (www.tasnimnews.com).

گستره عراق ۴۳۸٬۳۱۷ کیلومتر مربع (نزدیک به یک چهارم ایران) است. بیشتر سرزمین عراق پست و هموار و گرمسیری است. غرب عراق کویر است و شرق آن جلگه‌های حاصلخیز؛ ولی بخشی از کردستان عراق (شمال شرق) کوهستانی و سردسیر می‌باشد. همچنین عراق یکی از بزرگترین کشورهای دارای منابع نفت می‌باشد. این کشور دارای ۱۴۳ میلیارد بشکه ذخایر تأیید شده‌ی نفتی می‌باشد. این کشور یک سال قبل از جنگ نزدیک به ۱۳ میلیون نفر جمعیت داشت

که ۶۰ درصد آن روستایی و ۴۰ درصد شهری بودند. ۹۵ درصد عراقی‌ها مسلمان و بین آنها دست‌کم ۵۵ درصد شیعه می‌بودند. عراق کشوری مهاجرپذیر بوده و از اقوام مختلفی در آن زندگی می‌کردند. ۵/۵ میلیون عرب، ۱ میلیون کرد، ۱ میلیون آشوری و ارمنی، ۵۰۰ هزار نفر ایرانی و باقی یهودی و پراکنده از اقوام مختلف؛ زبان رسمی این کشور عربی و در قانون اساسی زبان دوم کردی بود، البته زبان‌های مختلفی از جمله فارسی در مناطق رایج بود.

ایران کشوری در جنوب غربی آسیا و در منطقه خاورمیانه با ۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت (هجدهم در جهان) است اما هم‌اکنون با بررسی‌های صورت گرفته و با محاسبه مساحت جزایر کشور و ۲۰ درصد از دریای خزر، یک میلیون و ۸۷۳ هزار و ۹۵۹ کیلومتر مربع است (محمدحسینی، ۱۳۹۱: ۵۲). در سال ۱۳۵۷ ایران ۳۷ میلیون جمعیت داشت، ۵۲ درصد شهری و ۴۸ درصد روستایی؛ ایران مردمی از قومیت‌های مختلف فارس، ترک، کرد، لر، عرب و باقی نژادها دارد که فارس‌ها و ترک‌ها بیشترین هستند. ۹۸ درصد ایرانی‌ها مسلمان و مابقی ارمنی، کلیمی و زرتشتی هستند؛ ۹۱ درصد از مسلمان‌ها شیعه و مابقی سنی می‌باشند. ایران از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است و همچنین از شمال به دریای خزر (کاسپین) و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود، که دو منطقه‌ی نخست از مناطق مهم استخراج نفت و گاز در جهان می‌باشند.

موقعیت جغرافیایی این دو کشور بسیار اهمیت داشت. فاصله تهران، پایتخت ایران، با مرزهای این کشور با عراق بسیار زیاد بود. همچنین، در حالی که ایران به صدها کیلومتر از آبهای خلیج فارس و اقیانوس هند دسترسی داشت، عراق، تنها می‌توانست چند کیلومتر از سواحل شمالی خلیج فارس استفاده کند و دسترسی به داخل این کشور نیز، تنها به آبراه شط العرب محدود می‌شد (www.wikipedia.com).

در عین حال، عراق در سه قسمت از مرزهایش با ایران آسیب‌پذیر بود:

۱- در مرزهای جنوبی که در صورت حمله ایران این کشور از دسترسی به دریا محروم می‌شد؛

۲- در قسمت شرق؛ چرا که بغداد در تیررس نیروهای ایران قرار داشت؛ و

۳- در شمال؛ زیرا، تأسیسات نفتی پردرآمد کرکوک در معرض حملات ایران بودند؛ بنابراین، جغرافیای عراق باعث می‌شد تا این کشور از ایران آسیب‌پذیرتر باشد.

مهم‌ترین اختلاف مرزی دو کشور یک اختلاف کهنه بر سر وضعیت اروند رود بود. قسمت انتهایی شط العرب یا اروند رود مرز دو کشور را تشکیل می‌دهد. دولت عراق معتقد بود که مرز دو کشور بایستی بر اساس مفاد قرارداد قسطنطنیه ۱۹۱۳ تعیین شود اما ایران مرز دو کشور را خط تالوگ یعنی عمیق‌ترین قسمت رودخانه می‌دانست. دو کشور یک بار در سال ۱۹۳۴ اختلاف خود را به جامعه ملل ارجاع دادند اما توافقی حاصل نشد. در سال ۱۹۳۷ نخستین معاهده مرزی دو کشور به امضا رسید. بر اساس این قرارداد مرز دو کشور در امتداد ساحل شرقی رودخانه بود اما یک قسمت لنگرگاهی چهار مایلی در کنار آبادان به ایران اختصاص داده شده و در این قسمت خط تالوگ مرز دو کشور را مشخص می‌کرد. عراق معتقد بود ایران از شرایط داخلی سیاسی نابسامان این کشور در آن زمان برای بهبود وضعیت خود در مذاکرات سود جسته است. ایران هم از این قرارداد ناراضی بود و در دهه ۱۹۶۰ آن را فسخ کرده و خواستار مذاکرات برای تعیین خط مرزی جدید شد و هم‌زمان با حمایت از شورشیان کرد در شمال عراق این کشور را تحت فشار گذاشت. نهایتاً در سال ۱۹۷۵ در قرارداد الجزایر عراق خواسته‌های ایران در زمینه شط العرب را پذیرفت و خط تالوگ برای نخستین بار مرز رسمی دو کشور در این رودخانه شد و ایران هم در ازای آن تعهد کرد که به حمایت از شورشیان کرد پایان دهد؛ اما پنج سال بعد و پنج روز پیش از آغاز جنگ، صدام حسین این قرارداد را فسخ کرده و مدعی شد این پیمان به دلیل عدم رعایت مفاد آن از سوی ایران اعتبار خود را از دست داده است. به هر حال مشخص نشدن تحدید حدود مرزهای دریایی ایران و عراق می‌تواند دستاویزی برای مناقشه و مشاجره‌های بعدی دو دولت فراهم آورد (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۴۲).

ملاحظات ژئوپلیتیکی مرز ایران و عراق

سرویسون فرماندار کل سیاسی منطقه در سال‌های اشغال عراق توسط انگلستان، در مورد اهمیت راهبردی عراق گفته است کلید کل منطقه راهبردی در بغداد است و ما با اشغال عراق توانستیم خنجری در جهان اسلام فرو کنیم و بدین طریق از تجمع مسلمین بر علیه خودمان در

خاورمیانه جلوگیری کنیم، برای ما مسلم است که سیاست ما در زمان صلح باید حفظ این کشور باشد؛ زیرا برای ما بین‌النهرین مانند میخی است که همه کشورهای زیر سلطه انگلستان را در منطقه نگه می‌دارد، لذا نباید با کشورهای جهان عرب یا سایر کشورهای اسلامی متحد شود، بلکه باید به اندازه کافی از آنان دور نگه داشته شود، که به نظر می‌رسد امروزه نیز غرب و در رأس آن آمریکا، به همین دلایل برای جلوگیری از اتحاد ملت‌های مسلمان در منطقه، غارت و تسلط بر منابع نفتی خلیج فارس با راهکنش‌ها و شیوه‌های مختلف، عراق را به اشغال نظامی خود در آورده و سعی دارد که عراق را همچنان منفور سایر کشورهای منطقه قلمداد و بدینسان میخی که همه کشورهای منطقه را می‌تواند نگه دارد، واپایش کند (عزتی، ۱۳۸۱: ۵۱).

از جمله موارد اهمیت ژئوپلیتیک عراق عبارتند از:

۱- موقعیت کشور عراق

کشور عراق در جنوب غربی آسیا و همچنین در جنوب غربی فلات ایران واقع شده است، این کشور در پل ارتباط زمینی و هوایی آسیا و آفریقا و تا حدی آسیا و اروپا قرار گرفته است، همسایگی عراق با کشورهای کویت، عربستان، اردن، سوریه، ترکیه و ایران بر اهمیت موقعیت آن افزوده است، تنها راه عراق به دریای آزاد محدود به اروندرود (مشترک بین ایران و عراق)، یک ساحل حدوداً بیست و پنج کیلومتری در حاشیه شمال غربی خلیج فارس و آبراه خور عبدا... (مشترک با کشور کویت) می‌گردد و با توجه به عدم وجود تأسیسات بندری و اسکله در ساحل عراق در خلیج فارس هر گونه تردد دریایی عراق به خلیج فارس محدود به دو آبراه اروندر و خور عبدا... است که با بروز اولین تنش با کشورهای همسایه مسدود می‌گردد و این امر مشکلات عظیم ژئوپلیتیکی برای عراق ایجاد نموده است (بیگدلی، ۱۳۶۸: ۵۲).

۲- کارکرد ارتباطی موقعیت عراق (هوایی - دریایی - زمینی)

کشور عراق موقعیت گذرگاهی دارد و این می‌تواند مزیت‌هایی را برای این کشور داشته باشد. عراق شرقی‌ترین کشور عربی است که مرز خشکی طولانی با کشورهای غیر عرب در آسیا داشته و همواره خود را نگهبان دروازه شرقی جهان عرب معرفی می‌کند. این سرزمین از گذشته‌های دور، یکی از مسیرهای اتصال دهنده آسیا به اروپا و آفریقا بوده است، لذا کوتاه‌ترین راه خشکی

برای عبور زائران خانه خدا (مکه) برای مسلمانان آسیای مرکزی، شبه قاره هند، ایران و حتی قفقاز و آسیای صغیر محسوب می‌شود. این کشور به جزء در بخش‌های کوهستانی شمال و شمال شرق که رشته کوه‌های مختلف امکان ارتباط با ترکیه و بخش‌های شمال غربی ایران را مشکل می‌سازد، در بقیه مرزهای خود امکان برقراری ارتباط سریع با کشورهای همسایه را دارا می‌باشد (The Library of congress 1995).

عراق از طرف جنوب شرقی از طریق خلیج فارس با آب‌های آزاد ارتباط دارد ولی تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که کمترین ساحل را با آب‌های آزاد دارد، همین مسئله یکی از مشکلات عراق از حیث اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی می‌باشد به گونه‌ای که بر رفتارهای سیاسی- نظامی دولت عراق اثر گذاشته است.

ساحل عراق در خلیج فارس از دهانه فاو در اروندرود شروع شده و تا بندر ام‌القصر در منتهی الیه خور عبدا... و مرز کویت به طول پنجاه و هشت کیلومتر ادامه دارد، کوتاهی سواحل و نامناسب بودن آن از لحاظ کاربردی، بزرگ‌ترین تنگنای جغرافیایی این کشور محسوب می‌شود، برای استفاده از بندر ام‌القصر به خاطر شرایط نامناسب و جزر و مد زیاد، باید از آب‌های تحت حاکمیت کویت عبور کند، رأس شبه جزیره فاو نیز در دهانه اروندرود قرار گرفته است. به علت باتلاقی و رسوبی بودن، عملاً برای کشتیرانی مناسب نمی‌باشد؛ بنابراین به جزء سواحل محدود در خلیج فارس، عراق صرفاً از طریق کشورهای همسایه امکان دسترسی به آب‌های آزاد را دارد و به نوعی کشوری محصور در خشکی محسوب می‌شود.

عراق به‌منظور رهایی از این تنگنای ژئوراهبردی نیاز به خاک همسایگان و آب‌های آزاد آنان دارد، در این میان کشور دارای موقعیت برتر می‌تواند از این فرصت استفاده کرده و با در اختیار گذاشتن بنادری در سواحل خود به عراق، سهم مهمی در تأمین این نیاز را در اختیار بگیرد.

در بخش دوم مرز ایران و عراق که از تنگه باووسی تا دهلران امتداد دارد با توجه به معابر نفوذی و مواضع پدافندی، مناسب‌ترین محل برای هرگونه عملیات آفندی و پدافندی می‌باشد و امکان نفوذ دشمن را به داخل کشور به حداقل می‌رساند و به همین دلیل در جنگ تحمیلی همین شکل زمین مانع پیشروی دشمن در عمق خاک کشور بود (صفوی، ۱۳۷۸: ۱۳۰).

۳- هیدروپلیتیک عراق

اغلب رودخانه‌های جاری در عراق از کشورهای همسایه سرچشمه گرفته‌اند و به نوعی عراق را در گروگان خود قرار داده‌اند؛ بنابراین در موقع لازم می‌توانند فشارهای لازم را بر عراق وارد کنند. رودخانه‌های آوارچای، بانه‌چای، همچنین رودهای چومان و شیخان که شاخه‌های اصلی زاب کوچک هستند؛ همچنین قزل سو و رودهای آب شمشیر، لیل، زمکان، آب زرشک، هواسان، الوند، قوره‌پور، دیره، تنگاب، چم امام حسن، کنگاگوش، کانی شیخ، سده، تلخ‌آب، گدارخوش، چم‌سرخ، کنجان‌چم، گاوی، چنگوله، میمه و دوبرج از خاک ایران سرچشمه می‌گیرند و وارد خاک عراق می‌شوند، برداشت‌های کلان مقیاس ایران از آب رودخانه‌های وارده به عراق، می‌تواند موضوع مناقشه‌های نوینی باشد که حتی منابع قدیمی مشاجره را تحت الشعاع خود قرار دهد. علاوه بر این، رودخانه‌های دجله و فرات که منبع اصلی آب در عراق هستند از کشور ترکیه سرچشمه گرفته و می‌تواند در شرایط خاص سرچشمه تنش و درگیری بین عراق و ترکیه؛ و یا عراق و سوریه باشد.

۴- نزدیکی به کانون بحران منطقه خلیج فارس

منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک، ژئوراهبردی و ژئواکونومیک خاص خود در طول تاریخ همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای بوده است. در خلیج فارس نفت، امنیت دسته‌جمعی و مسابقه تسلیحاتی در زمره موضوعات راهبردی محسوب می‌شوند.

۵- جایگاه عراق در نظریه‌های ژئوپلیتیک

عراق در بعضی از نظریه‌های ژئوپلیتیک نیز از جایگاه خاصی برخوردار بوده است؛ این سرزمین در نظریه‌های مکیندر و اسپایکمن در هلال داخلی یا ریملند قرار داشته و از دیدگاه کوهن در منطقه کمربند شکننده و در نظریه جفری کمپ نیز در منطقه بیضی راهبردی انرژی هارتلند جدید واقع شده است.

۶- عمق راهبردی

در کشور عراق به علت محدودیت وسعت و تأثیرگذاری شرایط طبیعی و جغرافیایی، حوزه‌های راهبردی کشور به‌طور منسجم و متمرکز در یک کریدور طبیعی به‌موازات مرزهای غربی ایران استقرار یافته است؛ یعنی مراکز عمده جمعیتی و سیاسی، حوزه‌های اصلی فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی، پهنه‌های گسترش شبکه ارتباطی و انرژی در جهت شمال غربی- جنوب شرقی از رودخانه دجله و فرات تبعیت نموده و در کرانه‌های این رودخانه‌ها استقرار دارند که به سهولت در دسترس و اشراف همسایه شرقی خود یعنی ایران قرار گرفته است.

۷- وجود مرزهای تحمیلی

تمامی خطوط مرزی عراق با کشورهای پیرامون از نظر عدم انطباق با عوارض فرهنگی، قومی، اجتماعی و نژادی مرزهای تحمیلی محسوب می‌شود، این ویژگی مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز تنش- های مرزی می‌تواند به حساب آید.

۸- وجود عتبات عالیات

۹- داشتن طولانی‌ترین مرز مشترک با ایران

۱۰- نزدیکی به سرزمین‌های اشغالی و رژیم اشغالگر قدس.

در انتهای تحقیق و به‌منظور درک بهتر شرایط سخت مناطق عملیاتی در پیشبرد اهداف جنگی شرایط اقلیمی سه عملیات برون‌مرزی خیبر، بدر و والفجر ۸ به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است.

عملیات خیبر

۱- موقعیت جغرافیایی منطقه عملیاتی خیبر

عملیات خیبر، با هماهنگی سپاه و نیروی زمینی ارتش شکل گرفت. قرارگاه کربلا متشکل از ۱۲ لشکر (۶ لشکر از ارتش و ۶ لشکر از سپاه) عملیات را در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۰۳ با رمز یا رسول‌الله ﷺ

در دو محور مستقل انجام دادند. محور اول در مسیر طلائیه و با هدف عبور از هورالعظیم و تصرف جزایر مجنون شمالی و جنوبی و محور دوم در منطقه پاسگاه زید و شلمچه با هدف عبور از شط العرب و تصرف بصره. این عملیات ۸ روز به طول انجامید و نبردی سنگین و بسیار دشوار در یک منطقه نامناسب محسوب می‌شود. از سوی دیگر دشمن در این عملیات به‌طور بی‌سابقه‌ای از سلاح شیمیایی استفاده کرد؛ لذا به امکان تثبیت جزایر مجنون اکتفا گردید. در این عملیات، محمدابراهیم همّت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله علیه‌السلام به شهادت رسید.

عملیات غرور آفرین خیبر در شرق رودخانه دجله و داخل هورالهویزه که از شمال به العزیر و از جنوب به القرنه و طلائیه و یک محور به زید محدود می‌گردید انجام شد. این منطقه دارای دو نوع طبیعت متفاوت است: هور و خشکی. قسمت خشکی که حداقل عرض آن ۸ و حداکثر ۱۰ کیلومتر است، توسط دو هور بزرگ؛ یکی هورالهویزه در شرق و هور الحمار در غرب آن احاطه شده است. همچنین منطقه مذکور توسط رودخانه دجله به دو قسمت شرقی - غربی تقسیم می‌شود. ضمناً جاده مواصلاتی العماره - بصره در غرب رودخانه دجله قرار دارد. در داخل منطقه مزبور جزایر مجنون شمالی و جنوبی واقع شده است.

۲- نقش آب و هوا

الف (تأثیر بادهای منطقه در عملیات نظامی)

-تأثیر باد شمال

این باد از روی مناطق کوهستانی که در شمال دشت وسیع خوزستان قرار دارد و یا از سمت صحاری مرکز عراق، به طرف جنوب یعنی به سمت خوزستان می‌وزد. در مواقع وزش این باد با وجود این که دما بالاست؛ به علت عدم وجود بخار آب زیاد در هوا، عمل تنفس و تعرق به راحتی انجام گرفته و بدن انسان کمتر احساس ناراحتی می‌کند. وزش این باد در خشکی‌ها و جزایر هورالعظیم باعث ایجاد گرد و غبار در منطقه می‌شود. در طول مدت زمانی که این باد با شدت می‌وزد، به میزان قابل توجهی از دید نیروهای نظامی می‌کاهد؛ به طوری که دید افقی حداکثر ۱۰۰-۱۵۰ متر کاهش می‌یابد و در صورت به کارگیری سلاح شیمیایی اثر آن

تا حدود زیادی کم می‌شود. در بعضی مواقع در منطقه گرد و غبار بسیار غلیظی مشاهده می‌شود که بدون وزش باد بوده و میزان دید را به اندازه زیادی تقلیل می‌دهد.

-تأثیر باد جنوب (شرقی)

این باد در حدود چهار ماه از سال می‌وزد و اکثراً جهت وزش آن از جنوب و جنوب شرقی به طرف شمال است. از آن جا که مسیر وزش این باد از روی آب‌های خلیج فارس می‌باشد، مقدار زیادی بخار آب را با خود به ساحل آورده و در نتیجه رطوبت هوا و مقدار بخار آب موجود را افزایش می‌دهد. افزایش مقدار بخار آب در هوا به قدری است که مقدار رطوبت نسبی به صد در صد رسید و در فصل سرد موجب تشکیل مه می‌گردد. این حالت از ساعت ۲ یا ۳ بعد از نیمه‌شب شروع و تا ساعت ۷ و ۸ و حتی ۱۰ صبح که در اثر گرم شدن هوا رطوبت نسبی تقلیل می‌یابد، ادامه می‌یابد.

ب) تأثیرات درجه حرارت

تالاب هورالعظیم به علت موقعیت خاص جغرافیایی و ارتفاع کم از سطح دریا، دارای هوای گرم می‌باشد که همین باعث می‌گردد فعالیت‌های مختلف در فضای آزاد محدود گردد. درجه حرارت بالا باعث توقف و یا کندی فعالیت‌ها و تحرکات نظامی، مخصوصاً در هنگام آفند شده و شرایط بسیار دشواری را برای نیروها فراهم می‌آورد. تشنگی و کم شدن آب بدن، خستگی و افت جسمی ناشی از آن است و در صورت مجروح شدن افراد، این امر تشدید می‌گردد. به همین علت بهترین فصل برای انجام آفند در منطقه، زمستان است.

ج) اثر بارندگی

در جزایر و خشکی‌های هور و به‌طور کلی در خوزستان، به علت بافت غیرقابل نفوذ سطحی خاک، به محض ایجاد کوچک‌ترین باران، راه مسدود می‌گردد؛ به‌طوری که حرکت نیروهای زرهی و مکانیزه و حتی پیاده هم مشکل و گاهی غیر ممکن می‌گردد. به همین علت در جنگ با عراق، بیشتر عملیاتی که از طرف نیروهای خودی صورت می‌گرفت، در فصل زمستان بود که یکی از علل آن اعتدال هوا در منطقه و همچنین محدود شدن نیروهای زرهی و مکانیزه دشمن به علت شرایط نامساعد زمین و از طرفی وجود بارندگی تا اندازه‌ای از اثرات

گازهای کشنده شیمیایی کاسته و تلفات کمتری را موجب می‌شود. از طرفی بارندگی باعث بالا آمدن سطح آب در هور شده و قسمت‌هایی از هور را که از آب پوشیده نبود، می‌پوشاند و از وسعت خشکی‌ها و نقاط کم‌عمق غیر قابل تردد به وسیله قایق و وسایل دیگر می‌کاهد. در مواقع ابری مه غلیظی هور را می‌پوشاند. در این شرایط دید به حداقل می‌رسد و حداکثر دید به ۲۰ متر خواهد رسید.

۳- نقش شبکه هیدروگرافی

از آنجا که آب هور از طریق چند رودخانه از دو کشور و شعبات آنها تأمین می‌گردد، سطح آب هور نیز با کنترل این رودها قابل کنترل می‌باشد. هر کدام از دو کشور با ایجاد دریچه‌های ناظم و سدهای تنظیمی یا انحرافی می‌توانند آب‌های تحت نظر خود را کنترل نمایند. قسمت اعظم این کنترل در ساحل غربی و در اختیار کشور عراق است؛ زیرا شیب طبیعی اراضی منطقه کف هور باعث گردیده زه‌کش‌های طبیعی و اصلی تالاب در ساحل غربی قرار گیرد و عراق به راحتی بتواند سطح آب را کنترل کند. از طرفی چون قسمت اعظم تغذیه آب هور از سمت مغرب و رودخانه‌هایی است که از عراق وارد هور می‌شوند و همچنین قرار گرفتن قسمت اعظم تالاب در خاک عراق، این کشور کنترل و تسلط بیشتری بر تالاب دارد. رودخانه‌های شرقی و غربی تالاب نقش لجستیکی مهمی برای نیروهای عمل کننده در هور دارند.

عملیات بدر

۱- موقعیت جغرافیایی منطقه عملیاتی بدر

عملیات بدر در شرایطی صورت گرفت که میهن عزیزمان آماج حملات وسیع موشکی و بمباران‌های ناجوانمردانه دشمن بود که طی آن تعداد زیادی از غیرنظامیان به شهادت رسیده و یا زخمی می‌شدند و در همان حال نیز رژیم عراق وقیحانه درخواست صلح می‌کرد. عملیات بدر در ساعت ۲۳ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۹ با رمز یا «فاطمه الزهراء (ع)» با هدف قطع جاده بصره-العماره و

تهدید بصره از شمال آغاز شد. منطقه عملیاتی با وسعت بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع در شرق رودخانه دجله به نام هورالهویزه و در حدفاصل بین قلعه صالح تا القرنه قرار داشت. این عملیات ادامه عملیات خیبر بود. بررسی نقاط قوت و ضعف خودی و دشمن در عملیات خیبر، بار دیگر فرماندهان جنگ را به طراحی و اجرای عملیات در هور ترغیب کرد. عبور از هور، تصرف ساحل شرق دجله و بستن بزرگراه العماره-بصره، اهداف عملیات بدر بود.

باتلاق هورالعظیم در قدیم، باتلاق شط گامش یا جاموس نامیده می‌شد. این باتلاق در قسمت غربی جلگه دشت آزادگان قرار دارد که به نام‌های هورالعظیم یا هورالهویزه مشهور است. این هور در ایران و دشت آزادگان به هورالهویزه شهرت دارد و در عراق به دلیل این که یکی از باتلاق‌های بزرگ می‌باشد، به هورالعظیم معروف شده است. این هور حدوداً از شهر القرنه تا شهر العماره عراق که سرحد غربی آن می‌باشد در خاک عراق قرار دارد و مابقی آن قسمت‌هایی از نواحی و سرزمین هویزه قدیم (دشت آزادگان فعلی) را اشغال کرده و بدین جهت آن را هورالهویزه هم می‌گویند. در مورد پیدایش این باتلاق گفته‌اند که در نیمه قرن چهارم هجری که کرخه به دجله راه یافت، این باتلاق به وجود آمد. در قرون اولیه اسلام هورالهویزه را «بطائح» می‌گفتند؛ زیرا بطائح این ناحیه را به مساحت ۵۰ میل پهنا و قریب ۲۰۰ میل درازا گرفته بود که دامنه‌اش تا بصره می‌رسید. بطائح جمع بطیحه یعنی باتلاق است که نیزار در آن می‌روید و امروزه به نام هور خوانده می‌شود. تا همین اواخر در میانه هور، کشتی و قایق رفت و آمد داشته و از بصره به دشت آزادگان می‌آمده‌اند.

۲- نقش آب و هوا

الف- بارندگی

بارندگی در هورالعظیم تابع بارندگی در منطقه است؛ یعنی بارش نسبتاً شدید در زمستان باعث ایجاد هوای سرد و مرطوب و نباریدن باران باعث تابستان خشک در هور می‌شود. به‌طور کلی میزان بارندگی در خوزستان شرق عراق را می‌توان به‌صورت میانگین چنین بیان نمود که در ابتدای سال یعنی ماه‌های فروردین و اردیبهشت حدوداً ۲۷ میلیمتر و در چهار ماه بعد (خرداد، تیر، مرداد، شهریور) ریزش باران وجود نداشته، ولی در شش ماهه دوم سال (مهر، آبان، آذر، دی، بهمن و

اسفند) به طور تقریبی ۱۹۰ میلیمتر باران در منطقه می بارد. بارندگی در ماه های فروردین و اردیبهشت ملایم و مدت آن کوتاه است. ولی در نیمه دوم سال بارندگی طولانی تر و با رگبار و رعد و برق و سیلاب همراه می باشد.

ب- رطوبت نسبی

میزان رطوبت نسبی در منطقه مورد مطالعه بر حسب فصول و ماه های سال متغیر است. بیشترین میزان رطوبت نسبی در دی ماه است که متوسط آن ۸۵٪ درصد می باشد. قابل ذکر است که در تابستان میزان تبخیر آب هور بیشتر است، ولی میزان رطوبت نسبی پایین است و شاید بتوان این مسئله را چنین توجیه نمود که وزش بادهای گرم و خشک جنوبی که از بیابان های گرم آفریقا و عربستان نشأت می گیرد، باعث گردیده میزان رطوبت نسبی به حداقل ممکن کاهش یابد.

ج- درجه حرارت آب هور

به علت کمی تالاب و وجود اشعه حرارتی خورشید در بیشتر ایام سال، آب تالاب هورالعظیم گرم است، به طوری که حداقل حرارت آب در زمستان ۱۱ درجه و حداکثر آن در تابستان ۳۲ درجه سانتی گراد است. به علت وجود زه کشی های طبیعی مقداری از آب این تالاب به شط العرب وارد می شود و در اثر شدت انرژی حرارتی کمی عمق، تبخیر سطحی تالاب زیاد است. به همین خاطر حداقل و حداکثر تغییر اختلاف سطحی تا ۲ متر اندازه گیری شده است.

۳- نقش شبکه هیدروگرافی

ظرفیت هورالعظیم ۵/۵ تا ۶ میلیارد متر مکعب آب است که توسط سه رودخانه کرخه، دویرج و میمه با وسعت حوضه آبریزی معادل ۵۶۹۳۴ کیلومتر مربع از جانب ایران تغذیه می شود. رودخانه کرخه سالانه معادل ۱۱۳۰۰۰۰۰ تن رسوبات در حواشی هور به جا می گذارد. از جانب عراق نیز چندین رود بزرگی و کوچک زه آب شبکه های آبیاری شرق دجله به آن وارد می شود که از جمله مبادی ورودی طبیعی عراق می توان از کهلاء و مشاح نام برد. به طور متوسط کرخه در حدود ۲۲۰ متر مکعب در ثانیه و دویرج و میمه ۱۳ متر مکعب در ثانیه و کهلاء و مشاح ۲۰ متر مکعب در ثانیه آب وارد هور می کنند. در حال حاضر هور حالت بکر و طبیعی خود را به واسطه ایجاد جاده های متعدد در آن از دست داده و به چندین حوضچه مجرد تقسیم شده است که سطح آب در هر

یک از آن‌ها به طور مصنوعی کنترل می‌شود و بار طبیعی آب در حال حاضر بیشتر متوجه قسمت شمالی آن است.

عملیات والفجر ۸ (فاو)

۱- موقعیت جغرافیایی منطقه عملیاتی والفجر ۸

سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ مقطع خاصی از جنگ بود. در این سالها دو نوع استراتژی نظامی به‌وسیله ایران و عراق اتخاذ گردید. عراق پس از آن که خرمشهر را از دست داد، در هوا و دریا از یک استراتژی هجومی تبعیت کرد. اهداف این استراتژی جدید جلوگیری از پیشروی ایران، فشار روانی و اجتماعی بر نظام سیاسی، بین‌المللی کردن جنگ و کاهش توان اقتصادی جمهوری اسلامی بود که از طریق مسلح کردن زمین، بمباران مناطق صنعتی، مسکونی و اقتصادی، حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری و بمباران پایانه نفتی خارک انجام می‌شد. در این مقطع پس از انجام عملیات والفجر مقدماتی والفجر ۱ ایران ابتکار جدیدی را وارد جنگ نمود که عراق را بار دیگر ناچار به سرمایه‌گذاری زیادی برای مقابله با آن نمود. این ابتکار، عملیات در مرداب‌های هورالهویزه و اجتناب از جنگ در زمین مسطح، مانند عملیات خیبر و بدر بود. پس از عملیات بدر، در سطوح عالی جنگ مصوب شد که سپاه و ارتش ضمن پشتیبانی از یکدیگر، هر کدام مستقلاً عملیاتی را طرح‌ریزی و اجرا کنند.

منطقه عملیاتی جنوب در مسیر جاده آبادان به اروند کنار در ساحل شرقی و غربی اروند رود از ابتدای جنگ تقریباً مسکوت مانده و تنها آتش‌بازی پراکنده از دو طرف در آن اجرا می‌گردید. عدم موفقیت کامل در منطقه شرقی دجله برای دستیابی به محورهای منتهی به بصره و تهدید و تصرف این شهر توسط نیروهای ایرانی، نظر کارشناسان را به سمت استفاده از منطقه اروند کنار و شهر فاو جهت تهدید بصره از جنوب معطوف کرد. ولی موانع بزرگی مانند رودخانه اروند با جزر و مدهای بسیار شدید و کمبود وسایل و تجهیزات عبور از رودخانه و احتمال پذیرش تلفات و ضایعات سنگین، باعث گردید تا پیدا کردن راهی مناسب برای اجرای عملیات، زمان قابل توجهی را به خود اختصاص دهد. سرانجام عملیات والفجر ۸ در سه محور طراحی و در ساعت ۲۲ مورخ

۱۳۶۴/۱۱/۲۰ در منطقه فاو عراق در وسعتی بالغ بر ۸۰۰ کیلومتر مربع با رمز «یا فاطمه الزهرا» آغاز شد.

۲- آب و هوا

آب و هوای دشت خوزستان که آب و هوای کلی منطقه عملیات والفجر ۸ را نیز شامل می شود از دلتای رودخانه های کارون، دز و کرخه تشکیل شده است که در گوشه شمال غربی خلیج فارس قرار دارد. با آن که ۱۸۰ کیلومتر با خلیج فارس از سوی جنوب مجاور است ولی از نظر جغرافیایی رابطه ای با سایر مناطق ساحل جنوبی ندارد. باران آن از سایر نواحی بیشتر است؛ به طوری که کارون به عنوان طولیل ترین رودخانه ایران به آن می ریزد و رسوب می کند و به علت رسوبی بودن اراضی، از نقاط بسیار حاصلخیز آن است. ارتفاع منطقه از سطح دریا ۱۳ متر و میزان بارش براساس معدل بارش ۱۴۵ میلیمتر می باشد و همین طور معدل تعداد روزهای یخبندان ۷ است.

- مشخصات اقلیمی منطقه عملیات

از مشخصات اقلیمی منطقه عملیات والفجر ۸ بری بودن هوا در ارتفاعات و خشک و سوزان بودن هوا در نقاط پست و دشت ها بخصوص در سواحل و حاشیه آن می باشد. منطقه عملیاتی والفجر ۸ به علت شبه جزیره ای بودن هوای آن، غالباً دارای رطوبت زیاد در تابستان و به اصطلاح شرجی می باشد. زمین این منطقه به جز عوامل مصنوعی مانند خاکریز، سیل بند و سکوها پرتاب موشک، خالی از هر گونه پستی و بلندی طبیعی است. از آنجا که زمین منطقه محصور در آب است، تحت تأثیر جزر و مد آب خلیج و رطوبت دائمی حاصل از آن است. به این معنی که قسمت عمده ای از زمین منطقه باتلاقی، نمکزار و سست می باشد و به همین دلیل شوره زار بوده و با کم ترین بارندگی لغزنده و چسبنده می شود و تردد هرگونه خودرو وسایل سنگین در آن تقریباً غیر ممکن می گردد.

۳- نقش شبکه هیدروگرافی

اروند رود رود بزرگی است که از به هم پیوستن دو رود دجله و فرات تشکیل می شود و سپس رودخانه کارون به آن می ریزد. کلمه اروندرود که به آن رودخانه مرکزی اطلاق می شود، درواقع نام قدیمی و ایرانی دجله است. اروندرود در زبان اوستایی نیز به صورت «اثرورت» آمده است. در

شاهنامه فردوسی هم به کلمه اروندرود اشاره شده است. تالوگ یک کلمه قدیمی آلمانی است. معنی لغوی آن دره است. تالوگ دلالت بر این دارد که عمیق‌ترین و یا قابل کشتیرانی‌ترین نقطه رودخانه مرز دو کشور است. به خط تالوگ خط القعر و یا ژرفاب هم گفته می‌شود.

اروند پس از عبور از بصره در محلی به نام «نهرخین» در جنوب شلمچه به مرز ایران می‌رسد. از اینجا مرز مشترک ایران و عراق شروع می‌شود و تا دهانه اروندرود در خلیج فارس ادامه پیدا می‌کند. حرکت آب از شمال به طرف جنوب است که در نهایت به خلیج فارس می‌ریزد. طول اروند رود ۱۷۵ کیلومتر و عرض آن بین ۸۰۰ الی ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر است. آب رودخانه اروند که از دریا تأثیر می‌پذیرد، عمدتاً دارای ۲ حرکت جزر و مد (کاهش ارتفاع آب و حرکت آن از دریا به سمت رودخانه می‌باشد که مجموعاً در طول شبانه روز، ۴ بار تکرار می‌شود. ارتفاع آب در عمیق‌ترین قسمت رودخانه به ۲۵ متر می‌رسد و اختلاف ارتفاع آب در پایین‌ترین جزر و مد و بالاترین حالت به ۳/۵ متر می‌رسد.

مرز مشترک ایران و عراق در اروند رود حدود ۸۴ کیلومتر است. عمق این رود در بصره ۸/۶ متر و در فاو ۹/۹ متر است. البته عمق اروندرود هنگام جزر و مد افزایش و کاهش می‌یابد؛ بنابراین اروندرود می‌تواند برای کشتیرانی کاملاً مناسب باشد (همه چیز درباره جنگ، ۱۳۸۷). رودخانه‌هایی که اروندرود را تشکیل می‌دهند از خاک ایران و ترکیه سرچشمه می‌گیرند. رودخانه‌هایی که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند: دجله و فرات، و رودخانه‌هایی که از خاک ایران سرچشمه گرفته، وارد خاک عراق شده و به دجله یا به اروندرود می‌ریزند عبارتند از: کارون، کرخه، زاب بزرگ، زاب کوچک و... حدود ۶۷٪ آب اروندرود به تنهایی از ایران تأمین می‌شود.



اهمیت استراتژیکی و ژئوپولیتیکی منطقه عملیات

منطقه عملیاتی فاو موقعیت جغرافیایی آن، وضعیت ویژه‌ای را رویاروی فرماندهان عملیاتی سپاه قرار داده بود. به این معنی که از سویی عوامل مثبت، نوید پیروزی و پیدایش سرآغاز جدیدی را در جنگ می‌داد و از سوی دیگر موانع بر جسته‌ای خودنمایی کرد که هر کدام در جای خود می‌توانست نقش بازدارنده‌ای را در روند کار و احیاناً عدم پیروزی عملیات ایجاد نماید. در واقع این معضلات بود که اساساً منجر به پیچیدگی عملیات شده و ضرورت اتخاذ تاکتیک‌های ویژه‌ای را ایجاد می‌کرد. مسئولین سپاه برای اجرای عملیات والفجر ۸ به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی منطقه، وضعیت کلی دشمن، وجود رودخانه اروند و ... مشکلات و معضلات عدیده‌ای را پیش روی خود داشتند که در نهایت با در نظر گرفتن عوامل و مؤلفه‌های مختلفی از جمله ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه، عدم وجود سابقه عملیات در عبور از رودخانه عریض و جزر و مد بالا، عدم هوشیاری دشمن و امکان پدافند و نگهداری منطقه، منطقه فاو را در مقایسه با سایر مناطق عملیاتی ترجیح دادند.

نتیجه‌گیری

سرانجام پیروزی‌های به دست آمده در عملیات والفجر ۸ و نیز اقدامات دیپلماتیک جمهوری اسلامی منجر به آن شد که شورای امنیت در پیش‌نویس اولیه قطعنامه، گامی به‌سوی خواست‌های ایران بردارد. مسئولین کشور هم در این رابطه اعلام کردند که هر قطعنامه‌ای را که عراق را به خاطر تجاوز محکوم نکند، برای ایران ارزش نخواهد داشت.

همزمان با ادامه مشورت‌های شورای امنیت، در حالی که برای ترسیم چهره صلح‌طلبی و مظلوم‌نمایی به سود عراق (به خاطر حمله به ایران) تلاش‌های وسیعی صورت می‌گرفت، حمله جنایتکارانه عراق به هواپیمایی مسافربری صورت گرفت که به دنبال آن باز هم چهار روز دیگر شورای امنیت از تصمیم‌گیری باز ماند، تا آنکه سرانجام پس از ۲ هفته از آغاز عملیات والفجر ۸ شورای امنیت به اتفاق آرا طی قطعنامه‌ای ضمن ابراز تأسف از اقدامات اولیه‌ای که باعث شعله‌ور شدن جنگ و ادامه آن شده، حمله به مناطق غیرنظامی، کشتی‌های باری و هواپیمای مسافربری و

نیز استفاده از سلاح‌های شیمیایی را بدون ذکر نام عراق محکوم کرد. به این صورت شورای امنیت بار دیگر مانند گذشته از محکوم کردن صریح رژیم عراق امتناع ورزید؛ گرچه محکومیت‌هایی که در قطعنامه عنوان شد و نیز اشاره به مسئله آغاز جنگ (برای نخستین بار) را هم می‌توان معلول پیروزی‌های به دست آمده در عملیات والفجر ۸ که به دست پر توان رزمندگان اسلام صورت گرفت، دانست. جنبش عدم تعهد نیز از جمله محافلی بود که به دنبال عملیات والفجر ۸ از خود واکنش خود نشان داد. در این ارتباط خبرگزاری کویت در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۰۱ به نقل از منابع آگاه در شورای امنیت گزارش داد:

«کشورهای غیر متعهد سرگرم تهیه پیش‌نویس قطعنامه‌ای هستند که طرف مسئول آغاز جنگ ۶۵ ماهه خلیج فارس را محکوم کرده و خواستار یک آتش‌بس فوری در جنوب عراق هستند.»

حاصل جنایات صدام با شعارهای مذهبی و قومی و استفاده از رسانه‌های مختلف برای فریب مردم، بیش از یک میلیون کشته و مجروح و تعداد زیادی از کودکان، نوجوانان، جوانان، زنان، مردان شیعه و سنی می‌باشد. از پیامدهای امنیتی پیش‌آمده در جنگ تحمیلی می‌توان گفت که رژیم غاصب بعثی عراق با حمایت دول غربی در صدد بودند تا با استفاده از شرایط اقلیمی ناهموار و سخت در جوار مرزهای ایران ضمن پیشروی به داخل خاک جمهوری اسلامی ایران، این کشور را دچار چالش ژئوپلیتیکی در جغرافیای مرزی نموده و اینگونه حاکمیت ایران را دچار فروپاشی و تزلزل از درون و برون نمایند.

به‌طور حتم یکی از نتایج اقدامات صدام و دیگر گروه‌هایی که در داخل کشور ایران دست به ترور و کشتار مردم بی‌گناه می‌زدند، در راستای تحقق اهداف دشمنان اسلام و کانالیزه شدن کشورهای اسلامی و تجزیه و چپاول منابع و ثروت‌های زمینی و زیرزمینی آنان و از پیامدهای آن گسترش ناامنی، اسلام‌هراسی و امنیت‌زدایی در جهان اسلام است.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد سرکردگان گروهک‌های رادیکال و انتحاری چگونه از یک سو دست به کشتار مردم مسلمان بی‌گناه زده و از سوی دیگر خود را پیرو پیامبری می‌دانند که قبل از هر جنگی احکام جنگ صادر می‌نمود، به اسرا پناه می‌داد، به زن و کودک و سالخورده صدمه‌ای نمی‌زد، زخمی‌ها را نمی‌کشت؟ پیامبری که در جنگ با کفار ابتدا آنان را به اخلاق،

معرفت، اسلام و مهربانی دعوت می نمود. پیامبری که اگر در حکومت او ظلمی حتمی به یک غیر مسلمان روا می شد آن را بر نمی تابد. به طوری که در فتح مکه تأکید فرمودند: به هیچ وجه مجروح و اسیر را مکشید و فراری را تعقیب نکنید؛ اما امروز عده ای برخلاف سیره پیامبر اسلام دست به کشتار مسلمانان زده و در این بین به هیچ کسی از طفلی ۲ ماهه تا پیرمرد ۷۰ ساله رحم نمی کنند. علت غایی امنیت متعالیه قرب به خداست، در حالی که عامل انتحاری با سوءبرداشت از مفاهیم دینی و با شستشوی مغزی، آلت دست سرویس های اطلاعاتی و مفتی های خودفروخته قرار می گیرد و به نوعی گرفتار علت غایی امنیت متدانیه می شود که صرفاً دنیوی است و در خدمت رهبران و گروه های رادیکال منفعت طلب انجام وظیفه می نماید. در نتیجه می توان استنباط کرد که سازمان های اطلاعاتی با خط دهی به رهبران و مفتیان سلفی و تکفیری در صدد هستند تا حکمت متدانیه را جایگزین حکمت متعالیه و عقلانی بکنند و بدینگونه از جمود و جهل و ظاهرگرایی فکری اهل سنت، عامل انتحاری پرورش داده و امنیت ملی کشورهای اسلامی را دچار چالش نموده و پیامدهای امنیتی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در کشورهای هدف ایجاد نمایند که پیامد امنیت اجتماعی آن را می توان با حفاظت از نهاد خانواده، تأکید بر عدالت اجتماعی، لزوم امر به معروف و نهی از منکر، تحصیل زنان و کودکان اهل سنت، مبارزه با موانع ظلم و مبارزه با موانع کمال مهار و خنثی نمود.

منابع

- ۱- امام خمینی علیه السلام (۱۳۶۸)؛ صحیفه نور، جلد اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ۲- آجرلو، حسین (۱۳۹۰)؛ تحولات سوریه؛ ریشه‌ها و چشم‌اندازها، فصلنامه مطالعات، سال هجدهم، شماره سوم.
- ۳- اسپوزیتو و وال، جان ال، جان اُ (۱۳۸۹)؛ جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.
- ۴- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)؛ مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات راهبردی.
- ۵- بلیتس و اسمیت، جان و استپو (۱۳۸۳)؛ جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- ۶- بیگدلی، علی (۱۳۶۸)؛ تاریخ سیاسی - اقتصادی عراق، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملت.
- ۷- پلی و دوران، میثائیل و خالد (۱۳۸۱)؛ اسامه بن لادن و تروریسم جهانی، مترجم: هومن وطن‌خواه، تهران: کاروان اندیشه‌سازان.
- ۸- ساوه‌دروودی، مصطفی (۱۳۹۰)؛ راهبردهای سازمانی و مدیریت بحران، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
- ۹- صفوی، سیدیحیی (۱۳۷۸)؛ جغرافیای نظامی ایران (شمال غرب و غرب کشور)، جلد اول، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۰- عزتی، عزت‌ا... (۱۳۸۱)؛ تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۱- کریمی‌پور، یدا... (۱۳۷۹)؛ طرح جامع تقسیمات کشوری، تهران: اداره تقسیمات کشوری.
- ۱۲- کیخا، علیرضا (۱۳۹۲)؛ مرداب انتحار، قم: سپهر آذین.

- ۱۳- محمدحسینی، مسعود (۱۳۹۱)؛ مرزهای ایران، تهران: دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام.
- ۱۴- مخبر، محمدعلی (۱۳۲۴)؛ مرزهای ایران، تهران: چاپخانه کیهان.
- ۱۵- مصطفی، حسن (۱۳۹۴)؛ داعش زیر ساخت‌های معرفتی و ساختاری، ج ۱، چاپ سوم، تهران: موسسه فرهنگی هنری آفتاب خرد.
- ۱۶- ملا محمدعلی، امیر (۱۳۸۴)؛ مشروعیت عملیات استشهادی از دیدگاه فقهای معاصر شیعه و اهل سنت، مجله حصون، دوره سوم، شماره ۵.

17- www.wikipedia.com

18- www.tasnimnews.com

- 19- Joseph, Jonatan. (2008). "Hejamony and the Struture Agency Problem in International Relation". A Scientific Realist Contribution Review of Internationalism Studies Vol.34 No1

بررسی میزان کاربرد سلاح‌های شیمیایی حزب بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران عابد اسکندری^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۳

چکیده

استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای بازدارندگی، مقابله و نیز اهرم فشار در دست رژیم بعث عراق علیه ایران در طول جنگ هشت ساله این دو کشور بوده است. در این مقاله برای پاسخ به این سؤال که «میزان کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی علیه ایران، چگونه بوده است؟» با مطالعه اسناد و کتب برجای مانده از دوران دفاع مقدس و با جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای کوشیده شده است تا توان تسلیحات شیمیایی کشور عراق در دوران دفاع مقدس، میزان تلفات شیمیایی ناشی از حملات شیمیایی حزب بعث علیه مردم ایران، نقش حقوق و مجامع بین‌المللی در کاهش و یا مقابله با این ترفند دشمن و نهایتاً آمار تلفات مردم ایران در عملیات‌های مختلف جنگ و بمباران‌های شیمیایی شهرها و روستاها مورد بررسی قرار گیرد.

حکومت عراق علیرغم حمایت‌های بین‌المللی و توان تسلیحاتی برتر، بدلیل مقاومت مردم و رزمندگان ایرانی در رسیدن به اهداف اصلی خود ناکام ماند. از این رو با کمک گرفتن از کشورهای غربی، استخدام دانشمندان متخصص و صرف هزینه‌های گزاف برای ساخت کارخانه‌های ساخت مواد شیمیایی، به یکی از پلیدترین ترفندهای بازدارندگی در مقابله با توان نظامی حملات ایرانی‌ها دست زد. دولت بعث عراق از مهر ماه ۱۳۵۹ تا شهریور ماه ۱۳۶۷ بیش از ۵۸۲ بار حمله‌ی شیمیایی آزمایشی، محدود، گسترده‌ی حجیم و فوق‌گسترده بر علیه رزمندگان و غیرنظامیان ایرانی انجام داد که نتیجه‌ی این حملات شهادت بیش از ۱۰ هزار نفر، مصدومیت شدید و نیازمند مداومت درمان حدود ۱۰۰ هزار نفر و مصدومیت خفیف قریب به ۲۵۰ هزار نفر بوده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ ایران و عراق، سلاح شیمیایی، جنگ تحمیلی، جنگ‌افزار شیمیایی، صدام حسین.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه و بیان مسئله

جنگ ایران و عراق به عنوان یکی از مهم ترین جنگ های قرن بیستم، از مقاطع بزرگ تاریخ کشورمان است که از آن به عنوان "جنگ تحمیلی" و یا "دفاع مقدس" یاد می شود؛ مقدس از آن حیث که اهداف و آرمان های آن نیز مقدس بوده اند. مردم ایران که به تازگی از بند استبداد و استکبار رهایی یافته بودند، با هدایت و رهبری مدبرانه امام خمینی علیه السلام و ایستادگی و مجاهدت تاریخی خود، استقلال و آزادی را به دست آوردند که عامل سرخوردگی و شکست ابرقدرت های عالم گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز اختلافات سیاسی، ترورهای مختلف، اغتشاش ها، آشوب ها و حملات مختلف به مناطق کشور بخصوص استان های مرزی و... استکبار دلخوش به شکست زود هنگام این انقلاب و زمینه سازی ورود دوباره خود به این سرزمین بوده است. با شروع تهاجم حکومت صدام با اهداف مختلف از جمله نابودی نظام نوپای جمهوری اسلامی و اشغال مناطق نفتی خوزستان، حمایت همه جانبه نظامی و سیاسی کشورها و سازمان های مختلف از کشور عراق آغاز شد.

نظام نوپای ایران که در حال مبارزه با منازعات داخلی، آرایش ساختارهای سیاسی و نظامی و ساماندهی اوضاع کشور بود، هنوز آمادگی دفاع مستحکم از مرزهای خود را نداشت اما به لطف مجاهدت های مردم سراسر کشور با تمام توان مقابل دشمن ایستادگی کرده و یک ذره از خاک سرزمین خود را به دشمن واگذار نکرد. جنگی که به فرموده رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) «این جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازماندهی شد.» (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۳۶۸: ۱)

می توان گفت که تثبیت انقلاب اسلامی مدیون دوران دفاع مقدس می باشد. امام خمینی علیه السلام درباره این جنگ می فرمایند: «جنگ در عین حال که ناگوار بود و شهرهای ما را خراب کرد، ولی برکاتی داشت که اسلام به دنیا معرفی شد و اینکه چه اشخاصی و قدرت هایی در مقابل اسلام ایستادند و چه کسانی از اسلام می ترسند؛ و چه قدرت هایی علیه اسلام قیام کردند. همه ی این ها در جنگ معلوم شد.» (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۲)

ایستادگی و رشادت های رزمندگان ایران هزینه های سنگین جانی و مالی بر آنان تحمیل کرد؛

چرا که دشمن از همه نوع تجهیزات و سلاح‌های مختلف استفاده کرده و همزمان از حمایت سایر کشورها و مجامع بین‌المللی نیز برخوردار بود. حضور جهادی و انقلابی مردم ایران در صحنه‌های نبرد، توازن نظامی جنگ را به سمت ایران برتری داد که همین باعث ترس و نگرانی حکومت صدام و حامیان وی شد. لذا با کمک گرفتن از سایر دول غربی شروع به کاربرد سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر نیروهای ایرانی کرده است. حکومت عراق که دیگر توان مقابله با حملات رزمندگان را نداشت از انواع سلاح‌های شیمیایی برای مهار آنان استفاده کرد و حتی این حملات شیمیایی را به بمباران روستاها و شهرها هم کشاند. استفاده از سلاح‌های شیمیایی مغایر دستورات اسلام است و به فرموده امام خمینی علیه السلام «اگر ما نیز سلاح شیمیایی تولید کنیم، آنگاه چه تفاوتی بین ما و صدام خواهد بود؟!» (رفیق‌دوست، ۱۳۹۳)

حملات شیمیایی عراق در اوایل جنگ به‌طور آزمایشی، در ادامه جنگ محدود و درنهایت به‌طور گسترده و پر حجم انجام شد و از سال چهارم جنگ به بعد، علاوه بر مناطق نظامی، مناطق غیرنظامی و شهروندان ایران و کُرد عراق نیز هدف حملات شیمیایی قرار گرفتند. (سردار نیکخواه بهرامی، ۱۳۹۶)

این مقاله با هدف بررسی توان شیمیایی عراق در طول دوران دفاع مقدس، میزان استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط عراق، میزان تلفات این حملات، حامیان حکومت عراق و نقش مجامع بین‌المللی تدوین گردیده و در قالب این سؤال که «میزان کاربرد سلاح‌های شیمیایی حزب بعث در جنگ تحمیلی، چگونه بوده است؟» به بررسی این مقوله می‌پردازد. همچنین تاریخچه استفاده از سلاح‌های شیمیایی، گروه‌های مورد هدف حملات شیمیایی و اقدامات بین‌المللی در مقابله با بکارگیری سلاح‌های شیمیایی بررسی خواهد شد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش اسنادی استفاده شده است و تمرکز اصلی بر کتب، اسناد و آثار دوران دفاع مقدس می‌باشد.

ادبیات نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

بعضی از تحقیقات و مقالاتی که در خصوص بررسی کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران صورت گرفته است به شرح زیر می‌باشند:

ردیف	سال تحقیق	عنوان	پژوهشگر	مجله/فصلنامه
۱	۱۳۹۵	مقاله کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق از منظر حقوق بین‌الملل کیفری	مدرس سبزواری، ساسان و شریفی، حسین	فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۲
۲	۱۳۸۴	مقاله رونوشت شیمیایی تجاوز، بررسی کاربرد تسلیحات شیمیایی از سوی عراق	یکتا، حسین	ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر ایران، سال چهارم، شماره ۳۶
۳	۱۳۹۷	مقاله تأملی بر جرم‌انگاری استفاده از سلاح‌های شیمیایی و صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به این جنایت با نگاهی به جنگ عراق و ایران	عبدالمالکی، مهدی و زمانی، سید قاسم	مجله پژوهش‌های حقوق و جزا و جرم‌شناسی، بهار و تابستان ۱۳۹۷، شماره ۱۱
۴	۱۳۹۵	مقاله تأملی بر احقاق حقوق قربانیان سلاح‌های شیمیایی در پرتو صلاحیت مدنی جهانی: با تأکید بر قربانیان ایرانی کاربرد سلاح‌های شیمیایی جنگ عراق علیه ایران.	نژندی‌منش، هیبت‌اله	مجله پژوهش حقوق عمومی، بهار ۱۳۹۵، شماره ۵۰ علمی-پژوهشی

تعریف مفاهیم

جنگ: جنگ از نظر لغوی به معنای نبرد، جدال و قتال، رزم، کارزار، ستیزه، برآورد، حرب، زد و خورد و پیکار میان چند نفر و یا میان سپاهیان چند کشور است. از نظر اصطلاحی جنگ

درگیری مسلحانه‌ای است میان دو یا چند کشور که جهت تحقق اهداف سیاسی و یا نظامی خود، پس از بی‌نتیجه بودن مذاکرات و مساعدت‌های دیپلماسی، با بکارگیری تمام توان نظامی طرفین، محاصره از راه زمین، دریا و هوا برای پیروزی صورت می‌گیرد.

جنگ تحمیلی: جنگی است که حزب بعث کشور عراق به پشتوانه قدرت‌های استکبار جهانی برای مدت هشت سال از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ بر جمهوری اسلامی تحمیل کرد و در پایان بر اثر ایستادگی و رشادت‌های ملت ایران منجر به پیروزی رزمندگان اسلام شد. امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران و فرماندهی کل قوا از آن با عنوان دفاع مقدس یاد کرده‌اند.

سلاح شیمیایی: ابزار یا موادی که به وسیله آن‌ها انسان‌ها و یا موجودات زنده را هدف قرار می‌دهند. در اثر تماس مستقیم این مواد با هر قسمت از بدن جاندار، بدن وی آلوده شده و جاندار به انواع بیماری‌های عمومی و یا انحصاری آن ماده مبتلا می‌شود. عوامل شیمیایی ترکیباتی هستند که در صورت کاربرد مؤثر علیه انسان، حیوان یا گیاه، منجر به مرگ یا ضایعات قابل توجه دائمی یا موقتی در ساختار اندامی آن‌ها می‌گردند.

از نظر نظامی جنگ‌افزارهای شیمیایی به شش گروه سمی و کشنده، ناتوان‌کننده، دودزا، آتش‌زا، استفاده برای کنترل اغتشاش‌ها و ضد گیاه و شعله‌ها تقسیم می‌شوند.

ادبیات تحقیق

تاریخچه استفاده از سلاح شیمیایی

تاریخچه استفاده از مواد تولید شده شیمیایی، میکروبی و بیولوژیکی بر علیه نیروهای انسانی و منابع غذایی سابقه‌ای هزاران ساله داشته و به دوران پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد. اقوام مختلف برای تخریب روحیه دشمن و شکست سریع‌تر آنان، از هر وسیله‌ی ممکن، مطابق با دانش و پیشرفت فنون عصر خویش، استفاده می‌کردند. یونانیان در جنگ‌های داخلی و خارجی، به‌ویژه با ایرانیان، از نوعی مواد آتش‌زا، با اشتعال ناقص گوگرد و زغال استفاده می‌کردند که به مسمومیت افراد منجر می‌شد. در جنگ‌های پیش از میلاد نیز رومی‌ها جنازه متعفن حیوانات و اجساد قربانیان جنگ را که ناقل انواع بیماری‌ها چون طاعون و تیفوس بودند، با منجنیق به میان

اردوگاه دشمن خود پرتاب می کردند یا آن ها را در چاه ها، رودخانه ها و سرچشمه های مورد استفاده دشمن می انداختند.

❖ اسپارتان ها در جنگ پله پونز (سال های ۴۳۱ تا ۴۰۴ پیش از میلاد) از اسیدهای گوگردی (از جمله دی اکسید سولفور) استفاده می کردند.

❖ سال ۱۳۴۶ م قوم تارتار در شهر کافا (Feodissia نام امروزی) با پرتاب کردن اجساد مردگان ناشی از طاعون، توانستند مقاومت شهر را از بین ببرند.

❖ در جنگ های صلیبی، چاه ها را با لاشه انسان ها و حیواناتی که در جریان بیماری واگیردار مرده بودند، آلوده می کردند.

❖ سال ۱۴۵۳ م ترکان عثمانی در حمله به قسطنطنیه، گودال هایی حفر کردند، ولی مدافعان شهر در همان گودال ها دود گوگرد پخش کردند که باعث خفگی نیروهای ترک شد.

❖ سال ۱۴۵۶ م در حمله ترک ها به نواحی بلغراد، مردم آن منطقه بر روی موش ها پودر کشنده ای ریختند، سپس آن ها را آتش زده و به سوی مهاجمان پرتاب می کردند.

❖ سال ۱۷۱۰ م مهاجمان روس مانند روش قوم تارتار برای به زانو در آوردن لشکر سوئد، از میکروب طاعون استفاده کردند.

❖ استفاده از چنین جنگ افزارهایی گاهی بی سر و صدا تر و گاهی پنهانی صورت می گرفت. به عنوان مثال سال ۱۷۶۳ م انگلیسی ها پس از مصون کردن خود نسبت به بیماری آبله با واکسیناسیون، ملافه ها و پتوهای بیماران مبتلا به ویروس آبله را برای رهبران متخاصم سرخپوستان شمال آمریکا در «اوهایو» فرستادند که منجر به مرگ عده ای از سرخپوستان شد.

❖ سال ۱۷۹۷ م ناپلئون بناپارت در جنگ با ایتالیا تلاش کرد تا بیماری تب مرداب را به سربازان ایتالیایی سرایت دهد.

- ❖ در نبرد بوئر (boer war) (۱۸۸۹ - ۱۹۰۲ م) بین انگلستان و بوئرها (مهاجرین هلندی ساکن آفریقای جنوبی) ارتش انگلستان از توپ‌های حاوی اسید پیکریک استفاده کرد که اثر تهوع‌زا داشت و موجب خفگی می‌شد.
- ❖ آلمانی‌ها در اکتبر ۱۹۱۴ م از گلوله‌های حاوی گاز اشک‌آور در نوشاپل بر علیه فرانسوی‌ها استفاده کردند. نازی‌ها همچنین گاز کلر را نخستین بار در سال ۱۹۱۵ م در پیرس بلژیک، علیه سربازان مستعمراتی فرانسه و پیاده نظام کانادایی، که هیچ ماسکی برای حفاظت از خود نداشتند، به کار بردند.
- ❖ در طول جنگ جهانی اول^۱ مجموعاً ۱۲۴۲۰۰ تن مواد شیمیایی مورد استفاده قرار گرفت که در اثر آن حداقل ۹۰,۰۰۰ نفر کشته و نزدیک ۱,۰۰۰,۰۰۰ نفر هم مجروح شدند؛ البته جدا از اثرات دراز مدتی که این مواد شیمیایی بر بدن انسان‌ها و نسل‌های آینده گذاشته است.
- ❖ سال ۱۹۱۵، در طی جنگ جهانی اول، آلمان‌ها به کاربرد عامل بیماری وبا در ایتالیا و طاعون در پترزبورگ روسیه متهم شدند. انگلیسی‌ها نیز ادعا نمودند که آلمان‌ها در طول جنگ از بمب‌های حاوی طاعون استفاده نمودند و فرانسوی‌ها مدعی بودند که آلمان‌ها عروسک‌ها و آب‌نبات‌های آلوده به عوامل میکروبی را بر روی رومانی ریختند.
- ❖ سال ۱۹۲۵ در کنفرانس خلع سلاح ژنو، پروتکلی به امضاء غالب کشورهای جهان در آمد که در آن کاربرد سلاح شیمیایی و بیولوژیکی منع شد. علیرغم تهیه این پروتکل اعضا امضاء کننده زیاد برای آن اهمیتی قائل نشدند؛ به گونه‌ای که سال ۱۹۳۵ خردل ازتی توسط آلمان‌ها سنتز شد، سال ۱۹۳۵ ایتالیا در حمله به اتیوپی به‌طور وسیع از گاز خردل و فسژن بهره جست و سال ۱۹۳۷ ژاپن در عملیات جنگی خود علیه چین از گازهای خردل و لویزیت استفاده کرد.

۱- جنگ جهانی اول از ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ تا ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ میلادی، مرداد ۱۲۹۳ تا آبان ۱۲۹۷.

- ❖ با آغاز جنگ جهانی دوم^۱ تحقیق و تولید عوامل شیمیایی و بیولوژیک همچنان ادامه یافت و انبارهای بزرگی از سموم مختلف جنگی در کشورها ذخیره شد. ارتش‌های دنیا از نظر حفاظتی نواقص خود را اصلاح نموده و همه آماده یک جنگ شیمیایی بودند. آلمانی‌ها نیز موفقیت جدیدی در دستیابی به گازهای اعصاب از جمله تابون، سارین و سومان که هر کدام از قبلی خطرناک‌تر بوده، بدست آوردند. در این مدت هنوز هیچ کشوری شناختی از سلاح جدید اعصاب نداشت. پس از اشغال آلمان، مشخص شد که آلمان دارای سلاح جدید شیمیایی می‌باشد.
- ❖ علی‌رغم اینکه گازهای اعصاب تا خاتمه جنگ تنها در اختیار ارتش آلمان بود، ولی ترس از استفاده سایر کشورها و مقابله به مثل متفقین، باعث شد تا در طول جنگ جهانی دوم موارد استفاده از این سلاح مشاهده نشود.
- ❖ در جریان جنگ جهانی دوم اتاق‌های گاز آلمانی‌ها فعالیت می‌کردند. در ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۲ اجازه صادر شد تا در برخی اردوگاه‌ها از زندانیان برای آزمایش عوامل شیمیایی استفاده کنند. تا پایان جنگ حدود ۵/۵ میلیون زندانی بر اثر به‌کارگیری انواع عوامل سمی به‌وسیله شرکت آلمانی دگش مسموم شدند.
- ❖ علیرغم تأکیدهای مجدد و امضاء پروتکل‌های مختلف به‌منظور عدم تولید گازهای جنگی، پس از جنگ جهانی دوم همچنان تحقیق پیرامون انواع مختلف گازهای جنگی و روش‌های دیگر تولید آن‌ها ادامه یافت و هر روز ترکیبات جدیدتر شناسایی و تولید می‌شدند. پس از جنگ جهانی دوم عواملی همچون ایجاد نظام دوقطبی، استقلال کشورهای استعمار شده و همچنین پیشرفت علم و تکنولوژی باعث گسترش سلاح‌های شیمیایی در سطح جهانی و آغاز رقابت در تولید و انبار کردن مواد شیمیایی در بین کشورهای دنیا از جمله آمریکا شد.
- ❖ ۱۹۵۱ م انگلیسی‌ها از ماده «فتیوتوکسین» در مالایا علیه استقلال‌طلبان این سرزمین استفاده کردند.

۱- جنگ جهانی دوم ۱ سپتامبر ۱۹۳۹ تا ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ میلادی، ۹ شهریور ۱۳۱۸ تا ۱۱ شهریور ۱۳۲۴ شمسی.

- ❖ در جنگ ویتنام^۱ آمریکایی‌ها به صورت گسترده‌ای از عوامل ضد گیاه به مقدار بیش از ۵۰,۰۰۰ تن استفاده کردند که در واقع اولین کاربرد آن در جنگ‌های دنیا به شمار می‌رفت و باعث از بین رفتن محصولات غذایی، نابودی جنگل‌ها و در نتیجه گرسنگی ویت‌کنگ‌ها می‌شد. این مواد شیمیایی آثار ژنتیکی منفی بسیاری روی چندین نسل از مردم ویتنام گذاشت.
- ❖ سال ۱۹۶۵ م کشور مصر در جنگ با یمن از گاز خردل استفاده کرد که تا سال‌ها پس از آن به طور بین‌المللی شناخته نشد.
- ❖ سال ۱۹۶۶ آمریکا چندین مورد بمب‌های حاوی گاز BZ را به صورت آزمایشی در ویتنام، کامبوج و لائوس به کار گرفت. بخش عمده‌ای از این مواد را آلمان‌ها در اختیار آمریکایی‌ها قرار دادند. تحت تأثیر این ماده مهلک دی‌اکسین‌دار، پس از ده‌ها سال هنوز در ویتنام بچه‌های معلول به دنیا می‌آیند.
- ❖ سال ۱۹۷۹ م ارتش شوروی، در اشغال افغانستان از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.
- ❖ سال ۱۹۸۲ م رژیم اشغالگر قدس، از عامل بیولوژیکی علیه دختران خردسال فلسطین استفاده کرد.
- ❖ سال ۱۹۸۳ م رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از یک نوع ماده سمی علیه نیروهای سواپو در نامیبیا بهره گرفت.

انواع سلاح‌های شیمیایی

- بمب‌های شیمیایی در سه نوع جامد، مایع و گاز وجود دارند:
- ❖ حالت جامد: در ارتفاعات و در مناطق برفی استفاده می‌شوند. با آب شدن برف در آن حل شده و پایین می‌آیند و باعث مسمومیت افراد زیادی می‌شوند.

۱- جنگ ویتنام از ۱ نوامبر ۱۹۵۵ تا ۳۰ آوریل ۱۹۷۵.

- ❖ حالت مایع: از بمب‌های حالت مایع برای حل کردن در آب رودخانه‌ها و منابع استفاده می‌شود.
- ❖ حالت گاز: کاربرد بیشتری دارند و در مناطق مختلف، بخصوص مکان‌های وسیع و باز استفاده می‌شود.
- سلاح‌های شیمیایی متناسب با اثری که بر بدن افراد می‌گذارند، به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:
- ❖ دسته اول سلاح‌هایی که اثرات آنان روی پوست افراد می‌باشد: مانند گاز خردل، گوگرد و خردل نیتروژن.
- ❖ دسته دوم سلاح‌هایی که اثرات آنان روی سیستم عصبی بدن می‌باشد: مانند گاز سارین.
- ❖ دسته سوم سلاح‌هایی که اثرات آنان روی سیستم تنفس بدن افراد می‌باشد: مانند گاز کلرین، فسفوزن، فسفوکلرین.

قراردادها و معاهدات بین‌المللی در زمینه سلاح‌های شیمیایی

نخستین قرارداد بین‌المللی محدودسازی استفاده از سلاح‌های شیمیایی سال ۱۶۷۵ م مابین کشورهای فرانسه و آلمان در شهر استراسبورگ فرانسه تهیه شد. در این موافقتنامه دو کشور درباره ممنوعیت کاربرد گلوله‌های سمی به توافق رسیدند.

سال ۱۸۶۶ م روس‌ها گلوله‌ای ساختند که در برخورد با هر جسم سخت و ارتقاء آن در سال بعد، با برخورد با هر جسم نرم نیز بخش محترقه آن خرابی بسیاری به وجود می‌آورد. مکانیزم ساده‌ی ساخت و کاربرد آن، خود روس‌ها را به این فکر انداخت که از این گوله‌ها در جنگ استفاده نکرده. در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸ م به ابتکار تزار روسیه کنفرانسی در شهر سن پترزبورگ تشکیل شد که قطعنامه آن به «اعلامیه سن پترزبورگ» معروف گردید. در این اعلامیه استفاده از برخی ابزارهای جنگی را که رنج و آزاری بی‌نتیجه و بیهوده به بار می‌آورد، منع شد. با پذیرش این اعلامیه که مؤید حقوق عُرُفی نیز بوده است، کاربرد پرتاب شونده‌های دارای ماهیت

خسارت زیاد منع گردید. این اعلامیه برای منع کاربرد پرتاب شونده‌های انفجاری زیر ۴۰۰ گرم^۱ در زمان جنگ تنظیم شد.

چند سال بعد و در سال ۱۸۷۴ م «کنوانسیون بروکسل» درباره حقوق و قوانین جنگ، کاربرد سموم یا سلاح‌های سمی و نیز سلاح‌ها، پرتابه‌ها و موادی را که باعث مصدومیت و رنج غیرمعمول می‌شود، ممنوع اعلام کرد.

اواخر قرن نوزدهم، سال ۱۸۹۹ م به پیشنهاد نیکلای دوم، امپراتور روسیه، نخستین کنفرانس معروف به کنفرانس صلح در شهر لاهه (هلند) تشکیل شد و منجر به امضای موافقت‌نامه‌ای در ممنوعیت استفاده از پرتابه‌های جنگی محتوی گازهای سمی شد. در دومین کنفرانس لاهه که سال ۱۹۰۷ و به دعوت امپراتور روسیه در شهر لاهه با شرکت ۴۵ کشور جهان تشکیل شد؛ در این کنفرانس بر محدودیت کشورهای در حال جنگ برای به کارگیری لوازم و امکانات مختلف برای صدمه رساندن به دشمن تأکید شد.

در این کنوانسیون، منع قبلی استفاده از سلاح‌های سمی در جنگ تأیید شد. در ماده ۲۳ بندهای (الف) و (ر) این کنوانسیون در مورد جنگ‌های زمینی تصریح شده که حق هر دو طرف متخاصم در به کارگیری وسایلی که به دشمن صدمه بزنند، نامحدود نیست و به کارگیری جنگ‌افزارها و پرتاب کننده‌ها با هدف ایجاد آسیب غیر عقلایی به‌ویژه استفاده از سم یا جنگ-افزارهای سمی ممنوع است.

در ماده ۳ این معاهده آمده است: «در صورتی که دشمن مقررات کنفرانس را نقض کند به حسب مورد موظف به پرداخت غرامت است.» دو نقدی که بر معاهده این کنوانسیون وارد بود یکی عدم قید نام مرجع تعیین کننده غرامت یا مرجعی که وظیفه تعیین نوع و مقدار غرامت و دریافت آن را داشته باشد؛ و دیگری عدم اشاره‌ی صریح به منع تولید، انباشت و ذخیره مواد شیمیایی و سمی و انتقال تکنولوژی آن می‌باشد؛ که به‌طور کمرنگ به موضوع کاربرد آن‌ها اشاره

۱- گلوله‌های انفجاری؛ گلوله‌هایی با وزن کمتر از ۴۰۰ گرم با پوششی سخت اما به شکلی که هسته را کاملاً نمی‌پوشاند یا با پوششی دارای شکاف، همچنین پرتاب شونده‌هایی که دارای مواد ترکیدنی صدا دار آتش زا بوده و باعث ایجاد زخم‌های موخ می‌گردید.

شده بود؛ اما این اشاره کوتاه مانع از کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی در جنگ جهانی اول نگردید و همین موضوع، ضعف و کاربردی نبودن کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه را به اثبات رساند.

با وجود توافقنامه‌های بین‌المللی ذکر شده، میزان تلفات ناشی از سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول به اندازه‌ای بود که همگان نسبت به خطرات چنین سلاح‌هایی به شدت ابراز نگرانی کرده و همین باعث شد پس از جنگ، کشورهای پیروز در ماده ۷۰ معاهده ورسای (۱۹۱۹ میلادی) بندی را با عنوان "ممنوعیت هرگونه استفاده از گازهای خفه‌کننده سمی و سایر گازها و تمام مایعات مشابه و مشتقات آن‌ها" را تصویب کنند.

از جمله ایرادات اعلامیه کنفرانس‌های دوگانه صلح لاهه و رژیم ممنوعیت ناشی از آن‌ها، نبودن تعریف دقیقی از مواد و سلاح‌های شیمیایی بود. در ادامه ثابت شد که مقررات کنفرانس لاهه در ارتباط با منع و محدودیت عملی سلاح‌های شیمیایی بسیار گنگ و مبهم است و عامل سوء استفاده از این مواد، سوء برداشت از قطعنامه‌هاست؛ به عنوان مثال فرانسه گازهای اشک‌آور را از جمله گازهای خفه‌کننده و آسیب‌رسان محسوب نمی‌کرد؛ یا آلمان‌ها در جریان جنگ جهانی اول گاز کلر را به وسیله سیلندرهایی به جبهه‌های نبرد حمل و در آنجا انتشار دادند و مدعی بودند که تخلفی از مقررات کنوانسیون و اعلامیه کنفرانس‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه نشده است؛ چرا که در این اسناد استفاده از گلوله‌های منتشرکننده گازهای خفه‌کننده ممنوع شده است.

از دیگر ایرادات این کنفرانس‌ها، نبود مقررات مخصوص بازرسی کشورها و هم‌چنین رعایت نکردن تضمین و تنبیه روشنی در مفاد کنفرانس‌ها بود.

حملات وسیع و تلفات بالای سلاح‌های شیمیایی بکار گرفته شده در جنگ جهانی اول همراه با اثرات غیر انسانی و متعاقب آن واکنش کشورهای جهان، منجر به انعقاد یکی از معروف‌ترین معاهدات بین‌المللی در خصوص کاربرد سلاح‌های شیمیایی یعنی «پروتکل ۱۹۲۵ ژنو» شد که در آن کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و نیز شیوه‌های جنگ میکروبی ممنوع شد.

در مقدمه پروتکل ۱۹۲۵ ژنو اشاره شده که «استفاده از گازهای خفه‌کننده و سمی و هم‌چنین

تمامی مایعات و مواد و تجهیزات مشابه، از سوی وجدان عمومی جهان متمدن محکوم شده و برخی از قدرت‌های بزرگ نیز در جنگ‌های میان خود، استفاده از این گازها و تجهیزات را ممنوع کرده‌اند و این ممنوعیت باید به نحو فراگیر در حقوق بین‌الملل پذیرفته شود... بر این اساس، دولت‌های متعهد اعلام کرده‌اند که ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی را، به موجب پروتکل ژنو می‌پذیرند و این ممنوعیت را به روش‌های جنگ باکتریولوژیک نیز قابل تسری می‌دانند. اکثر کشورهای جهان از جمله ایران و عراق این پروتکل را امضا کردند؛ ایران در ۹ تیر ۱۳۰۸ (۵ نوامبر ۱۹۲۹) و عراق در ۸ سپتامبر ۱۹۳۱.

پروتکل ژنو "کاربرد" سلاح‌های شیمیایی را در جنگ ممنوع اما گسترش، تولید، انباشت و مالکیت چنین سلاح‌هایی را ممنوع نمی‌کرد. در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو حق مقابله به مثل و اقدامات تلافی جویانه برای بسیاری از کشورهای عضو محفوظ ماند. تعدادی از کشورهای عضو این پروتکل اعلام داشتند که مقررات پروتکل در رابطه با عدم کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را فقط در مقابل کشورهایی که عضو این پروتکل باشند رعایت می‌کنند. عده‌ای دیگر هم پروتکل را با این شرط و قید امضاء کردند که کشورهای دیگر علیه آن‌ها از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکرده باشند.

در این سند نه اثری از نظارت و بررسی اعمال و نقض پروتکل وجود دارد و نه حتی تنبیهی علیه ناقض آن؛ هیچ‌گونه ممنوعیت و یا حتی محدودیتی برای تولید، توسعه و ذخیره‌سازی سلاح‌های شیمیایی و میکروبی نیز پیش‌بینی نشده است.

ایرادات وارد شده بر متن این پروتکل باعث شده تا کلیه کشورهای عضو این پروتکل بتوانند بدون هیچ‌گونه محدودیتی به توسعه، تولید، نوسازی و ذخیره‌سازی انواع سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی بپردازند و بخش اعظمی از سرمایه‌گذاری‌های خود را در امر تحقیقات سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و کشف جنگ‌افزارهای جدید با اثرات کشنده‌تر بگذارند. وجود این پروتکل چه از نظر حقوقی و چه از نظر سیاسی نتوانست بروز جنگ شیمیایی را محو کرده و از بین ببرد. بکارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی توسط نیروهای ایتالیایی در اتیوپی، ژاپنی‌ها علیه چینی‌ها و استفاده نیروهای مسلح السالوادر، در ناحیه غرب السالوادر از عوامل میکروبی به صورت بمب،

نمونه‌هایی براین مدعاست.

پس از تصویب پروتکل ژنو بسیاری از کشورها از توسل به این سلاح‌ها امتناع ورزیدند، اما نه بخاطر الزامات حقوقی، بلکه به دلیل تنفر و انزجار مردم جهان از این سلاح‌ها. اثرات معنوی و اخلاقی پروتکل و ترس از اقدام مقابله به مثل کشورها نیز موجب این بازدارندگی استفاده از سلاح‌های شیمیایی می‌شد.

از دیگر ایرادات پروتکل «ژنو» عدم وضع قاعده‌ای در زمینه الزام پیوستن کشورها به آن بود. ممنوعیت قید شده در این پروتکل مخصوص کشورهای عضو بود و کشورهای غیر عضو را در بر نمی‌گرفت. هنگام کاربرد سلاح‌های شیمیایی بین دو کشور عضو و غیر عضو پروتکل، چگونگی برخورد با متخلف (کشور غیر عضو) پیش‌بینی نشده بود.

سال ۱۹۷۱ در راستای برطرف کردن نواقصات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، کمیته خلع سلاح سازمان ملل (که بعدها به کنفرانس خلع سلاح تبدیل شد) متن نهایی کنوانسیون منع توسعه، تولید و انباشت و کاربرد سلاح‌های بیولوژیک (میکروبی) که به کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک (BWC) معروف است را آماده کرد.

مذاکرات مربوط به تهیه متن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی به‌صورت جدی آغاز شد و بعد از مدت‌ها مذاکرات فشرده در «کنفرانس خلع سلاح»، سرانجام متن نهایی کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۹۲ آماده و مورد توافق اعضاء واقع شد. کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزارهای شیمیایی (Chemical Weapons Convention) مهم‌ترین معاهده بین‌المللی منع تولید، انباشت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و جنگ‌افزارهای شیمیایی است که در تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ میلادی در پاریس و نیویورک به تصویب نمایندگان ۱۶۵ کشور عضو سازمان ملل متحد رسید و از تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ میلادی، لازم‌الاجرا شد. ضامن اجرای کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزارهای شیمیایی، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی (OPCW) یا همان (Organisation for the Prohibition of Chemical Weapons) است که در سال ۱۹۹۷ میلادی و با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون منع تسلیحات شیمیایی ایجاد شد. مقر این سازمان در شهر لاهه هلند واقع شده و تشکیلات آن تحت نظر دولت‌های امضاءکننده کنوانسیون منع تسلیحات شیمیایی

اداره می‌شود. تا سپتامبر ۲۰۱۳ میلادی ۱۹۰ کشور به کنوانسیون بین‌المللی منع جنگ‌افزارهای شیمیایی پیوستند.

سیر استفاده حکومت صدام از سلاح‌های شیمیایی

توان رزمی کشور عراق در ابتدای جنگ با ایران، مبتنی بر استراتژی زمین پایه بود؛ به گونه‌ای که از ارتش ۲۳۲ هزار نفری عراق، اغلب آنان (۲۰۲۰۰۰ نفر) در نیروی زمینی ارتش نقش ستون فقرات آن را داشتند.

عراق در اوایل دهه ۱۹۷۰ فعالیت‌های تحقیقاتی خود را در ارتباط با توسعه سلاح‌های شیمیایی آغاز کرد؛ اما مطابق اعلام مقامات دولت این کشور، فعالیت‌های گسترده رژیم بعث در ارتباط با تولید سلاح‌های شیمیایی در مقیاس صنعتی، تأمین و تولید مواد اولیه و همچنین اجزاء و تجهیزات مرتبط با این تسلیحات، عمدتاً در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ انجام گرفت. حکومت عراق در زمان صدام حسین به طرز گسترده‌ای از سلاح‌های شیمیایی برای مقابله با مخالفان (از جمله سال ۱۹۷۴ علیه کردهای این کشور^۱) و در جنگ با ایران استفاده کرد.

از حدود سال ۱۹۷۷ م، رژیم عراق با جمع‌آوری برخی از استادان دانشگاه و صرف بودجه لازم به جمع‌آوری اطلاعات درباره سلاح‌های شیمیایی - میکروبی و رادیواکتیو پرداخت و در هر سه زمینه، موفقیت‌هایی را به دست آورد.

اطلاعاتی که دولت عراق به بازرسان سازمان ملل متحد ارائه کرد، حکایت از آن دارد که بیش از ۵۰ درصد کل زرادخانه سلاح‌های شیمیایی این کشور در دهه ۱۹۸۰ (یعنی در حین جنگ با ایران) استفاده شده است.

عراق در سال ۱۹۸۰، توانایی چندانی برای تولید عوامل شیمیایی نداشت که با انتقال مقادیری از عوامل شیمیایی از ذخایر شوروی، همراه با خرید از کشورهای اروپایی و امریکا این ضعف را جبران کرد. سال ۱۹۸۲ قرارداد خرید تجهیزات فنی از کمپانی «دری رایخ» در آلمان غربی منعقد کرد.

^۱ - جنگ دوم کردها و حکومت عراق از آوریل ۱۹۷۴ تا مارس ۱۹۷۵ به طول انجامید.

حکومت عراق از سال ۱۹۸۴م به طور گسترده از تابون استفاده کرد، اما این ماده گران و پیدا کردن مواد لازم برای ساخت آن هم سخت بود؛ لذا بیشتر به سراغ گاز وی ایکس^۱ رفت که قدرت و دوام بیشتری داشت. صدام در سال ۱۹۸۸ حدود ۴ تن از این گاز را در اختیار داشت. ماده شیمیایی که در حجم وسیع تری در دسترس عراق قرار داشت، گاز سارین بود. از سال ۱۳۶۳ ه.ش استفاده گسترده عراق از گاز اعصاب، گاز تاولزا و گازهای عامل خون آغاز شد.

در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا آخر سال ۱۳۶۵، عراق سلاحهای شیمیایی را در مقیاسی به کار گرفت که از جنگ جهانی اول به بعد بی سابقه بود. در این دوره، واحدهای شیمیایی ویژه که مسئول مراقبت، ساخت و حمل و نقل مهمات شیمیایی بودند، در تمامی یگانهای نیروهای مسلح عراق جا افتادند. واحدهایی از نیروی زمینی و هوایی عراق مأموریت شلیک این نوع سلاح را به عهده گرفتند.

گزارش دولت انگلستان از وضعیت برنامه تسلیحاتی عراق، حکایت از آن دارد که عراق در دهه ۱۹۸۰ و در اوج فعالیتهای تسلیحاتی خود، قادر بود انواع مختلف عوامل شیمیایی شامل عوامل تاولزا (گاز خردل) و عوامل اعصاب (گاز توبان، گاز سارین و گاز ویاکس) را تولید نماید.

ارتش عراق در پیروی از الگوی واحدهای شیمیایی اتحاد جماهیر شوروی، به واحدهای نظامی شیمیایی خود چنان منزلت و موقعیتی بخشید که تقریباً به شکل یک ارتش رزمی مستقل درآمد. واحدها و زیر واحدهای مسئول دفاع شیمیایی، تشعشع و اکتشاف شیمیایی، تحلیل اوضاع جوی و آلودگی زدایی را تشکیل دادند. هر سپاه یک گردان، هر تیپ یا لشکر مستقل یک گروهان و هر هنگی یک دسته شیمیایی داشت.

رژیم بعث برای دستیابی به توان شیمیایی اقدامات زیر را انجام داد:

۱- برقراری مناسبات تجاری با کشورهای غربی به منظور خرید فن آوری، مواد و تجهیزات مربوط به جنگ افزار شیمیایی

۱ - VX نوعی ماده شیمیایی سمی و مرگبار اعصاب است.

۲- عقد قرارداد خرید تجهیزات فنی گوناگون با شرکت‌های تولیدکننده وسایل شیمیایی در

آلمان غربی

۳- خرید ترکیبات شیمیایی مربوط به تولید عوامل اعصاب از کشورهای غربی

۴- تأسیس کارخانه‌های ساخت و تولید جنگ‌افزار شیمیایی

برنامه سلاح‌های کشتار جمعی عراق به گفته دکتر حسین شهرستانی از دانشمندان هسته‌ای عراق از سال ۱۹۸۰ (۵۹) آغاز و در بخش شیمیایی در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) با کمک تعدادی از شرکت‌های آمریکایی با استفاده از گاز اعصاب و سارین توسعه یافت. ولی اقدام عراق برای کسب توانمندی (BW بیولوژیک) به نوشته دکتر گراهان پی‌یرسون، از محققان ساخت عوامل جنگ‌های بیولوژیک در دپارتمان صلح دانشگاه برادفورد انگلیس، از سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) آغاز شد. یک سال بعد در ۱۹۷۵ عراق اجرای ۷۸ پروژه تحقیق و توسعه را در مرکز آل سلمان آغاز کرد.

در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) عراق قادر به تولید انبوه عوامل میکروبی سیاه‌زخم و سم بوتولیسم بود. جیمز ولسی، رئیس سابق سیا معتقد است که میکروب سیاه‌زخم در بسیاری از آزمایشگاه‌های آمریکا قابل دسترسی بود و از سوی کشورهای مختلف و از جمله عراق در دهه ۸۰ توزیع شد.

عراق تا اواخر سال ۱۳۶۴ حدود ۱۰ تن از انواع گازها را در ماه تولید می‌کرد؛ که در اواخر سال ۱۳۶۵ این ظرفیت تولید به بیش از ۵۰ تن در ماه افزایش یافت. در پایان سال ۱۳۶۷ عراق توانست بیش از ۷۰ تن گاز خردل و ۶ تن از هر یک از گازهای تابون و سارین تولید کند. توانمندی عراق در تولید گازهای شیمیایی با مشارکت و حمایت بسیاری از شرکت‌های آمریکایی، اروپایی و سایر کشورها صورت گرفت.

طبق گزارشات ارسالی به سازمان ملل پس از پایان تجاوز عراق به کویت، کشور عراق از ۱۵۰ شرکت آلمانی، آمریکایی و انگلیسی تجهیزات نظامی دریافت می‌کرد که آلمان با ۲۷ شرکت خصوصی و دولتی، آمریکا با ۲۴ و انگلیس با ۱۱ شرکت فعال بیشترین مشارکت را داشتند.

روزنامه الکترونیکی القبس از قول کارشناسان و گزارش ارسالی از عراق، آمار دیگری را ارائه کرده است. برابر این گزارش ۹۲ شرکت آلمانی، عراق را به سلاح‌های هسته‌ای مجهز کردند و در رأس تأمین کنندگان ۲۲ شرکت آمریکایی، ۲۳ شرکت انگلیسی، ۲۱ شرکت فرانسوی، ۱۸ شرکت اتریشی، ۱۱ شرکت بلژیکی، ۱۵ شرکت ایتالیایی، ۱۳ شرکت سوئیسی، ۷ شرکت اسپانیایی، ۳ شرکت ژاپنی، ۴ شرکت هندی، ۵ شرکت کره‌ای و ۳ شرکت چینی و تعدادی از شرکت‌های آرژانتینی، برزیلی، مصری، اردنی و ۴۰ شرکت روسی و اوکراینی در لیست فروشندگان سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای به عراق قرار دارند.

هدف عراق از بکارگیری سلاح‌های شیمیایی

با توجه به اینکه نقطه ثقل قدرت نظامی ایران در تهاجم به عراق شامل نیروهای پیاده و اجرای عملیات شبانه بود، لذا عراقی‌ها قادر به دفاع در برابر این تاکتیک‌ها نبودند و برای جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی و ایجاد پراکندگی در میان آن‌ها از سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند. اهداف عراق از بکارگیری سلاح‌های شیمیایی بر علیه ایران به شرح زیر می‌باشد:

- جلوگیری از پیشروی ناگهانی قوای نظامی ایران در مواضع و استحکامات عراق
- مهار پیامدهای سیاسی-استراتژیک نفوذ و پیشروی نیروهای ایرانی
- تأثیرات روحی - روانی سلاح‌های شیمیایی و آثار کاربرد آن در ایجاد پراکندگی نیروهای مقابل
- از میان بردن قدرت مقاومت یا پیشروی آن‌ها و اختلال در سازمان رزم

خدییر حمزه رئیس پیشین طرح‌های هسته‌ای عراق در مورد تأثیر این سلاح بر روی نیروهای ایران می‌گوید: «در جنگ طولانی عراق با ایران، روشن شد که به وحشت انداختن نیروهای ایران از طریق استفاده از سلاح شیمیایی، به مراتب مؤثرتر از تمام توپخانه و بمباران هوایی بود که ما می‌توانستیم بکار بگیریم.»

وزیر خزانه‌داری و تجارت خارجی رژیم عراق در نوزدهم سپتامبر ۱۹۸۴، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی الانباء، در پاسخ به سؤالی در مورد استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران،

گفت: «به‌طور کلی می‌گوییم که عراق در صورت لزوم از این قبیل سلاح‌ها یقیناً استفاده خواهد کرد تا از حیثیت و شأن مردم خود و نیز از مرزهای کشورش و ملت عرب دفاع نماید.»

اقدامات نیروهای ایرانی برای مقابله با حملات شیمیایی

در سال‌های ابتدایی جنگ که ایرانی‌ها پیش‌بینی حملات شیمیایی عراقی‌ها را نمی‌کرده و هنوز آمادگی لازم برای مقابله با این حملات را نداشتند، اثرات منفی زیادی به دلیل غافلگیری بر رزمندگان ایرانی وارد آمد. با افزایش حملات شیمیایی عراقی‌ها و توسل بیشتر به این جنگ‌افزارها، ایران جهت مقابله با این حملات برای نیروهای رزمنده خود اقداماتی را تدارک دید. یگان‌های ویژه سلاح‌های شیمیایی تشکیل شد و آموزش‌های لازم ارائه شد. تمام رزمندگان قبل از ورود به جبهه و خطوط مقدم توسط یگان‌های ویژه، آموزش‌های لازم را دیدند و تجهیزاتی مانند "لباس کامل"، "ماسک محافظ" و "آپول‌ها و پودرهای ضد عوامل شیمیایی" در اختیارشان قرار می‌گرفت.

در بخش عملیات پدافندی نیز تیپ‌ها و گردان‌های مستقلی تشکیل شد؛ از جمله "تیپ ۱۱۴ حجر بن عدی از قرارگاه نوح"، "تیپ ۲۴ امام سجاد"، "تیپ ۱۱۱ والعدیات از قرارگاه کربلا"، "تیپ ۲۳ نصرت از قرارگاه نجف اشرف" و گردان‌های مستقل پدافند شیمیایی از قرارگاه رمضان، حمزه سیدالشهدا و صراط مستقیم.

یگان‌های فوق وظیفه کشف، خنثی‌سازی و رفع آلودگی در سطح مناطق عملیاتی را به عهده داشتند. استفاده از کیتها و محلول‌های شناسایی، که با تغییر رنگ میزان آلودگی و نوع آلودگی را مشخص می‌کردند، نمونه‌برداری از خاک و آزمایش بر روی تکه‌های خمپاره‌ها، بمب‌ها و راکت-ها از جمله فعالیت‌های شناسایی مناطق آلوده و تشخیص نوع عامل شیمیایی بود.

استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی در جنگ علیه ایران

تهاجم ارتش عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ منجر به اشغال بخش‌های وسیعی از خاک ایران توسط این کشور در طول ماه‌های اولیه جنگ گردید که این امر ناشی از عدم آمادگی نیروهای مسلح جمهوری در آن شرایط ویژه پس از وقوع انقلاب اسلامی بود.

در سال‌های نخست جنگ، عراق با تکیه بر موانع طبیعی و سنگرهای مقاوم خود جلوی پیشروی و حملات نیروهای ایران را گرفت. با گذشت عملیات‌های ابتدایی ایرانی‌ها و نقش محوری موانع و سنگرها برای بازدارندگی نیروهای ایرانی، پس از چند عملیات، نیروهای ایرانی شروع به عملیات-های شبانه، غافلگیری، عبور از مکان‌های صعب‌العبور و رودخانه و... کردند. در این شرایط دیگر عراق به سنگرهای ساختگی خود و نقش موانع طبیعی تکیه نکرده و شروع به استفاده از سلاح‌های شیمیایی به عنوان عامل بازدارنده کرد.

ایران با تجدید قوای نیروهای رزمنده و آغاز عملیات آفندی علیه ارتش عراق به تدریج سرزمین‌های اشغال‌شده خود را آزاد کرد که اوج آن آزادسازی خرمشهر طی عملیات بیت‌المقدس در خرداد ۱۳۶۱ بود. پس از این سلسله عملیات‌های نظامی موفقیت‌آمیزی توسط ایران انجام شد که ضمن کشاندن جبهه نبرد به خاک دشمن، تهدیدی جدی برای نقاط استراتژیک درون خاک عراق از جمله بندر مهم بصره و جزایر نفت‌خیز مجنون در جنوب و ارتفاعات مهم کردستان عراق به شمار می‌رفت.

در چنین شرایطی و با تغییر موازنه نظامی جنگ به سود ایران، ارتش عراق که خود را در آستانه سقوط می‌دید به کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان و مردم بی‌دفاع ایران روی آورد.

عدم پایبندی عراق به معاهدات بین‌المللی، سکوت جوامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل، ناتوانی دیپلماسی ایران در جهت تحقق اثبات مظلومیت خود و اثبات استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی همگی باعث استفاده بیشتر عراق از سلاح‌های مختلف شیمیایی بر علیه ایرانی‌ها شد و تلفات بسیار سنگینی را بر ایران تحمیل کرد.

حملات شیمیایی عراق در اوایل جنگ به‌طور آزمایشی، در ادامه جنگ محدود و در نهایت به‌طور گسترده و پر حجم انجام شد و از سال چهارم جنگ به بعد، علاوه بر مناطق نظامی، مناطق غیرنظامی و شهروندان ایران و کُرد عراق نیز هدف حملات شیمیایی قرار گرفتند.

حکومت بعث عراق ضمن گسترش تدریجی استفاده از سلاح‌های شیمیایی، انواع

خطرناک‌تر و کشنده‌تر این عوامل را نیز به کار گرفت و روز به روز از مشتقات بسیار خطرناک‌تری در خطوط مقدم علیه نیروها و غیرنظامیان و همچنین از عوامل تأخیری و ماندگارتر تاول‌زاها در خطوط عقبه و پشتیبانی استفاده کرد. با ادامه روند جنگ ارتش عراق با هدف افزایش قربانیان و تشدید وحشت تاکتیک حملات شیمیایی شبانه با هواپیما، بالگرد و هواپیماهای سبک را به کار گرفت.

استفاده عراق از جنگ‌افزارهای شیمیایی در جنگ علیه ایران در سه مقطع متمایز انجام شد.

مقطع اول (آغاز جنگ تا سوم خرداد ۱۳۶۱)

دوره نخست از آغاز تهاجم برق‌آسای ارتش عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) تا پایان مقطع آزادسازی مناطق اشغالی، به‌ویژه آزادی خرمشهر در سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ بود که طی آن، نیروهای عراقی به‌طور پراکنده و برای درهم شکستن مقاومت‌های پراکنده نیروهای رزمنده ایران و هموار کردن مسیر پیشروی به داخل خاک کشور ما از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کردند.

نوع عوامل شیمیایی مورد استفاده در این دوره، گازهای ساده‌ای همچون گاز اشک‌آور و گازهای موسوم به باران زرد بود که نوعی علف‌کش به حساب می‌آید.

این گازها از نظر عملیاتی، پایداری در محیط و اثر بخشی نظامی بسیار ضعیف بودند، به‌گونه‌ای که گاهی اوقات، نیروهای ایرانی متوجه قرار گرفتن در معرض این گونه حملات نمی‌شدند. طبق آمار موجود، مجموع تلفات نیروهای ایرانی در این دوره با وجود فقدان هرگونه تجهیزات حفاظتی و خنثی‌سازی، بیش از ده شهید و یک یا دو مجروح نیست. اولین حمله شیمیایی ثبت شده توسط سازمان ملل در جنگ ایران و عراق مربوط به تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۳ برابر با ۱۳ ژانویه ۱۹۸۱ است که در منطقه‌ای بین هلاله و نی خزر واقع در ۵۰ کیلومتری غرب ایلام توسط عراق علیه نیروهای ایرانی انجام شد.

عراق در سال ۱۳۶۰ چهار بار در مناطق هویزه، ارتفاعات الله‌اکبر، پل نادری و خرمشهر اقدام به استفاده از گلوله‌های شیمیایی کرد که عمدتاً توسط توپخانه یا خمپاره‌انداز پرتاب می‌شدند.

مقطع دوم (مرداد ۱۳۶۱ تا پایان سال ۱۳۶۵)

ارتش عراق طی سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ در جبهه‌های غرب و میانی به صورت محدود از سلاح‌های شیمیایی استفاده نمود، اما وسیع‌ترین حملات شیمیایی را در سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ بر علیه رزمندگان و مردم غیر نظامی بکار برد. عراق در عملیات خیبر (اسفند ۶۲ در جزایر مجنون)، عملیات بدر (اسفند ۶۳ در جزایر مجنون)، عملیات والفجر ۸ (بهمن ۶۴ تا فروردین ۶۵ در فاو) کربلای ۴ و ۵ و ۸ (دی ماه ۶۵ تا فروردین ۶۶ در شرق بصره و شلمچه) از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.

در این مقطع که عملیات‌های نفوذی ایران با هدف تنبیه متجاوز آغاز شده بود، ارتش عراق با تاکتیک‌های نظامی دفاعی در زمین، از جنگ‌افزارهای شیمیایی در نقش سلاح تدافعی استفاده کرد تا به کمک آن، عملیات‌های تهاجمی متکی به انبوه نیروهای پیاده ایران را خنثی نماید. در طول سال‌های این مقطع، ارتش عراق بیش از ۲۳۰ بار مواضع نیروها، مراکز پشتیبانی و تدارکاتی و حتی شهرها و مناطق غیرنظامی ایران را هدف حملات شیمیایی قرار داد؛ که حدود ۴۴ هزار نفر تلفات اعم از کشته و مجروح را در پی داشت.

در عملیات رمضان، مرداد ماه ۱۳۶۱، برای نخستین بار سلاح شیمیایی نقش بازدارندگی به خود گرفت و نیروهای ایران را از دستیابی به اهداف عملیاتی بازداشت. این تجربه موفق عراق در استفاده از گازهای شیمیایی برای مقابله با پیشروی سریع و غافلگیرانه نیروهای پیاده ایران در داخل خاک آن کشور، باعث ایجاد رسته جنگ‌های شیمیایی در سازمان رزم ارتش عراق شد.

به دنبال عدم فتح در عملیات رمضان، ایران در ۹ مهرماه سال ۱۳۶۱، عملیات مسلم بن عقیل در سومار؛ در ۱۰ آبان ماه سال ۱۳۶۱، عملیات محرم در ارتفاعات مرزی حمیرین ایلام و در ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ عملیات بزرگ والفجر مقدماتی را در محور چزابه فکه اجرا کرد. عراق طی این شش ماه و در واکنش به این عملیات‌ها، حدود ده بار از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی استفاده کرد.

در زمستان سال ۱۳۶۱ (م ۱۹۸۲) عراق قراردادی برای خرید تجهیزات گوناگون با یک

شرکت سازنده وسایل فنی شیمیایی در آلمان فدرال به نام «دری رایخ» منعقد کرد و برای ساخت عوامل شیمیایی پیچیده و ترکیبی، میزان درخور توجهی از مواد شیمیایی را از منابع غربی، به ویژه ایالات متحده آمریکا، انگلستان و آلمان فدرال خریداری کرد.

با پایان سال ۱۳۶۱ عراق تجربه دفع چهار عملیات کوچک و بزرگ نیروهای ایران را با استفاده از گازهای شیمیایی داشت و با گسترش محدوده کاربرد و حجم عوامل شیمیایی، مدیریت و رسته جنگ‌های شیمیایی به طور رسمی به سازمان رزم ارتش آن کشور اضافه شد.

سال ۱۳۶۲، عراق ۴۵ بار از گازهای شیمیایی در جبهه‌های مختلف جنگ استفاده کرد که چهار برابر سال ۱۳۶۱ بود. تنوع مواد شیمیایی و گستره عملیاتی حملات شیمیایی عراقی‌ها افزایش یافت و حتی مناطق غیرنظامی را نیز شامل می‌شد. هدف اصلی عراق در این مقطع از جنگ، افزایش هزینه‌های جنگ بر ایرانی‌ها، فشار بر آن‌ها و وادار کردن به پذیرش پایان جنگ بدون دستیابی به برتری نظامی در صحنه جنگ بود.

در تاریخ ۵ و ۸ آبان ۱۳۶۲ شهر بانه و روستاهای اطراف آن مورد حمله قرار گرفت که نتیجه آن ۹ نفر شهید و ۵۰ نفر مجروح بود. ۱۶ آبان حوالی پنجوین توسط هواپیما بمباران شد که به شهادت ۱۷ تن و مجروح شدن ۶۰ تن انجامید.

سال ۶۳ میزان حملات شیمیایی نسبت به سال قبل کاهش نسبی (۳۴ مورد) و تنوع مواد مورد استفاده شده بیشتر شد. عموماً این حملات در منطقه عملیاتی جنوب مخصوصاً در جزایر مجنون انجام شد و هواپیماها نقش غالبی را در پرتاب بمب‌های شیمیایی ایفا کردند. سال ۶۳ در اثر حملات شیمیایی ۱۵۹۳ نفر از نیروهای خودی مجروح و ۲۳ نفر شهید شدند. حملات متعدد به جزیره شمالی مجنون در ۶۳/۱۲/۲۳ که به شهادت ۱۹ تن و مجروح شدن ۳۵ تن انجامید و همچنین حمله به اسکله شمالی شط‌علی از شدیدترین حملات بود.

سال ۱۳۶۴ به‌رغم اینکه تعداد موارد حمله شیمیایی گزارش شده ۲۷۳ مورد بود، ۱۰ نفر از نیروهای خودی مجروح و ۳۶ نفر شهید شدند که میزان مجروحین نسبت به سال قبل از آن تقریباً ۹ برابر شد.

با شروع عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰، عراق بار دیگر استفاده از سلاح شیمیایی را تشدید کرد و در بهمن و اسفند ماه مجموعاً ۱۷ مورد عملیات آفند شیمیایی علیه نیروهای ایران گزارش شده که عموماً در منطقه فاو، آبادان و خسروآباد بوده است. وسعت تهاجمات شیمیایی رژیم عراق در بهمن ۱۳۶۴ در تاریخ جنگ‌های شیمیایی جهان بی‌سابقه است. با آفند والفجر ۸ در ۲۱ بهمن ۱۳۶۴ که منجر به سقوط شهر بندری فاو شد، نیروهای عراقی به کاربرد مواد سمی شیمیایی انبوه که تا آن زمان نظیر آن با چنین ابعاد گسترده‌ای دیده نشده بود، اقدام کردند. از شروع عملیات آفندی والفجر ۸ تا اواسط اسفند ۱۳۶۴ بیش از ۷ هزار گلوله توپ و خمپاره حاوی مواد سمی علیه مواضع نیروهای ایرانی شلیک شد و در طول ۲۰ روز به طور مداوم هواپیماهای عراقی بیش از ۱۰۰۰ بمب شیمیایی در صحنه عملیات والفجر ۸ فرو ریختند.

بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، که در کلیه جنگ‌ها و بر اساس اصول اولیه انسانی و قوانین بین‌المللی باید از حملات نظامی مصون باشند، نیز از حملات شیمیایی عراق مصون نماندند. رژیم عراق نه تنها این مراکز را بارها مورد بمباران و موشک‌باران قرار می‌داد، بلکه پا را فراتر نهاده و برخی از این مراکز را هدف بمباران شیمیایی قرار داد. دو نمونه از بارزترین این جنایات عبارتند از:

بمباران شیمیایی بیمارستان صحرایی حضرت فاطمه علیها السلام در آبادان (ششم و هشتم اسفند ۱۳۶۴) و بمباران شیمیایی بیمارستان صحرایی ۵۲۸ سومار (دهم دی ماه ۱۳۶۵).

حملات شیمیایی عراق در سال ۱۳۶۵ با افزایش حملات ایران در این سال افزایش یافت به طوری که موارد بمباران تقریباً دو برابر سال قبل و به ۷۹ مورد رسید و میزان حملات انجام شده در زمستان، همزمان با انجام دو عملیات مهم کربلای چهار و پنج در شرق بصره از شدت بیشتری برخوردار بود. عموماً جغرافیای مناطق بمباران شده نشان می‌داد که مناطق مورد بمباران در این سال تابعی از مناطق عملیاتی ایران است، به طوری که در فروردین ماه همزمان با ادامه عملیات کربلای ۸ محور فاو عموماً مورد حمله قرار گرفت و در اردیبهشت و خرداد منطقه مهران و حاج‌آباد در جبهه‌های میانی، در شهریور ماه منطقه عملیاتی کربلای ۲ و محور عمومی حاج‌عمران و همچنین محورهای عملیاتی کربلای ۴ در جزیره مینو، خرمشهر و آبادان مورد حمله شیمیایی واقع شده

است. با توجه به عملیات ارتش (کربلای ۶) در محور سومار این منطقه نیز مورد بمباران قرار گرفت و در بهمن و اسفند نیز همزمان با کربلای پنج در شلمچه و شرق بصره عمدتاً این محور بمباران شیمیایی گردید.

مقطع سوم (ابتدای سال ۱۳۶۶ تا پایان جنگ)

مقطع سوم جنگ شیمیایی بین عراق و ایران از آغاز سال ۱۳۶۶ شروع شد و تا پایان جنگ و پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و حتی پس از آن تا تابستان سال ۱۳۶۷ ادامه یافت. در این مقطع حملات شیمیایی عراق بی‌وقفه ادامه یافت و در بیش‌تر موارد توأم با بمب‌باران‌ها و گلوله‌باران‌های انفجاری بود تا تأثیرات و صدمات سلاح‌های شیمیایی را چند برابر کند. در سال‌های پایانی جنگ حکومت عراق علاوه بر حملات شیمیایی به شهرها و روستاهای نزدیک مرز، با راه‌اندازی عملیات روانی به قصد تشدید فشار بر مسئولان کشور، شهرهای بزرگ و مراکز استان‌های ایران را تهدید به بمب‌باران و موشک‌باران شیمیایی کرد؛ تهدیدی که اجرای آن دور از انتظار نبود و در پذیرش قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ از جانب ایران مؤثر بود.

روستاهای اطراف شهر بانه (فروردین ۶۶)، بمباران شهر سردشت (تیر ماه ۱۳۶۶)، عملیات والفجر ۱۰ (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷ در کردستان عراق - حلبچه)، شهر حلبچه (اسفند ۶۶)، روستاهای اطراف مریوان (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷)، شهر نودشه (فروردین ۶۷)، روستاهای اطراف سرپل ذهاب (مرداد ۶۷)، شهر اشنویه (مرداد ۶۷) و تک‌های متعدد ارتش عراق از فروردین ۶۷ تا پایان جنگ (مرداد ۶۷) در جبهه‌های مختلف، هدف حملات شیمیایی عراق واقع شدند.

با ادامه جنگ در مقطع پایانی، ارتش عراق که دیگر به تسلیحات شیمیایی مجهز و توان کافی برای استفاده متنوع از این مواد شیمیایی را بدست آورده بود پس از برطرف کردن ضعف‌های تاکتیکی خود در زمینه کاربرد گازهای شیمیایی و دستیابی به عوامل شیمیایی مضاعف توانست از آن‌ها به‌منزله یک سلاح تهاجمی برای بازپس‌گیری مناطق تحت کنترل نیروهای ایران استفاده کند.

ارتش عراق موفق شد از این سلاح‌ها به‌عنوان بخشی از عملیات‌های هماهنگ شده خود در

بهار سال ۱۳۶۷ علیه نیروهای ایران در فاو، شلمچه و جبهه‌های غرب و شمال استفاده نماید و عملاً نیروهای ایرانی را به عقب‌نشینی از مواضع تصرف شده مجبور کند.

فروردین سال ۱۳۶۶ به دنبال عملیات‌های پی در پی، قوای جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های غرب و جنوب، بار دیگر عراق سلاح‌های شیمیایی را در مقیاس وسیع به خدمت گرفت. در فروردین این سال ۸ مورد بمباران شیمیایی توسط عراق گزارش شد که ۶ مورد آن در منطقه عملیاتی کربلای ۸ در شرق بصره بوده است. انجام این عملیات در محدوده استراتژیک شرق بصره بود که عکس‌العمل شدید عراق را به دنبال داشت و به بمباران‌های گسترده شیمیایی منجر شد؛ به‌طوری‌که عراق بین تاریخ‌های ۱۸ تا ۲۱ فروردین اقدام به ۶ مورد بمباران گسترده شیمیایی منطقه با هواپیما و خمپاره‌انداز نمود که در مجموع به شهادت ۲۱ تن و مجروح شدن بیش از ۱۳۴ تن از نیروهای ایران منجر شد. یکی از دلایل کاهش صدمات نیروهای ایران در این عملیات، افزایش کیفی و کمی تجهیزات پدافندی ایران بود.

به دنبال این عملیات و با تغییر تاکتیک نظامی ایران مبنی بر تغییر منطقه عملیاتی از جنوب به شمال و ادامه عملیات در مناطق شمال غرب و کردستان عراق، بعد از این تاریخ شاهد بمباران گسترده شیمیایی این مناطق توسط عراق هستیم به‌طوری‌که تا مهرماه ۶۶ مجموعاً ۱۱ مورد بمباران شیمیایی در روستاهای کردنشین استان سلیمانیه و اربیل عراق، منطقه عملیاتی کربلای ۱۰ (ماؤوت)، روستای بوالحسن و سرول و جومه، بانه، روستای قره باغ در شمال عراق، روستای کله وش در حومه سردشت، مناطق عملیاتی نصر ۴ (ارتفاعات ماؤوت)، فتح ۷ (حلبچه) انجام شده که این حملات عمدتاً با هواپیما صورت گرفت.

بررسی میزان کاربرد سلاح‌های شیمیایی حزب بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران

نمونه‌ای از عملیات‌هایی که نیروهای عراقی از بمب‌های شیمیایی علیه مردم و رزمندگان ایرانی استفاده کرده‌اند:

ردیف	نام عملیات	تاریخ	عوامل مورد استفاده	نتایج
۱	پس از والفجر ۲ (تیر تا مرداد ۶۲) و والفجر ۳ (مرداد ۶۲) - مناطق حاج عمران، شیوه رش، تمرچین، رودخانه دویرج و مناطق اطراف	۶۲/۵/۱۷	گاز خردل ، گازهای تهوع آور و تاول‌زا	بیش از ۲۰۰ مصدوم و ۲ نفر شهید
۲	دوازده بار حمله با توپ، خمپاره و هواپیما عمدتاً در غرب کشور از جمله مناطق نظامی و غیر نظامی پیرانشهر، بازی دراز، مریوان، بانه، پنجوبین و پاوه	از تاریخ ۱۳۶۲/۵/۱۹ تا ۱۳۶۲/۹/۴	گاز خردل	مصدوم شدن جمعی از رزمندگان و مردم غیرنظامی
۳	والفجر ۴ - منطقه عمومی سلیمانیه و محور پنجوبین	مهر و آبان ۶۲	گاز خردل و اعصاب	شهادت ۲۰ نفر و سیصد نفر مصدوم
۴	والفجر ۶ - مناطق العزیر و شط علی	۳ تا ۵ اسفند ۶۲	گاز خردل	مصدومیت شدید ششصد تا هفتصد نفر
۵	والفجر ۸ (فتح فاو)	۶۴/۱۱/۲۰ تا ۶۴/۱۲/۱۰	گاز تاول‌زا از جمله خردل‌های سولفور و مستارد و نیتروژنه+گاز اعصاب تابون و سارین+سیانید+عامل خفه‌کننده فسژن+تاتوان-کننده+عامل اعصاب VX+ترکیبات عامل‌ها	شهادت ۱۰۰۰ نفر و مصدومیت ۱۲ هزار نفر
۶	عملیات خیبر	اسفند ۶۲ تا ۶۳/۱/۱۶	گاز خردل +گاز اعصاب +گاز خفه‌کننده فسژن+تابون	شهادت ۷۰ نفر و مصدومیت ۳۵۰۰ نفر
۷	عملیات بدر	۶۳/۱۲/۱۹ تا ۶۳/۱۲/۲۹	گاز خردل (ناچیز)+گاز اعصاب+سیانور+عامل خارش‌زا	۲۰ تا ۳۰ نفر شهید و ۱۵۰۰ نفر مصدوم
۸	کرپلای ۸	۶۶/۱/۱۸ تا ۶۶/۱/۲۱	تاول‌زا(خردل سولفور)+عامل اعصاب تابون و	-

			سارین+سیانور+خفه کننده	
۹	بمباران شهر سردشت	۶۶/۴/۷	سیانور، خردل و اعصاب	شهادت ۱۳۰ نفر - مصدومیت و مسمومیت بیش از ۸ هزار نفر
۱۰	در عملیات والفجر ۱۰ - بمباران شهر حلبچه	۶۶/۱۲/۲۶	خردل، اعصاب(تابون، سارین یا سومان) سیانوژن، لویزیت	۵ هزار شهید و ۷ هزار نفر مجروح شیمیایی
۱۱	بمباران شیمیایی شهر نودشه کرمانشاه	۶۶/۱۲/۲۶ و ۶۷/۱/۱۱ و ۶۷/۱/۱۳	خردل و اعصاب	بیش از ۱۲۰ نفر شهید و مجروح
۱۲	نبرد دوم فاو	۶۷/۱/۲۸	گاز اعصاب، سیانید در خطوط مقدم و گاز خردل در پشت جبهه	سقوط شهر فاو - بیش از ۶ هزار شهید و مصدوم
۱۳	مقاومت رزمندگان در پدخندق جزایر مجنون	۶۷/۴/۴	-	سقوط جزایر مجنون
۱۴	هشت نقطه در منطقه غرب اشنویه	۶۷/۵/۱۱	گاز خردل	بیش از ۲ هزار و ۶۲۰ تن از مردم غیرنظامی منطقه مصدوم

حمله شیمیایی رژیم بعث به سردشت

حمله شیمیایی رژیم بعث به شهر سردشت، نخستین مورد حمله شیمیایی به یکی از شهرهای ایران بود. ساعت ۱۶:۳۰ روز یکشنبه هفتم تیر ماه سال ۱۳۶۶، حمله هوایی ارتش بعث به شهر سردشت آغاز شد. هواپیماهای جنگی ارتش عراق، ۷ بمب شیمیایی خردل در نقاط مختلف شهر انداختند که دو بمب در بازار شهر و دو بمب در دیگر به مناطق مسکونی اصابت کردند. سه بمب دیگر نیز در باغ‌های مجاور شهر فرود آمد.

طبق آمارها از شهر دوازده هزار نفری آنروز سردشت، ۸۰۲۵ نفر مصدوم شدند که حدود ۴۵۰۰ نفر از آنان نیاز به درمان فوری داشتند و ۱۵۰۰ نفر مجروح نیاز به بستری با ابزار ویژه پزشکی در بیمارستان‌ها.

آمار شهدای حمله به شهر سردشت ۱۳۰ نفر بود که بیست نفر از آن‌ها در همان دقایق و

ساعات نخستین پس از بمباران شهید شدند. ده نفر در حین انتقال از سردشت و ۱۰۰ نفر طی مدت یک ماه پس از حادثه به تدریج در بخش‌های مراقبت ویژه بیمارستان‌های مختلف کشور به شهادت رسیدند. با گذشت چندین سال، هنوز صدها مجروح و بازمانده آن حملات شیمیایی از بیماری‌های مختلف رنج می‌برند.

گزارشات متعددی به انضمام تصاویر دلخراش قربانیان این فاجعه جنگی به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد، اما سازمان ملل اقدامی جدی به عمل نیاورد.

حمله شیمیایی عراق به سردشت، ۹ ماه پس از آن صورت گرفت که واشنگتن، حتی تلاش اکثریت اعضای شورای امنیت را برای صدور یک بیانیه (و نه قطعنامه) در محکومیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق، وتو کرده بود. نتیجه این بی‌تفاوتی نسبت به استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، بمباران شیمیایی شهر حلبچه و کشته شدن بیش از ۵ هزار انسان را به همراه داشت که پر تلفات‌ترین بمباران شیمیایی یک شهر در تاریخ جهان به شمار می‌آید.

بمباران شیمیایی شهر حلبچه

با آغاز عملیات والفجر ۱۰ توسط ایران در محور حلبچه-سلیمانیه، ایران علاوه بر اهداف سیاسی، سه هدف عمده نظامی هم مدنظر داشت: آزادسازی حلبچه، خرمال، دوحیله، بیاره و طویله از دست نیروهای عراقی، فراهم‌سازی مقدمات تصرف سد دربندیخان و انسداد عقبه اصلی نیروهای عراقی در استان سلیمانیه.

سرعت عمل ایرانی‌ها در اجرای عملیات، دسترسی سریع یگان‌ها به اهداف، غافل‌گیری دشمن و عقب ماندن از اهدافش سبب شد منطقه‌ای به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع (دشت‌زور) شامل ۳ شهر و بالغ بر ۷۰ روستا ابتدا محاصره و سپس تصرف شود. پیش از تصرف حلبچه، نیروهای ایران در حال پیشروی به سمت سد «دربندیخان» و نیروگاه «دوکان» بودند؛ تأسیساتی که آب و برق بغداد، عمدتاً از آن تأمین می‌شد.

ارتش عراق با استفاده از سلاح‌های شیمیایی مانع پیشروی نیروهای ایران به سمت این

۱- عملیات والفجر ۱۰ در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۴ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۹ انجام شد.

تأسیسات شد و در واکنش به استقبال مردم گُرد منطقه از رزمندگان ایرانی و جبران آنچه در این منطقه از دست داد، شهرها و برخی روستاهای این منطقه را در ابعاد وسیعی بمباران شیمیایی کرد.

در پی محاصره کامل منطقه دشت زور و ناامیدی دشمن از خروج نیروهایش از این منطقه، از حدود ساعت ۱۱ صبح روز ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ هواپیماهای عراقی شهر حلبچه و روستاهای اطراف آن را در ابعاد وسیعی گلوله باران کردند که منجر به شهادت و مصدومیت بسیاری از مردم منطقه و رزمندگان گردید.

حمله شیمیایی عراق به شهر حلبچه در حالی صورت گرفت که اوضاع این شهر و رفت و آمد مردم کاملاً عادی بود. مردم شهر دجیله در حال ورود به شهر حلبچه و رزمندگان مشغول بازرسی مراکز دولتی بودند.

بمباران جاده‌ها و سپس شهرهای خرمال، حلبچه و دجیله (سیروان) و روستاهای اطراف بدون وقفه تا حدود ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه یافت و از ساعت ۳ به بعد این مناطق را به وسیله بمب‌های شیمیایی بمباران شد.

پس از بمباران حلبچه، شورای امنیت به مدت ۷ هفته موضعی در مقابل این حمله نگرفت. حتی پس از آن هم، از مقصر دانستن حکومت بعث خودداری کرد و در عوض، به محکوم کردن ادامه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناقشه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق پرداخت. شورای امنیت، در ادامه از «هر دو طرف» خواست از «استفاده بیشتر از سلاح‌های شیمیایی خودداری کنند».

خبرگزاری فرانسه دو هفته پس از این فاجعه، روز ۱۳۶۷/۱/۱۲ اعلام کرد: «حلبچه شهری از کردستان عراق که به تصرف ایران درآمده و طی روزهای ۲۷ و ۲۸ اسفند ماه توسط عراق بمباران شیمیایی شده منجمد است و ساکنان آن در خوابی عمیق فرو رفته‌اند».

نیویورک تایمز آمریکا در ۱۳۶۷/۱/۱۶ نوشت: «این عمل از هر جهت و به هر مفهوم یک جنایت جنگی است که با انکارهای سست و رسمی عراق و عذر و بهانه‌های غیررسمی در مورد استفاده از یک سلاح ناجوانمردانه، درآمیخته است».

اقدامات سیاسی-تبلیغی ایران

اقدامات در سطح داخلی

با تشکیل نظام جمهوری اسلامی و مشکلات بسیار موجود، جنگی بزرگ از جانب دشمنی مجهز و موردحمایت ابرقدرت‌ها بر آن تحمیل شد. مردم ایران با فقر، تحریم، بیکاری، نبود زیرساخت‌های آموزشی، رفاهی و... دست و پنجه نرم می‌کردند که حمله به مرزهای کشور همراه با بمباران شهرها و روستاها نیز اضافه شد. مردم ایران محکم و با تمام توان از جبهه‌ها حمایت کردند و این مقاومت مردمی، شوق حضور در جبهه‌ها و امید به آینده جنگ باعث شکست نقشه-های دشمن می‌شد. حزب بعث که در رسیدن به اهداف اولیه خود ناکام مانده و با اعزام بسیجیان و نیروهای سپاه پاسداران در عملیات‌های جنگی شکست‌های متوالی را متحمل شده بود، را به استفاده از سلاح شیمیایی در عملیات‌های نظامی به‌عنوان عامل بازدارنده در مقابل ایرانیان روی آورد. با ادامه روند ناکامی حزب بعث در میدان رزم، شهرها و روستاهای ایران را بمباران شیمیایی کرده و در چند مقطع از جنگ با این حملات شیمیایی سعی در ایجاد رعب و وحشت عمومی و تلاش برای ناامن سازی شهرها و نهایتاً فشار بر دولت مرکزی ایران داشت.

جمهوری اسلامی که همزمان با جنگ درگیر اقدامات خرابکارانه منافقین، تفرقه اندازی‌های دشمن در بین اقوام مختلف، تشکیل ساختار منظم و ثابت سیاسی کشور، رفع محرومیت و سازندگی در مناطق کمتر برخوردار و... بود، گاه‌آخبار حملات شیمیایی عراق را به دلیل نگرانی از ایجاد ترس و وحشت عمومی در میان مردم رسانه‌ای نمی‌کرد. این سکوت خبری داخلی همراه با سکوت و بی‌توجهی قدرت‌های جهانی جهت برجسته کردن تخلفات جنگی عراق باعث استفاده بیشتر عراق از این سلاح‌های مخرب می‌شد. به‌عنوان مثال سکوت خبری حمله شیمیایی به شهر سردشت باعث شد تا در منابع موجود جنگ ایران و عراق، اشارات مختصری به این حمله شیمیایی شود.

ایران که تمام پروتکل‌های منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی را پذیرفته و پایبند به آن‌ها مانده بود، با توجه به حمایت‌های قوی که در عرصه بین‌المللی از حکومت عراق می‌شد، امید زیادی به نهادهای بین‌المللی و بخصوص سازمان ملل نداشت؛ لذا بیشتر به اقدامات تبلیغی رو کرده

و با استفاده از ظرفیت رسانه‌های داخلی و خارجی بخصوص نشریه‌ها و روزنامه‌ها و پوشش خبری حملات شیمیایی در عملیات‌ها و مصاحبه با مصدومان این حملات، سعی در روشنگری و تأثیرگذاری بر افکار عمومی در کشورهای مختلف و نهایتاً مطالبه‌گری عمومی مردمی داشت. علاوه بر انتشار متوالی اخبار روزانه مصدومان، از پزشکان و خبرنگارانی که به بهانه‌های مختلف در ایران حضور می‌یافتند، دعوت می‌شد تا مجروحان شیمیایی را مشاهده نمایند و بتوانند در زمان برگشت از ایران، نقش روشنگری این فجایع عراق را داشته باشند. به عنوان مثال روزنامه گاردین در مقاله‌ای به تاریخ ۵ آذر سال ۱۳۶۲، به نقل از سه پزشک انگلیسی، که برای شرکت در کنفرانس جهانی پزشکی به تهران سفر کرده و مقامات بنیاد شهید آن‌ها را بر بالین مجروحان شیمیایی بستری در بیمارستان‌های تهران حاضر کرده بودند، نوشت:

«شواهدی را که دولت ایران برای اثبات ادعای خود ارائه داده، آن‌ها را متقاعد کرده که عراق برای مقابله با حمله اخیر نیروهای ایران سلاح‌های شیمیایی و گازهای سمی را علیه نیروهای ایران به کار گرفته است.»

در پی حمله شیمیایی وسیع عراق در عملیات خیبر در اسفند ماه ۱۳۶۲، ششصد تا هفتصد نفر از نیروهای ایران جمعی گردان شهید کامیاب از تیپ ۱۲۹ نجف اشرف از سپاه چهارم قدس (نیروهای طرح لیبک یا خمینی)، در منطقه شط‌علی از ناحیه صورت، به‌ویژه چشم‌ها به‌شدت مجروح شدند، جمهوری اسلامی ایران تهدید کرد اگر سازمان ملل موضع قاطعی در قبال استفاده از سلاح‌های شیمیایی اتخاذ نکند، این کشور برای دفاع از خود، مقابله به مثل خواهد کرد.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه‌های نماز جمعه تهران در ۳ اسفند ماه سال ۱۳۶۲، خطاب به سازمان ملل هشدار داد اگر عراق به استفاده از سلاح‌های شیمیایی ادامه دهد، ممکن است ایران به استفاده از این سلاح‌ها مجبور شود. وی گفت: «ما در حال حاضر، به عدم استفاده از تسلیحات شیمیایی متعهدیم، اما نمی‌دانم این تعهد تا چه مدت پایدار بماند... در صورت عدم اتخاذ یک موضع قاطع از سوی سازمان ملل، این سازمان مرتکب جنایتی علیه بشریت می‌شود که حتی آب زمزم نیز نمی‌تواند آن را پاک کند.»

در پی استفاده عراق از سلاح شیمیایی در عملیات خیبر دکتر علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور

خارجه وقت ایران، در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل از وی خواست تا برای بررسی مسئله استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، گروه کارشناسی را به ایران اعزام نماید.

مسئولان جمهوری اسلامی ایران با این که برای متوقف کردن این حملات امیدی به شورای امنیت و اعضای دائمی حاکم بر این شورا نداشتند، حداقل برای ثبت این فجایع در تاریخ و رساندن آن به گوش جهانیان، به اقدامات متعددی دست زدند که از جمله آن‌ها، ارسال گزارش حملات عراق برای دبیر کل سازمان ملل و درخواست اعزام کارشناس برای بررسی آثار این جنایات بود.

در این نامه، تأکید شده بود که طی چهار سال جنگ، حدود هفت هزار نفر از نیروهای ایرانی در اثر به کارگیری سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق کشته یا مجروح شده‌اند. این درخواست ایران با پذیرش دبیر کل همراه بود؛ بنابراین، تصمیم گرفته شد از ۲۲ تا ۲۹ اسفند ماه سال ۱۳۶۲، (۱۳ تا ۱۹ مارس ۱۹۸۴)، یک هیئت کارشناسی به ایران اعزام شود.

اقدامات در سطح بین‌المللی

به دنبال تشدید حملات شیمیایی عراق علیه مناطق نظامی و غیر نظامی، ایران برای نخستین بار در ۶ آبان ماه سال ۱۳۶۲ (۲۸ اکتبر ۱۹۸۳) طی نامه‌ای رسمی خطاب به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که عراق در جنگ علیه نیروهای ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است، لذا تقاضای اعزام گروه کارشناسی جهت بررسی موضوع را داشت.

شش روز بعد با تداوم حملات شیمیایی عراق، جمهوری اسلامی ایران این تقاضا را تکرار کرد، اما درخواست‌های مکرر ایران در سازمان ملل با بی‌اعتنایی روبه‌رو شد و دبیر کل در مقابل تقاضای ایران سکوت اختیار کرد.

دولت عراق وقتی با اقدام بی‌سابقه ایران در توسل به دبیر کل برای جلوگیری از گسترش کاربرد سلاح‌های شیمیایی روبه‌رو شد، حملات شیمیایی خود را کاهش داد. از سوی دیگر، برای تحت‌الشعاع قرار دادن اقدام سیاسی ایران، طی نامه‌ای به دبیر کل، ادعا کرد که ایران علیه نیروهای عراقی از سلاح شیمیایی استفاده کرده است و اعزام گروه کارشناسی به آن کشور را خواستار شد.

با وجود این، زمانی که دولت عراق متوجه شد برای درخواست‌های ایران در مجامع بین‌المللی گوش شنوایی وجود ندارد، محدودیت بکارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی را کنار گذاشت و با آغاز نخستین زمزمه‌های شروع عملیات بزرگ دیگری از سوی نیروهای ایران، در اوایل اسفند ماه سال ۱۳۶۲، تهدید کرد: «در صورت نیاز، از سلاح‌های جدیدی استفاده خواهد کرد که برای ایرانیان ناشناخته است».

از آذر ماه سال ۱۳۶۲ که جمهوری اسلامی ایران برای نخستین بار طی نامه‌ای از دبیرکل برای جلوگیری از تکرار استفاده عراق از گازهای شیمیایی استمداد طلبید، تعدادی از روزنامه‌ها و نشریات تخصصی جهان نسبت به موضوع حساس شده و به درج مقالاتی در این باره اقدام کردند.

ایران به دلیل نادیده گرفتن تجاوز عراق از سوی شورای امنیت سازمان ملل، با این سازمان چندان ارتباط نداشت و از مکاتبه با آن خودداری می‌کرد و عمده قوای سیاسی و تبلیغاتی خود را متوجه افکار عمومی جهان و معدود دولت‌های هم‌پیمان خود می‌کرد. درحالی که طرف عراقی به شدت در سطح مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای فعال بود و با برخورداری از حمایت گسترده قدرت‌های بزرگ، از ابزارها و فرصت‌های سیاسی و دیپلماتیک به نفع خود استفاده می‌کرد.

در چنین شرایطی بود که عراق برای خنثی کردن اقدامات سیاسی-تبلیغی ایران در مورد کاربرد سلاح‌های شیمیایی وارد عمل شد و ریاض‌القیسی، نماینده دائمی عراق در سازمان ملل، اتهامات ایران را مبنی بر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ با این کشور به شدت نفی و اتهامات مزبور را اکاذیب و قلب حقایق توصیف کرد.

هم‌زمان با تهدیدهای مسئولان ایرانی و ارسال نامه‌های متوالی، ایران به ابتکار دیگری دست زد و با جلب موافقت برخی از کشورهای اروپایی از جمله بلژیک، هلند، سوئیس، سوئد، انگلستان، فرانسه و اتریش، تعدادی از مجروحان شیمیایی را برای مداوا به این کشورها اعزام کرد. نخستین گروه از این مجروحان در روز ۳ اسفند ماه به آمستردام وارد شد و پنج تن از آنان در بیمارستان عمومی شهر فنت، پنج نفر دیگر در بیمارستان دانشگاه انزشت و پنج نفر پس از اعزام به لندن به یک مرکز درمانی انتقال یافتند.

این اقدام ایران از نظر سیاسی و تبلیغی بسیار مؤثر واقع شد و جهانیان در مقابل واقعیت‌های انکارناپذیر جنگ و استفاده از سلاح‌های شیمیایی قرار گرفتند. بدین ترتیب، موضوع اعزام مجروحان شیمیایی ایرانی به کشورهای اروپایی در صدر اخبار رسانه‌های گروهی جهان قرار گرفت و صدها گزارشگر و خبرنگار به سوی بیمارستان‌ها سرازیر شدند تا آخرین خبرها را به گوش شنوندگان و خوانندگان خود برسانند. به دنبال این اقدامات، به تدریج، زمزمه‌هایی مبنی بر محکومیت کاربرد جنگ‌افزارهای شیمیایی در گوشه و کنار جهان برخاست.

بر اساس آمار موجود، در سال ۶۲ حدود ۵۸ نفر، در سال ۶۳ تعداد ۳ نفر، در سال ۶۵ تعداد ۶ نفر، در سال ۶۶ تعداد ۲۴ نفر و در سال ۱۳۶۷ تعداد ۵۳ نفر از مجروحین شیمیایی که شدت جراحات آنان بیشتر بود، به کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان، اتریش، هلند، سوئد، سوئیس، بلژیک، ژاپن، اسپانیا و آمریکا اعزام و تحت مراقبت‌های ویژه قرار گرفتند.

اقدامات سیاسی تبلیغی جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی و مکاتبات آن با دبیر کل سازمان ملل در کنار انتشار اخبار روزانه مربوط به اظهارنظر پزشکان و متخصصان بیمارستان‌های کشورهای اروپایی که مصدومان سلاح‌های شیمیایی در آن‌ها بستری بودند، مبنی بر وجود شواهد انکارناپذیری از عناصر شیمیایی گاز خردل، بوتان، فسفر و... در خون و ادرار مصدومان تحت معالجه، بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و رسانه‌های گروهی جهان داشت.

فشارها به حدی زیاد بود که بسیاری از کشورهای حامی عراق از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان فدرال و... با انتشار اطلاعیه‌هایی استعمال گازهای شیمیایی را علیه نیروهای جمهوری اسلامی ایران تأیید و محکوم کردند.

بدین ترتیب، مسئله کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق در جنگ علیه ایران، ابعاد بین‌المللی به خود گرفت و سازمان‌های بین‌المللی، مانند صلیب سرخ جهانی، که حافظ کنوانسیون ژنو درباره قوانین جنگی است، وارد صحنه شده و به‌طور غیرمستقیم، عراق را به استفاده از تسلیحات سمی در جنگ با ایران متهم کردند. طبق اعلام این سازمان «استفاده از مواد سمی در جبهه جنگ با احترام به اصول انسانیت منافات دارد و نقض قوانین و عرف جنگ است.» اما هیچ‌یک از این اقدامات مانع از تداوم توسل عراق به گازهای شیمیایی نشد.

عراقی‌ها علی‌رغم وجود فشار سنگین بین‌المللی، برای بازپس‌گیری جزایر مجنون به کاربرد سلاح-های شیمیایی در روزهای پایانی سال ۱۳۶۲ ادامه دادند و کوشیدند به هر نحو ممکن، از ادامه عملیات خیر جلوگیری کنند. آن‌ها در روزهای ۱۰ و ۱۱ اسفند ماه منطقه طلایه را هدف حملات شیمیایی قرار دادند و در روزهای ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۳ و ۳۰ اسفند ماه، هم‌زمان با حضور کارشناسان سازمان ملل در منطقه، شدیدترین حملات شیمیایی را متوجه جزایر مجنون کردند که بر اساس آمار غیررسمی، حدود ۲۵۰۰ تن از نیروهای ایران در این حملات مصدوم شدند.

تنها در حمله ۱۹ اسفند ماه، ۵۴۳ تن از نیروهای رزمنده در نتیجه استنشاق ترکیبات گاز خردل و تاول‌زا مجروح شدند و در ۳۰ ام همین ماه، ۳۷۰ تن از این نیروها تحت تأثیر گاز اعصاب (تابون) قرار گرفته و به شدت مصدوم شدند.

عراقی‌ها در روزهای ۲۳، ۲۴ و ۲۷ اسفند ماه، افزون بر حمله شیمیایی به منطقه عملیاتی خیر، مناطق البیضه، حسینه و جفیر را نیز هدف حملات شیمیایی قرار دادند که در البیضه ۱۵۳ نفر و در حسینه، ۵۰ نفر مصدوم شدند.

پس از عملیات خیر - که سوم اسفند ۱۳۶۲ آغاز شد - سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد عراق در جنگ از گاز سمی استفاده کرده است. در پی آن نیز آمریکایی‌ها در مارس ۱۹۸۴م (اسفند ۶۲) به کارگیری سلاح شیمیایی را محکوم کردند.

واکنش آمریکا در برابر عراق در حالی صورت می‌گرفت که آمریکا به دلیل نگرانی از شکست عراق در جنگ و شکست آمریکا در خاورمیانه، به دنبال برقراری ارتباط با عراق بود. به همین دلیل جان‌اتان هوو، از اداره سیاسی-نظامی وزارتخانه در نامه‌ای مورخ ۱ نوامبر ۱۹۸۳ خطاب به جرج شولتز نوشت: «عراق به صورت روزمره از سلاح شیمیایی استفاده می‌کند و برای حفظ اعتبار سیاستمان در خصوص سلاح‌های شیمیایی باید به این مسئله اشاره کنیم. ولی برای کاخ سفید اهمیت صدام در مقابله با ایران بیش از این‌ها بود.» لذا در فرمان ریاست جمهوری شماره ۱۱۴ مورخ ۲۶ نوامبر همان سال به امضاء ریگان، اشاره‌ای به این مسئله نشد. در نتیجه پس از واکنش آمریکا در محکوم کردن استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، بلافاصله رامسفلد در سفر دوم خود به عراق در فروردین سال ۶۳ مایل بود به صدام توضیح بدهد که این موضع‌گیری ارتباطی با تلاش

برای گسترش مناسبات دو کشور ندارد. آرمیتاژ بعدها در همین زمینه می‌گوید: «انگیزه اصلی واشنگتن به برقراری رابطه با عراق و نگرانی از پیروزی ایران در جنگ با عراق سبب گردید دولت آمریکا واکنش درخور توجهی نشان ندهد.»

واکنش‌های سازمان ملل و شورای امنیت

با ادامه جنگ و افزایش استفاده حکومت عراق از سلاح‌های شیمیایی، به درخواست رسمی جمهوری اسلامی ایران اولین گروه حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد متشکل از چهار کارشناس برجسته سلاح‌های شیمیایی در اسفند ماه ۱۳۶۲ (مارس ۱۹۸۴ م) به دستور دبیر کل سازمان ملل به ایران اعزام شدند.

این هیئت ضمن معاینه مصدومین و نمونه‌برداری از مناطق آلوده و مشاهده بمب‌های شیمیایی منفجر نشده، گزارش خود را به سازمان ملل اعلام و گزارش آن روز ۲۶ مارس ۱۹۸۴ م تسلیم شورای امنیت شد. در این گزارش کاربرد گاز خردل و عامل اعصاب (تابون) علیه رزمندگان ایرانی مورد تأیید قرار گرفت.

در پی این گزارش، شورای امنیت روز ۳۰ مارس ۱۹۸۴ م با صدور بیانیه‌ای بدون ذکر نام عراق به‌عنوان بکار برنده سلاح شیمیایی، طرفین جنگ را به پابندی به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو دعوت نمود. این بیانیه اولین واکنش شورای امنیت سازمان ملل به موضوع استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ ایران و عراق بود.

صدور بیانیه که برخلاف قطعنامه الزام‌آور نبوده و فاقد ضمانت اجرایی است، آن هم بدون ذکر نام کشور خاطی و با محافظه‌کاری، هیچ تأثیری بر ادامه روند جنایات جنگی رژیم عراق نداشت و در ماه‌های بعد ارتش عراق در مقیاس وسیع‌تری از انواع سلاح‌های شیمیایی استفاده نمود و رزمندگان ایرانی در عملیات‌های بدر (اسفند ۶۳)، والفجر ۸ (بهمن ۶۴) و آغاز سال ۱۳۶۵ قربانی این حملات شیمیایی شدند.

ادامه این روند باعث درخواست مجدد جمهوری اسلامی ایران برای اعزام کارشناسان سازمان ملل و معاینه مصدومین شیمیایی ایران که در بیمارستان‌های اروپایی بستری بودند، شد. این

بار نیز گزارش کارشناسی که در آن کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران تأیید شد بود، در آوریل ۱۹۸۵م توسط دبیر کل سازمان ملل به شورای امنیت تسلیم شد.

پس از عملیات والفجر ۸ در بهمن ۱۳۶۴ و استفاده مکرر عراق از سلاح‌های شیمیایی، در اسفند ماه ۱۳۶۴ (مارس ۱۹۸۶) سومین گروه کارشناسی سازمان ملل به ایران اعزام شد. هیئت اعزامی پس از مصاحبه با مصدومین شیمیایی بیمارستان‌های اهواز و تهران و تعدادی از اسرای عراقی، گزارشی مبنی بر تأیید کاربرد عراق از گازهای خردل و اعصاب علیه رزمندگان ایران، به سازمان ملل و سپس شورای امنیت ارائه نمودند.

در پی انتشار این گزارش و انعکاس تصاویر مصدومین شیمیایی ایران در بیمارستان‌های اروپایی، تحت تأثیر افکار عمومی جهان شورای امنیت در بیانیه ۲۱ مارس ۱۹۸۶ برای اولین بار از عراق به عنوان بکار برنده سلاح شیمیایی علیه ایران نام برد اما همچنان از صدور قطعنامه و اقدام عملی علیه این جنایت جنگی امتناع ورزید.

در عملیات کربلای ۸ (شرق بصره)، در فروردین ۱۳۶۶ عراق از گازهای کشنده اعصاب و سارین استفاده کرده است. با موشک‌های کاتیوشا حاوی گاز اعصاب مرکز تصفیه آب خرمشهر را مورد حمله قرار داده و مناطق وسیعی از کردستان ایران و عراق را بمباران شیمیایی کرد. در پی استفاده مجدد عراق از این سلاح‌ها چهارمین گروه کارشناسی سازمان ملل در اردیبهشت ۱۳۶۶ به ایران سفر کرد. در گزارش کارشناسان اعزامی بر استفاده مکرر ارتش عراق تأکید و خطر استفاده بیشتر از این سلاح‌های مخرب بر علیه مردم غیر نظامی بخصوص زنان و کودکان را گوشزد کردند؛ اما شورای امنیت علیرغم مشاهده نقض مکرر پروتکل ۱۹۲۵ ژنو توسط ارتش عراق باز هیچ اقدام عملی برای متوقف ساختن جنایات عراق صورت نداد و طی بیانیه ۱۴ می ۱۹۸۷م (اردیبهشت ۱۳۶۶) از ادامه و تشدید کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق علیه ایران به‌ویژه غیرنظامیان ابراز نگرانی نمود.

با وجود صدور بیانیه‌های شورای امنیت در چند نوبت، به دلیل فقدان محکومیت جدی و اقدامات عملی از سوی شورای امنیت، رژیم عراق بدون هیچ گونه مانعی به حملات شیمیایی خود ادامه می‌داد و هیچ قطعنامه‌ای بر علیه آنان تصویب نمی‌شد.

پس از فاجعه بمباران شیمیایی شهر سردشت در تیر ماه ۱۳۶۶، چگونگی این حادثه، آمار شهدا و مصدومین آن طی گزارش‌های رسمی متعددی به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد اما علیرغم درخواست‌های مکرر ایران، هیچ هیئت کارشناسی برای بررسی این حادثه اعزام نشد.

پس از پایان جنگ، شورای امنیت در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۴ شهریور ماه ۱۳۶۷) در جلسه شماره ۲۸۲۵ طرح قطعنامه‌ای را که توسط آلمان فدرال، ایتالیا، ژاپن و انگلستان پیشنهاد شده بود تحت عنوان قطعنامه ۶۲۰ تصویب کرد و در آن برای اولین بار از ایران به عنوان قربانی سلاح‌های شیمیایی در جنگ نام برد.

متن این قطعنامه چنین است:

مصوبه شورای امنیت در جلسه ۲۸۲۵ مورخ ۲۶ آگوست ۱۹۸۸ (۴ شهریور ۱۳۶۷):

شورای امنیت، با یادآوری قطعنامه ۶۱۲ (۱۹۸۸) خود، با بررسی گزارش‌های ۲۰ و ۲۵ جولای و ۱۹ آگوست ۱۹۸۸ هیئت‌های اعزامی دبیر کل جهت بررسی ادعاهای استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناقشه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق، با ابراز تأسف عمیق از نتایج تحقیقات هیأت‌ها مبنی بر اینکه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناقشه ایران و عراق تداوم یافته و چنین استفاده‌ای علیه ایرانیان شدت و تکرار بیشتری پیدا کرده است، با ابراز نگرانی عمیق از خطر استفاده احتمالی از سلاح‌های شیمیایی در آینده، با در نظر گرفتن مذاکرات جاری در کنفرانس خلع سلاح راجع به ممنوعیت کامل و مؤثر توسعه، تولید و انبار کردن سلاح‌های شیمیایی و نیز نابودی آن‌ها، با عزم راسخ جهت شدت بخشیدن به تلاش‌های خود برای پایان دادن به هرگونه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حال حاضر و در آینده که در مغایرت با تعهدات بین‌المللی است:

۱. استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مناقشه ایران و عراق را که مغایر با تعهدات مطابق با پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی و دیگر گازها و مواد میکروبی در جنگ

مصوب ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ و قطعنامه‌ی ۶۱۲ شورای امنیت است، شدیداً محکوم می‌نماید.

۲. دبیر کل را تشویق می‌نماید که در پاسخ به ادعاهای ارائه شده به وی از سوی هر دولت عضو مبنی بر استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی یا سمی و نقض احتمالی پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و دیگر قوانین مربوط در حقوق بین‌المللی عمومی سریعاً تحقیقاتی به عمل آورد تا شواهد را بررسی و نتایج را گزارش نماید.

۳. از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که نظارت شدیدی بر صادرات محصولات شیمیایی که می‌تواند جهت تولید سلاح‌های شیمیایی به کار گرفته شود، اعمال نمایند. به‌ویژه کشورهای درگیر در زمانی که استفاده آن‌ها از سلاح‌های شیمیایی با تعهدات بین‌المللی مورد تأیید مغایرت داشته و یا شواهد متقنی دال بر این امر در دست باشد.

۴. تصمیم می‌گیرد با توجه به تحقیقات دبیر کل، در صورت تکرار هرگونه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در آینده و مغایرت آن با حقوق بین‌المللی از سوی هر کس و در هر زمان که باشد، مسئله را سریعاً مورد بررسی قرار داده و مطابق با منشور ملل متحد اقدامات مناسب و مؤثری را اتخاذ نماید.

پس از پذیرش قطعنامه توسط امام خمینی (علیه السلام)، ایران وارد فاز جدیدی از مناسبات سیاسی شد. اکنون وقت اثبات مظلومیت ایران و مطالبه غرامت جنگی از عراق در مجامع جهانی فرا رسیده بود.

در بند هفت قطعنامه ۵۹۸ اعلام شد که: «ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می‌گردد و در این خصوص از دبیر کل درخواست می‌شود که یک هیأت از کارشناسان را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت تعیین کند.» اما پس از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه، ایران به دلایل بسیاری در اجرا و پیگیری این بند ناتوان ماند.

در ۱۸ آذر ۱۳۷۳ عراق به‌عنوان متجاوز به خاک ایران شناخته شد. با این وجود، تلاش بسیاری از مدافعان حقوق جانبازان شیمیایی در عرصه دادگاه‌های جهانی بدون حمایت دولت ایران

با شکست مواجه شد و ایران علاوه بر این که از وصول بسیاری از غرامت‌های جنگی خود بازماند، حتی نتوانست از اتباع خود در دادگاه‌های بین‌المللی علیه کشورهای غربی حمایت کند. ایران حتی در دادگاه‌هایی که دیگر کشورها برای مجازات عاملان این جنایات برگزار کرده بودند، شرکت نکرد. شاید عدم حضور ایران در این دادگاه‌ها بخاطر بی‌اطلاعی مقامات ایرانی یا موضع صلح-جویانه ایران بود.

سرانجام سلاح‌های شیمیایی عراق

حکومت عراق سال ۱۹۹۰ به کشور کویت حمله کرد و آن را اشغال نمود که این جنگ به‌عنوان جنگ اول خلیج فارس^۱ نامیده شد.

این اقدام عراق تهدیدی برای منافع کشورهای غربی از جمله آمریکا و بهانه‌ای برای تضعیف ارتش عراق بود؛ ارتشی که پس از جنگ با ایران با دستیابی به انواع سلاح‌های مخرب و دانش نظامی تهدیدی برای غرب به شمار می‌رفت.

با شروع این حمله شورای امنیت دست به کار شد و در همان ساعات اولیه حمله با صدور قطعنامه ۶۶۰ ضمن محکوم کردن این تهاجم، خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط عراق از کویت شد. چند روز بعد نیز شورای امنیت با صدور قطعنامه ۶۶۱ ضمن تحریم‌های گسترده، بایکوت کاملی را در روابط تجاری، اقتصادی و مالی عراق ایجاد کرد و توسل به زور را برای مقابله با این کشور را مجاز شمرد. این تحریم‌ها شامل کلیه وسایل حمل و نقل از جمله هوایی می‌شد و عملاً روابط عراق با جهان خارج را قطع می‌کرد.

در چهار ماه اول تهاجم عراق به کویت، شورای امنیت ۱۲ قطعنامه صادر کرد که از لحاظ قاطعیت، تسلسل، سرعت و تأثیرگذاری از تاریخ تأسیس سازمان ملل متحد تا آن زمان بی‌سابقه بوده است؛ که تعداد این قطعنامه‌ها بعدها به ۲۴ قطعنامه رسید.

شورای امنیت با صدور قطعنامه ۶۷۸ در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ ضمن مجاز شمردن توسل به زور و اقدامات قهرآمیز علیه عراق، برای خروج از کویت - که مبنای حمله گسترده نیروهای آمریکا و

۱- تاریخ ۲ اوت ۱۹۹۰ تا ۲۸ فوریه ۱۹۹۱.

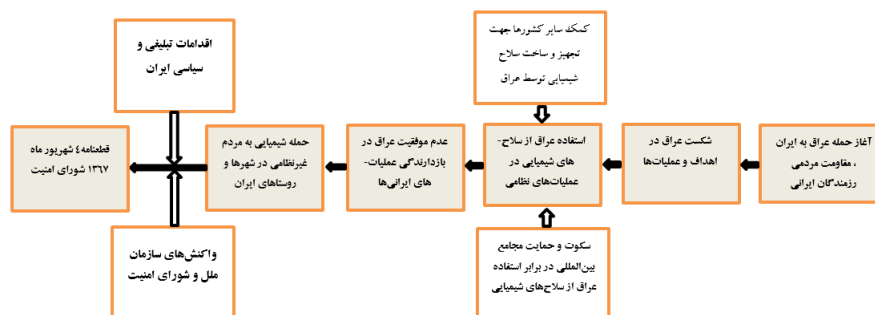
متحدین به عراق گردید- موضوع خلع سلاح عراق، پرداخت خسارت توسط عراق و... را به عراق تحمیل نمود.

سال ۱۹۹۱ آمریکا و ائتلافی از کشورهای دیگر، به کویت و سپس به عراق حمله کردند و ارتش عراق را از کویت بیرون راندند. پس از خروج عراق از کویت و پایان چشم‌پوشی ایالات متحده از کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق، حکومت صدام حسین مجبور به انهدام سلاح‌های کشتار جمعی خود شد.

عراق در جنگ خلیج فارس موفق نشد از این سلاح‌های شیمیایی استفاده کند ولی پس از شکست در این جنگ براساس توافقنامه آتش‌بس قبول کرد که همه‌ی جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیکی خود را از بین برده و به بازرسان سازمان ملل اجازه بازرسی از پایگاه‌های خود را بدهد. تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق، تا زمانی که تمام شروط توسط عراق اجرا نمی‌شد، باقی می‌ماند.

عراق در ابتدا، بخشی از توان شیمیایی خود را برای استفاده احتمالی علیه ایران، در صورت درگیری مجدد، نگه داشت اما کمی پس از شکست کامل در جنگ خلیج فارس، از ترس تبعات نگهداری سلاح‌های ممنوعه، این سلاح‌ها را منهدم کرد.

مدل مفهومی



نتیجه‌گیری

استفاده از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ هشت‌ساله حکومت عراق علیه جمهوری اسلامی به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای بازدارندگی، مقابله و نیز اهرم فشار بود. سکوت مجامع بین‌المللی و همسوئی قدرت‌های استکبار با سیاست‌های این حکومت بر علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، باعث تمایل بیشتر این رژیم در استفاده از این مواد مخرب بر علیه نیروهای ایرانی شد به‌گونه‌ای که با ادامه جنگ و در سال‌های پایانی مشاهده می‌کنیم که تنوع مواد شیمیایی استفاده شده توسط عراق و قدرت اثر گذاری آنان بسیار بیشتر و خطرناک‌تر شد. حملات شیمیایی عراق در اوایل جنگ به‌طور آزمایشی، در ادامه جنگ محدود و درنهایت به‌طور گسترده و پُرحجم انجام شد و از سال چهارم جنگ به بعد، علاوه بر مناطق نظامی، مناطق غیرنظامی و شهروندان ایران و کُرد عراق نیز هدف این حملات قرار گرفتند.

با شروع جنگ تحمیلی، حکومت عراق علیرغم حمایت‌های بین‌المللی و توان تسلیحاتی برتر، در پی مقاومت مردم و رزمندگان ایرانی در رسیدن به اهداف اصلی خود ناکام ماند و با کمک گرفتن از کشورهای غربی، استخدام دانشمندان متخصص و صرف هزینه‌های گزاف برای ساخت کارخانه‌های ساخت مواد شیمیایی، به یکی از پلیدترین ترفندهای بازدارندگی در مقابله با توان نظامی حملات ایرانی‌ها رو کرد. از مهر ماه ۱۳۵۹ تا شهریور ماه ۱۳۶۷ بیش از ۵۸۲ بار حمله‌ی شیمیایی آزمایشی، محدود، گسترده‌ی حجیم و فوق گسترده بر علیه رزمندگان و غیرنظامیان ایرانی انجام داد که نتیجه‌ی این حملات بیش از ۱۰ هزار نفر شهید، حدود ۱۰۰ هزار نفر مصدوم شدید و نیازمند مداومت درمان و قریب به ۲۵۰ هزار نفر دچار مصدومیت خفیف بود. در سال‌های نخست جنگ، عراق با تکیه بر موانع طبیعی و سنگرهای مقاوم خود جلوی پیشروی و حملات نیروهای ایران را می‌گرفت. با گذشت عملیات‌های ابتدایی ایرانی‌ها و نقش محوری موانع و سنگرها برای بازدارندگی نیروهای ایرانی، پس از چند عملیات، نیروهای ایرانی شروع به عملیات‌های شبانه، غافلگیری، عبور از مکان‌های صعب‌العبور و رودخانه و... دیگر عراق به سنگرهای ساختگی خود و نقش موانع طبیعی تکیه نکرده و شروع به استفاده از سلاح‌های شیمیایی به‌عنوان عامل بازدارنده کردند. در سال‌های ابتدایی که ایرانی‌ها پیش‌بینی حملات شیمیایی عراقی‌ها را نمی‌کردند آمادگی لازم برای مقابله با این حملات را نداشتند و اثرات منفی

زیادی به دلیل غافلگیری بر رزمندگان ایرانی وارد شد. با افزایش حملات شیمیایی عراق‌ها و توسل بیشتر به این جنگ‌افزارها، ایران جهت مقابله با این حملات برای نیروهای رزمنده خود اقداماتی را تدارک دیده و یگان‌های ویژه سلاح‌های شیمیایی تشکیل شد و آموزش‌های لازم را طی می‌نمودند.

علیرغم وجود توافقنامه‌های بین‌المللی مانند اعلامیه سن‌پترزبورگ، کنوانسیون بروکسل، کنفرانس صلح لاهه، مواد موجود در معاهده ورسای، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو هرگز این قراردادها به‌عنوان عامل قوی و بازدارنده جلوی استفاده از سلاح‌های شیمیایی را نگرفت و کشورهای متخاصم و یا تحت حمایت استکبار در گوشه و کنار جهان فاجعه‌های انسانی را رقم زده‌اند. ایران و عراق هر دو پروتکل ۱۹۲۵ را امضاء کردند اما با وجود رعایت تمام تعهدات از طرف ایران، حکومت عراق به این پروتکل پایبند نبود و هرگز در طول هشت سال جنگ علیه رزمندگان و مردم بی‌گناه ایران، اقدام جدی توسط مجامع بین‌المللی علیه اقدامات این کشور صورت نگرفت. عدم پایبندی عراق به معاهدات بین‌المللی، سکوت جوامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل، ناتوانی دیپلماسی ایران در جهت تحقق مظلومیت خود و اثبات استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی همگی باعث استفاده بیشتر عراق از سلاح‌های مختلف شیمیایی بر علیه ایرانی‌ها شد و تلفات بسیار سنگینی را بر ایران تحمیل کرد.

حکومت عراق در تمام سال‌هایی که از سلاح‌های شیمیایی بر علیه ایرانی‌ها استفاده کرده است از حمایت استکبار برخوردار بود و این حمایت آنان باعث گرایش بیشتر به ادامه تولید و استفاده از این سلاح‌های مخرب می‌شد. در سایر جنگ‌هایی که از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی استفاده شده است در یک‌سو همواره ابرقدرت‌هایی حضور داشتند که به پشتوانه قدرت نظامی، سیاسی و یا تأثیرات و نفوذی که بر مجامع بین‌المللی داشته‌اند بدون پایبندی به تعهدات خود مبنی بر عدم استفاده از این مواد مخرب کشتارهای زیادی را در کشورهای مظلوم و ضعیف‌تر رقم می‌زدند. در دوران دفاع مقدس علیرغم روشنگری‌های ایران در سطح روزنامه‌ها و رسانه‌های بین‌المللی و اثبات مظلومیت ایران، اما ایران همچنان به تعهدات خود در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو پایبند بود و هرگز از این مواد شیمیایی استفاده نکرد چرا که به فرموده امام خمینی علیه‌السلام طبق دستورات دینی تولید این سلاح‌های شیمیایی غیرقابل قبول بود.

پیشنهادهات

مظلومیت گسترده مردم غیر نظامی شهرها و روستاها و رزمندگان ایرانی که قربانی سلاح‌های شیمیایی حزب بعث شده‌اند و عمق فجایع این نوع سلاح‌های مخرب نباید هرگز از حافظه تاریخی مردم و رسانه‌ها پاک گردد. باید در راستای روشنگری افکار عمومی مردم جهان نسبت به آثار این سلاح‌ها قدم برداشت تا زمینه‌ای باشد برای صلح جهانی؛ و اگر روزی کشوری رو به استفاده از این سلاح‌ها نموده است، افکار عمومی جهان جلوتر از سازمان‌های بین‌المللی خواستار صلح و توقف استفاده از این سلاح‌ها باشند و دیگر هیچ متخاصمی از ترس افکار عمومی و انزوای جهانی از این سلاح‌های مخرب استفاده ننماید. در این راستا جهت تبیین بهتر مظلومیت قربانیان سلاح‌های شیمیایی در طول دفاع مقدس پیشنهاد می‌گردد تا:

با توجه به مظلومیت مردمان شهرها و روستاهایی که مورد حملات شیمیایی قرار گرفته‌اند، صداوسیما کشور فیلم‌های سینمایی، فیلم کوتاه و فیلم مستند بیشتری جهت بررسی این فجایع ساخته و پخش نماید تا چهره مظلومیت این مردم و خوی وحشی‌گری کشورهای متخاصم نمایان گردد.

فراگیر بودن آسیب‌های حملات شیمیایی در سایر کشورها زمینه‌ای است جهت برگزاری همایش‌های بین‌المللی با حضور نمایندگان سایر کشورها و بررسی آسیب‌ها و مضرات استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط کشورهای استکبار و استفاده از عنصر تبلیغات برای اثرگذاری بر مجامع بین‌المللی اثرگذار و قانونی جهت منع استفاده از این سلاح‌ها.

در تقویم شهرهایی که مورد حمله شیمیایی قرار گرفته‌اند برنامه‌های گرامیداشت و یادواره جهت بزرگداشت شهدای این حملات گنجانده شود.

از ظرفیت دانشگاه‌های سراسر کشور جهت فراخوان و استقبال از مقاله‌ها و پژوهش‌هایی با موضوع بررسی سلاح‌های شیمیایی و کاربرد آنان در جنگ‌های مختلف بخصوص جنگ تحمیلی استفاده گردد.

استفاده از ظرفیت هنر بخصوص نمایشگاه‌های عکس، کاریکاتور، دلنوشته، یادداشت و... می‌تواند نمایانگر چهره واقعی استفاده‌کنندگان سلاح‌های شیمیایی و بیانگر مظلومیت مردمانی باشد که مورد حمله شیمیایی واقع شده‌اند.

منابع

- ۱- یکتا، حسین (۱۳۸۴)؛ رونوشت شیمیایی تجاوز، بررسی کاربرد تسلیحات شیمیایی از سوی عراق، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، شماره ۳۶.
- ۲- فوزی، یحیی (۱۳۷۶)؛ ابعاد به کارگیری سلاح شیمیایی توسط عراق و واکنش مجامع بین‌المللی، تهران، دفتر بررسی‌های سیاسی سازمان تبلیغات اسلامی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل، ج اول.
- ۳- تیرمن، کنت آر (۱۳۷۳)؛ سوداگرای مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۴- زمانی، سید قاسم (۱۳۷۶)؛ حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، ج اول.
- ۵- دکتر کبریایی زاده، عباس (۱۳۷۷)؛ دکتر سلطانی نژاد، کامبیز؛ عوامل شیمیایی جنگی، نشریه رازی، سال دهم، شماره ۱.
- ۶- پورحسن، نقی (۱۳۷۷)؛ عراق سلاح‌های شیمیایی و جنگ تحمیلی، نشریه سلام، به مناسبت بزرگداشت هفته دفاع مقدس.
- ۷- شریفی مقدم، محمود (۱۳۷۰)؛ سیر تحول جنگ‌افزارهای شیمیایی، مجله شیمی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰، سال چهارم، شماره یکم.
- ۸- علایی، حسین؛ خواجه کاوسی، بابک (۱۳۷۴)؛ صنایع، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- ۹- گوستاواندرسون (۱۳۸۶)؛ جنگ شیمیایی عراق علیه ایران به روایت اسناد سازمان ملل متحد، شهریار خاطری و احمد جنتی محب، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران.
- ۱۰- هدایتی خمینی، عباس (۱۳۷۰)؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

- ۱۱- ایزدی، یدالله (۱۳۹۲)؛ روزشمار جنگ ایران و عراق - کتاب پنجاه و چهارم؛ عملیات والفجر ۱۰، بمباران شیمیایی حلبچه، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران.
- ۱۲- علایی، حسین (۱۳۹۱)؛ روند جنگ ایران و عراق، نشر مرز و بوم، چاپ اول، تهران.
- ۱۳- نیکخواه بهرامی، محمدباقر (۱۳۸۹)، گاه‌شمار حملات شیمیایی عراق در هشت سال دفاع مقدس، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس (انتشارات شکیب)؛
- ۱۴- محمدیان، حسین (۱۳۸۰)؛ خاطراتی از بمباران شیمیایی سردشت، انتشارات عابد.
- ۱۵- درودیان، محمد (۱۳۸۱)؛ شلمچه تا حلبچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۶- حلبچه تکرار هیروشیما (۱۳۶۷)؛ فاجعه هیروشیما و حلبچه در آینه مطبوعات، امور هنری بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- ۱۷- مقدمه‌ای بر شناخت عوامل شیمیایی جنگی، مدیریت ش. م. ر ستاد کل، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷
- ۱۸- مستشاری، مرتضی (۱۳۷۷)؛ نگرش شیمیایی بر جنگ تحمیلی، دانشگاه گیلان.
- ۱۹- مارس، تیموتی (۱۳۸۱)؛ عوامل جنگ شیمیایی، ترجمه غلامرضا پورحیدری و امیرحسین خلجی، تیمورزاده.
- ۲۰- کنوانسیون منع توسعه، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها (۱۳۸۲)، مترجم احمد میرزایی، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- ۲۱- احمدی، کوروش (۱۳۸۴) شورای امنیت سازمان ملل و مساله خلع سلاح عراق، کوروش احمدی، وزارت امور خارجه.
- ۲۲- درودیان، محمد (۱۳۸۴)؛ نقد و بررسی جنگ ایران و عراق (جلد ۴: روند پایان جنگ)، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۳- صفری، جواد و بنی طباطبائی، سیدحسین (۱۳۸۷)؛ سلاح پنهان (مرگ خاموش).
- ۲۴- درودیان، محمد (۱۳۷۸)؛ سیری در جنگ ایران و عراق (جلد ۳: فاو تا شلمچه)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۵- درودیان، محمد (۱۳۷۶)؛ سیری در جنگ ایران و عراق (جلد ۴: شلمچه تا حلبچه)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- ۲۶- سایت جامع دفاع مقدس - ساجد www.sajed.ir
- ۲۷- پایگاه اطلاع رسانی قربانیان سلاح‌های شیمیایی www.chemical-victims.com
- ۲۸- روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی www.tebyan.net

عوامل و زمینه‌های مؤثر در پیروزی عملیات بیت‌المقدس (کربلای ۳)

رضا شاهقلیان قهفرخی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۷

چکیده

در حالی که اشغال خرمشهر توسط عراق به‌عنوان آخرین و مهم‌ترین برگ برنده این کشور برای وادار ساختن ایران به شرکت در هرگونه مذاکرات صلح تلقی می‌شد، آزادسازی این شهر می‌توانست سمبل تحمیل اراده سیاسی جمهوری اسلامی ایران بر متجاوز و اثبات برتری نظامی‌اش باشد. بر همین اساس، با توجه به این‌که منطقه عمومی غرب کارون آخرین منطقه مهمی بود که هم‌چنان در اشغال عراق قرار داشت، از یک‌سو فرماندهان نظامی ایران برای انجام عملیات در این منطقه اشتراک نظر داشتند، و از سوی دیگر عراق نیز که طراحی عملیات آزادسازی خرمشهر را پس از عملیات فتح‌المبین قطعی و مسجل می‌پنداشت، با در نظر گرفتن اهمیت این شهر و جایگاه آن در دفاع از بصره، به‌ضرورت حفظ این منطقه معتقد بود.

با نظر به عملیات موفقیت‌آمیز بیت‌المقدس در سال ۱۳۶۱، می‌توان هدف از این پژوهش را، بررسی عوامل و زمینه‌های مؤثر در پیروزی عملیات بیت‌المقدس عنوان نمود. با توجه به ماهیت عنوان مقاله و در مسیر پاسخگویی به پرسش اصلی، در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی جهت بررسی موضوع استفاده شده است و از نظر نوع تحقیق در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار دارد. روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی و به شکل فیش‌برداری و نیز استفاده از منابع اینترنتی و همچنین بررسی مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه می‌باشد.

با تجزیه و تحلیل پرسش این مقاله که عبارت است از: «عوامل و زمینه‌های مؤثر در پیروزی عملیات بیت‌المقدس کدامند؟» می‌توان پاسخ روشنی برای آن و پرسش‌های فرعی مرتبط ارائه نمود. بعد از بررسی و تحلیل عملکرد دو سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیز تجزیه و تحلیل طرح‌ریزی، سازماندهی و هدایت و کنترل در این عملیات، می‌توان گفت نتایج تحقیق نشانگر آن است که همکاری، هماهنگی و اتحاد بین یگان‌های این دو سازمان به‌محوریت و فرماندهی مشترک در قرارگاه کربلا و نیز ریسک فرماندهی، اصل غافل‌گیری دشمن و سرعت بالای نیروهای عمل‌کننده باعث شد که چنین عملیات بزرگی با موفقیت، صد در صد به نتایج خود برسد.

کلید واژه‌ها: دفاع مقدس، عوامل و زمینه‌های پیروزی، سپاه پاسداران، ارتش ج.ا.ا، عملیات بیت‌المقدس.

۱- مدرس و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، rshahgholi@ihu.ac.ir

مقدمه

عملیات بیت‌المقدس یکی از گسترده‌ترین و با ارزش‌ترین نبردهای دوران دفاع مقدس و یکی از دوازده عملیات بزرگ و مؤثر ایران در طول ۸ سال دفاع مقدس محسوب می‌شود. قبل از انجام این عملیات، سه نبرد مؤثر و بزرگ به‌منظور بیرون راندن ارتش بعثی از سرزمین‌های اشغالی ایران و تجزیه قوای دشمن، صورت گرفت. این عملیات قدرت جمهوری اسلامی ایران را در به دست گرفتن ابتکار عمل و سازماندهی گسترده داوطلبان مردمی در جبهه‌های جنگ نشان داد. این سه عملیات که انجام آنها، موجب تحول عظیمی در جبهه‌های جنگ گردید، اراده ایران را برای بیرون کردن قوای متجاوز دشمن از سرزمین‌های خود، نشان داد. عملیات ثامن‌الائمه که در ۵ مهر سال ۱۳۶۰ صورت گرفت به محاصره شهر آبادان پایان داد و قوای دشمن را از شمال این شهر به غرب رودخانه کارون، عقب راند. عملیات طریق‌القدس که در آذرماه ۱۳۶۰ در منطقه غرب شهر سوسنگرد در استان خوزستان انجام گرفت، به آزادسازی شهر بستان منجر شد و یگان‌های ارتش بعثی را تا مرز چزابه، عقب راند. عملیات فتح‌المبین که در هفته اول فروردین سال ۱۳۶۱ در غرب شهرهای شوش و دزفول اجرا شد، نزدیک به ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک کشور را آزاد کرد و اطمینان به پیروزی را در نیروهای رزمنده ایران به وجود آورد. در جریان این نبرد، غنائم زیادی به دست آمد که از آنها در عملیات بیت‌المقدس استفاده شد. مهمات به‌جا مانده از دشمن در این عملیات، بخش عمده‌ای از نیازمندی‌های پشتیبانی آتش، یگان‌های عمل کننده در عملیات بیت‌المقدس را تأمین نمود. انجام این نبردها، توان فکری فرماندهان را تقویت نمود و موجب طرح‌ریزی‌های بسیار دقیق همراه با خلاقیت و نوآوری گردید و با به غنیمت گرفتن برخی از تجهیزات دشمن به گسترش یگان‌های رزمی جدید در صحنه نبرد، افزود.

نهایتاً پس از پایان عملیات فتح‌المبین بلافاصله برنامه‌ریزی و تلاش برای طرح‌ریزی و اجرای عملیات بیت‌المقدس آغاز شد. تقریباً از روز ۸ فروردین ۱۳۶۱ که نبردهای فتح‌المبین به پایان رسید، گروه طرح‌ریزی سپاه و ارتش عملاً طرح‌ریزی عملیات بیت‌المقدس را آغاز کرد و نخستین جلسه مشترک فرماندهان سپاه و ارتش در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۰ برگزار شد. دو گروه طرح‌ریزی جداگانه سپاه و ارتش، نزدیک به بیست روز پس از فتح‌المبین برنامه‌ریزی‌های خود را انجام داده و طرح‌های عملیاتی را آماده کردند. سپس اعضای این دو گروه در قرارگاه مرکزی و مشترک

ارتش و سپاه به نام قرارگاه کربلا حاضر شده و در حضور فرمانده کل سپاه و فرمانده نیروی زمینی ارتش، طرح ها و پیشنهادهای خود را در مورد انتخاب راه کار بهینه مطرح کردند. در نهایت دو راه کار مقدماتی و اصولی در جلسات هم اندیشی و نشست های طرح ریزی مشترک به شرح ذیل ارائه گردید: یکی حمله از جاده اهواز - خرمشهر و دیگری عبور عمده نیروها از رودخانه کارون.

بیان مسأله

در حالی که اشغال خرمشهر توسط عراق به عنوان آخرین و مهم ترین برنده این کشور برای وادار ساختن ایران به شرکت در هرگونه مذاکرات صلح تلقی می شد، آزادسازی این شهر می توانست سبب تحمیل اراده سیاسی جمهوری اسلامی بر متجاوز و اثبات برتری نظامی اش باشد. بر همین اساس، با توجه به این که منطقه عمومی غرب کارون آخرین منطقه مهمی بود که هم چنان در اشغال عراق قرار داشت، از یک سو فرماندهان نظامی ایران برای انجام عملیات در این منطقه اشتراک نظر داشتند، و از سوی دیگر عراق نیز که طراحی عملیات آزادسازی خرمشهر را پس از عملیات فتح المبین قطعی و مسجل می پنداشت، با در نظر گرفتن اهمیت این شهر و جایگاه آن در دفاع از بصره، به ضرورت حفظ این منطقه معتقد بود. از این رو، بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین، در حالی که قوای ارتش عراق در منطقه عمومی خرمشهر تقویت می شد، به تمام یگان های تحت امر قرارگاه مرکزی کربلا دستور داده شد تا ضمن بازسازی و تجدید قوا، به شناسایی و طراحی عملیات پردازند. لذا در چهل و نهمین روز از بهار سال ۱۳۶۱ و پس از گذشت حدود یک ماه از پایان عملیات فتح المبین، به منظور فرصت ندادن به دشمن، بزرگ ترین تهاجم قوای اسلام برای پایان دادن به اشغال خوزستان از سوی ارتش بعثی صدام، آغاز گردید. این عملیات که در دومین سال حمله ارتش بعثی عراق به خاک ایران انجام شد و حدود ۲۵ روز به طول انجامید و به عنوان بزرگ ترین موفقیت قوای ایران در دوران جنگ تحمیلی تبدیل شد، چرا که توانست خرمشهر را پس از ۵۷۵ روز اشغال، آزاد نماید و پرچم جمهوری اسلامی ایران را بالای گلدسته مسجد جامع آن شهر خونین به اهتزاز در آورد.

اما دغدغه محقق از این مقاله بررسی این مسئله است که با توجه به مشترک بودن نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیز ارتش جمهوری اسلامی ایران در این عملیات (بیت المقدس)،

هرکدام از این سازمان‌ها چه عملکردی در عملیات مذکور داشته و نقش و سهم هر کدام از آنها در این عملیات چقدر می‌باشد. لذا با بررسی هرکدام از این سازمان‌ها نقش و عملکرد آنها در عملیات بیت‌المقدس روشن خواهد شد و نیز سایر عوامل و زمینه‌های پیروزی در عملیات مذکور مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

هدف تحقیق

با نظر به عملیات موفقیت‌آمیز بیت‌المقدس در سال ۱۳۶۱، می‌توان هدف از این تحقیق را، بررسی نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیز عملکرد این دو سازمان را در عملیات پیروزمندانه بیت‌المقدس بیان نمود و این که هرکدام از این سازمان‌ها چقدر در پیروزی این عملیات نقش داشتند.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی

عوامل و زمینه‌های مؤثر در پیروزی عملیات بیت‌المقدس (کربلای ۳) کدامند؟

پرسش‌های فرعی

- ۱- خصوصیات بارز و فنی طراحی عملیات بیت‌المقدس کدامند؟
- ۲- ارزیابی مقایسه میان اهداف با نتایج و دستاوردهای عملیات بیت‌المقدس چیست؟

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق، در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی جهت بررسی موضوع استفاده شده است و از طریق منابع و اسناد موجود به بررسی پرسش‌های پژوهش پرداخته شده است. روش توصیفی-تحلیلی عبارت است از اینکه محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسأله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها فراهم می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۷۱). روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-

اسنادی، منابع اینترنتی و رجوع به اسناد و مدارک و نیز بررسی مصاحبه های مربوط به این عملیات توسط صاحب نظران به این عملیات می باشد. لذا در این روش با مطالعه چندین کتاب، فصلنامه تخصصی، مقالات و تحقیق دیگر پژوهشگران به شیوه فیش برداری و جستجو در فضای اینترنت اطلاعات مورد نیاز جمع آوری گردیده و سعی شده است، تجزیه و تحلیل داده ها به صورت کیفی صورت پذیرد و به سؤال های پژوهش با بررسی مصاحبه های ارائه شده پاسخ مناسبی داده شود.

ادبیات نظری تحقیق

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- دفاع مقدس

به مجموعه مجاهدت ها، حماسه ها، پایمردی ها و فعالیت های متنوعی که ملت شریف و مسلمان ایران و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال (۲۸۹۶ روز) در برابر تهاجم رژیم بعث عراق به خاک ایران اسلامی انجام داده اند و در این امتحان الهی سربلند و پیروز بیرون آمدند دوران دفاع مقدس می گویند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۴۶).

در تعریف دیگر می توان گفت: دفاع مقدس هشت ساله ملت ایران حامل فرهنگ و ویژگی های روان شناختی و جامعه شناختی ویژه ای است که آن را از سایر نبردها و جنگ های متعارف، به استثنای نبردهای قهرمانان صدر اسلام متمایز می سازد. فرهنگ و ادبیاتی که در دفاع مقدس تولید شد، آمیزه ای از حماسه و عرفان بود و درون مایه آن باورهای دینی و اندیشه دفاعی اسلام بود که حضرت امام علیه السلام در تبیین و تولید این فرهنگ و ادبیات نقشی تعیین کننده دارد. تبیین، حفظ و توسعه این فرهنگ به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های قدرت نرم یک کشور، برای بهره برداری از آن در جنگ های آینده ضرورتی جدی است (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۶).

در متون دینی ما واژه ای به نام جنگ یافت نمی شود، ولی از واژه جهاد فی سبیل الله... بسیار یاد شده است. نخستین آیه ای که درباره مشروع و مجاز بودن جنگ در قرآن کریم آمده است در بردارنده این حقیقت است که مسلمانان از آن اذن قتال یافتند که مورد ستم و تجاوز قرار گرفته اند (سوره حج، آیه ۳۹)؛ بنابراین از این آیه و دیگر آیات از این دست می توان یافت که مؤمنان در برابر تجاوزگران و جنگ با آنان فراخوانده شده اند و آنچه در اسلام مقدس و ارزشمند تلقی

می‌شود «دفاع» است و آنچه نامقدس و نکوهیده شده «تجاوز» است (باقری، بی‌تا: ۴)؛ اما دفاع مشروع در عصر ما و در حماسه بزرگ دفاع مقدس، رزمندگان خدا باوری شرکت داشتند که با انگیزه دفاع از مکتب، انقلاب و سرزمین خویش و با اعتقاد راسخ به برحق بودن راهشان، هجوم و تجاوز دشمن را پاسخی محکم و درخور دادند. آنان به راه و هدفشان ایمان داشتند و بر این باور بودند که در این رویارویی چون مورد هجوم و تجاوز قرار گرفته‌اند مورد ستم بوده؛ بنابراین، در جبهه حق‌اند و ستمگر و متجاوز در جبهه باطل؛ حضرت امام خمینی علیه‌السلام اسوه و پیشوای رزمندگان بارها بر این نکته تأکید می‌ورزیدند که: «جنگ ما جنگ دفاعی است و این دشمن است که به ما تهاجم کرده است؛ ما با کسی سر جنگ نداریم؛ اما نمی‌توانیم در مقابل تجاوز دشمن یعنی ساکت بنشینیم و تن به ستم بدهیم (صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۰۱). هشت سال دفاع مقدس مرهون زحمات و جان‌فشانی ملت بزرگ ایران به رهبری پرچمدار معنویت و عدالت و آزادی‌خواهی دوران، حضرت امام خمینی علیه‌السلام است. دوران دفاع مقدس بدون تردید از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ معاصر ایران و بزرگ‌ترین و طولانی‌ترین جنگ جهان در آخرین سده هزاره دوم میلادی است. درباره جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران تاکنون صدها گزارش، تحلیل و تألیف داخلی و خارجی به رشته تحریر درآمده است اما به دلیل گستردگی دامنه این رخداد و لایه‌های متنوع و ابعاد آن، هم‌چنان نیازمند واکاوی ابعاد نامشکوک بسیاری از رخدادهای آن هستیم. این موضوع به جنگ ایران و عراق منحصر نمی‌شود و تاکنون درباره جنگ‌های جهانی اول و دوم، هزاران تألیف، تولیدات هنری و سینمایی انبوه، راه‌اندازی موزه‌های متعدد انجام پذیرفته است (هیرو، ۱۳۹۰: ۱۰).

۱-۲- عملیات بیت‌المقدس

به نبردی که با شرکت یگان‌های عمده از نیروهای بسیجی مردمی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی و همچنین ارتش از تاریخ دهم اردیبهشت ماه تا سوم خرداد ماه ۱۳۶۱ به مدت ۲۵ روز در جنوب غربی اهواز انجام گرفت گفته می‌شود. این نبرد یکی از درخشان‌ترین کارنامه‌های عملیاتی نیروهای مسلح ایران بر علیه متجاوز به شمار می‌رود که علاوه بر پایان دادن به ۱۹ ماه اشغال نظامی قسمتی از حساس‌ترین نقاط خوزستان، ضربه‌ای قاطع به نیروهای متجاوز عراق و توان و میل جنگجوی او وارد آورد (بختیاری، ۱۳۸۰). در مرحله طرح‌ریزی نام این طرح

عملیاتی کربلای ۳ بود. ولی نام عملیات آن را بیت المقدس گذاشتند. انتخاب این نام متناسب با شرایط زمانی و اهداف عملیات و همچنین پیش بینی نتایج آن بود. یکی از دلایل انتخاب این نام، عبارت از این بود که برای رسیدن به خط دفاعی مطمئن، ادامه عملیات تا رسیدن به ساحل شط العرب در داخل خاک عراق ضروری بود. رزمندگان اسلام با انتخاب این نام می خواستند علاقه خود را به قدس شریف نشان بدهند. برخی از تحلیل گران معتقد بودند که ممکن است هم زمان با اجرای این عملیات، ارتش رژیم صهیونیستی به کشور لبنان حمله کند؛ بنابراین نام این عملیات به گونه ای انتخاب شد که بیان گر آرمان های جمهوری اسلامی در دفاع از قدس شریف و مردم فلسطین باشد (علایی، ۱۳۹۱: ۶).

۲- منطقه عملیات بیت المقدس

منطقه نبرد عملیات بیت المقدس، سرزمینی است هموار بین شهرهای اهواز و خرمشهر تا منطقه مرزی بین دو کشور ایران و عراق که از سه جهت، در محاصره موانع طبیعی مثل رودخانه و هورالهویزه قرار داشت و از سوی دیگر، محدود به مرزهای بین المللی بود. منطقه عمومی عملیات بیت المقدس در میان چهار مانع طبیعی محصور است و به ترتیب از شمال به رودخانه کرخه نور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هورالهویزه و شط العرب منتهی می شود (درودیان، ۱۳۷۷: ۱۰۰). زمین منطقه به خاطر وجود موانع طبیعی از چهار سمت به هم پیوسته و مستطیل شکل می باشد و همواره برای دو کشور ایران و عراق دارای ارزش استراتژیک بوده است. به همین دلیل فرماندهان نظامی عراق نسبت به پدافند این منطقه از خود حساسیت نشان می دادند و دفاع از خرمشهر را به عنوان سد دفاعی بصره می دانستند.

علاوه بر این منطقه عملیاتی بیت المقدس در مقایسه با منطقه عملیاتی فتح المبین از ویژگی های آشکاری برخوردار بود. فقدان عارضه و ناهموازی در زمین منطقه، گستردگی وسعت منطقه و موانع طبیعی مانند رودخانه کارون و کرخه از جمله این ویژگی ها محسوب می شد. در مجموع منطقه مزبور به جز جاده نسبتاً مرتفع اهواز - خرمشهر، فاقد عارضه حساس دیگری جهت پدافند بود. در نتیجه زمین منطقه به دلیل مسطح بودن برای مانور زرهی مناسب بود، اما برای حرکت نیروهای پیاده به دلیل وجود دید و قرار گرفتن آنها در معرض تیر مستقیم مناسب نبود. نقاط

حساس و استراتژیک منطقه شامل بندر و شهر خرمشهر، پادگان حمید، جفیر، جاده آسفالته اهواز - خرمشهر، شهر هویزه، رودخانه کارون، رودخانه شط العرب و رودخانه کرخه نور می‌شود.

در بعضی از نقاط جبهه که رودخانه یا موانع طبیعی وجود نداشت، مثل منطقه بین جاده اهواز - خرمشهر تا رودخانه کارون در نزدیکی‌های پادگان حمید و روستای سیدعبود تا جبهه شمالی جنوب اهواز نیز، آب‌گرفتگی‌هایی به‌منظور جلوگیری از پیشروی‌های دشمن، در اوایل تهاجم قوای ارتش بعثی به سمت اهواز، ایجاد شده بود. پس از عملیات فتح‌المبین، دشمن به‌منظور تقویت موانع خود، بر میزان و حجم این آب‌گرفتگی‌ها افزود؛ بنابراین در چنین شرایطی، آب‌گرفتگی به‌عنوان یک مانع طبیعی بزرگ برای نیروهای دشمن به حساب می‌آمد و عبور از آن را برای نیروهای خودی غیر ممکن می‌ساخت. پس در عمل یگان‌های دشمن در پشت این موانع طبیعی و چنین رودخانه‌هایی استقرار یافته و آرایش گرفته بودند (بختیاری، ۱۳۸۰).

چنین شرایطی موجب شده بود تا برای حمله به مواضع دشمن، عبور از این دو رودخانه و این موانع طبیعی، یکی از الزامات طرح‌ریزی عملیات باشد. با توجه به مدت ۲۰ ماهه استقرار قوای دشمن در این اراضی، زمان کافی برای احداث استحکامات و سنگرهای مناسب و نیز ایجاد موانع مصنوعی از قبیل گسترش میدان‌های مین متعدد و متنوع و همچنین برپایی سیم‌خاردهای حلقوی و رشته‌ای، در اختیار یگان‌های دشمن قرار گرفته بود؛ بنابراین برای طرح‌ریزی عملیات، می‌بایستی عبور از این موانع طبیعی و مصنوعی به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار گیرد. میزان موانع مصنوعی ایجاد شده از سوی دشمن در همه خطوط جبهه‌ها یکسان نبود. در برخی از مواضع پدافندی مثل روبه‌روی اهواز و کرخه‌کور، دارای قوت و شدت بیشتری بود. اطراف کارون از شدت کمتری برخوردار بود. دشمن در ساحل رودخانه کرخه‌کور به رودخانه چسبیده بود و عرض رودخانه کارون بیش از آن بود که امکان فعالیت را در غرب آن به نیروهای خودی بدهد. زمین این منطقه عملیاتی صاف و کم‌عارضه بود که برای واحدهای زرهی و مکانیزه دشمن، بسیار مناسب و مساعد به نظر می‌رسید و قدرت مانور وی را افزایش می‌داد. از سوی دیگر، این منطقه برای نیروهای خودی که عمدتاً متکی به یگان‌های پیاده بودند، شرایط نامساعدی را فراهم می‌کرد؛ بنابراین می‌توان گفت که شرایط زمین به نفع دشمن و بر ضد توان نیروهای خودی بود (سوداگر، بی‌تا).

۳- استعداد رزم دشمن و منطقه گسترش آن

تا قبل از عملیات بیت المقدس، این منطقه تحت امر سپاه سوم ارتش بعثی قرار داشت و یگان های ارتش بعث برای دفاع از خرمشهر و منطقه عمومی جنوب اهواز در مناطق ذیل مواضع ایجاد کردند:

۳-۱- لشکر ۶ زرهی از جنوب رودخانه کرخه کور تا هویزه؛

۳-۲- لشکر ۵ مکانیزه از غرب اهواز تا روستای سید عبود؛

۳-۳- لشکر ۱۱ پیاده از سید عبود تا خرمشهر (تیپ های ۲۲، ۴۸ و ۴۴ از لشکر ۱۱ پیاده، مأمور حفاظت از خرمشهر بودند)؛

۳-۴- تیپ ۱۱۳ گارد مرزی حفاظت شهر خرمشهر؛

۳-۵- لشکر ۹ زرهی جهت احتیاط منطقه غرب ایستگاه حسینی؛

۳-۶- لشکر ۳ زرهی برای احتیاط منطقه شمال خرمشهر تا ایستگاه نود؛

۳-۷- تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری احتیاط سپاه سوم در منطقه خرمشهر؛

۳-۸- تیپ ۳۳ نیروی مخصوص جهت احتیاط خرمشهر (درویان، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

در مجموع می توان گفت که دشمن در این منطقه حدود ۴۱ گردان زرهی و ۳۸ گردان مکانیزه داشت. هر گردان از حدود ۳۴ دستگاه تانک یا نفربر تشکیل شده بود و ۴۰ گردان پیاده و ۳۰ گردان توپخانه صحرایی، در اختیار داشت؛ بنابراین حدود ۲۷۰۰ دستگاه تانک و نفربر و نزدیک به ۴۰۰۰۰ نیروی پیاده و ۵۰۰ قبضه توپ از سوی دشمن در این منطقه گسترش یافته بود (رشید، ۱۳۷۹).

در مراحل بعدی عملیات استعداد ارتش بعث عراق به شرح زیر افزایش یافت: لشکر ۷ پیاده از سپاه یکم در شمال به سپاه سوم در بصره ملحق و در آخرین مرحله وارد عمل شد و دو تیپ ۱۷ زرهی و ۲۴ مکانیزه از لشکر ۱۰ زرهی از منطقه شرفانی به منطقه شلمچه آمده و در پاتک شلمچه نیز حضور داشتند (جعفری، ۱۳۸۴: ۶۵).

دشمن در منطقه عملیات بیت المقدس دو نوع آرایش دفاعی را در دستور کار خود قرار داد و منطقه گسترش خود را به دو قسمت تقسیم نمود:

۱- پدافند عمومی: در شمال منطقه یعنی در حاشیه رودخانه های کارون، کرخه کور تا

هورالهیوز، عراق با استفاده از فرصت یک سال و نیمه پس از آغاز جنگ، با تدابیر مهندسی، موانع و استحکامات شکست‌ناپذیری را ایجاد کرده بود. این منطقه تا جاده اهواز - خرمشهر و ضلع غربی کارون امتداد داشت و ناحیه آب‌گرفتگی منطقه آب تیمور تا ایستگاه آه‌ورا در بر می‌گرفت و تا شمال خرمشهر یعنی سد بند ادامه پیدا می‌کرد.

۲- پدافند ویژه: در آستانه عملیات بیت‌المقدس، دشمن اقدام به احداث خاکریز در غرب کارون و ایجاد موانع نمود و علاوه بر آن یک سری مواضع دفاعی ویژه در شهر خرمشهر از طریق تخریب مناطق مسکونی و طراحی میادین مین و ایجاد سه رده دفاعی در شمال این شهر به وجود آورد (سپاه پاسداران، ۱۳۷۸) ارتش بعث با سایر استحکامات و میادین مین و نیز احداث کانال از مواضع اشغالی خود در منطقه خرمشهر محافظت می‌کرد و حتی موانع ضدهلی برن در داخل شهر و حومه آن ایجاد نمود؛ به نحوی که در مجموع، خرمشهر به صورت دژری تسخیرناپذیر در آمده بود. مقاومت در خرمشهر از راهبردهای اساسی فرماندهی سپاه سوم ارتش بعثی بود (جعفری، ۱۳۸۴: ۶۵).

۴- سازمان رزم و استعداد خودی

نکته مهم در سازمان رزم این عملیات همکاری نزدیک سپاه و ارتش بود که در طول دوران جنگ نظیر نداشت. ایران در ناکامی‌های متعدد در سال‌های اولیه جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی وارد مرحله نوینی شد و منطق نبرد و نگرش دفاعی آن بالاخص درباره چگونگی عملیات‌های محدود، نیمه گسترده و گسترده متحول گردید. سازمان رزم جدید بر پایه حضور نیروهای مردمی در قالب سازمان سپاه پاسداران در کنار ارتش جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت و سبب تحول استراتژی نظامی ایران و پیروزی‌های نظامی از نیمه دوم سال ۱۳۶۰ شد.

قرارگاه‌ها. قرارگاه مرکزی کربلا (قرارگاه مشترک سپاه و ارتش) به فرماندهی مشترک

سردار محسن رضایی فرمانده کل سپاه و امیر شهید علی صیاد شیرازی فرمانده نزااجا.

قرارگاه نصر. به فرماندهی مشترک سردار شهید حسن باقری فرمانده لشکر ۵ نصر و

امیرحسین حسینی سعدی فرمانده لشکر ۲۱ حمزه.

سازمان رزم قرارگاه نصر:

نصر ۱: تیپ ۱ لشکر ۲۱ حمزه از ارتش و تیپ ۷ ولی عصر علیه السلام از سپاه؛
نصر ۲: تیپ ۲ لشکر ۲۱ حمزه از ارتش و تیپ ۲۷ محمدرسول الله صلی الله علیه و آله از سپاه؛
نصر ۳: تیپ ۳ لشکر ۲۱ حمزه از ارتش و تیپ ۴۶ فجر از سپاه؛
نصر ۴: تیپ ۴ لشکر ۲۱ حمزه از ارتش بعنوان احتیاط قرارگاه نصر؛
نصر ۵: تیپ ۲۳ نوهذ از ارتش و تیپ ۲۲ بدر از سپاه؛
۱ گردان از تیپ ۳۰ زرهی سپاه و شش گردان توپخانه نیز تحت امر قرارگاه نصر بودند (حبیبی، ۱۳۷۹: ۴).

قرارگاه فتح. به فرماندهی مشترک سردار غلامعلی رشید فرمانده لشکر ۳ فتح سپاه و امیر شهید مسعود منفرد نیکی فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز.
سازمان رزم قرارگاه فتح:

فتح ۱: تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی از ارتش و تیپ ۱۴ امام حسین علیه السلام با هفت گردان پیاده؛
فتح ۲: تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی از ارتش که به عنوان نیروی احتیاط قرارگاه فتح بود؛
فتح ۳: تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی از ارتش و تیپ ۸ نجف اشرف با هفت گردان پیاده؛
فتح ۴: تیپ ۵۵ هوابرد و تیپ ۳۷ زرهی و گردان ۱۵۱ از ارتش و تیپ ۲۵ کربلا از سپاه با هفت گردان پیاده؛

دو گردان از تیپ ۳۰ زرهی سپاه تحت امر فرماندهی قرارگاه فتح و در مجموع هشت گردان توپخانه تحت امر قرارگاه فتح بود.

قرارگاه قدس. به فرماندهی مشترک سردار احمد غلامپور، فرمانده لشکر ۱ قدس و امیر سیروس لطفی، فرمانده لشکر ۱۶ زرهی قزوین.
سازمان رزم قرارگاه قدس:

قدس ۱: تیپ ۱ لشکر ۱۶ زرهی با دو گردان تانک و دو گردان مکانیزه از ارتش و تیپ ۳۱ عاشورا با هفت گردان پیاده از سپاه؛
قدس ۲: تیپ ۲ لشکر ۱۶ زرهی با دو گردان تانک و دو گردان مکانیزه از ارتش و تیپ ۲۱ امام رضا علیه السلام با هشت گردان پیاده از سپاه؛
قدس ۳: تیپ ۳ لشکر ۱۶ زرهی با دو گردان تانک و یک گردان مکانیزه از ارتش و تیپ

۳۷ نور با هشت گردان پیاده از سپاه؛

قدس ۴: تیپ ۵۸ ذوالفقار با چهار گردان پیاده و یک گردان تانک از ارتش و تیپ ۴۱ ثار الله با هفت گردان پیاده از سپاه؛

قدس ۵: یک گروهان از گردان ۲۵۴ تانک از ارتش و تیپ ۴۳ بیت المقدس با هشت گردان پیاده از سپاه و همچنین

۱ گردان تانک از تیپ ۳۰ زرهی و شش گردان توپخانه نیز تحت امر قرارگاه قدس بود.

قرارگاه فجر. سازمان رزم قرارگاه فجر: متشکل از تیپ ۳ لشکر ۷۷ خراسان از ارتش و تیپ‌های ۱۷ علی ابن ابیطالب علیه السلام و ۳۳ المهدی علیه السلام و ۳۵ امام سجاد علیه السلام از سپاه که از منطقه فکه به خرمشهر مامور و در مرحله سوم و چهارم وارد عملیات شدند. تیپ مستقل ۳۰ زرهی سپاه: این تیپ با ۵ گردان زرهی به عنوان احتیاط قرارگاه کربلا قرار گرفت و گردان‌های این تیپ در ۴ قرارگاه نصر، فتح، فجر و قدس اجرای مأموریت می‌کردند. یک گردان در احتیاط قرارگاه کربلا ماند که در شلمچه آسیب جدی دید (جعفری، ۱۳۸۴: ۶۷).

در این عملیات سپاه ۱۰۰ تا ۱۲۰ گردان نیرو در قالب تیپ (ولی با استعداد لشکر) وارد عملیات کرد، که در مقایسه با عملیات ثامن الائمه، تنها در فاصله ۹ ماه، توان رزمی سپاه نزدیک به ۱۰ برابر رشد و افزایش را نشان می‌داد (درودیان، ۱۳۹۱: ۵۴).

رزمندگان جهاد سازندگی هم با حدود ۱۰۰ دستگاه ماشین‌آلات مهندسی و سایر امکانات و کمک‌ها در عملیات حضور فعالی داشتند. در این عملیات، ارتش دارای ۶۳ دستگاه ماشین‌آلات مهندسی و سپاه نیز دارای ۶۰ دستگاه بود. کار احداث ۳ پل PMP روی رودخانه کارون در شب اول عملیات نیز بر عهده نیروی زمینی ارتش قرار گرفته بود (درودیان، ۱۳۷۶).

۵- طراحی مانور عملیات بیت المقدس

بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح‌المبین در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱۰، جلسه مشترکی با حضور فرماندهان با تجربه سپاه و ارتش تشکیل شد و به کلیه یگان‌ها ابلاغ گردید که طی دو هفته بازسازی یگان‌ها، آمادگی برای عملیات را داشته و نتیجه را اعلام نمایند. در پی درک دقیق و تحلیل صحیح فرماندهان عالی‌رتبه از شرایط موجود و ضرورت تعجیل در اجرای عملیات جدید، تلاش ویژه برای آمادگی، شتاب چشمگیری به خود گرفت، چرا که هرگونه تعلل، با توجه به

فرارسیدن فصل گرما در منطقه جنوب و هوشیاری دشمن، قریب الوقوع بودن عملیات ارتش عراق را در پی داشت و نادیده گرفتن ضرورت ها و شرایط آن زمان، فرصت ها را هدر می داد و در نتیجه عواقب جبران ناپذیری را به دنبال داشت. ضمن اینکه آشفته گی روانی ایجاد شده به دنبال ضربات ناشی از عملیات کاملاً موفق فتح المبین دشمن را در موقعیت بحرانی قرار داده بود و اجرای هر چه سریعتر عملیات در چنین شرایطی ضریب موفقیت را افزایش می داد. به طور کلی دو راه کار از سوی فرماندهان سپاه و ارتش به منظور اجرای عملیات بیت المقدس پیشنهاد شد:

۱ - تهاجم به دشمن با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر از منطقه نورد اهواز. فرماندهان ارتش، اتکا به جاده اهواز - خرمشهر و تهاجم از شمال به جنوب را بهترین راه کار برای انجام عملیات می دیدند.

۲ - عبور از رودخانه کارون و رسیدن به جاده اهواز - خرمشهر. راه کار دوم عبور از رودخانه کارون به عنوان تلاش اصلی بود که فرماندهان سپاه آن را پیشنهاد کردند. این پیشنهاد را فرمانده کل سپاه، سرلشکر محسن رضایی مطرح کرد. وی بر این باور بود که در صورت عبور از رودخانه کارون و تصرف منطقه حسینی، نیروهای خودی بر نقطه سرکوب منطقه مسلط خواهند شد و موقعیت دشمن در جبهه شمالی، در خرمشهر و در شرق بصره متزلزل می شود. مهم ترین ویژگی مثبت این طرح، غافل گیر کردن نیروهای دشمن نسبت به سمت تک و عدم استقرار آنها در مواضع بود، ضمن اینکه نیروهای خودی نیز بر خلاف آرایش دشمن وارد زمین منطقه می شدند و سریع تر به اهداف خود به ویژه خرمشهر می رسیدند (درودیان، ۱۳۸۰: ۲۲۲).

هر یک از راه کارهای فوق محاسن و معایب خاص خود را داشت. در مجموع با توجه به ویژگی های مثبت این طرح، پیشنهاد عبور از رودخانه کارون مورد توافق نهائی فرماندهان و طراحان نظامی قرار گرفت.

مرحله بندی طرح عملیات: عملیات بیت المقدس در ۴ مرحله طرح ریزی شد:

مرحله اول: گرفتن یک سرپل بزرگ؛

مرحله دوم: حرکت به سمت خرمشهر از مسیر جاده اصلی و از سمت شمال غربی آن شهر؛

مرحله سوم: رسیدن به مرز بین المللی؛

مرحله چهارم: عبور از مرز تا رسیدن به عارضه طبیعی برای پدافند مطمئن در کنار

اروندرو (علایی، ۱۳۸۶: ۲۲).

در ادامه سه قرارگاه قدس، فتح و نصر در سه محور، عهده‌دار تک گسترده به دشمن و یک قرارگاه به صورت احتیاط زیر نظر قرارگاه مرکزی کربلا به فرماندهی مشترک سپاه و ارتش تعیین و بنابر طرح نهایی مانور، مأموریت و سازمان هر یک به شرح زیر اعلام گردید:

- قرارگاه قدس (محور شمالی): در بخش شمالی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کرخه کور و انهدام نیروهای دشمن و در ادامه پیشروی به سوی هدف بنا به دستور.
- قرارگاه فتح (محور میانی): در بخش میانی منطقه عملیات با مأموریت عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر.

- قرارگاه نصر (محور جنوبی): در بخش جنوبی منطقه عملیات با مأموریت عبور از کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر و شمال خرمشهر.

- قرارگاه فجر: با ترکیب یگان‌های تیپ ۳ لشکر ۷۷ خراسان و تیپ ۳۳ المهدی و ۱۷ علی‌ابن‌ابیطالب در مرحله نهایی در منطقه پل نو وارد عمل شد.

ضرورت مرحله‌بندی عملیات نیز موجب گردید تا مراحل عملیات به شکل زیر به تصویب برسد:

۱ - عبور از رودخانه کارون توسط قرارگاه نصر و فتح و پیشروی تا جاده اهواز - خرمشهر که می‌بایست مسافت ۱۸۰۲۵ کیلومتر را طی کنند.

۲ - شکستن خاکریز اول توسط قرارگاه قدس با هدف درگیر نگه داشتن دشمن و توجه دادن قرارگاه‌های فتح و نصر به طرف غرب و جنوب برای تأمین مرز و آزادسازی خرمشهر.

۳ - حرکت قرارگاه‌های فتح و نصر به طرف ساحل اروندرود و تصرف هدف‌های از پیش تعیین شده و سپس آزادسازی شهر خرمشهر طبق دستورالعمل طرح.

براساس طرح مقرر شد که قرارگاه قدس به عنوان قرارگاه پشتیبانی عملیات عمدتاً دشمن را درگیر کرده تا قرارگاه‌های فتح و نصر تلاش اصلی برای گرفتن سرپل و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر را به اجرا در آورند. متعاقباً پس از بررسی‌های نهایی مقرر گردید به منظور تجزیه دشمن و جلوگیری از جابجایی و ممانعت از تمرکز قوای دشمن هر سه قرارگاه هم‌زمان تهاجم خود را آغاز نمایند (جعفری، ۱۳۸۴: ۷۰).

۶- مأموریت، اهداف و محدوده عملیات قرارگاه‌ها در عملیات

بیت المقدس

مأموریت. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران متشکل از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مأموریت یافتند تا در ساعت (س) روز (ر) در جنوب رودخانه کرخه کور و غرب رودخانه کارون تک نموده و ضمن انهدام نیروهای موجود دشمن و آزادسازی شهرهای خرمشهر و هویزه خط مرز بین المللی را تأمین نموده و از حمله مجدد احتمالی به کشور جمهوری اسلامی ایران جلوگیری نمایند.

اهداف تعیین شده برای این عملیات

- ۱- انهدام قوای دشمن و پایان دادن به حضور ارتش متجاوز بعثی در سرزمین‌های استان خوزستان و آزادسازی بیش از ۵ هزار کیلومتر مربع از سرزمین‌های ایران در جنوب کشور؛
- ۲- خارج نمودن شهرهای اهواز، حمیدیه، سوسنگرد از تیررس توپخانه دور برد دشمن؛
- ۳- رسیدن قوای اسلام به مرزهای بین المللی و ترمیم مرزهای جمهوری اسلامی ایران؛
- ۴- آزادسازی جاده اهواز - خرمشهر؛
- ۵- آزادسازی شهرهای خرمشهر، هویزه، منطقه جفیر تا مرز شلمچه و رودخانه اروند (علایی، ۱۳۸۶: ۲۳).

محدوده عملیات قرارگاه‌ها

- ۱- قرارگاه قدس: به عنوان مأموریت پشتیبانی در منطقه جنوب اهواز، از فارسیات، کرخه کور، هویزه تا حاشیه هورالهویزه (منطقه شمالی عملیات)؛
- ۲- قرارگاه فتح: در منطقه میانی از فارسیات تا مسعودیه در جنوب دارخوین و در عمق منطقه نبرد یعنی منطقه آب گرفتگی، ایستگاه آهو، حسینه تا شمال ایستگاه نود در مرحله اول و از حسینه تا زید به طرف مرز بین المللی در مرحله دوم؛
- ۳- قرارگاه نصر: در منطقه جنوبی شمال خرمشهر از مسعودیه، سلمانیه تا بهمنشیر و خرمشهر و در عمق منطقه ایستگاه گرم دشت و تا مرز شلمچه و شهر خرمشهر (جعفری، ۱۳۸۴: ۷۱).

۷- تشریح عملیات بیت المقدس (کربلای ۳)

با اینکه رزمندگان به منظور جلوگیری از آمادگی دشمن در منطقه، سرعت عمل قابل ملاحظه‌ای از خود نشان دادند، اما بیم از هوشیاری و آمادگی دشمن همچنان به قوت خود باقی بود. این هوشیاری در صورتی که به برطرف شدن نقاط ضعف پدافندی دشمن خصوصاً در منطقه رودخانه کارون می‌انجامید، عملیات را با مشکلات اساسی مواجه می‌کرد. این مساله در کنار عدم اعتقاد برادران ارتش به عبور از رودخانه کارون می‌توانست ابهامات جدیدی را در خصوص مانور عملیات ایجاد کند. به همین منظور سپاه جهت رفع این نگرانی و احتمال هوشیاری دشمن نسبت به عبور نیروهای خودی از رودخانه کارون با تأکید مجدد به عبور از رودخانه به عنوان تلاش اصلی، به عملیات زودرس در این محور توجه داشت و آن را از نظر دور نمی‌کرد. این اقدام باعث می‌شد تا در صورت هوشیاری دشمن راه کار اصلی عملیات در منطقه همچنان باز بماند. به هر تقدیر این پیش‌بینی تنها یک احتمال کوچک بود که در صورت بن‌بست در عملیات، می‌توانست راهگشا باشد. با این تفاسیل، عملیات رزمندگان اسلام در ۵۵ دقیقه بامداد روز ۱۳۶۱/۲/۱۰ با رمز «یا علی بن ابیطالب (علیه السلام)» در محورهای مختلف آغاز شد. شرح چگونگی پیشرفت عملیات در مراحل مختلف به قرار زیر بود:

مرحله اول عملیات: در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ با اعلام رمز عملیات از سوی قرارگاه کربلا فرمان آغاز یورش به دشمن صادر شد. نیروهای خودی در تمام محورهای عملیات به مواضع نیروهای عراقی حمله‌ور شدند. اولین خبر درگیری از محور ۴ قرارگاه فتح به قرارگاه کربلا رسید. تیپ ۲۵ کربلا در ساعت ۵۵ دقیقه بامداد درگیر شده بود. به دنبال آن خبر درگیری کلیه یگان‌ها در محور شمال و غرب منطقه عملیاتی اعلام شد. در محور قرارگاه قدس (شمال کرخه نور) به دلیل هوشیاری دشمن و وجود استحکامات متعدد، پیشروی نیروها از سرعت مناسبی برخوردار نبود و تنها تیپ بیت المقدس و تیپ ثارالله موفق به عبور از مواضع دشمن و تصرف سرپل در جنوب رودخانه کرخه نور شدند. نیروهای دو یگان مزبور به دلیل عدم پوشش جناحین، شدیداً تحت فشار دشمن قرار داشتند. در محور قرارگاه فتح، یگان‌های خودی ضمن عبور از رودخانه کارون به سرعت خود را به جاده اهواز خرمشهر رسانده و به ایجاد استحکامات پرداختند. مسدود کردن راه عبور یگان‌های دشمن و اختلال در سیستم نقل و انتقال

ارتش عراق در جاده اهواز خرمشهر از مأموریت های این قرارگاه بود که به خوبی انجام شد. در محور قرارگاه نصر، یگان ها به دلیل تأخیر در حرکت نیروها، وجود باتلاق در کنار جاده اهواز خرمشهر و همچنین تمرکز دشمن در شمال خرمشهر، موفق به تصرف اهداف مورد نظر خود و الحاق با قرارگاه فتح نشدند. به همین دلیل الحاق کامل قرارگاه نصر با قرارگاه فتح و همچنین تصرف اهداف مرحله اول قرارگاه قدس در دستور کار عملیات در شب دوم قرار گرفت که با انجام آن تا حدودی اهداف مورد نظر تأمین شد؛ اما تا ۴۸ ساعت بعد، برخی رخنه ها همچنین به قوت خود باقی ماند، تا اینکه سرانجام پس از ۵ روز درگیری و جنگ و گریز، سرپل متصرفه از ۶۸ کیلومتر تا ۱۰۲ جاده اهواز خرمشهر تثبیت و کلیه رخنه ها ترمیم شد. عملیات قرارگاه قدس در شب دوم نیز ناموفق بود و نیروها مجدداً به مواضع اولیه خود پس از شروع عملیات بازگشتند.

مرحله دوم عملیات: در این مرحله، آزادسازی شهر خرمشهر موقتاً از دستور کار عملیات حذف و تصمیم گرفته شد که قرارگاه های فتح و نصر به منظور بستن عقبه یگان های دشمن و ایجاد سهولت در تصرف شهر خرمشهر از جاده به سمت خط مرزی پیشروی کند. قرارگاه قدس نیز مأموریت یافت تا به صورت محدود برای تصرف سرپل در جنوب کرخه نور اقدام کرده و در صورت موفقیت به گسترش آن پردازد. عملیات در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۳۶۱/۲/۱۶ آغاز شد. نیروهای قرارگاه فتح در همان ساعات اولیه به جاده مرزی رسیدند اما یگان های قرارگاه نصر با اندکی تأخیر و تحمل فشارهای دشمن، خود را به دژ مرزی رسانده و با قرارگاه فتح الحاق کردند. دشمن با مشاهده جهت و سمت پیشروی رزمندگان به سوی دژ مرزی و نهایتاً بصره، بر سر دو راهی سرنوشت سازی قرار گرفت. در واقع دشمن تحت تأثیر تاکتیک ویژه عملیات، مجبور به اتخاذ یکی از دو تصمیم زیر بود:

۱. عقب نشینی از خرمشهر و نجات یگان های خود؛

۲. پذیرش ریسک سقوط شلمچه و محاصره ارتش خود در جنوب.

فرماندهان ارتش عراق راه اول را انتخاب کردند و به لشکرهای ۵ و ۶ دستور عقب نشینی دادند. این اقدام ارتش عراق به دو منظور صورت گرفت:

اول اینکه دو یگان فوق‌الذکر از خطر محاصره و انهدام رهایی یابند و دوم اینکه زمینه‌های لازم برای تقویت هرچه بیشتر خطوط دفاعی بصره فراهم شد. این عقب‌نشینی از ساعات اولیه روز ۱۸ اردیبهشت آغاز شد که به علت تعجیل، منجر به اسارت تعدادی از نیروهای عراقی و بر جای ماندن تعداد زیادی از تجهیزات و امکانات یگان‌های مزبور گردید. نیروهای قرارگاه قدس بلافاصله پس از عقب‌نشینی دشمن به تعقیب آنان پرداختند و جاده اهواز خرمشهر (تا انتهای جنوب سرپل متصرفی در قرارگاه نصر) و مناطقی همچون جفیر، پادگان حمید و هویزه را آزاد کردند.

مرحله سوم عملیات: در این مرحله قرارگاه نصر مأموریت یافت تا حرکت خود را به سمت خرمشهر آغاز کند. نیروهای عمل‌کننده که متشکل از ۴ تیپ مستقل از سپاه و دو تیپ از ارتش بودند در آخرین ساعات روز ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۱ عملیات خود را آغاز کردند. حضور پر حجم نیروهای دشمن در منطقه و خستگی ناشی از عملیات‌های پی در پی موجب شد تا نیروهای خودی در این مرحله توفیق چندانی بدست نیاورند و تکرار عملیات مزبور در فردای آن شب نیز چندان شمر ثمر نبود. بر همین اساس تصمیم گرفته شد تا برای انجام عملیات نهایی از قرارگاه، فرصت بیشتری به یگان‌ها داده شود و از دو تیپ ۳۳ المهدی ع و امام سجاد ع فجر سپاه که به تازگی وارد منطقه شده بودند، استفاده شود.

مرحله چهارم عملیات: پس از استراحت مختصر یگان‌ها و نیز پیوستن قرارگاه فجر به سازمان عمل‌کننده در مرحله چهارم، تصمیم گرفته شد تا قرارگاه نصر در امتداد مرز به سمت جنوب حرکت کند و ضمن مسدود کردن جاده شلمچه، خود را به رودخانه اروند (نهر خین) برساند. قرارگاه فجر نیز در جناح میانی منطقه می‌بایست در امتداد نهر عریض به سمت اروند هجوم برده و این منطقه را تصرف کند. قرارگاه فتح نیز مسئولیت عملیات در امتداد جاده اهواز خرمشهر و آزادسازی خرمشهر را بر عهده داشت. این مرحله از عملیات در ساعت ۲۲:۳۰ مورخه ۱۳۶۱ / ۳ / ۱ آغاز شد. قرارگاه نصر توانست جاده غرب خرمشهر را در شلمچه مسدود کند و قرارگاه فجر نیز موفق شد ضمن تأمین «پل نو» نیروهای خود را به کناره اروندرود برساند؛ اما قرارگاه فتح بدلیل هوشیاری و آمادگی فوق‌العاده دشمن، توفیق چندانی در تصرف اهداف مورد

نظر خود نداشت. دشمن برای خروج نیروهایش از محاصره، در اطراف «نهر عرایض» و «پل نو» و از سمت غرب (شلمچه) و شرق (خرمشهر) پاتک های شدیدی را آغاز کرد. ولی به دلیل مقاومت یگان های مستقر در منطقه با شکست مواجه شد. دشمن پس از این شکست، نیروهای خود را از شمال شرقی خرمشهر به داخل شهر هدایت کرد تا بلکه با توان بیشتری از شهر دفاع کند اما این حربه نیز کارساز نبود و نیروهای عراقی در اثر شکست های پیاپی و عقب نشینی های خفت بار، به کلی روحیه خود را از دست داده بودند و گرسنگی و تشنگی مانع از مقاومت هرچند مختصر آنها بود. در این شرایط تبلیغات یگان های خودی و درخواست از نیروهای عراقی برای تسلیم شدن، موجب شد تا آنها چاره را در تسلیم دیده و گروه گروه خود را به نیروهای اسلام تسلیم کنند. سرانجام خرمشهر در ساعت ۱۱ روز ۱۳۶۱/۳/۳ به تصرف نیروهای اسلام در آمد و خط پدافندی مناسبی از طلائیه تا کوشک و شلمچه در حاشیه خطوط مرزی و نیز حاشیه شمال اروندرود برقرار شد (درویشی، ۱۳۹۵/۲/۳۰).

۸- نتایج و بازتاب های سیاسی و نظامی عملیات بیت المقدس

عملیات بیت المقدس که در منطقه جنوب اهواز و خرمشهر انجام شد، منجر به آزادسازی منطقه ای حدود به وسعت ۶۰۰۰ کیلومتر مربع از جمله آزادسازی شهر خرمشهر - هویزه، جاده اهواز - خرمشهر و منطقه جفیر و ۱۸۰ کیلومتر مرز از خرمشهر تا شلمچه و کوشک - طلائیه تا هورالهویزه گردید. از دیگر نتایج این عملیات می توان به موارد ذیل اشاره نمود: کشته و زخمی شدن ۱۶ هزار نفر از دشمن، ۲۰ هزار نفر اسیر. لشکرهای ۳، ۶، ۹، ۱۰، ۱۲، زرهی، ۱۱ و ۷ پیاده و ۵ مکانیزه، متحمل خسارات فراوانی شدند، تیپ های مستقل ۱۰ زرهی، ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص، ۹، ۱۰، ۲۰ گارد مرزی، ۲۳۸، ۵۰۱، ۴۰۷، ۶۰۵، ۶۰۱، ۶۰۲، ۴۱۶، ۴۱۹ و ۱۰۹ پیاده بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد منهدم شدند و در نهایت تجهیزات و امکانات برجای مانده از دشمن به حدی بود که احصاء و شمارش دقیق آنها میسر نبود. فتح خرمشهر، مهمترین دستاورد عملیات بیت المقدس، نقطه عطف تاریخ جنگ هشت ساله ایران عراق محسوب می شود. در این عملیات، موفقیت استراتژی آزادسازی سرزمین های اشغالی در جنوب تأمین شد و برتری نظامی ایران بر عراق مورد تأیید کارشناسان و تحلیل گران مسائل نظامی قرار گرفت. اگرچه محافل خبری دنیا کوشش کردند

تا شکست‌های ارتش عراق را تحت عنوان و پوشش عقب‌نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی توجیه کنند اما باز هم این مساله موجب نادیده گرفتن برتری ایران در جنگ نشد. این شکست در کنار شکست‌های قبلی ارتش عراق موجب انفعال نظامی فرماندهان و نیروهای عراق در جنگ شد و این روحیه تا مدت‌ها در میان آنان دیده می‌شد. تنها نقطه ضعف نیروهای ایران در این عملیات، عدم تعقیب دشمن پس از عقب‌نشینی لشکرهای ۵ و ۶ بود که به علت کمبود توان صورت نگرفت. تأثیر نیروهای انقلابی و مردمی در این پیروزی‌ها نشان داد که جمهوری اسلامی با اتکاء به سازمان‌ها و نهادهای جدیدالتأسیس برآمده از روح انقلاب اسلامی، توانست کلیه حقوق خود را با قدرت تأمین کند.

از سوی دیگر فتح خرمشهر زنگ خطر را برای کشورهای منطقه به صدا درآورد و موجب شد تا این کشورها به سرکردگی آمریکا مبادرت به تقویت مالی و نظامی عراق کرده و آن را به‌عنوان پرچمدار مبارزه با انقلاب اسلامی حفظ کنند. در این شرایط ابعاد منطقه‌ای جنگ وسعت بیشتری یافت و جنگ وارد مرحله جدیدی شد که خروج از آن مستلزم تدابیر ویژه‌ای بود. لذا از مهمترین نتایج عملیات بیت‌المقدس می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- تغییر نگرش‌ها و باورهای جهانی نسبت به توانمندی رزمندگان اسلام و اثبات قابلیت‌های

مبتنی بر خلاقیت‌ها و ابتکار نیروهای ایرانی؛

۲- شگفتی و حیرت‌زدگی محافل

و افکار جهانی از پتانسیل ایمان، اصل غافل‌گیری و سرعت عمل رزمندگان اسلام به‌عنوان رهیافت‌های جدید دفاعی؛

۳- ایجاد نگرانی و وحشت در بین

حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی رژیم عراق که با کمک‌های مالی و تسلیحاتی خود به پیروزی عراق امیدوار بودند؛

۴- تغییر موازنه قدرت در



- جبهه های نبرد؛ به طوری که ابتکار عمل آفندی در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت؛
- ۵- افزایش اقتدار سیاسی نظام در سطح بین المللی؛ به طوری که مسئولان سیاست خارجی، سرافرازانه در محافل و مجامع بین المللی از حقوق ملت مظلوم ایران دفاع می کردند؛
- ۶- واکنش کشورها به بهانه تهدید امنیت در خلیج فارس و اظهار نگرانی از گسترش انقلاب اسلامی در صورت تثبیت نظام جمهوری اسلامی؛
- ۷- وادار کردن سازمان های منطقه ای و بین المللی به موضع گیری؛ به ویژه شورای امنیت سازمان ملل که سکوت خود را پس از چندین ماه از آغاز تجاوز عراق شکست و اقدام به صدور قطعنامه نمود؛
- ۸- شکست توان سیاسی و نظامی عراق و تردید حامیان او در توانایی نظامی ارتش عراق با وجود حمایت های مالی و سیاسی و نظامی گسترده؛
- ۹- ایجاد سرور و شادمانی یکپارچه در ملت ایران و تقویت وحدت ملی و انگیزه دفاعی در همه آحاد ملت و مسئولان؛
- ۱۰- محدود شدن فعالیت گروهک های ضد انقلاب و ستون پنجم در داخل و ناامید شدن از ادامه فعالیت ها و احساس ترس از خشم و غرور دینی و ملی مردم (منصوری لاریجانی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

۱۰- عملیات بیت المقدس در نگاه رسانه های جهان

نگاهی به اخبار و گزارش های منعکس شده از خبرگزاری ها، شبکه های مختلف تلویزیونی مطبوعات معتبر جهان درباره عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر نشان می دهد که با وجود نگاه جانبدارانه و جهت دار در ارسال اخبار و اطلاعات، در این باره جملگی این رسانه ها زبان اعتراف گشوده و با بهت و حیرت به شکست نیروهای بعثی در این عملیات اذعان کرده اند. مطلب ذیل که با تلاش روابط عمومی سازمان حفظ نشر آثار و ارزش های دفاع مقدس سپاه پاسداران تهیه شده نگاهی دارد به اخبار و مواضع رسانه های جهان پس از آزادسازی خرمشهر. عملیات پیروز بیت المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر پس از ۵۷۵ روزگردید، ضربه اساسی و تعیین کننده ای بر پیکر دشمن وارد ساخت و تمامی معادلات، و ذهنیت هایی را که در مورد

توانایی و قابلیت‌های نظامی ایران وجود داشت، تغییر داد. بسیاری از کارشناسان نظامی تحلیل‌گران رسانه‌های خارجی، در برابر سرعت عمل و ویژگی‌های عملیاتی نیروهای ایرانی به هنگام فتح خرمشهر، غافلگیر، مبهوت و شگفت‌زده شدند. رادیو دولتی انگلیس که در شامگاه نهم اردیبهشت ۱۳۶۱ اعلام می‌کرد: «چنانچه ایرانیان درصدد بازپس گرفتن خرمشهر برآیند، سخت‌ترین (گردو) را برای شکستن برگزیده‌اند.» سرانجام ناچار شد سکوت خود را بکشند و طی گفتاری در روز پنجم خرداد ماه سال ۶۱ یعنی دو روز پس از آزادسازی خرمشهر توسط رزمندگان اسلام حیرت زده اعلام کند: از زمانی که خبرنگاران غربی از نیروهای عراقی در خرمشهر دیدن کرده و از روحیه خوب آنها گزارش داده‌اند، بیش از سه یا چهار روز نمی‌گذرد که ناگهان همه شهر از دست عراقی‌ها بیرون کشیده شد. در ساعت ۱۰:۵۵ دقیقه بامداد چهارشنبه، چهارم خرداد ۶۱ خبرگزاری‌های بین‌المللی، در گزارش‌هایی که با عنوان «بسیار مهم» از بغداد به سراسر جهان مخابره کرد، برای نخستین بار ضمن استناد به بیانیه نظامی بغداد اعلام داشتند که عراق تلویحاً به شکست خود اعتراف کرده است. به نوشته وزیر خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری رسمی عراق _ آی.ان.۱، طی یک اطلاعیه کوتاه ضمن آن که از خرمشهر با عنوان (بندر خرمشهر) نام برد، اعلام کرد: سخنگوی ارتش عراق اعلام کرده است بندر خرمشهر را ترک کرده و تا مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کرده‌اند. این خبرگزاری افزود که عقب‌نشینی نیروهای عراقی، از روز یکشنبه اول خرداد ۱۳۶۱ آغاز شده است. همین اطلاعیه تلکس بین‌المللی خبرگزاری عراق، عصر روز چهارم خرداد ۱۳۶۱ به صورت دیگری از سوی رادیو صوت الجماهير بغداد به اطلاع افکار عمومی عراق رسانده شد: «یک سخنگوی ارتش عراق اعلام کرده است که نیروهای پیروزمند قادسیه صدام پس از آن که تمامی حمله‌های قوای دشمن منحوس و نژادپرست فارس را در مناطق الخفاجیه (سوسنگرد) و الاهواز (اهواز) با اقتدار کامل دفع کردند...، صبح روز ۲۴/۵/۱۹۸۲ (۳/۳/۱۳۶۱)، در یک جابه‌جایی تحسین برانگیز، عقب‌نشینی تاکتیکی (!) خود را از جبهه معمره (خرمشهر) با موفقیت کامل انجام داده‌اند. این درست در شرایطی از رادیوی دولتی بغداد پخش می‌شد که خبرگزاری آمریکایی (یونایتد پرس) در ساعت بیست و چهار و بیست و دو دقیقه همان روز، در گزارش ارسالی خود از بیروت، سربازان عراقی را در حال فرار توصیف کرده و نوشت: سربازان در حال فرار عراق، سرگرم گریختن از خرمشهر و مناطق اشغالی هستند. پس از

پخش گزارش های مستند و خبری و تصاویر تهیه شده از جبهه خرمشهر توسط رسانه های ایران و خارجی که در آنها شکست نیروهای عراقی در قالب صفوف هزاران نفره اسرا و انبوه ادوات و تجهیزات منهدم شده یا به غنیمت درآمده دشمن، به گویاترین وجهی به نمایش درآمد، دیگر حتی کشورهای جنوب خلیج فارس نیز که همواره از صدام حمایت می کردند، اکنون به واهی بودن دعاوی حکام بغداد اذعان داشتند. از طرف دیگر رژیم عراق برای فریب افکار عمومی و سرپوش گذاشتن بر شکست های بیت المقدس، اقدام به اعطای مدال شجاعت، نشان لیاقت و نشان رافدین به تعدادی از فرماندهان خود کرد. رادیو دولتی صدای امریکا پس از پنج شبانه روز سکوت و امتناع از انعکاس خبر فتح خرمشهر توسط نیروهای ایران، سرانجام در گزارش ویژه هشتم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ خود می گوید: با وجود مشکلات تدارکاتی، ناآرامی های ناشی از انقلاب و کاهش تدریجی قدرت عملیات نیروهای هوایی ایران، ماشین نظامی ایران به گونه ای اعجاب آور عمل کرد. روزنامه گاردین چاپ انگلستان درباره سقوط فتح خرمشهر می نویسد: سقوط خرمشهر یعنی سقوط آخرین و مهم ترین افتخار جنگی عراق که ایرانی ها با بازپس گرفتن آن، این برگ برنده را که به وسیله آن عراق می کوشید ایران را به پای میز مذاکره بکشاند، از دست بغداد ربودند. همچنین وزیر امور خارجه آمریکا، «الکساندر هیگ» رسماً در شورای امور خاورمیانه وزارت خارجه شان می گوید: پیروزی های اخیر ایران در جنگ با عراق برای آمریکا نگران کننده است و منافع غرب خصوصاً آمریکا را در منطقه به خطر انداخته است (سامانه متمرکز سپاه تهران بزرگ، ۹۳/۲/۱۰).

تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

سقوط خرمشهر و اسارت هزاران سرباز عراقی را فقط می توان یک شکست فاجعه آمیز دانست و ارتش بعثی عراق، تحقیر ناشی از آن را نمی تواند فراموش کند. ارتش عراق، خرمشهر را پس از یک ماه جنگ شدید و تحمل تلفات سنگین به تصرف خود در آورد، در حالی که ایرانیان، پس از یک حمله که کمتر از دو روز به طول انجامید، آن را بازپس گرفتند و این عمل، افزون بر یک ضربه ی استراتژیک، از نظر روانی، ضربه عظیمی به ارتش عراق وارد کرد. این اعتراف فاینشال تایمز یکی از معتبرترین دستگاه های تبلیغاتی و مطبوعات غرب در زمان فتح خرمشهر توسط رزمندگان اسلام بود. خرمشهر، که پس از ۳۴ روز مقاومت در برابر دشمن در تاریخ ۴ آبان ۵۹ سقوط کرده بود، پس از ۵۷۵ روز اشغال، در کمتر از ۴۸ ساعت آزاد و به طور کامل از وجود

نیروهای ارتش عراق پاکسازی شد.

عملیات بیت المقدس به عنوان نقطه‌ی عطف و برجسته‌ترین عملیات پدافندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تاریخ نظامی هشت سال دفاع مقدس ثبت شده است، زیرا پس از این عملیات بود که مرحله‌ی سوم جنگ آغاز شد و مقدمه‌ای شد برای پیگیری راهبرد تعقیب متجاوز.

پاسخ سوال ۱: عوامل و زمینه‌های موفقیت عملیات بیت المقدس چه بود؟

بعضی از زمینه‌ها و عوامل موفقیت این عملیات، از نظر تاکتیکی و عملیاتی، به چند عملیات پیش از عملیات بیت المقدس برمی گردد. به این ترتیب که ابتدا عملیات ثامن الائمه انجام گرفت، بعد عملیات طریق القدس و سپس فتح المبین که در نهایت منجر به آزادسازی منطقه‌ی شمالی خوزستان شد. مجموعه‌ی این سه عملیات اصلی و چند عملیات فرعی و انحرافی دیگر، اقدام‌هایی بود که با هدف تغییر کفه قدرت به نفع نیروهای خودی و به ضرر دشمن انجام گرفت. سه عملیات قبلی، از نظر تاکتیکی و عملیاتی، زمینه‌ای را فراهم کرد که بتوانیم در جبهه، هم قدرت بیشتری نسبت به عراق کسب کنیم و هم روحیه نیروهایمان را بالاتر ببریم. همچنین تجربه بیشتری به دست بیاوریم و عراق را در وضعیت نامساعدتری قرار بدهیم تا در نهایت بتوانیم بر آن پیروز شویم. عامل مهم دیگر این بود که ارتش و سپاه به همراه نیروهای داوطلب بسیجی، دوشادوش هم تحت فرماندهی مشترک ارتش و سپاه عمل کردند. همچنین طراحی بسیار خوب و فنی عملیات، شجاعت رزمندگان در تحمل سختی‌های میدان جنگ و خستگی ناپذیری آنها، باعث شدند تا این عملیات با موفقیت همراه باشد. به واقع توانایی فرماندهان در طراحی، اجرا و فرماندهی این عملیات، از دیگر عوامل موفقیت هستند؛ یعنی عوامل تکنیکی در کنار تجربه، روحیه و انگیزه‌ی بالای عوامل انسانی از لحاظ خستگی ناپذیری و اراده و در نهایت الطاف الهی باعث شد تا خرمشهر آزاد شود.

پاسخ سؤال دوم: خصوصیات بارز فنی طراحی عملیات بیت المقدس کدامند؟

یک عامل در موفقیت این عملیات، سرعت در طرح ریزی و شروع عملیات بود. عملیات بیت المقدس درست یک ماه بعد از عملیات فتح المبین انجام شد. معمولاً در جنگ ایران و عراق، بین هر عملیات، سه تا چهار ماه فاصله بود و این به یک روال متداول تبدیل شده بود. البته این موضوع، دلایل متعددی داشت. از جمله اینکه نیروها خودشان را آماده و تجهیزات و استعداد لازم

را تهیه کنند و پای کار بیاورند، زمین را شناسایی کنند و طرح ریزی کنند. در جنگ، طبق روش های نظامی، ابتدا توان دشمن سنجیده می شود، بعد منطقه از نظر جغرافیایی و امکان اقدام نظامی، مجدداً بررسی می شود و آن گاه راهکارهای مختلف مطرح و نسبت به یکدیگر سنجیده می شوند و سرانجام یکی از راهکارها انتخاب و برای آن تدارکات لازم دیده می شود. عامل دوم موفقیت، یعنی عبور از رودخانه ی کارون برای دستیابی به مناطق غرب این رودخانه، مسئله اصلی این عملیات بود که قبول این ریسک، مسئولیت بزرگی محسوب می شد. مهم تر از آن، اصل غافل گیری دشمن بود؛ به طوری که می توان مهم ترین ویژگی های عملیات آزادسازی خرمشهر را در این سه عبارت خلاصه کرد:

الف) ریسک فرماندهی، ب) اصل غافل گیری دشمن و ج) سرعت نیروهای عمل کننده.

معمولاً بین هر عملیات با عملیات بعدی، سه ماه تا چهار ماه فاصله بود. به عنوان نمونه، میان عملیات ثامن الائمه تا عملیات طریق القدس، سه ماه فاصله بود. همچنین بین عملیات طریق القدس و عملیات فتح المبین سه ماه فاصله بود. لذا اینکه بین هر عملیات با عملیات بعدی، یک فاصله ی سه تا چهار ماهه باشد، به صورت یک عادت برای هر دو طرف درآمده بود؛ یعنی دو طرف وقتی عملیاتی می شد، تقریباً در این اطمینان بودند که تا سه چهار ماه آینده از عملیات خبری نیست؛ اما در این عملیات، ما تلاش کردیم تا عراق را در یک غافل گیری سرنوشت ساز قرار بدهیم. عراق فکر می کرد بعد از عملیات فتح المبین، عملیات بعدی ایران سه ماه یا چهار ماه دیگر شروع می شود، اما ایران در مدت زمانی کوتاه تر از آنچه عراق برآورد می کرد، حمله را آغاز کرد.

لذا بلافاصله بعد از عملیات فتح المبین، حتی به یگان ها اجازه داده نشد که برای رفع خستگی به مرخصی بروند. دستور این بود که بلافاصله به منطقه بیت المقدس در جنوب اهواز نقل مکان کنند. در واقع یک مسافت سیصد کیلومتری را از شمال خوزستان، به جنوب خوزستان آمدند. لذا سرعت در اجرای این عملیات، چه از نظر تهیه پشتیبانی و چه از نظر طرح ریزی، یکی از عوامل غافل گیری عراق بود. زمانی که ما حمله به عراق را شروع کردیم، عراق فکر نمی کرد که ایران با این فاصله ی کوتاه توانسته باشد خودش را برای عملیات بعدی آماده کند.

عامل دوم، که خیلی در موفقیت این عملیات مؤثر بود، عبور از رودخانه ی کارون بود. در

جنگ، عبور از رودخانه، با حالت جنگی و رزمی، عملیات بسیار مشکل، پیچیده و خطرناکی محسوب می‌شود، چون برخلاف عبور عادی از پل‌ها، یگان‌های نظامی باید با حالت رزمی از رودخانه‌ای عبور کند که در آن طرف ساحلش، دشمن حضور دارد. معمولاً این گونه عملیات با ریسک توأم است. زمانی که یگان‌های رزمی در حال عملیات عبور از رودخانه هستند، یک ریسک را پذیرفته‌اند. چون در صورت وقوع جنگ، امکان و توان هم‌زمان عبور و جنگیدن وجود ندارد، زیرا هنوز آرایش جنگی ندارند. علاوه بر این، وقتی هم که از پل رد شدند، توان، آمادگی و آرایش لازم برای جنگیدن وجود ندارد. معمولاً در این زمان، دشمن سعی می‌کند پل و نیروهایی را که در حال عبور از رودخانه هستند بلافاصله زیر آتش هوایی و زمینی قرار بدهد. لذا عبور از رودخانه، از لحاظ محاسبه زمان نزدیک شدن نیروها به پل و عبور یگان‌ها از پل، برحسب طول پل و نوع یگان عبورکننده به لحاظ رزمی، پیاده یا مکانیزه، عملیات بسیار مشکلی است. با توجه به اینکه در جنگ‌های قبلی، تقریباً چنین عملیاتی تجربه نشده بود، برآورد ما این بود که عراق فکر نمی‌کرد ما بتوانیم از رودخانه کارون عبور کنیم.

یکی دیگر از عوامل تاکتیکی موفقیت این عملیات، وسعت منطقه عملیات در عرض رودخانه است که به آن اصطلاحاً «سرپل» گفته می‌شود. مسلماً در عملیات عبور از رودخانه، نیروها «به ستون یک» از رودخانه عبور نمی‌کنند، بلکه محوطه‌ای را در آن سوی ساحل رودخانه برای عبور، تصرف و تجدید سازمان و آرایش نیروهای عمل‌کننده در نظر می‌گیرند. در عملیات بیت‌المقدس، محدوده عملیات رودخانه‌ای کارون یا به اصطلاح نظامی، سرپل عملیات، عرض چهل کیلومتری داشت؛ یعنی در عرض چهل کیلومتر با زدن پنج پل و با کمک قایق‌هایی که از نیروی دریایی آورده شده بودند و همچنین «طراده‌هایی» که برای عبور و حمل و نقل بار و تجهیزات زرهی و توپخانه در عرض چهل کیلومتر به خدمت گرفته شد، نیروهای ما از رودخانه عبور کردند. عراق در این زمان متحیر و سرگردان شده بود که به کجای این عرض چهل کیلومتری حمله کند. چون به هر گوشه که حمله می‌کرد از یک گوشه دیگر ایران به پیشروی ادامه می‌داد. لذا عریض بودن «سرپل» یکی از عوامل تاکتیکی موفقیت بود که در این طرح لحاظ شده بود و از نظر نظامی، جزء نکات بسیار برجسته این عملیات است.

پاسخ سؤال سوم: ارزیابی مقایسه میان اهداف با نتایج و دستاوردهای عملیات بیت المقدس چیست؟

ما دو نوع هدف در این عملیات داشتیم: اول، اهداف راهبردی و دوم، اهداف تاکتیکی. اهداف راهبردی ایران در عملیات بیت المقدس، آزادسازی خرمشهر و تهدید شرق بصره بود. اهداف تاکتیکی هم در این عملیات عبارت بود از انهدام دشمن در مناطق اشغالی جنوب غرب خوزستان و آزادسازی این بخش ها و وارد آوردن خسارت و تلفات به ماشین جنگی دشمن در این منطقه. آزادسازی خرمشهر به عنوان هدف راهبردی این عملیات، باعث خنثی کردن اهداف راهبردی عراق در حمله به ایران می شد. طبق اسناد و مدارک و نیز گفته های مقامات عراقی، عراق در حمله به ایران سه هدف عمده را تعقیب می کرد: اول، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران. دوم، جداسازی خوزستان با استفاده از گزینه ی نظامی از طریق حمله به خوزستان و سومین خواسته یا هدف عراق در حمله به ایران، تجدید نظر در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، ناظر به وضعیت مرزبندی روی رودخانه مشترک اروند بود.

ما در قرارداد ۱۹۷۵ و طبق تمام قوانین و حقوق بین المللی حاکم بر رودخانه های مشترک، با عراق به این توافق رسیدیم که «خط تالوگ» یا «خط القعر» رودخانه اروند، مرز مشترک دو کشور قرار گیرد؛ اما عراق مدعی بود که این رودخانه جزء آب های داخلی عراق است. این ادعای عراق برمی گشت به سال ها قبل از این تاریخ و حتی برمی گشت به دولت عثمانی که عراق از آن متولد شده بود. البته این اختلاف مرزی توسط انگلستان بین دو کشور تشدید شد و قبل از خروج از منطقه غرب آسیا، این اختلاف را بین دو کشور تشدید کرد. رژیم بعث عراق معتقد بود که ساحل ایران در رودخانه، مرز دو کشور است؛ در حالی که این ادعا برخلاف منطق مرزبندی حاکم بر رودخانه های مشترک مرزی است و لذا ادعایی کاملاً واهی و بی اساس بود، ولی عراق روی ادعایش اصرار می کرد. عراق بعد از انقلاب اسلامی، تصمیم به حمله به ایران گرفت. یکی از دلایل حمله این بود که در این قرارداد تجدیدنظر ایجاد کند و ایران بپذیرد که تمامی این رودخانه متعلق به عراق است. برای اینکه این خواسته اش را محقق کند، روی خرمشهر و آبادان دست گذاشت؛ یعنی درصدد برآمد که بر کرانه شمالی اروند تسلط پیدا کند که اگر آنجا متعلق به عراق می شد، طبیعتاً دیگر ایران نمی توانست ادعایی راجع به این رودخانه داشته باشد، چون ساحلی در

این رودخانه نداشت؛ اما با بازپس گیری خرمشهر، فرایند ناکامی عراق در دستیابی به اهدافش کامل شد. در واقع عراق تمام اهدافش را از دست داده بود. هم نتوانسته بود جمهوری اسلامی را سرنگون کند، هم نتوانسته بود خوزستان را از ایران جدا کند، چون قبلاً با فتح‌المبین و طریق‌القدس، خوزستان آزاد شده بود و هم ساحل شمالی اروند را از دست داده بود و در این هدف هم ناکام مانده بود. لذا تمامی اهداف عراق در حمله به ایران، نقش بر آب شده بود.

در واقع بازپس‌گیری خرمشهر مجموعه اهداف عراق را در حمله به ایران نقش بر آب کرد. ضمناً نشان‌دهنده این بود که حکومت جمهوری اسلامی ایران نه تنها یک حکومت متزلزل و بی‌ثبات و ناتوان نیست، بلکه توانسته است دشمن خود را از بخش عظیمی از مناطق اشغالی خود بیرون کند. نه تنها سرنگون نشده، بلکه محکم‌تر سر جای خودش نشسته و ضمناً قوای نظامی ایران از آن حالت تدافعی کاملاً آزاد شدند و توانستند نیروهای عراقی را بیرون برانند و کفه قدرت نظامی به نفع ایران سنگین شده بود؛ اما در پاسخ به این سؤال که چقدر از اهداف این عملیات محقق شد، باید بگوییم بخش اعظم اهداف راهبردی، که همانا آزادسازی خرمشهر بود، محقق شد و همچنین تمامی اهداف تاکتیکی نیز در این عملیات محقق شد.

نتیجه‌گیری

در بررسی و نتیجه‌گیری به عمل آمده در این مقاله نشان می‌دهد که در دوران جنگ هشت‌ساله نبردی عظیم‌تر، وسیع‌تر، مهم‌تر و ماندگارتر از عملیات بیت‌المقدس وجود ندارد. بیشترین تعداد اسرای دشمن و بالاترین رقم غنائیم جنگی در این عملیات به دست آمده است. عمیق‌ترین پیشروی‌ها در این نبرد انجام شد، به گونه‌ای که از شرق منطقه عملیاتی با عبور از کارون، ۳۷ کیلومتر پیشروی در مرکز ثقل قوای دشمن انجام و رزمندگان اسلام خود را به مرز بین‌المللی رساندند و از سمت اهواز نیز حدود ۱۲۰ کیلومتر تا خرمشهر و اروندرود، منطقه بزرگی به تصرف قوای اسلام درآمد. در سال دوم جنگ، صدام و مسئولین ارتش بعثی عراق در همه سطوح از ظهور یک قدرت جدید در قابلیت‌های رزمی جمهوری اسلامی ایران، غافلگیر شدند. آنها نتوانستند درک کنند که این قدرت جدید نظامی، چگونه در ایران به وجود آمد. آنها مشاهده می‌کردند که توان ارتش جمهوری اسلامی، تفاوتی نکرده است. بر تجهیزات، جنگ‌افزار و

یگان های آنها چیزی اضافه نشده است ولی در عین حال ترکیب جدیدی از توانمندی های نظامی در قدرت رزمی ایران پدید آمده است. این قدرت جدید حضور نیروهای داوطلبانه مردمی در جبهه های جنگ بود که با نگرش امام خمینی علیه السلام به موضوع دفاع و برداشت های ایشان از مکتب دفاعی اسلام، پدید آمده بود. داوطلبان بسیجی با کمک پاسداران آموزش دیده در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سازماندهی شدند و حجم عظیمی از یگان های رزمی جدید را به وجود آوردند که با انگیزه الهی و با تمام قوا در کنار ارتش جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمن می جنگیدند. از سوی دیگر سازمان جهاد سازندگی به عنوان یک قدرت بزرگ پشتیبانی و مهندسی، توانستند ده ها گردان عملیاتی را شکل دهند که پایه پای رزمندگان خط مقدم، امکان مقاومت در برابر دشمن را فراهم آوردند.

مطالعه این حماسه ها و ایثارگری های تاریخی رزمندگان ایران، اعم از نیروهای سپاه، بسیج، ارتش و جهاد سازندگی، ما را به این حقیقت هرچه بیشتر رهنمون می سازد که این غیور مردان از همان ابتدای پیروزی جمهوری اسلامی ایران در مسیر ارتقاء فرهنگ ناب اسلامی-ایرانی پیشقدم بوده اند و در جبهه حق علیه باطل و در ۸ سال دفاع مقدس از جانمایه گذاشته اند. البته در این مسیر و به خصوص عملیات بیت المقدس، نقش فرماندهان سپاه و ارتش بسیار حائز اهمیت بوده است. در مجموع، حضور فعال و ۲۵ روزه رزمندگان در اجرای آفندهای مکرر و متقابل و تحمل دلیرانه پاتک های سنگین و متعدد دشمن و دفع آنها نشان دهنده قصد قطعی و اراده استوار آنان برای کسب پیروزی، تأمین هدف ها و به ویژه آزادسازی خرمشهر بوده است و نمونه ای از تلاش های خستگی ناپذیر آنان در نبرد علیه متجاوز به شمار می آید. در پایان می توان به پیام حضرت امام خمینی علیه السلام در خصوص آزادی خرمشهر اشاره نمود که ایشان فرمودند: «با تشکر از تلگرافاتی که در فتح خرمشهر به اینجانب شده است، سپاس بی حد بر خداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرار داد و نصر بزرگ خود را نصیب ما فرمود. اینجانب با یقین به آنکه (ما النصر الا من عند الله) از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمده و کشور بقیه الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفدا را از چنگ گرگان آدم خوار که آلت هایی در دست ابرقدرتان، خصوصاً آمریکای

جهان خوار هستند، بیرون آورد و ندای الله اکبر را در خرمشهر عزیز طنین انداز کرد و پرچم لا اله الا الله را بر فراز آن شهر خرم که به دست جنایتکاران غرب به خون کشیده و خونین شهر نام گرفت به اهتزاز در آورد، تشکر می کنم و آنان فوق تشکر امثال من هستند. آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپاکننده عدل الهی در سراسر گیتی روحی لترات مقدمه الفدا می باشند. آنان به آرم «مارمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» مفتخرند. مبارک باد و هزاران بار مبارک باد بر شما عزیزان و نور چشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی و ضایعات کم و غنائیم بی پایان و هزاران اسیر گمراه و مقتولین و آسیب دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکریتی، این ابر جنایتکار دهر به تباهی کشیده شدند، سرافرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی هدیه آوردید و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنان فداکارانی هستند که ستاره درخشانده پیروزی آنان بر تارک تاریخ تا نفع صور نورافشانی خواهد کرد و مبارک باد بر ملت عظیم الشأن ایران این چنین فرزندان سلحشور جان برکفی که نام کشورشان را جاویدان کردند و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعانی که در دو جبهه جنگ با دشمن باطنی و دشمن ظاهری پیروزمندانه و سرافراز امتحان خویش را داده اند و برای اسلام سرافرازی آفریدند و هان، ای فرزندان قرآن کریم و نیروهای ارتشی، سپاهی، بسیجی، ژاندارمری، شهربانی و کمیته ها و عشایر و نیروهای مردمی داوطلب و ملت عزیز، هوشیار باشید که پیروزی هرچند عظیم و حیرت انگیز است، شما را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست غافل نکند و غرور فتح شما را به خود جلب نکند که این افتخار بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه شیطان به سراغ آدم می آید و برای اولاد آدم تباهی می آورد و من با آنکه به همه شما اطمینان تعهد به اسلام دارم، از تذکری که برای مؤمنان نفع دارد، باید غفلت نکنم. چنانچه از نصیحت به حکومت های همجوار و منطقه دریغ ندارم و آنان می دانند، امروز با فتح خرمشهر مظلوم، دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می گوید و من به پیروی از آنان به شما اطمینان می دهم که اگر از اطاعت بی چون و چرای آمریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار کنید، از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید و شما بدانید آنقدر که ابر قدرت ها از صدام، این نوکر چشم و گوش بسته، پشتیبانی کردند از شماها که قدرت های کوچک و حکومت های ضعیف هستید، پشتیبانی نمی کنند و شما عاقبت این جنایت کار و هم قطار جنایت کارش شاه مخلوع را به عیان دیده اید. قدرت های بزرگ پیش از آنکه

از شما استفاده نمایند، از شما طرفداری نمی کنند و شما را برای منافع خویش به هلاکت می کشند و من نصیحت برادرانه به شما می کنم که کاری نکنید که قرآن کریم برای برخورد با شما تکلیف نماید با حکم خدا با شما رفتار کنیم و یقین بدانید که امثال حسنی مبارک مصری و حسین اردنی و دیگر جنایتکاران آنان برای شما نفعی ندارد و دین و دنیای شما را تباه می کنند. اگر با نشست های خود بخواهید طرح کمپ دیوید یا فهد را که مرده اند، زنده کنید که خطر بزرگی برای کشورهای اسلامی به خصوص حرمین شریفین می دانیم؛ اسلام به ما اجازه سکوت نمی دهد و اینجانب در پیشگاه مقدس خداوند تکلیف الهی خود را ادا نمودم. اکنون دست تضرع و دعا به سوی خالق یکتا بلند کرده و به قوای مسلح اسلام و فداکاران قرآن کریم و میهن عزیز ایران دعا می کنم و سلامت و سعادت و پیروزی آنان را خواستار هستم. سلام و درود بی پایان بر فرماندهان قوای مسلح و رزمندگان فداکار و بر ملت دلیر ایران عزیز و سرشار از شادی ما. «والسلام علی عباد الله الصالحین» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۲).

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- امام خمینی علیه السلام (۱۳۸۲)، «صحیفه نور»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- ۳- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- ابراهیمی، خدایار (۱۳۹۴)؛ نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انتقال فرهنگ دفاع مقدس، دو فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال اول، شماره اول.
- ۵- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی-امنیتی، تهران: انتشارات سنا، مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت.
- ۶- باقری، مصطفی (بی تا)، «تأثیرات فرهنگی دفاع مقدس»، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۷- هیرو، دیلیپ (۱۳۹۰)، «طولانی‌ترین جنگ (رویارویی نظامی ایران و عراق)»، ترجمه علی رضا فرشچی و همکاران، تهران: نشر مرز و بوم (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس).
- ۸- بختیاری، مسعود (۱۳۸۰)، «عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر»، تهران: انتشارات ایران سبز.
- ۹- درودیان، محمد (۱۳۸۰)، «جنگ، بازیابی ثبات»، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۰- درودیان، محمد (۱۳۹۱)، «آغاز تا پایان»، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۱۱- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۹۱)، «آشنایی با دفاع مقدس»، تهران: انتشارات خادم‌الرضا علیه السلام.
- ۱۲- سوداگر، احمد (بی تا)، «جاده‌های سربی»، تهران: دفتر معارف جنگ.
- ۱۳- جعفری، فتح‌ا... (۱۳۸۴)، «فصلنامه مطالعات جنگ ایران و عراق، نگین ایران»، سال سوم، شماره دوازدهم، تهران: انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۱۴- رشید، غلامعلی (۱۳۷۹)، «هنر جنگ»، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- ۱۵- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۸)، «از خرمشهر تا فاو»، تهران: مرکز مطالعات و

تحقیقات جنگ سپاه.

۱۶- علایی، حسین (۱۳۸۶)، «فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی»، سال چهاردهم، شماره ۴۹، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

۱۷- علایی، حسین (۱۳۹۱)، «روند جنگ ایران و عراق»، تهران، نشر مرز و بوم.

۱۸- حبیبی، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، «گزارش اجمالی سی و هشت عملیات بزرگ»، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

۱۹- درودیان، محمد (۱۳۷۷)، «سیری در جنگ ایران و عراق»، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

۲۰- مصاحبه خبرگزاری فارس با امیر سرتیپ مسعود بختیاری در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴.

منابع اینترنتی

۲۱- وبگاه پژوهشگاه دفاع مقدس با تارنمای: www.Dsrc.ir.

۲۲- پایگاه اطلاع رسانی باغ موزه دفاع مقدس با تارنمای: www.iranhdmi.ir.

۲۳- پایگاه اینترنتی فصلنامه نگین ایران با تارنمای: www.negineiran.ir.

۲۴- درویشی، فرهاد (۱۳۹۵/۲/۳۰)، «عملیات بیت المقدس، حماسه ای برای تاریخ»، در پایگاه اینترنتی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با تارنمای www.defamoghaddas.ir.

۲۵- سامانه متمرکز مجازی سپاه تهران بزرگ با تارنمای: www.alghadir.ghasam.ir.

بررسی تأثیر بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهمپراز در مقابله با تهدیدات از منظر سردار سر لشکر پاسدار شهید حاج حسین همدانی

حسین غلامی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۸

چکیده

به‌طور کلی جنگ ناهمپراز مفهومی است که چگونگی شکست طرف قوی را از طرف ضعیف توضیح می‌دهد. برای بررسی شیوه‌های جنگ ناهمپراز در مقابله با تهدیدات، در این تحقیق به دو حوزه عملیات جنگ درون‌شهری (چریکی) و جنگ اطلاعات اشاره و مورد بررسی قرار گرفته است. از بین نخبگان نظامی کشور که آگاهی مناسبی از جنگ ناهمپراز داشته‌اند، تعداد ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ای مناسب در اختیار آنان قرار گرفت. نتایج به‌دست‌آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. این تحقیق ضمن دستیابی به مؤلفه‌های جنگ ناهمپراز تلاش دارد، با تعیین میزان تأثیر شاخص‌هایی که سردار شهید حاج حسین همدانی در جنگ ناهمپراز جهت کارایی مؤلفه‌ها در مقابل تهدیدات نظامی به‌دست آورده است، را با استفاده از پرسشنامه و انجام مصاحبه مشخص کند.

کلید واژه‌ها: جنگ ناهمپراز، جنگ درون‌شهری (چریکی)، جنگ اطلاعات، سردار شهید حاج حسین همدانی.

مقدمه

به کارگیری الگوی جنگ ناهمطراز به همان اندازه که، طیف وسیعی از فرصت‌های متنوع را فراروی طراحان دفاعی در سطوح مختلف جنگ می‌گستراند؛ تهدید، دل‌نگرانی و تردید را نیز به اردوگاه طرف مقابل تحمیل می‌نماید؛ چرا که با ابتکار عمل، اقدامات غیر منتظره، به کارگیری ابزار نامرسوم، غافلگیری، فریب و عزم و اراده پولادین می‌توان سر رشته امور را از مدار پیش‌بینی-های مبتنی بر راهبرد دشمن خارج ساخت و انسجام راهبرد دشمن را به‌عنوان قابلیت‌های حیاتی از هم گسیخت.

تحقیق حاضر در پی آگاهی بیشتر و شناخت مؤلفه‌های جنگ ناهمطراز در قرن حاضر با آموزه‌های نخبگان نظامی به‌طور ویژه سردار شهید حاج حسین همدانی می‌باشد و بر آن است تا ضمن بررسی شیوه‌های متداول و مورد پذیرش اکثر تحلیل‌گران نظامی در خصوص جنگ ناهمطراز، توانایی نظام دفاعی کشور را در به کارگیری مؤثر این روش‌ها مورد پژوهش و بررسی قرار داده تا بتوان با نتایج حاصل از آن گامی هر چند ناچیز در پویایی تفکرات نوین نظامی و دفاعی برداشته شود.

بیان مسئله

جنگ، پدیده‌ای اجتماعی است که قدمت آن به قدمت حیات بشر می‌رسد. شکل‌گیری این پدیده، متأثر از ویژگی‌های انسان همچون عقل، تفکر، تدبیر، تصمیم‌گیری، تمایل و ... می‌باشد. مبانی دینی، می‌داند که گرایش بالا منجر به شکل‌گیری دو جبهه حق و باطل در طول تاریخ گردیده است (خودسیانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰). اگر چه واژه ناهمطراز (عدم تقارن) به تازگی وارد ادبیات راهبردی نظام دفاعی کشور آمریکا شده است، ولی این یک نظریه جدید نیست. متفکران و اندیشمندان عرصه جنگ، همیشه اجتناب از توانمندی‌های دشمن و یافتن نقاط ضعف او را به‌عنوان یکی از راز و رمزهای پیروزی توصیه نموده‌اند. این منطق اصلی کلیه تلاش‌های رقابتی در زمینه‌های مختلف و از جمله جنگ است. اصل و شاکله جنگ ناهمطراز به دنبال پاسخ به این سؤال است که در منازعات میان بازیگران چگونه راهبرد یک بازیگر ضعیف می‌تواند قدرت یک بازیگر قوی را ناکارآمد کند. براساس منطق روابط بین‌المللی چنانچه قدرت، متضمن پیروزی

در جنگ باشد بازیگران ضعیف هیچ‌گاه نباید بر رقبای قدرتمند فائق آیند؛ به‌ویژه زمانی که فاصله زیادی بین قدرت دو بازیگر وجود داشته باشد (کرمی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۷).

امروزه با پایان گرفتن جنگ سرد و فرو ریختن اسطوره‌های دیوار آهنین شوروی، سیاستمداران ایالات متحده تلاش دارند آن را به معنای پیروزی لیبرال دموکراسی غربی تلقی کرده و همه کشورهای جهان را تحت نظام حاکمیت مورد نظر و ایده آل خود با ارائه نظریه نظم نوین جهانی درآورند. امروزه یکی از گزینه‌های مهم در این چالش فرارو، انتخاب تاکتیک‌های دفاعی به دلیل نامتعادل و نابرابر بودن میزان تهدیدات و قدرت نظامی و تکنولوژیکی آمریکا و متعهدانش بر ما و حتی آنها روی آوری به پدیده جنگ ناهمطراز است. استراتژیست‌ها، جنگ ناهمطراز را به‌عنوان نبردی که از حالت هنجار و قاعده طبیعی خارج شده و از روشی غیرمستقیم برای تأثیرگذاری بر یک نیروی نامتعادل استفاده می‌کنند، می‌دانند. کنت مکنزی در کتاب جنگ نامتقارن خود آخرین تعریف را درباره جنگ ناهمطراز به‌صورت زیر بیان کرده است:

«بکارگیری رویکرد غیر قابل پیش‌بینی یا غیر متعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن با تکیه به نقاط قوت خود و بهره‌برداری از نقاط ضعف او از طریق فناوری غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه»

ضروریست در عصر ظهور تهدیدات با ماهیت عدم تقارن، قبل از هر چیز ضمن آگاهی و شناخت توانایی‌های خود و کشف نقاط آسیب‌پذیر دشمن شیوه‌ها و مؤلفه‌های جنگ ناهمطراز را بیابیم و متناسب با میزان توانایی، قدرت و توان رزمی خود آنها را بکار بگیریم (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۱). این تحقیق ضمن دستیابی به مؤلفه‌های جنگ ناهمطراز تلاش دارد، با الهام از آموزه‌ها و الگوپذیری از سردار سرلشگر پاسدار شهید حاج حسین همدانی، با طرح مسئله میزان تأثیر بکارگیری شیوه‌ها و مؤلفه‌های جنگ ناهمطراز در نظام دفاعی ما برای مقابله با تهدیدات نظامی، در کارآمد کردن جنگ ناهمطراز قدم بردارد.

پرسش تحقیق

بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهمطراز در تحقق اهداف سردار سرلشگر پاسدار شهید حاج حسین همدانی چه تأثیری داشت؟

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق، بررسی تأثیر بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهمپراز در مقابله با تهدیدات نظامی از منظر سردار شهید حاج حسین همدانی است که برای دستیابی به آن، حصول به اهداف اجرایی و اختصاصی مشروحه زیر ضرورت دارد:

الف) تعیین میزان تأثیر بکارگیری دانش نخبگان نظامی کشور در جنگ اطلاعات، تحت عنوان شیوه‌های جنگ ناهمپراز علیه تهدیدات نظامی.

ب) تعیین میزان تأثیر بکارگیری دانش نخبگان نظامی کشور در جنگ درون شهری (چریکی)، تحت عنوان شیوه‌های جنگ ناهمپراز علیه تهدیدات نظامی.

اهمیت موضوع تحقیق

در مقابله با تهدیدات ناهمپراز هدف اصلی جلوگیری از تأثیرات نامتناسب این نوع تهدیدات می‌باشد. تأثیر نامتناسب مضمون اصلی جنگ ناهمپراز است و باید در تمام سطوح جنگ با آن مقابله شود. اولین گام در جهت آمادگی دفاعی براساس برخورد با حوادث و جنگ‌های احتمالی آینده فراروی ملت و دولت‌ها، ابتدا درک صحیح از میزان تهدیدات علیه کشور و سپس فهم نحوه نگرش دشمنان آینده به جنگ‌های احتمالی و همچنین تلقی آنها از محیط‌های جنگی آینده است. گام بعدی نیز استفاده از دانش و تجربه نخبگان نظامی برای مرتفع نمودن هر نوع تهدید برای کشور می‌باشد.

بنابراین شناخت شیوه‌ها و مؤلفه‌های جنگ ناهمپراز و کسب آگاهی کافی در اجرای این شیوه‌ها و بررسی میزان تأثیرگذاری آنها برای مقابله با تهدیدات ناهمپراز نیازمند پژوهش و تحقیقات در این زمینه می‌باشد. محقق با استفاده از دانش نظامی استاد جنگ‌های ناهمپراز محور مقاومت، سردار سرلشگر پاسدار شهید حاج حسین همدانی به بررسی تأثیر بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهمپراز در مقابله با تهدیدات نظامی پرداخته و تلاش کرده است جمع‌آوری اطلاعاتی در این زمینه با استفاده از پرسشنامه و همچنین روایات شهید حاج حسین همدانی این تحقیق را به رشته تحریر درآورد.

فرضیه تحقیق

در این تحقیق، متغیرهای اثرگذار مانند: شیوه‌های جنگ ناهمپراز و شهید حاج حسین همدانی به‌عنوان متغیرهای اساسی مورد بحث محقق در نظر گرفته شده‌اند و محقق فرضیه‌های خود را با توجه به اطلاعات و یافته‌های کتابخانه‌ای، پرسشنامه‌ای و روایاتی از سردار شهید و همچنین با استفاده از تحلیل گران نظامی استنتاج کرده است.

الف) احتمالاً بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمپراز برای مقابله با تهدیدات نظامی هم در دوران دفاع مقدس و هم در جنگ‌های کنونی (برون کشوری) می‌باشد.

ب) احتمالاً بکارگیری جنگ درون شهری (چریکی)، به‌عنوان یک روش برای مقابله با تهدیدات نظامی نیازمند کسب دانش تخصصی با استفاده از آموزه‌های نظامی می‌باشد.

روش اجرای تحقیق

تعیین و تعریف جامعه آماری

جامعه آماری مورد تحقیق، نخبگان نظامی نیروهای مسلح کشور هستند که پیرامون جنگ ناهمپراز آگاهی مناسب داشته‌اند. اینان از میان هم‌زمان شهید حاج حسین همدانی و همچنین از افسران ارشد مطلع و به‌صورت خوشه‌ای تصادفی انتخاب گردیده‌اند.

اسناد و مدارک

محقق به‌منظور گردآوری اطلاعات در خصوص موضوع تحقیق به کتابخانه‌ها و مراکز نیروهای مسلح کشور مراجعه و نسبت به جمع‌آوری اطلاعات از روی منابع اقدام کرده است.

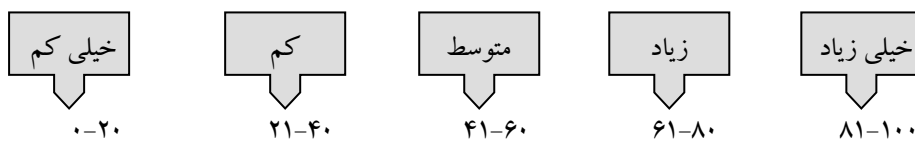
پرسشنامه

محقق برای بدست آوردن میزان توانایی سردار شهید حاج حسین همدانی در راستای بکارگیری شیوه‌های جنگ ناهمپراز در برابر تهدیدات نظامی با استفاده از داده‌های حاصل از پرسشنامه، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه نموده و این نتایج را در اختیار هم‌زمان شهید و همچنین افسران ارشد مطلع قرار داده است.

محقق سؤالات را از نوع سؤالات چند جوابی انتخاب کرده تا توسط آنها بتواند کارایی و

تجربه سردار شهید در حوزه جنگ‌های درون شهری (چریکی) و جنگ اطلاعات را بدست آورده و در تعیین ارزش نهایی کمیت متغیرها اندازه گیری نماید.

نتیجه نهایی تحقیق پس از جمع‌آوری داده‌های حاصل از پرسشنامه در خصوص متغیرهای مستقل مؤثر در میزان توانایی سردار شهید حاج حسین همدانی جهت مقابله با تهدیدات نظامی در یک جنگ ناهمپراز به‌وسیله تجزیه و تحلیل آماری بر مبنای مقیاس نسبی با فواصل زیر محاسبه می‌گردد.



تعاریف و مفاهیم تحقیق

تعریف جنگ ناهمپراز

تاکنون تعریف‌های گوناگونی از جنگ ناهمپراز ارائه شده است؛ مانند منصفانه ننگیدن خصم، یا درگیری میان دو نیروی نامتجانس، مانند درگیری میان نیروی هوایی با زمینی در ادامه به چند نمونه از آنان اشاره می‌گردد:

- عدم برابری و عدم همپرازی نظامی بین طرف‌های درگیر در یک صحنه جنگ؛
- یک درگیری خارج از اصل و قاعده پذیرفته شده در جنگ‌های کلاسیک؛
- برخورد منطقی با شرایط، زمانی که می‌دانیم به هیچ‌وجه نمی‌توان از طریق مرسوم و شیوه‌های جنگ کلاسیک دشمن را مغلوب کرد (استیون‌متر، ۱۳۸۱: ۵۳).

تعریف کاربردی نیروی زمینی از جنگ ناهمپراز

«دشمنان ممکن است تلاش کنند تا با استفاده از نقاط ضعف ما و به کارگیری شیوه‌های کاملاً متفاوت با شیوه‌ی عملیات‌های نظامی آمریکا، قوای ما را مغلوب یا تضعیف کنند».

تعریف استیون‌متر از ناهمپراز، که مبنای بسیاری از مباحث اصلی در حوزه عدم تقارن است، عبارتست از: در امور نظامی و امنیت ملی، عدم تقارن به معنی عملیات، سازماندهی و اندیشه‌ورزی

متفاوت از دشمن به‌منظور به حداکثر رساندن برتری‌های خودی و بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن، به دست گرفتن ابتکار عمل یا به دست آوردن آزادی عمل بیشتر است. این عدم تقارن می‌تواند راهبردی سیاسی، نظامی عملیاتی یا ترکیبی از اینها باشد. همچنین می‌تواند شیوه‌ها، فناوری‌ها، ارزش‌ها، سازمان‌ها، نسبت‌های زمانی و یا ترکیب‌هایی از اینها را شامل شود. این عدم تقارن می‌تواند کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشد؛ می‌تواند جدا از این مباحث به دنبال نگرش‌های متقارن باشد. همچنین این عدم تقارن هر دو بعد فیزیکی و روانی جنگ را شامل می‌شود (استیون‌متر، ۱۳۸۱: ۵۴).

از مجموع تعاریف می‌توان به عناصر اصلی زیر، که در نبرد ناهمپراز مدنظر است، اشاره کرد:

- الف) بهره‌گیری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری دشمن؛
- ب) استفاده از فناوری‌های پیشرفته و غیر قابل انتظار؛
- ج) استفاده از روش‌های مبتکرانه؛
- د) تضعیف اراده دشمن برتر؛
- ه) تأکید بر تأثیر نامتناسب (دستیابی به اهداف راهبردی با استفاده از منابع اندک) (رشید، ۱۳۸۲: ۹۱).

تعریف جنگ اطلاعات

به معنی تغییر توازن دانش اطلاعات به سود نیروهای خودی با آگاهی از همه فعالیت‌های دشمن و ممانعت از دسترسی او به اطلاعات مربوط به خود می‌باشد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۹).

تعریف جنگ درون شهری (چریکی)

طرح‌ریزی و هدایت هر نوع عملیات رزمی بر علیه هدف‌های نظامی در یک مجموعه مسکونی شهری و منطقه طبیعی مجاور آن که با تأسیسات مصنوعی ساخت بشر و تراکم جمعیتی افراد غیر نظامی مشخص می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۰).

جنگ اطلاعات

اطلاعات

در عصر کنونی تغییرات کیفی که در محیط اطلاعاتی به وجود آمده است، نشان می‌دهد که برتری اطلاعاتی از مرز جمع‌آوری اطلاعات فراتر بوده است. عبارت «برتری اطلاعاتی» بر حالت یا وضعیت عدم تعادل به نفع یکی از طرفین دلالت می‌کند. برتری اطلاعاتی زمانی که به شکل کارآمدی به دانش و تصمیمات برتر تبدیل گردد، برای نیروی عمل‌کننده مزیت رقابتی فراهم خواهند کرد. اطلاعات برتر مبدل شده به دانش برتر، باید در جهت تصمیم‌گیری بهتر و سریع‌تر به کار گرفته شود. پیش‌نیاز هر اقدام تاکتیکی و عملیاتی توسط دشمن، کار اطلاعاتی است.

دشمن تا به نتیجه و برآورد قطعی اطلاعاتی نرسد، عمل نخواهد کرد؛ لذا باید تلاش شود تا دشمن در مرحله جنگ اطلاعاتی متوقف شده و هیچ‌وقت به برآورد قطعی و تصمیم در شرایط اطمینان نرسیده و نیازهای اطلاعاتی‌اش تأمین نشود. باید به گونه‌ای عمل کرد که هیچ‌وقت برآورد اطلاعاتی دشمن از قابلیت و توانایی‌های نیروهای خودی کامل نشود؛ انتهای قدرت خودی را نتواند تخمین زده و نیات، راهبردها و طرح‌های ما را شناسایی نکند (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

فریب اطلاعاتی

فریب، اقداماتی را شامل می‌شود که باعث گمراهی تصمیم‌گیران دشمن نسبت به توانایی‌ها، مقاصد و عملیات نیروهای خودی گردد. به این وسیله دشمن اقداماتی را انجام می‌دهد که در موفقیت مأموریت نیروهای خودی نقش دارد. فریب به حصول یک هدف احساسی و ادراکی کمک می‌کند و خود یک هدف اصلی به شمار نمی‌رود.

انحراف در ادراک می‌تواند به دو صورت به وجود آید:

۱- فریب شبهه‌آمیز، که نسبت به یک واقعیت ابهام ایجاد می‌کند؛

۲- فریب گمراه‌کننده که نسبت به یک امر غیر واقعی اطمینان ایجاد می‌کند.

در مقوله اطلاعات فریب عبارت است از، هر کاری که موجب فریب و ایجاد درک مجازی دشمن نسبت به واقعیت‌های خودی شود، در واقع در فریب اطلاعاتی، جنگ، جنگ القای

واقعیت، با عنوان «مجاز» و القای مجاز با عنوان «واقعیت» است.

در واقع در این فضا باید بتوانیم ادراک دشمن و طرف مقابل را مدیریت نماییم، تا او براساس داده‌های عمدی و جهت‌دار ما محیط ذهنی‌اش را آرایش دهد. سیستم تصمیم‌گیری دشمن تابع سیگنال‌هایی است که ما منتشر می‌کنیم، نه آنچه که او به دست می‌آورد؛ بنابراین در یکجا حفاظت از اطلاعات، اقتضای جلودگی از انتشار امواج و در جایی دیگر اقتضای آن انتشار اطلاعات و امواج جهت‌دار است؛ زیرا فضایی مه‌آلود، ابهام‌آمیز و غیر واقعی و مجازی ایجاد کرده و از آن طریق می‌تواند ادراکات دشمن را مدیریت کند، تا دشمن در هدف‌یابی و هدف‌گزینی همواره در تردید و ابهام به سربرد (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

اصل اشراف اطلاعاتی

ماشین جنگی دشمن که به مثابه یک سیستم است، نمی‌تواند بدون اطلاعات کافی عمل کند. یک اشتباه باعث اشتباه کل سیستم می‌شود؛ یعنی هر هدف باید در ابتدا شناسایی، گزینش، ارزشیابی و سپس مورد اصابت قرار گیرد و این اقدام فقط با کار اطلاعاتی امکان‌پذیر است. به این لحاظ ۸۰٪ قدرت دشمن متکی به کار اطلاعاتی است، به‌خصوص هدف‌گزینی و هدف‌یابی.

قدرت رزمی که دشمن در اختیار دارد، بسیار گران‌قیمت، پیچیده و تا اندازه‌ای محدود است؛ بنابراین تجهیزات و قدرت نظامی دشمن باید به اهدافی اصابت نمایند که ارزش اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشته باشند یا اینکه ارزش یا کیفیت راهبردی بالایی ایجاد نماید (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

نقش سردار شهید حاج حسین همدانی در جنگ اطلاعات

در اینجا آنچه که شخصیت سردار شهید حاج حسین همدانی را بارز می‌کند، شناخت او از شرایط موجود و اقدامات و تصمیم‌گیری‌های او در شرایط جنگی بوده است.

در عملیات فتح‌المبین در دوران دفاع مقدس شهید حسن باقری این عملیات را بر اساس اطلاعات شهید حاج حسین همدانی طراحی کرد. این عملیات که در فروردین ماه سال ۱۳۶۱ انجام شد، گسترده‌ترین عملیات در شمال خوزستان بود که مسئولیت گشت‌زنی و شناسایی در محور بلتا

(تپه بلتا یکی از عوارض حساس غرب رود کرخه است که در شمال غرب دهکده بلتا و در جنوب ارتفاعات شاوریه و دهلیز و در شمال جاده اندیمشک-دهلران قرار دارد و مرکز دیده‌بانی دشمن بود) به ایشان واگذار شد.

ایشان در عقبه دشمن نفوذ یافت و شهید حسن باقری در آن زمان عملیات را با اطلاعات سردار شهید حاج حسین همدانی طراحی کرد؛ چرا که سردار همدانی به کار خود به خوبی واقف بود و حتی به عقبه دشمن می‌رفت و جان خود را به خطر می‌انداخت. نیروهای اطلاعات و عملیات تیپ ۲۷ محمدرسول‌الله علیه‌السلام تحت کنترل محمود شهبازی و با فرماندهی سردار همدانی برای شناسایی منطقه عملیات فتح‌المبین، محور بلتا را که شامل ۴ سنگر اجتماعی بود در آن منطقه راه‌اندازی کردند. گروه شناسایی این تیپ در آن مستقر شده و کار شناسایی را از تپه‌های بلتا که حدود ۲۵ دستگاه تانک در آن مستقر بود را آغاز نموده سرانجام رزمندگان قرارگاه نصر در مرحله اول عملیات فتح‌المبین این مناطق را آزاد کردند (میرزایی، ۱۳۹۴).

جنگ درون شهری (چریکی)

جنگ درون شهری به‌عنوان آخرین گزینه در یک نبرد نابرابر ولی به‌عنوان مشخصه بزرگ جنگ‌های قرن بیست و یکم که عصر واحدهای عملیاتی مستقل کوچک نام گرفته است، مطرح است. دلیل این انتخاب، آن است که جنگ درون شهری دارای یک ابزار استراتژیکی «خود دفاعی پیشگام مردمی» است که قادر می‌باشد به سرعت توسعه و گسترش یابد و از پتانسیل قوی «فضای دفاعی» مناسب برخوردار است. کشیده شدن جنگجویان و چریکها به درون شهرها یک تاکتیک اجباری برای مبارزه و مقابله با دشمن برتر با ماهیت اشغالگری که نتیجه دخالت مستقیم قدرت‌های قوی در کنترل و ادامه سلطه‌ست، محسوب می‌شود. آنها محیط شهری را به‌عنوان تنها و آخرین سنگر برای به‌دام انداختن و ضربه زدن به نیروهای دشمن قوی‌تر در یک نبرد نابرابر و ناهمگن با ماهیت عدم‌تقارن انتخاب کرده‌اند (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۸).

نقش سردار شهید حاج حسین همدانی در جنگ درون شهری (چریکی)

سردار شهید همدانی در جبهه سوریه حضور داشت و از آنجا که ماهیت جنگ سوریه، یک جنگ چریکی است، ارتش سوریه به‌عنوان یک ارتش کلاسیک آمادگی مقابله و درگیر شدن در

چنین جنگی را نداشت. ارتش سوریه مانند ارتش هر کشور دیگری آمادگی‌هایی که دیده بود، آموزش‌های جنگ با ارتش‌های کلاسیک بود؛ اما به ناگاه درگیر جنگ تمام عیار با گروه‌هایی شد که مشی جنگ چریکی را دنبال می‌کردند، لذا به خاطر همین بی‌تجربگی و نداشتن آموزش کامل، در ابتدای بحران سوریه به سرعت گروه‌های تکفیری رشد کرده و قدرت گرفتند؛ به گونه‌ای که چیزی نمانده بود که پایتخت سوریه هم سقوط کند. در چنین شرایط سختی، سردار سرلشکر پاسدار شهید حاج حسین همدانی مسئولیت خدمات مستشاری را بر عهده گرفت و با کوله‌باری از تجربه و روحیه جهادی تمام آنچه را که می‌دانست و در طول تاریخ انقلاب اسلامی تجربه کرده بود به‌طور خالصانه در اختیار ارتش و دولت سوریه گذاشت. بعد از آموزش‌های چریکی به ارتش سوریه، ارتش این کشور نه تنها از سقوط دمشق جلوگیری کرد بلکه موفق شد بار دیگر زمام مبارزه را در دست گرفته و بسیاری از مناطق را که به دست گروه‌های تروریستی و تکفیری افتاده بود، را بازپس بگیرد.

نقش سردار شهید همدانی در دفاع از حرم اهل بیت علیهم‌السلام از این نظر مهم بود که در آن زمان چیزی نمانده بود که حرم‌های شریف بخصوص حرم حضرت زینب علیها‌السلام در سوریه سقوط کرده و به دست تکفیری‌ها بیفتد؛ حتی تکفیری‌ها تا دیوارهای حرم حضرت زینب علیها‌السلام پیشروی کرده بودند و به‌صراحت گفته بودند که در صورتی که موفق شوند آن منطقه را بگیرند، حرم را با خاک یکسان خواهند کرد. در چنین شرایطی بود که سردار شهید همدانی با یارانشان (که آنها هم در کنار شهید همدانی نقش بسیار زیادی را ایفا کردند)، تحت فرماندهی سردار سلیمانی موفق شدند نه تنها حرم حضرت زینب علیها‌السلام، بلکه مناطق مجاور حرم و حومه دمشق را از دست تروریست‌ها آزاد و نگرانی جهان تشیع را برطرف کنند؛ چرا که شیعیان به شدت نگران این بودند که حرم حضرت زینب به دست گروه‌های تکفیری بیفتد (فرهنگ ایثار و شهادت، ۱۳۹۴).

تجزیه و تحلیل شاخص‌ها و آزمون فرضیه‌ها

بیان فرضیه اول

با توجه به فرضیه، احتمالاً بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمطراز برای مقابله با تهدیدات نظامی که هم در دوران دفاع مقدس و هم جنگ کنونی (برون کشوری) است، می‌باشد.

به منظور آزمون‌های فرضیه ۵ شاخص توانایی سردار شهید در بکارگیری جنگ اطلاعات، همکاری سردار شهید با نیروهای تحت امر خود، مدیریت سردار شهید همدانی، برنامه‌ریزی اطلاعاتی در موقع بحران و استفاده از شیوه‌های روز دنیا در جنگ اطلاعات در قالب ۵ سؤال زیر از جامعه آماری به وسیله پرسشنامه پرسیده شد که تجزیه و تحلیل نهایی آن به شرح زیر به دست آمد:

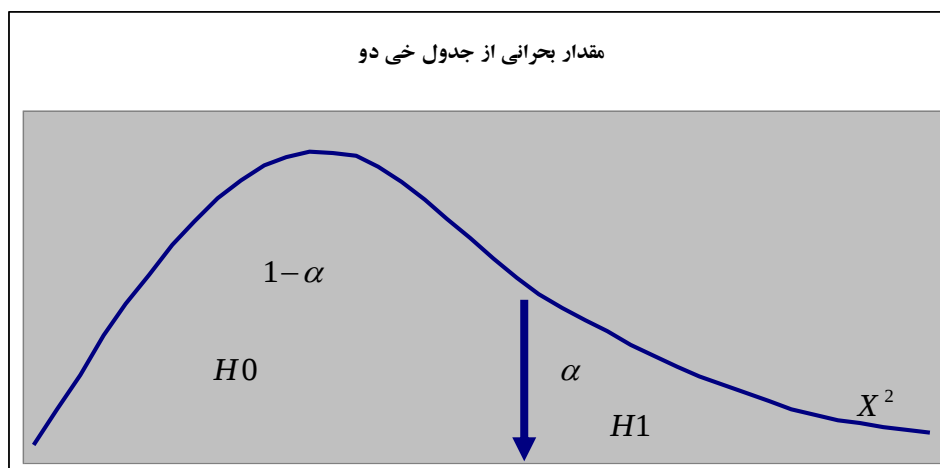
- شرح و تفسیر جدول‌های مربوط به شاخص‌ها؛
- پیدا کردن شاخص‌ها مرکزی و پراکندگی؛
- تعمیم دادن داده‌ها به جامعه آماری؛
- آزمون استقلال فراوانی‌های شاخص‌ها به کمک آزمون خی دو؛
- آزمون فرضیه‌ها توسط مراحل (آماره آزمون، مقدار بحرانی، تصمیم‌گیری) و جدول توافقی برای رد یا تأیید آنها؛
- از آنجا که پژوهشگر از مقیاس اندازه‌گیری «اسمی» استفاده کرده است بنابراین ملزم به استفاده از آزمون‌های غیر پارامتریک شده که از میان آنها «آزمون خی دو» را برای آزمون فرضیه‌های خود انتخاب کرده است؛
- درجات آزادی در هر شاخص آماری مساوی تعداد ارزش‌های است که آزادانه دستخوش تغییر می‌شوند. مطابق یک قانون کلی برابر است با حاصل ضرب تعداد ردیف‌های هر جدول منهای یک در تعداد ستون‌های آن منهای یک یعنی:

$$d.f = (Row - 1) \times (Column - 1)$$

آزمون استقلال فراوانی‌ها

آزمون (x^2) یا توزیع کای-مربع برای بررسی استقلال یا همبستگی بین دو متغیر بکار می‌رود چنانچه x^2 محاسبه شده از نظر آماری معنادار نباشد فرض استقلال یا عدم وابستگی متغیرها یا فرض صفر h_0 تأیید می‌شود اما اگر x^2 از نظر آماری معنادار شود فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل h_1 تأیید می‌شود نتیجه آنکه دو متغیر مستقل نیستند بلکه به هم وابسته می‌باشند و همبستگی دارند.

آزمون استقلال کای-مربع یک آزمون یک دنباله است که همواره h_1 به اندازه a در دنباله راست آن تعریف خواهد شد.

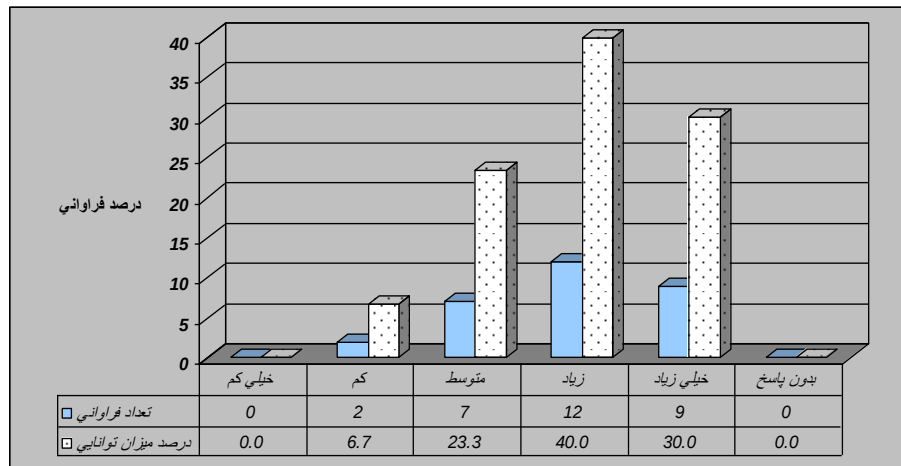


بنا به شکل بالا اگر مقدار مجذور کای x^2 از مقدار بحرانی بدست آمده بیشتر باشد در محدوده h_1 قرار می‌گیرد و بنابراین h_1 پذیرفته (وجود رابطه معنادار و بنابراین وجود همبستگی و وابستگی بین دو متغیر) و h_0 رد می‌شود و بالعکس اگر مقدار مجذور کای x^2 از مقدار بحرانی بدست آمده از جدول پیوست کمتر باشد در محدوده h_0 قرار می‌گیرد و بنابراین h_0 پذیرفته (عدم رابطه معنادار) و یعنی رابطه‌ای بین متغیرهای مورد نظر وجود ندارد. این موضوع محقق را قادر ساخته است تا از هر شاخص به صورت جداگانه اطلاعات آماری آن را استخراج و در تحلیل‌های دیگر مرتبط با موضوع از آنها بهره‌برد. لازم به ذکر است که محقق نیز به دلیل استفاده از آزمون‌های غیر پارامتریک از «آزمون خی دو» برای آزمون نهایی فرضیه‌های خود به کمک جداول توافقی استفاده کرده است.

اولین شاخص از فرضیه اول به صورت زیر به عنوان نمونه آورده می‌شود:

سؤال اول (فرضیه اول): توانایی و حضور سردار شهید حاج حسین همدانی را در دوران دفاع مقدس و جنگ‌های معاصر را تا چه اندازه در بکارگیری جنگ اطلاعات علیه

تهدیدات نظامی کشور مؤثر می‌دانید؟



منبع: داده‌های حاصل از جمع‌آوری پرسشنامه

شرح و تفسیر جدول

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که جامعه نمونه میزان و حضور سردار شهید حاج حسین همدانی را در دوران دفاع مقدس و جنگ‌های معاصر را در بکارگیری جنگ اطلاعات علیه تهدیدات نظامی کشور را به صورت زیر مؤثر می‌دانند: ۳۰ درصد خیلی زیاد، ۴۰ درصد زیاد، ۲۳/۳ درصد متوسط، ۶/۷ درصد کم و ۰ درصد خیلی کم. تعداد ۱۲ نفر و یا ۴۰ درصد از پرسش‌شوندگان زیاد و ۹ نفر و یا ۳۰ درصد خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند. نتیجه آنکه جامعه نمونه میزان و حضور سردار شهید حاج حسین همدانی را در دوران دفاع مقدس و جنگ‌های کنونی که ایشان حضور داشتن در بکارگیری در جنگ اطلاعات علیه تهدیدات نظامی کشور به میزان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی می‌کنند.

آزمون نهایی فرضیه اول

بیان فرضیه اول: بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمطراز برای مقابله با تهدیدات نظامی که هم دوران دفاع مقدس و هم جنگ‌های کنونی (برون کشوری) است.
فرض صفر: H_0 بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمطراز برای مقابله با تهدیدات

نظامی که هم دوران دفاع مقدس و هم جنگ‌های کنونی (برون کشوری) نیست.
فرض مقابل: h_1 بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمطراز برای مقابله با تهدیدات نظامی که هم دوران دفاع مقدس و هم جنگ‌های کنونی (برون کشوری) است.

آزمون فرض آماری فرضیه اول

شاخص‌ها	طبقه اختصاص یافته	واریانس شاخص‌ها	میانگین میانگین‌های جامعه آماری
توانایی سردار شهید در بکارگیری جنگ اطلاعات	زیاد (۶۱-۸۰)	۲۱۷/۶	۲۰/۳
همکاری سردار شهید با نیروهای تحت امر خود	زیاد (۶۱-۸۰)	۲۲۸/۵	۱۸/۵۴
مدیریت سردار شهید همدانی	خیلی زیاد (۸۱-۱۰۰)	۱۷۴/۰	۲۴/۴
برنامه‌ریزی اطلاعاتی در موقع بحران	خیلی زیاد (۸۱-۱۰۰)	۱۶۳/۲	۲۵/۶
استفاده از شیوه‌های روز دنیا در جنگ اطلاعات	خیلی زیاد (۸۱-۱۰۰)	۱۸۴/۵	۲۲/۵
جمع کل (Σ)	-	۹۶۷/۸	۱۱۱/۳۴
میانگین نهایی	-	۱۹۳/۵۶	۲۲/۲۷

$$\mu = \frac{\sum \mu_i}{n} = \frac{111.92}{5} = 22.27$$

میانگین میانگین‌های آماری شاخص‌های متغیر تابع فرضیه اول

$$S^2 = \frac{\sum S_i}{n} = \frac{967.8}{5} = 193.56$$

میانگین واریانس‌های شاخص‌ها

$$S = \sqrt{193.56} = 13.91$$

انحراف معیار میانگین شاخص‌ها

$$S_x = \frac{S_x}{\sqrt{n}} = \frac{13.91}{\sqrt{5}} = 6.22$$

خطای انحراف معیار میانگین

شاخص‌ها

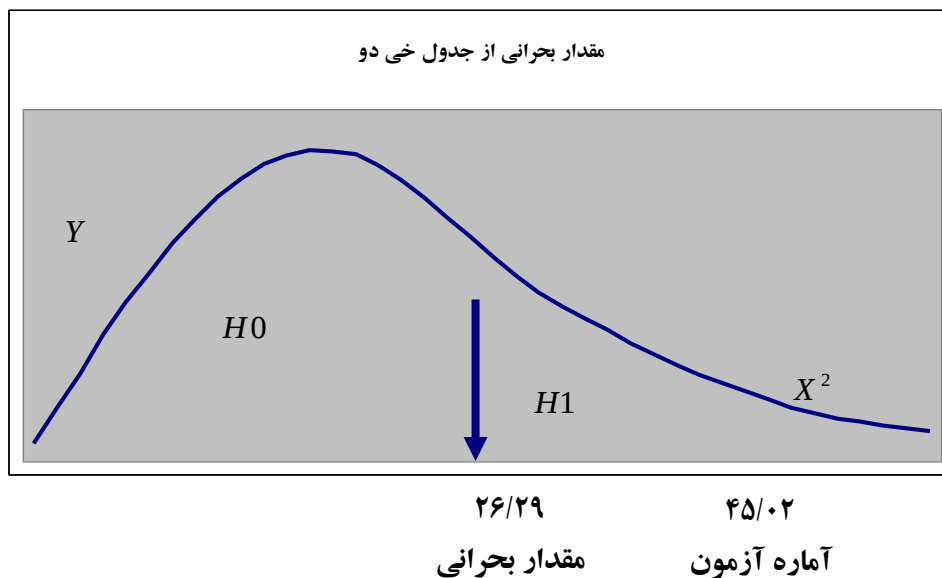
تخمین فاصله‌ای میانگین شاخص‌ها $P[22.27 - 1.96 \times 6.22 \leq \mu_x \leq 22.27 + 1.96 \times 6.22]$

$$10 \leq \mu_x \leq 35$$

تصمیم‌گیری

فرضیه اول

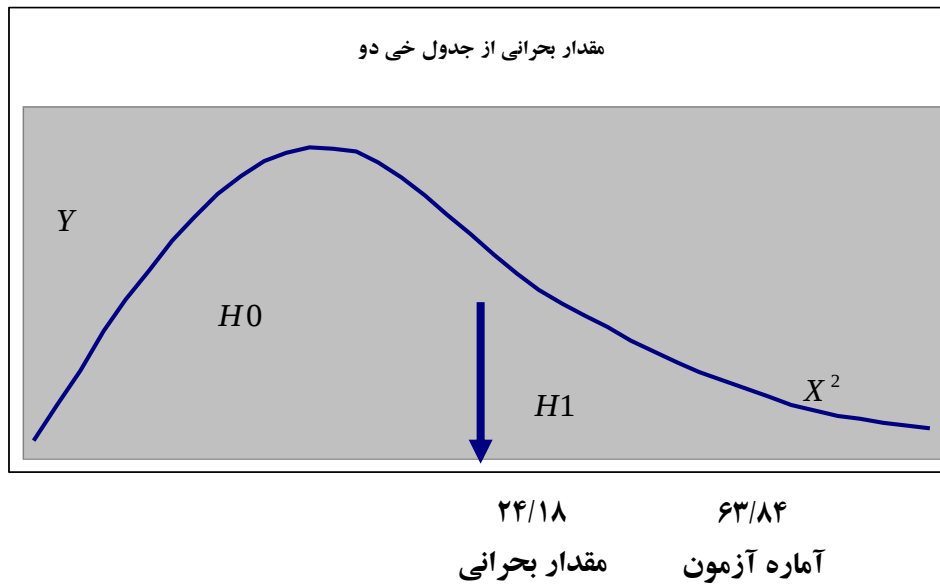
چون آماره آزمون از مقدار بحرانی بزرگتر است بنابراین آماره آزمون در ناحیه $h1$ قرار می‌گیرد در نتیجه فرضیه $h1$ پذیرفته می‌شود یعنی به عبارت دیگر جنگ اطلاعات، شیوه‌ای ناهمطراز برای مقابله با تهدیدات نظامی که هم دوران دفاع مقدس و هم جنگ‌های کنونی (برون‌کشوری) است، پذیرفته شده و مورد تأیید است.



فرضیه دوم

چون آماره آزمون از مقدار بحرانی بزرگتر است بنابراین آماره آزمون در ناحیه $h1$ قرار می‌گیرد در نتیجه فرضیه $h1$ پذیرفته می‌شود یعنی به عبارت دیگر بکارگیری جنگ درون‌شهری (چریکی)، شیوه‌ای برای مقابله با تهدیدات نظامی نیاز به تخصصی بودن این دانش با

استفاده از آموزه‌های نظامی می‌باشد. پذیرفته می‌شود و مورد تأیید است.



منابع

- ۱- خودسیانی، مصطفی، مرادپیری، هادی، خان احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱)؛ بررسی نقش رهبری و فرماندهی نظامی در دفاع مقدس و جنگ آینده، مجله سیاست دفاعی، سال بیستم، شماره ۸۱.
- ۲- کرمی، رضا (۱۳۸۸)؛ ملاحظات اساسی در جنگ ناهمطراز، مدیریت نظامی، شماره ۳۴.
- ۳- حبیبی، نیک بخش (۱۳۸۶)؛ بررسی میزان تأثیر نبرد نامتقارن در مقابله با تهدیدات، مدیریت نظامی.
- ۴- پایگاه خبری تحلیلی فرهنگ ایثار و شهادت (۱۳۹۴)؛ نقش شهید همدانی در آموزش جنگ چریکی به ارتش سوریه.
- ۵- استیون، متر (۱۳۸۱)؛ عدم تقارن و راهبرد ایالات متحده (تعریف، زمینه و مفاهیم راهبردی)، ترجمه عبدالحسین حجت زاده، فصلنامه نگاه.
- ۶- میرزایی، رضا (۱۳۹۴)؛ گزارش دولت بهار.
- ۷- غلامعلی، رشید (۱۳۸۲)؛ درآمدی بر شناخت جنگ نامتقارن، مقدمه کتاب جنگ نامتقارن.

Investigating the Effect of Using Asymmetric Warfare to Confront with Threats from the View Point of the Commander in Chief Martyr Hussein Hamedani Hussein Gholami¹

Abstract

In general, the asymmetric war is the concept that explains the way on which the weak side of a war can defeat the strong side. In order to investigate the methods of asymmetric warfare to confront with threats, in this study, tow areas of inter-urban (guerrilla) operations and information warfare are discussed. Among the military experts of the Country, 30 people has been selected by random cluster sampling and which has provided with a suitable questionnaire. The results have been gained by using descriptive statistics through the statistically analyzing method. This research by gaining the components of asymmetric war, aims to identify the components of this kind of wars by which have been extended and achieved by the Commander in Chief Martyr Hussein Hamedani to confront with threats by using a questionnaire and interviews.

Keywords: *Asymmetric war, Inter-urban (Guerrilla) Operation, Information warfare, the Commander in Chief Martyr Hussein Hamedani.*

1- Master Student in Geography and Sacred Defense, Uremia University.

A Review of the affective Factors and Contexts in Victory of the Bait al Moghaddas Operation (Karbala 3)

Reza Shahgholian Ghahfarkhi¹

Abstract

While the occupation of Khorramshahr by Iraq was considered as the last and most important winner in forcing Iran to take part in any peace talks, its releasement could have been a symbol of the Islamic Republic's political will to the invade regime and prove the Islamic Republic of Iran's military superiority. Accordingly, as the western Karoun public area was the last major area still occupied by Iraq, on the one hand, Iranian military commanders agreed to operate in this area, and on the other hand, Iraq considered definitive that Iran will have operation to release Khorramshahr after the operation of Fath al-Mubin. So, because of the importance of Basra and its position in defending, Iraq believed in the need to preserve the area.

Regarding the successful operation of Bait al Moghaddas in 1361, we can say that the purpose of this study is: to investigate the factors and contexts affecting the success of Bait al Moghaddas operation. Due to the nature of the article title and in the way of answering the main question, in this research, a descriptive-analytical method has been used. In terms of the type of research, it is classified as an applied research. The method and tools for collecting information and data are also the library-documentary method, the form of a receipt, as well as the use of internet resources and the interviews with experts in this field.

By analyzing the question of this article which is: "What are the factors and contexts that contribute to the success of Operation Bait al Moghaddas?" we can provide a clear answer to it and the related sub questions. After analyzing the performance of the two Islamic Revolutionary Guard Corps and the Islamic Republic of Iran Army and analyzing the planning, organizing, and the control of this operation, the results show that the cooperation, correlation and unity between the two units with the organization's joint focus and command at Camp of Karbala, as well as the risk of command, attacking unawares and the high speed of the operating forces, led to such a successful operation with its complete outcomes.

Keywords: *Sacred Defense, Factors and contexts of Victory, Guards Corps, Army of the Islamic Republic of Iran, Operation of Bait al Moghaddas.*

1- Lecturer and Researcher of Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards.

Investigating the Use of Iraqi Ba'athist Chemical Weapons in the War Imposed on Iran

Aabed Eskandari¹

Abstract

The use of chemical weapons as one of the most effective means of deterrence, countermeasure and leverage of pressure by the Iraqi Ba'ath regime against Iran during the eight-year war between the two countries has been as Iraqi Ba'ath regime wish. In this article, to answer the question, "How was the use of chemical weapons in the imposed war against Iran?" By studying the documents and books left over from the sacred defense period and by collecting data from libraries, we have tried to quantify Iraq's chemical weapons capability during the sacred defense, the chemical casualties of the Ba'ath Party's chemical attacks on the Iranian people and to exam the role of international comities and orders in reducing or countering this trick of enemy and ultimately the casualties of the Iranian people in various war operations and chemical bombing of cities and villages by Iraqi regime.

As the Iraqi government, despite international support and superior weapons capability, failed to meet its objectives because of the resistance of the Iranian people and warriors, it undertook one of the most vicious deterrence tricks in the face of the Iranian military attacks might with the help of Western countries by recruiting of specialist scientists and involving the enormous costs to building chemical plants. The Iraqi Ba'ath government has carried out more than 582 times of experimental, limited, massive and extremely extensive chemical attacks on Iranian warriors and civilians since Mehr of 1359 (September 1980) to Shahrivar of 1367 (September 1988), which resulted in the deaths of more than 10,000, severe injuries and in need of sustained treatment about 100,000 and the mild injury about 250,000 people.

Keywords: *Iran-Iraq War, Chemical Weapons, Imposed War, Chemical Weapons, Saddam Hussein.*

1- Master Student in History of Islamic Revolution, Imam Hussein (as) Comprehensive University.

The role of Iran-Iraq geographical variables in the imposed war

Hadi Kikhaei Rad¹, Hassan Mohaghegh², Behrouz Bazzi³

Abstract

The imposed war of September 1980, which was led by Saddam has been designed to intimidate and inflict human casualties and to try to occupy Khuzestan in order to advance a political and military objective. Hence; the Iraqi Ba'athist regime with the support and guidance of Western governments in order to counter the rise of the Islamic Revolution by launching an imposed war and taking advantage of Iran's specific geopolitical position, tried to counteract and reduce its power by any possible invasion of Iran's geographical borders. The main question of this study is: what role did the geographical variables of the two countries of Iran and Iraq play in the imposed war?

The purpose of this study is to investigate the geographical variables and their impact on the outcome of military operations. This study is a descriptive-analytical one and its main achievement is that: Saddam's Ba'athist regime because of the geopolitical vacuum and the lack of access to free waters and due to its harsh climatic conditions at the near of Iranian borders, with open and clandestine support of Western and neighboring governments attempted to occupy Iran which failed to achieve its own sinister goals under the leadership of Imam Khomeini and the resistance of Iranian people and their revolutionary and Islamic ideology. Thus, at the end of the war, the sovereignty and geographical boundaries of Iran has been saved from the loot and plunder of plunderers.

Keywords: *Security, Iran, Iraq, Imposed War, Geographic Variables.*

1- PH. D Student in Regional Studies, Imam Hussein (as) Comprehensive University.

2- Academy Member of Imam Hussein (as) Comprehensive University.

3- Master Graduated in Political Sciences, Islamic Azad University of Tehran Researching Sciences Branch.

The principle of military necessity and consideration of the use of Prohibited means and methods in Iraq's eight-year war against Iran

Alireza Norouzi¹, Hesam Didghah²

Abstract

The international armed forces and humanitarian law (a branch of international law) has not allowed to the both parties of the conflict to resort to any weapons or warfare to advance its war goals and programs. From the very beginning of this law in the modern age, it has sought to forbid the rival forces to use the weapons and methods that cause pain, suffering and inflicting unnecessary damages in order to minimize the suffering and the other effects of war. The question is that: can military necessities justify the use of the prohibited devices and unauthorized methods in the war campaign scene? From the humanitarian perspective, the only legitimate aim of armed hostilities is to stop the enemy's combat power and to bring the combatant out of the war and continue the campaign. But, the use of inappropriate combat methods and tools and the use of banned and inhumane weapons, even from the perspective of necessity is unjustified.

The lack of clarity in the meaning of this principle and the lack of clarification of the limits of "military necessity" have led to numerous challenges and harms in the field of international and domestic hostilities. Military necessity is an urgent, unavoidable need to be taken by a commander to promptly surrender and stop an enemy by using legal and controlled means and equipment. However, this article seeks to find out the nature and scope of military necessity in international humanitarian law and its position by attending to the prohibited means and methods in the law of armed conflict by examining the case of the Iraq war against Iran.

KEYWORDS: *Military necessity principle, Prohibited methods and means, Iraq war against Iran, installations of nuclear and vital facilities, Chemical attacks, Ecology of Environment.*

1- PH. D Student in International Law, Islamic Azad University of Tehran Center Branch.

2- PH. D Student in International Law, Islamic Azad University of Tehran Researching Sciences Branch.

Studying and Analyzing the Attention to the Concepts of Sacred Defense in Humanities Textbooks (Secondary degree of high School's Textbook)

Mohammad Reza Rashidi Al Hashem¹, Yasser Feizollahi²

Abstract

The purpose of the present study is to analyze quantitatively the attention to the concepts and values of sacred defense in secondary school humanities textbooks in high school in the scholastic year of 96-97. The statistical population of the study includes all of humanities textbooks. The research method is quantitative content analysis.

The results show that most of the articles on the subject of sacred defense have been found in the provincial books (31 provinces). After that, in the book of defense preparation, the subject of sacred defense has been more mentioned and also its subjects and values has been mentioned in Persian and Persian literature books. But, in the books of philosophy, logic, teachings of divine religions and ethics of religious for the minorities of religious, mathematic and statistic, human beings and environmental studying and also in the book of entrepreneurship and production workshops, there is no mention of sacred defense. At the end there are presented some suggestions.

Keywords: *Quantitative Content Analysis, Textbooks, Sacred Defense, Humanities Sciences.*

1- Academy Member of Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards.

2- Corresponding Author, PH. D student in Information Science and Knowledge (Information and Knowledge Management), Tehran University.

**Bi-Quarterly Journal of Sacred Defense Studies and
Contemporary Battles, University of Imam Hussein**

autumn & winter 2020, Vol. 1, No. 1

Contents

Title	Author	Page
• Studying and Analyzing the Attention to the Concepts of Sacred Defense in Humanities Textbooks (Secondary degree of high School's Textbook)		
.....	Mohammad Reza Rashidi Al Hashem, Yasser Feizollahi	1
• The principle of military necessity and consideration of the use of Prohibited means and methods in Iraq's eight-year war against Iran		
.....	Alireza Norouzi, Hesam Didghah	2
• The role of Iran-Iraq geographical variables in the imposed war		
.....	Hadi Kikhaei Rad, Hassan Mohaghegh, Behrouz Bazzi	3
• Investigating the Use of Iraqi Ba'athist Chemical Weapons in the War Imposed on Iran		
.....	Aabed Eskandari	4
• A Review of the affective Factors and Contexts in Victory of the Bait al Moghaddas Operation (Karbala 3)		
.....	Reza Shahgholian Ghahfarkhi	5
• Investigating the Effect of Using Asymmetric Warfare to Confront with Threats from the View Point of the Commander in Chief Martyr Hussein Hamedani		
.....	Hussein Gholami	6
• Abstracts		
.....	Abolghasem Mardomi	

راهنمای اشتراک دوفصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر

دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

دانش پژوه ارجمند، در صورت تمایل به اشتراک نشریه، طبق جدول زیر مبلغ تعیین شده را به حساب جاری طلایی ۸۴۸۸۰۰۲۰۴۱۰۳ بانک سپه شعبه دانشگاه امام حسین (ع) قابل پرداخت در تمام شعب بانک سپه به نام دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) واریز و اصل فیش بانکی را به نشانی دفتر نشریه ارسال فرمایید.

تهران: مبلغ ۳۵/۰۰۰ ریال بابت ۱ شماره + هزینه پست = ۲۰/۰۰۰ ریال
شهرستانها: مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال بابت ۱ شماره + هزینه پست = ۴۰/۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، مرکز مطالعات، تدوین و انتقال تجارب رزمی دفاع مقدس و نبردهای معاصر

تلفن: ۷۴۱۸۶۲۹۶ - دورنگار: ۷۷۱۰۵۰۴۸

E-mail: defamoghadas@chmail.ir

به پیوست فیش بانکی شماره
اشتراک دوفصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر ارسال می شود.
نام و نام خانوادگی / نام سازمان یا موسسه:
نشانی:

تلفن:

می باشد.

صندوق پستی:

تا شماره

نسخه از شماره

کد پستی:

مقتضای تعداد